اطلاعات

چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۲ ـ ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۴۳۴ـ ۲۴ آوریل ۲۰۱۳ـ شماره ۲۵۵۷۴ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه ـ ۲۰۰ تومان

موافقت کمیسیون تلفیق با افزایش قیمت حامل‌های انرژی

* سخنگوی کمیسیون تلفیق: قیمت حامل‌های انرژی امسال بطور میانگین ۳۸ تا ۳۹ درصد افزایش می‌یابد
* نحوه افزایش قیمت حامل‌های انرژی به تصمیم دولت بستگی دارد

صفحه ٤

آشوب‌های خونین «حویجه» عراق را فراگرفت

* در حمله نیروهای پلیس و ارتش عراق به مخالفان دولت در حویجه ۲۶ تن کشته و دهها تن زخمی شدند
* نتایج اولیه انتخابات شوراهای عراق از پیشتازی ائتلاف دولت قانون در ۵ استان حکایت دارد

صفحه۱٦

۹ و ۱۰ اردیبهشت برگزار می‌شود

اجلاس علمای امت و بیداری اسلامی با حضور ۷۰۰ اندیشمند جهان در تهران

* دکتر ولایتی: در این اجلاس مشکلات کشورهای جهان اسلام و چالش‌های پیش روی بیداری اسلامی مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد
* آنچه امروز در آمریکا اتفاق می‌افتد، ناشی از انحطاط جامعه این کشور است
* ایران آنچه که در تبلیغات سوء غرب و ارتجاع منطقه علیه سوریه وجود دارد، قبول ندارد
* آن‌هایی که از حمله به سوریه نتوانستند بهره ببرند اینک تلاش می‌کنند تا جنگ مذهبی به راه بیندازند
* حمایت از سوریه نه تنها انشقاق ایجاد نمی‌کند، بلکه به وحدت بیشتر مسلمانان می‌انجامد
* شرکت‌کنندگان در اجلاس علمای امت و بیداری اسلامی در ۶ کمیسیون به بحث و تبادل نظر می‌پردازند

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: اجلاس علمای امت و بیداری اسلامی با حضور ۷۰۰ نفر از علمای داخلی و خارجی جهان اسلام روزهای ۹ و ۱۰ اردیبهشت جاری در سالن اجلاس سران برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر علی‌اکبر ولایتی دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی دیروز در نشست خبری، با اعلام این مطلب و اشاره به این که اجلاس علمای امت مهمترین اجلاس بیداری اسلامی است، گفت: از سال ۱۳۸۹ موج جدیدی از بیداری اسلامی از شمال آفریقا و سایر کشورهای عربی آغاز شد و رهبر معظم انقلاب که منادی بیداری اسلامی در عصر امروز هستند، بشارت دادند که قیام‌های کشورهای اسلامی در نهایت منجر به قطع ید بیگانگان خواهد شد. وی خاطرنشان کرد: به دنبال این موج، نخستین اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی در شهریور ۹۰ برگزار شد

بقیه در صفحه ۲



تجلیل از فرهیختگان عرصه شعر و ادب در مراسم نکوداشت روز سعدی

صفحه ۳

پاسخ دکتر صالحی به اتهام کانادا

«القاعده ایران» ادعای مضحکی است

* متأسفانه ۱+۵ هیچ وقت به وعده‌های خود عمل نمی‌کند
* ایران آماده تعامل با گروه ۱+۵ است
* دکتر صالحی در نشست ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر: رعایت اصل اتفاق آرا در تصمیمات مربوط به خزر ضروری است
* مهمان‌پرست: تفکر گروه‌های افراطی مانند القاعده به هیچ وجه همخوانی با جمهوری اسلامی ایران ندارد

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: وزیر امور خارجه با انتقاد از کشورهای عضو گروه ۱+۵ در خلف وعده‌هایشان، گفت: براساس توافق آلماتی قرار بود خانم اشتون پس از گفتگو با کشورهای ۱+۵ با آقای جلیلی تماس بگیرد که تاکنون این کار انجام نشده است.

دکتر علی‌اکبر صالحی در حاشیه اجلاس گروه کاری ویژه، تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، در جمع خبرنگاران با تاکید بر این که ایران آمادگی تعامل با ۱+۵ را دارد، افزود: متاسفانه ۱+۵ هیچ وقت به وعده‌های خود عمل نمی‌کند.

وی با بیان این که باید قدم‌های اعتمادساز برداشته شود

بقیه در صفحه ۲و۱۶

فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) در گفتگو با اطلاعات خبرداد:

استقرار سامانه‌های موشکی چندلایه برای حفاظت از مراکز هسته‌ای و حیاتی

* امیر سرتیپ اسماعیلی از تجهیز سامانه موشکی مرصاد به پیشرفته‌ترین سامانه جنگ الکترونیک خبر داد
* فرمانده نیروی زمینی ارتش: سران رژیم صهیونیستی از قدرت منهدم کننده ایران آگاهی ندارند
* هر اشتباهی از سوی رژیم صهیونیستی، نتیجه‌ای جز پایان عمر این رژیم ندارد
* امیر پوردستان از برگزاری نخستین رزمایش نیروی زمینی ارتش در سال ۹۲ در سوم خرداد با نام «بیت‌المقدس۲۵» در منطقه عمومی اصفهان خبر داد

صفحه ۲ و ۱۱

بهره‌برداری از ۷۰۰۰ واحد مسکن مهر در استان قم

* رئیس جمهوری دیروز راه‌آهن کمربندی قم و چند طرح عمرانی را در این شهر افتتاح کرد

صفحه۱۳

یادداشت — آثار تحریم‌ها بر سلامت مردم نقض آشکار حقوق بشر — پروفسور علی گرجی — صفحه ۲

گزارش — سهمی از زمین برای پرندگان آسمان — صفحه ۵



ایران شناسی — از پسِ پردهٔ نمایش در ایران — دکتر یعقوب آژند — صفحه ۶



اقتصادی — نگاهی به چالش های اقتصاد ۹۱ — صفحه ۷



روابط بین الملل — آمریکا در پیچ و خم سیاست‌های خرد و کلان مالی — صفحه ۱۲

اطلاعات ویژه دورود لرستان — ضمیمه رایگان اطلاعات امروز از دکه های مطبوعاتی در استان مربوطه بخواهید



ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

یادداشت

آثار تحریم‌ها بر سلامت مردم نقض آشکار حقوق بشر

پروفسور علی گرجی

اگرچه تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران بعد از انقلاب اسلامی تاکنون یکی از شاخصه‌های اصلی سیاست آمریکا علیه ایران بوده است؛ اما تحریم‌های سازمان ملل متحد و سایر کشورهای جهان علیه ایران از چند ماه اخیر به شدت تشدید شده است. محدودیت‌های ناشی از تحریم در انجام فعالیت‌های بانکی، حمل و نقل، بیمه، تجارت، معاملات و سرمایه گذاری‌های بین المللی برای ایران دشواری‌های بسیاری را ایجاد کرده و تاثیر عمده‌ای بر روی اقتصاد کشور گذاشته است. در این راستا سیستم بهداشتی - درمانی نیز از گزند تحریم‌ها در امان نبوده و زندگی بسیاری از بیماران را به مخاطره افتاده است.

فشار این تحریم‌ها بخصوص بر بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص تحمیل می‌شود که به دلیل وجود این تحریم‌ها نمی‌توانند داروی تخصصی مورد نیاز خود را دریافت کنند همچنین به دلیل عدم واردات مواد اولیه برخی داروها مشکلات جدی برای کارخانه‌های داروسازی به وجود آمده است. ورود داروهای خارجی هم بشدت کاهش یافته است. اگرچه داروها به خودی خود شامل تحریم‌ها نیستند؛ اما بر اثر مشکلات صدور، حمل و نقل، بیمه و جابجایی ارز و همچنین ترس کارخانجات دارویی و بانک‌های بین المللی از تحریم احتمالی از سوی ایالات متحده آمریکا کاهش شدیدی در واردات داروهای حیاتی مورد نیاز در طول چند ماه گذشته پدید آمده است. افزایش ناگهانی بیش از ۵۰ درصدی قیمت دارو یکی دیگر از مشکلاتی است که باعث بحرانی تر شدن وضع موجود شده است. تاثیر عمده افزایش قیمت دارو بر صدها هزار بیمار مبتلا به بیماری‌های خاص چون هموفیلی، تالاسمی، صرع، ام اس، اختلالات ایمنولوژیک و همچنین بیماری‌های کلیوی و سرطانی فشار مضاعفی را وارد نموده است. متاسفانه اتاق‌های عمل نیز از عوارض این تحریم بی‌تاثیر نمانده‌اند و به شدت با کمبود مواد بیهوشی روبرو هستند و به خاطر نبود مواد بیهوشی میبایست از مواد بیهوشی قدیمی که دیگر در دنیای پزشکی مدرن کاربرد ندارند، استفاده شود. با توجه به اینکه بسیاری از بیماران نمی‌توانند درمان خود را به‌خاطر شرایط بحرانی بیماری به تعویق بیاندازند و هرگونه تاخیری در گرفتن دارو و درمان مورد نیاز می‌تواند جان آنان را به خطر اندازد، لزوم توجه به این وضعیت بحرانی دو چندان می‌شود. در طول چند ماه گذشته متاسفانه شاهد مرگ تعدادی از هموطنان در پی مشکلات ناشی از تحریم بوده ایم.

در طول چند دهه اخیر، کشورهای غربی از تحریم‌های اقتصادی بعنوان ابزاری برای فشار بر سایر کشورها نظیر عراق، کوبا، لیبی و یوگسلاوی سابق استفاده کرده اند. اهداف اصلی این تحریم‌ها هیچگاه محقق نشد ولی همیشه منجر به فجایع انسانی حاصل از تاثیر تحریم‌ها برسیستم بهداشتی-پزشکی شده است. آمارها نشان می‌دهد که شمار مرگ و میر ناشی از تحریم‌ها در عراق بیشتر از تعداد کشته شدگان جنگ خلیج فارس در عراق بوده است. مرگ و میر نوزادان از ۴۷ نفر از ۱۰۰۰ تولد در بین سال‌های ۸۹-۱۹۸۴ به ۱۰۸ نفر در ۱۰۰۰ تولد در بین سال‌های ۹۹-۱۹۹۴ افزایش یافت و مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال از ۵۶ نفر به ۱۳۱ نفر از ۱۰۰۰ نفر رسید. حداقل ۳۰۰،۰۰۰ مرگ فقط در کودکان عراقی زیر ۵ سال در اثر این تحریم‌ها گزارش شده است، یعنی سه برابر کشته شدگان بمباران اتمی هیروشیما! به دنبال تحریم اقتصادی که منجر به کاهش ظرفیت، کمبود دارو و مواد مورد نیاز آزمایشگاه‌ها در کوبا شد، مرگ و میر افراد بالای ۶۵ سال در بین سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۲، ۱۵ درصد افزایش یافت. در یوگسلاوی به دلیل تحریم و عدم ارائه خدمات درمانی به موقع به بیماران، مرگ و میر کلی ۱۰ درصد و مرگ و میر در بیمارستان‌ها ۳۰ درصد افزایش یافت. تحریم‌ها بر خلاف ظاهر صلح آمیز شان، باعث مرگ و میر بیشتری در مقایسه با جنگ‌های چند دهه اخیر شده‌اند. تحریم‌ها یک قاتل خاموش هستند. این شرایط با قانون حقوق بشر مصوب سازمان ملل و سایر قوانینی که از حقوق بشر حمایت می‌کنند که دسترسی به خدمات درمانی، پزشکی، مواد غذایی و سایر مایحتاج اولیه زندگی را حق تک تک افراد بشر می‌دانند، در تناقض است

متاسفانه مدیریت بحران دارویی و تجهیزات پزشکی در کشور پس از اعمال تحریم‌ها فاقد برنامه ریزی منسجم و مدبرانه بوده است که جابجایی‌های اخیر در سطح وزیر و معاونان وزیر و درگیری‌های جناحی در سطح مدیریت بهداشتی-درمانی کشور نیز از تمرکز آن بشدت کاسته و بر شدت بحران افزوده است. با آنکه انتظار می‌رفت که با برنامه ریزی قبلی و پیش بینی وضع موجود حداقل در سال اول مشکل بارزی در تامین دارو و تجهیزات پزشکی ایجاد نشود، اما تنها پس از چند هفته، اولین آثار این تحریم‌ها در سطح کشور بروز نمود. این که روشن شود تحریم‌های ناقض حقوق بشر قدرت‌های غربی و سوء مدیریت داخلی هر کدام به چه اندازه در ایجاد بحران ایجاد شده در سیستم بهداشتی-درمانی کشورمان موثر بوده‌اند، بطور قطع تاثیری در حل مشکلات بیماران ندارد. درعوض نیاز مبرم به برنامه ریزی هرچه سریعتر و منسجم در سطح کلان برای پیشگیری از فجایعی که در عراق و سایر کشورهای تحت تحریم رخ داده است، ضروری می‌باشد. این اقدامات می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

۱- با برنامه ریزی و انجام اقدام‌های مناسب برای ارائه یک تصویر کامل در جهان از مشکلاتی که تحریم‌ها برای بیماران در ایران بوجود آورده است، می‌توان دولت‌های تحریم‌کننده و همچنین سازمان ملل را تحت فشار گذاشت تا راهکار مناسبی برای انتقال داروها و تجهیزات پزشکی مورد نیاز به ایران فراهم آورند. ارتباط با گروه‌های فعال در زمینه حقوق بشر در اروپا و ایالات متحده، چاپ مقالات در مجلات معتبر بین المللی و فرستادن گزارش برای شبکه‌های خبری جهانی تاثیر بسزایی در تسهیل صدور مجوز و انتقال ارز مورد نیاز آن می‌تواند داشته باشد. در چند ماه گذشته گزارش‌هایی از این دست تا حدودی کارساز بوده و تسهیلاتی را در کشورهایی نظیر آلمان در این جهت ایجاد کرده است. بعنوان نمونه در این زمینه مقاله‌ای در مجله معتبر Nature دو هفته پیش به چاپ رسید که بازتاب بسیار موثری در سطح جامعه علمی بین المللی داشت. تمهیدات دیگری نیز از سوی جامعه آکادمیک بین المللی در این زمینه در نظر گرفته شده است که امیدواریم در هفته‌های آینده شاهد بازتاب آن باشیم.

۲- یکی از ضعف‌های عمده سیستم درمانی کشور ما در چند دهه گذشته تجویز و مصرف سرسام آور و غیرمنطقی دارو است بطوریکه سرانه مصرف دارو در کشور ما چندین برابر کشورهای توسعه یافته است. میزان تداخلات دارویی در کشور ما هم در سطح تاسف باری است. انجام جراحی‌های غیر ضروری نیز کم کم بصورت اپیدمی در جامعه مان درآمده است. تحریم‌ها می‌تواند فرصتی باشد تا با برنامه ریزی سریع و آموزش همگانی از میزان مصرف بی رویه دارو در کشور کاست. آموزش به بیماران و پزشکان جهت مصرف و تجویز منطقی داروها می‌تواند از دامنه بحران دارویی به میزان زیادی بکاهد. صرفه جویی اقتصادی ناشی از کاهش مصرف غیر ضروری داروها می‌تواند کمبود بودجه لازم جهت واردات دارو که ناشی از کاهش درآمد کشور بدنبال تحریم‌هاست را پوشش دهد.

۳- ایران میلیون‌ها مهاجر در سراسر جهان دارد که بسیاری از این ایرانیان موقعیت‌های مناسبی در کشور محل اقامت خود دارند. همچنین ده‌ها انجمن و کانون ایرانیان متخصص در سرتاسر جهان وجود دارد که هر کدام به نحوی می‌توانند در خنثی کردن تاثیرات تحریم‌ها بر روی سیستم بهداشتی-درمانی موثر باشند. ایجاد ارتباط حرفه‌ای مناسب بین مسئولین وزارت بهداشت، با این گروه‌ها و تنظیم راهکاری جهت کمک‌های احتمالی که این گروه‌ها می‌توانند انجام دهند، قطعاً موثر خواهد بود.

راهکارهای متعدد دیگری نیز وجود دارد که از حوصله این نوشتار خارج است. آنچه مهم است اینکه مجموعه مدیریت کشور باید در مقابل این تحریم‌ها که در تناقض آشکار با حقوق بشر است، موضع فعال اتخاذ کند تا مردم کشور از این تحریم‌های ظالمانه آسیب نبینند.

۹ و ۱۰ اردیبهشت برگزار می‌شود

اجلاس علمای امت و بیداری اسلامی با حضور ۷۰۰ اندیشمند جهان در تهران

بقیه از صفحه اول

که از مذاهب و قومیت‌های مختلف در آن شرکت کردند.

ولایتی به برگزاری اجلاس‌های زنان و بیداری اسلامی، جوانان و بیداری اسلامی، اساتید دانشگاه‌ها و بیداری اسلامی و شعرا و بیداری اسلامی در دو سال گذشته اشاره کرد و گفت: در مهمترین اجلاس بیداری اسلامی که هفته آینده در تهران برگزار می‌شود، مشکلات کشورهای جهان اسلام و همچنین چالش‌های پیش روی بیداری اسلامی مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد.

دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی در پاسخ به سئوالی درباره انفجار اخیر بوستون و ایجاد موج اسلام‌هراسی گفت: هر اتفاق سوئی در جهان می‌افتد، آن‌هایی که با اسلام دشمنی دارند، به مسلمانان نسبت می‌دهند؛ در حالی که آنچه در آمریکا اتفاق می‌افتد، ناشی از انحطاط جامعه این کشور است که حاصل رفتار سوء مقام‌های آمریکایی است و حکایت از وجود بحران درونی این کشور دارد.

ولایتی درباره حضور علمای سوری در این اجلاس گفت: ایران آنچه را که در تبلیغات سوء غرب و ارتجاع منطقه علیه سوریه وجود دارد، قبول ندارد و آن را حلقه‌ای از دشمنی‌ها علیه امت اسلامی می‌داند. وی افزود: سوریه نقش مهمی در مقاومت دارد، لذا آن‌ها به دنبال شکستن این حلقه مهم از زنجیره مقاومت هستند که تاکنون موفق به این کار نشده‌اند و شاهد هستیم که از کشورهای دیگر نظیر افغانستان عناصر القاعده را وارد این کشور می‌کنند تا مردم مسلمان سوریه را نابود کنند. دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی با اعلام حمایت ایران از دولت و ملت سوریه و همچنین اصلاحات بشار اسد و گفتگوهای مسالمت‌آمیز ادیان سوری یادآور شد: مخالف فعالیت کشورهای مرتجع عرب، آمریکا و برخی کشورهای همسایه علیه سوریه هستیم.

وی درباره حمایت ایران از سوریه و ایجاد انشقاق در جهان اسلام گفت: آن‌هایی که از حمله به سوریه نتوانستند بهره ببرند، اینک تلاش می‌کنند تا جنگ مذهبی به راه بیندازند. ما از ملت و دولت سوریه حمایت می‌کنیم، در حالی که اغلب آن‌ها اهل سنت هستند و این موضوع نه فقط انشقاق ایجاد نمی‌کند، بلکه به وحدت بیشتر می‌انجامد. ما از فلسطین هم حمایت می‌کنیم که اکثر آن‌ها اهل سنت هستند.

وی افزود: بر همین اساس می‌بینیم که جنبش جهاد اسلامی که در جنگ هشت روزه علیه اسرائیل، موشک‌های اهدایی جمهوری اسلامی ایران را در قلب تل‌آویو فرود آورد، پیروزی خود را مرهون ایران می‌داند.

گفته‌های آیت‌الله تسخیری

آیت‌الله تسخیری دبیر اجلاس علمای امت و بیداری اسلامی هم در این نشست، اظهار داشت: از نظر اسلام، تحولات تاریخی می‌بایست توسط علما هدایت شود تا منطبق با اصول و تعالیم اسلامی باشد.

وی ابراز امیدواری کرد که در این اجلاس که با حضور علما از مذاهب مختلف حتی صوفی و سلفی برگزار می‌شود، مذاکرات خوبی در جهت هدایت بیداری اسلامی صورت بگیرد.

تسخیری گفت: امیدواریم، علما مسئولیت خود را بهتر بشناسند و بتوانند تحولات را هدایت و رهبری کنند.

حجت‌الاسلام کریمیان یکی از مسئولان برگزارکننده اجلاس علمای بیداری اسلامی هم با اشاره به این که در طول برگزاری اجلاس شش کمیسیون مبانی نظری بیداری اسلامی، نقش علما در بیداری اسلامی، علما، فرصت‌ها و تهدیدها در جهان اسلام، نظام حکومتی مطلوب اسلام، جهان آینده و جایگاه امت اسلامی و پیامبر اعظم(ص) محور امت اسلامی تشکیل خواهد شد، گفت: در اجلاس علمای امت و بیداری اسلامی، ۵۰۰ تن از خارج و ۲۰۰ تن از علمای جمهوری اسلامی ایران شرکت دارند.

وی همچنین، گفت: حدود ۷۰ محور کاری درباره این اجلاس برنامه‌ریزی شده و در پایان این کنفرانس بیانیه تهران هم با استفاده از نقطه نظرهای مدعوین منتشر خواهد شد.

به گفته کریمیان، بیش از ۳۵۰ مقاله پیرامون این اجلاس به دبیرخانه مجمع بیداری اسلامی ارسال شده است که مقالات برتر تحت عنوان کتابی در زمان برگزاری اجلاس منتشر می‌شود.

وی مسأله فلسطین و مقاومت اسلامی، مقاومت با فتنه مذهبی و اسلام‌هراسی را از جمله محورهای تبادل نظر بین علما در این اجلاس بیان کرد.

«القاعده ایران» ادعای مضحکی است



بقیه از صفحه اول

تصریح کرد: امسال سال سرنوشت‌ساز است و فصل جدیدی باز خواهد شد و غرب چاره‌ای جز تعامل با ایران ندارد.

وی گفت: امیدواریم آنها روند مثبتی را در پیش بگیرند.

وزیر امور خارجه در پاسخ به پرسشی در این باره که وزیران امور خارجه انگلستان و امریکا اخیراً اظهار داشته‌اند که نباید نسبت به اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران عجله کرد، گفت: اینها همواره اعلام کرده‌اند که آمادگی تعامل با ایران را دارند. اگر این اظهار آمادگی صادقانه باشد، ما هم آمادگی تعامل با آنها را داریم.

دکتر صالحی در واکنش به پرسشی درباره ادعای جدید کانادا مبنی بر بازداشت ۲ عضو القاعده که مرتبط با ایران هستند، به اتهام تلاش برای از خط خارج کردن قطار در این کشور، گفت: اگر چنین خبری درست باشد، خنده‌دارترین چیزی است که شنیده‌ایم. لفظ «القاعده ایران» از جعلیات جدید و واقعاً حرف مضحکی است.

وی تصریح کرد: امیدوارم مسئولان کانادا کمی علقانی فکر کنند و به شعور مردم و افکار عمومی دنیا توجه داشته باشند.

وزیر امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره سفر وزیر دفاع امریکا به اراضی اشغالی و فروش سلاح به این رژیم، گفت: امریکا برای تامین منافع خود و فروش سلاح مشغول بازارگرمی است. وی خاطرنشان کرد: ایران در طول ۳۴ سال گذشته نشان داده است که همواره برای ثبات و صلح در منطقه تلاش کرده است. وی با طرح این پرسش‌ها که القاعده و طالبان را چه کسی بوجود آورد، موضوع شیعه و سنی را چه کسی مطرح کرده است، انعقاد قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری تسلیحاتی با کشورهایی چون عربستان، امارات عربی و رژیم صهیونیستی را برای تامین منافع و فروش سلاح دانست.

پلیس کانادا مدعی است که دو نفر که آن‌ها را مرتبط با «عناصر القاعده در ایران» خوانده، به اتهام تلاش برای از خط خارج کردن یک قطار مسافربری در کانادا دستگیر کرده است.

به گزارش ایسنا به نقل از بی بی سی، پلیس سواره سلطنتی کانادا در یک کنفرانس خبری گفت که «هیچ نشانه‌ای از این‌که این حملات با حمایت یک دولت انجام شده باشد وجود ندارد."

پلیس می‌گوید که این دو نفر شهروند کانادا نیستند. تابعیت متهمان هنوز روشن نیست.

جنیفر استرکان، رئیس پلیس گفت: «ما این اتهام را مطرح می‌کنیم که این دو نفر گام‌هایی برداشتند و اقداماتی کرده بودند تا یک حمله تروریستی انجام بدهند.

به گفته او، این حمله «قریب الوقوع» نبوده است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: اعتماد مردم به نظام و مسئولان نباید مخدوش شود

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دیروز در دیدار جمعی از مدیران، فعالان اقتصادی و کارآفرین کشور با توجه به نقش توده مردم در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی در قبل و بعد از پیروزی، به تشریح اوج گیری مبارزه انقلابیون با رژیم پهلوی و نقش راهبردی امام(ره) در رهبری نهضت پرداخت و گفت: در مبارزات قبل از انقلاب به رغم وجود گروه‌ها و جریان‌های مختلف که در مبارزه حضور داشتند و رنج‌هایی که مبارزین در زندان‌ها کشیدند، آنچه که در نهایت کمر نظام شاهنشاهی را شکست نقش مرجعیت امام(ره) و حضور توده‌های مردم در صحنه مبارزات بود و اگر آحاد مردم وارد مبارزه نمی‌شدند پیروزی غیرممکن بود.

وی تأکید کرد: پس از پیروزی انقلاب هم در مقاطع مختلف حساس و بحرانی از جمله دوران دفاع مقدس، توطئه‌های ریز و درشت دشمنان داخلی و خارجی، بحران‌ها و دوران بازسازی و سازندگی کشور، مردم و داوطلبان جان بر کف بودند که حرف اول و آخر را در مصائب و بحران‌های کشور زدند و خواهند زد و این مهم جز با اعتماد و اطمینان متقابل بین مردم و مسئولان ممکن نبود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رمز حضور مردم در عرصه‌های مختلف کشور را اعتماد و اطمینان متقابل میان مسئولان و مردم دانست و گفت مردم ایران، مردمی نجیب و وفادار به نظام و انقلاب‌اند و نباید اعتماد و اطمینان آنان را نسبت به نظام و مسئولان مخدوش کرد.

عضو مجلس خبرگان رهبری افزود: تقویت اعتماد مردم می‌تواند وحدت و همدلی را در جامعه ایجاد کند و حماسه سیاسی و اقتصادی هم با جلب این اعتماد و وحدت و همدلی قابل تحقق خواهد بود.

در این دیدار، تعدادی از حاضران دغدغه‌ها و نگرانی‌های خود را از شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور به ویژه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری بیان داشتند و خواستار حضور جدی‌تر شخصیت‌های موثر نظام از جمله آیت‌الله هاشمی در این عرصه شدند.

دیدار سفیر ایتالیا

آقای لوکاجانسانتی سفیر جدید ایتالیا در جمهوری اسلامی ایران در ابتدای مأموریت خود با آیت الله هاشمی رفسنجانی دیدار و گفتگو کرد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضمن خوشامدگوئی به سفیر جدید ایتالیا و ابراز امیدواری نسبت به موفقیت وی در انجام مأموریت‌های محوله در گسترش روابط و همکاری‌های متقابل، روابط جمهوری اسلامی ایران و ایتالیا را تاریخی خواند و گفت: اگر چه در مرحله کنونی روابط دو کشور در چارچوب سیاست‌های اتحادیه اروپا و ایران دچار مشکلاتی شده، اما هنوز روابط تهران و رم از سایر اعضای اتحادیه اروپا در سطح بالاتری قرار دارد.

آیت الله هاشمی رفسنجانی، مأموریت سفرای جمهوری اسلامی ایران و ایتالیا را در مرحله کنونی بسیار حساس و خطیر خواند و تصریح کرد: اگر در مذاکرات میان جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱ قانون و انصاف رعایت شود عبور از مرحله کنونی سخت نیست.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، همکاری در چارچوب قوانین بین‌المللی را راهگشا خواند و با تأکید بر حقوق حقه جمهوری اسلامی ایران برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای در چارچوب قوانین آژانس، افزود: ادعای نادرست استفاده غیر صلح آمیز از انرژی هسته‌ای توسط ایران در گذشته هم مطرح بود و ما توانستیم با مذاکرات منطقی و حسن نیت طرفین به سؤال‌ها و ابهام‌ها پاسخ دهیم و اکنون هم می‌توانیم در چارچوب قانون به نتایج مشترک برسیم.

آیت الله هاشمی رفسنجانی با بیان این‌که جمهوری اسلامی ایران چیزی بیش از حق خود نمی‌خواهد، به فتوای رهبری معظم انقلاب مبنی بر حرام بودن ساخت و استفاده از سلاح هسته‌ای اشاره کرد و گفت: فتوای رهبر جمهوری اسلامی بسیار بالاتر از یک تعهد و قول سیاسی عادی است و معنای آن این است که اگر خلاف این فتوا عمل شود، گناهی نابخشودنی و خلاف عدالت رفتار شده است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به سنت رایج رفع اختلاف‌های بین المللی، به لزوم اثبات ادعای طرح‌های غربی در پرونده هسته‌ای ایران اشاره کرد و گفت: در ۲۰ سال گذشته غربی‌ها علی‌رغم داشتن منابع اطلاعاتی قوی و ماهواره‌ها هنوز نتوانسته‌اند سند محکمی مبنی بر تخلف جمهوری اسلامی ایران در استفاده صلح آمیز جمهوری اسلامی از انرژی هسته‌ای ارائه کنند.

واردات ۳۲۰ میلیون دلار سیگار به کشور توسط یک شرکت آمریکایی

دبیر جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات ضمن هشدار نسبت به افزایش ۱۰ درصدی مصرف قلیان در دختران اعلام کرد: سن مصرف دخانیات از ۱۴ سال به ۱۰ سال رسیده و متاسفانه مصرف دخانیات بویژه در نوجوانان و جوانان که دانشجو هستند یا در مقطع دبیرستان تحصیل می‌کنند افزایش یافته است.

دکتر محمدرضا مسجدی در گفت و گو با ایسنا، با طرح این سئوال از مردم که "آیا در حال حاضر مبارزه با دخانیات در کشور محسوس است؟" به انتقاد از نحوه اجرای "قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات" پرداخت و عنوان کرد: ایران عملکرد ضعیفی در زمینه مبارزه با دخانیات داشته و قوانین و آیین نامه‌های موجود به طور کامل اجرا نمی‌شوند، در این شرایط با وجود آن که حدود ۸۵ درصد از مردم ایران سیگار نمی‌کشند، اما مستقیما در معرض دودها و مضرات آن قرار دارند.

دبیر جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات ضمن اعلام این خبر که سن مصرف دخانیات از ۱۴ سال به ۱۰ سال رسیده است، اظهار داشت: مصرف دخانیات بویژه در نوجوانان و جوانان که دانشجو هستند و یا در مقطع دبیرستان تحصیل می‌کنند افزایش یافته است.

وی ضمن هشدار نسبت به افزایش ۱۰ درصدی مصرف قلیان در دختران اظهار کرد: این آمارها تکان دهنده هستند. چندی پیش شهرداری تهران نیز آماری را از سطح مناطق خود استخراج کرد که نشان دهنده کاهش سن مصرف دخانیات در تهران است و در این میان زنان و دختران بیش از هر چیز هدف قرار گرفته‌اند.

مسجدی در ادامه با اشاره به این که چهار کمپانی بزرگ دنیا هدایت گر تولید و توزیع سیگار در جهان هستند، اظهار داشت: در حال حاضر یک کمپانی امریکایی بدون هیچ محدودیتی ۳۲۰ میلیون دلار سیگار وارد ایران کرده است که مبین هدف کشورهای غربی برای ضربه زدن به نظام است.

دبیر جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات با بیان این که سالانه ۶۵ میلیارد نخ سیگار در کشور مصرف می‌شود، گفت: از سوی دیگر ۶۰ درصد مالیاتی که بر دخانیات بسته شده نیز باید به وزارت بهداشت تعلق بگیرد که در حال حاضر این گونه نیست. رئیس کنگره انجمن دندانپزشکان ایران هم استعمال دخانیات و مصرف مشروبات الکلی را مهم ترین علت بروز سرطان دهان برشمرد و افزود: شایع ترین محل بروز ضایعات سرطانی ناحیه کناری - خلفی زبان است.

مهناز صاحب جمعی با بیان این که سرطان زبان به علت در معرض دید نبودن علایم، دیر تشخیص داده می‌شود، گفت: افراد بویژه در سنین بالای ۵۰ باید به بازدیدهای دوره‌ای دهان توسط دندانپزشک خود توجه داشته باشند. سرطان بافت نرم از جمله زبان، لب، گونه و لثه بیش از ۹۰ درصد کل سرطانهای حفره دهانی را تشکیل می‌دهند البته از میان آنها سرطان زبان شایع تر است.

مهمان پرست: کمک کنندگان به رژیم صهیونیستی در جنایت های آن سهیم هستند

رامین مهمانپرست، سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست مطبوعاتی خود با خبرنگاران درباره قرارداد تسلیحاتی میان آمریکا و رژیم صهیونیستی که روز گذشته امضا شد، گفت: موضوع همکاری‌های تسلیحاتی و کمک‌های بی‌دریغ دولتمردان آمریکایی به رژیم نامشروع صهیونیستی مساله جدیدی نیست و ادامه این جنایات منجر به فعالیت گسترده‌تر رژیم صهیونیستی برای کشتار مردم بی گناه منطقه و بی‌ثباتی و ناامنی خواهد شد. کسانی که به رژیم صهیونستی کمک می‌کنند از جمله دولتمردان آمریکایی درهر نوع جنایتی که در منطقه صورت دهد، شریک و سهیم هستند.

به گزارش ایسنا، وی افزود: مقام های آمریکایی به دنبال فروش تسلیحات خود هستند و روشن است که حضور چنین کشورهایی که به دنبال منافع خود در سایر مناطق جهان هستند فقط با ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی میسر است.

دستیار ویژه وزیر امور خارجه کشورمان همچنین در پاسخ به پرسشی درباره این که وزیر دفاع آمریکا در سفر به اراضی اشغالی گفته است قراردادهای تسلیحاتی در خاورمیانه پیام روشنی برای ایران دارد که نشان می‌دهد استفاده از گزینه نظامی در مقابل برنامه هسته ای ایران منتفی نیست، گفت: اظهارات وزیر دفاع آمریکا درباره فروش تسلیحات به رژیم صهیونیستی توضیحاتی برای بزرگ‌نمایی خطراتی است که در منطقه در فضای جنگ نرم دامن زده می‌شود و قصد نهایی این بزرگنمایی‌ها فروش تسلیحات است. کشور ما به اندازه کافی قدرتمند است که از حقوق خود دفاع کند و اجازه تعرض به هیچ دشمنی را ندهد.

وی ادامه داد: رژیم صهیونیستی با این گونه قراردادها و تجهیزات توانایی لازم را برای ادامه تجاوزات در منطقه پیدا نمی‌کند بهتر است دست از سیاست‌های خصمانه و جنگ روانی که علیه ملت ما ایجاد می‌کنند بردارند. این گونه اقدامات ملت ما را مستحکم‌تر و مقاوم‌تر در برابر آنها خواهد کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه در مورد تشکیل جلسه چهار جانبه ایران، عربستان، مصر و ترکیه برای حل بحران سوریه گفت: ایران همه تلاش‌ها و تدابیر خود را برای حل این بحران از بهترین راه ممکن و روش مسالمت‌آمیز دنبال می‌کند. ما معتقدیم تنها راه حل مساله سوریه حمایت از حقوق ملت و دولت سوریه است و باید شرایطی را فراهم کرد که در سایه ثبات، امنیت و آرامش، گروه‌های مختلف مذاکراتشان را باهم دنبال کنند و از طریق آرای خود در صندوق‌ها تکلیف آینده سوریه مشخص شود. هر نوع اقدامی بر خلاف این روش و رویه که منجر به تشدید درگیری‌ها شود را مخالفت با منافع ملت سوریه ارزیابی می‌کنیم.

بازرسی هواپیما های ایرانی

مهمانپرست همچنین در باره اقدام دولت عراق درباره بازرسی از هواپیماهای ایرانی هم گفت: این اقدام قابل گذشت و توجیه نیست و ما اعتراض خود را نسبت به این رویکرد اعلام کردیم و آن را نقض مقررات و کنوانسیون‌های بین المللی می‌دانیم. وی افزود: این که هواپیماهای ایران توسط مقام های عراقی با فشارهای سیاسی مجبور به فرود شوند قابل گذشت و توجیه نیست. بارها مشاهده شده که ادعاهایی که علیه ایران در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد ادعاهای بی‌اساسی بوده است و هواپیماهایی که قبلا توسط عراق بازرسی شدند بی‌اساس بودن این ادعاها را ثابت می‌کند. وی گفت: نسبت به تکرار این اقدام هشدارهای لازم به مقام های عراق داده شده است.

ادعای جدید دولت کانادا

مهمان‌پرست در پاسخ به سئوال خبرنگاری مبنی بر انتشار اخباری درباره بازداشت چند عضو وابسته به القاعده در کانادا و این ادعا که افراد یادشده از طریق عوامل القاعده که در ایران مستقر هستند حمایت و هدایت می‌شدند، گفت: هیچ مدرک مستندی درباره افرادی که ادعا شده دستگیر شدند، ارائه نشده است. تفکر گروه‌های افراطی به ویژه افراطیون القاعده از نظر سیاسی و اعتقادی به هیچ وجه همخوانی با جمهوری اسلامی ایران ندارد. ما با هر نوع اقدام تروریستی و خشونت‌آمیز که جان انسان‌های بی‌گناه را به خطر می‌اندازد مخالفیم. ملت ما بزرگترین قربانی تروریسم است و به هیچ وجه چنین پدیده‌هایی را تشویق نمی‌کنیم.

وی ادامه داد: دولت افراطی کانادا در سال‌های اخیر پروژه ایران‌هراسی را در دستور کار خود قرار داده و اقدامات خصمانه متعددی را دنبال کرده است. ممکن است در ادامه این رویکرد خصمانه قصد ارتباط دادن چنین موضوعاتی را با کشور ما داشته باشد. این رویکرد ناشی از رفتار افراطی و نادرست دولت فعلی کانادا است. سخنگوی دستگاه دیپلماسی تاکید کرد: معتقدیم همه کشورها باید با گروه‌های تروریستی مقابله کنند و به هیچ وجه حمایت از این گروه‌ها را توجیه نکنند. کسانی که در این حادثه که مورد ادعای دولت کانادا است در ارتباط با القاعده به عنوان چهره منفی معرفی می‌شوند همان جریان با حمایت دولت کاناداو کشورهای غربی در داخل سوریه به کشتارمردم بی گناه می‌پردازند. اگر مقابله با گروه‌های تروریستی لازم است نباید با تبعیض و رفتار دوگانه انجام شود. معتقدیم دولت‌های غربی به ویژه دولت کانادا باید از حمایت هرگونه گروه تروریستی و افراط گرا از جمله گروه‌های وابسته به القاعده در همه جا از جمله سوریه دست بردارند.

سرکوب مسلمانان در میانمار

سخنگوی وزارت امورخارجه درباره شدت گرفتن سرکوب مسلمانان در میانمار و سکوت پلیس این کشور در این باره و اقدامات ایران گفت: این موضوع و کشتاری که نسبت به بخشی از مردم در این کشور صورت می‌گیرد مورد توجه کشورهای مختلف از جمله ملت و دولت ما قرار گرفته است و تلاش خود را برای این که این حوادث ناگوار متوقف شود انجام داده‌ایم. دولت میانمار باید مانع این اقدامات خشونت‌آمیز شود این خواست ملت‌های مختلف و نهادهای بین‌المللی است. نباید اجازه داد گروهی از افراطیون در میانمار دست به چنین اقداماتی بزنند و درگیری‌های مذهبی و قومی را گسترش دهند. همه تلاش خود را در این زمینه خواهیم کرد و از دولت میانمار هم به صورت جدی می‌خواهیم در اسرع وقت نسبت به این مساله با همه توان خود وارد شود و مانع این اقدامات شود.

مهمان‌پرست همچنین درباره اخبار منتشر شده مبنی بر قصد دولت آمریکا برای استقرار نیرو در اردن با توجه به تحولات در سوریه، گفت: ما راه‌حل مساله سوریه را دخالت نکردن کشورهای خارجی می‌دانیم. هر نوع اقدامی در چارچوب فعالیت‌های نظامی در سوریه برخلاف منافع مردم سوریه محسوب می‌شود.

مهمان‌پرست همچنین درباره آخرین پیگیری‌ها از کشته شدن یک ایرانی در تصادف با خودروی یک دیپلمات عربستانی گفت: این موضوع در دست پیگیری است و منتظر اعلام نظر مقام های قضایی و انتظامی هستیم. وزارت خارجه از نخستین لحظه پس از وقوع این اتفاق، این موضوع را پیگیری کرد.

وی همچنین در پایان در پاسخ به سئوالی درباره انتشار خبر سفر سید حسن نصرالله به ایران گفت: ما هم این خبر را شنیده‌ایم. این که دوستان ایران به کشورمان سفر کنند مساله طبیعی است و حتما این رفت‌وآمد کمک خواهد کرد تا موفق شویم در منطقه وضع باثبات‌تری ایجاد کنیم.

اخبار کوتاه

فایل‌های صوتی درس مکاسب حجت الاسلام والمسلمین سید علی خمینی

فایل‌های صوتی درس مکاسب حجت الاسلام والمسلمین سید علی خمینی، توسط وب سایت حجت الاسلام و المسلمین حاج سید حسن خمینی منتشر شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران به نقل از وب سایت رسمی حاج سید حسن خمینی، فایل‌های صوتی دروس مکاسب مطابق با جلد نخست کتاب مکاسب شیخ اعظم، مرتضی انصاری(قدس) که توسط حجت الاسلام و المسلمین سید علی خمینی تدریس می‌شود، در این سایت بارگذاری شد و هم اکنون در وب سایت رسمی حاج سید حسن خمینی قابل دسترسی است.

مراسم یادبود آیت الله رضوانی در بازار تهران

سومین روز یادبود آیت الله رضوانی عضو فقهای شورای نگهبان دیروز در مسجد عزیز الله تهران برگزار شد.

در این مراسم جمع کثیری از بازاریان به همراه خانواده آن مرحوم و برخی از مقام های کشوری حضور داشتند که از جمله آنان می‌توان به محمدرضا علیزاده، رضا امیری عضو حقوقدان شورای نگهبان، محمد شریعتمداری کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری و میرتاج الدینی معاون رئیس جمهوری اشاره کرد.

رئیس مجلس: برخی دولت‌ها به‌دنبال تضعیف حاکمیت سیاسی عراق هستند

رئیس مجلس شورای اسلامی وحدت میان گروه‌های سیاسی عراق را یک ضرورت برای آن کشور دانست و گفت: بعضی دولت‌ها سعی دارند با ایجاد اختلاف میان گروه‌های سیاسی باعث تضعیف حاکمیت سیاسی این کشور شوند.

به گزارش مهر، دکتر علی لاریجانی در دیدار با وزیر دادگستری عراق با ابراز خرسندی از روند رو به رشد ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بویژه روابط پارلمانی میان دو کشور، گفت: جمهوری اسلامی ایران همواره حامی ملت عراق در دوران پس از دیکتاتور سابق این کشور بوده و تقویت و تعمیق مناسبات در زمینه‌های گوناگون به نفع دو کشور مسلمان است.

وی افزود: مجلس شورای اسلامی از توافق های صورت گرفته میان جمهوری اسلامی ایران و عراق کاملا حمایت می‌کند.

لاریجانی در ادامه با ارزیابی مثبت از دیدگاه‌ها و مواضع مشترک دو کشور در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی افزود: نقطه نظرات نزدیک، گفت‌وگوها و رایزنی‌های مستمر میان مقام های دو کشور می‌تواند به تامین صلح و ثبات در منطقه کمک فراوانی کند.

وی با اشاره به موضوع گروهک منافقین در عراق افزود: اکنون کنترل بیشتری بر حضور این گروهک در عراق اعمال می‌شود و با همکاری مجامع بین‌المللی اقدام های مناسبی برای آغاز خروج کامل آنها از عراق در حال انجام است.

فرمانده نیروی زمینی ارتش: سران رژیم صهیونیستی از قدرت منهدم کننده ایران آگاهی ندارند

سرویس سیاسی - اجتماعی: فرمانده نیروی زمینی ارتش با اشاره به تهدید ایران از سوی رژیم صهیونیستی گفت: سران خام و کوته‌فکر این رژیم یا خود را نشناخته‌اند و یا از قدرت و توان بازدارندگی و منهدم کننده جمهوری اسلامی ایران آگاهی ندارند.

امیر احمدرضا پوردستان در دیدار وابستگان نظامی کشورهای خارجی در ایران اظهار داشت: سران رژیم منحوس صهیونیستی باید بدانند که وقوع اشتباه از سوی آنان به منزله خودکشی است و آنان باید بدانند که چنین کار ابلهانه‌ای، ثمره‌ای جز پایان عمر رژیم اشغالگر قدس را به دنبال نخواهد داشت.

پوردستان در بخش دیگری از سخنانش گفت: ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی زمینی قهرمان به عنوان ستون فقرات این ارتش، در یک سال اخیر اقدامات اجرایی و عملیاتی بسیار موثری را برای حفظ و ارتقای توان رزمی خود با اجرای ده‌ها رزمایش تخصصی و آزمایش صدها سلاح و سامانه جدید رزمی و دفاعی انجام داده است و اکنون در کمال آمادگی به سر برد.

فرمانده نیروی زمینی ارتش همچنین از برگزاری نخستین رزمایش نیروی زمینی ارتش در سال ۹۲ در روز سوم خرداد با نام «بیت‌المقدس ۲۵» در منطقه عمومی اصفهان خبر داد.

همگام با انتخابات

ممنوعیت افشای اطلاعات دریافت شده از داوطلبان انتخابات

رئیس ستاد انتخاباتی کشور از ممنوعیت افشای هر گونه اطلاعات دریافت شده از داوطلبان توسط اعضای هیات‌های اجرایی و یا هر فرد دیگری خبر داد.

سیدصولت مرتضوی در گفتگو با ایسنا با اشاره به اتمام ثبت نام از کاندیداهای چهارمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا و آغاز بررسی صلاحیت کاندیداها اظهار داشت: بررسی صلاحیت‌ها تحت هیچ شرایطی نباید از محدوده مواد ۲۶ تا ۳۰ قانون انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا خارج شود.

وی با تاکید بر این که افشای هر گونه اطلاعات دریافت شده توسط اعضای هیات‌های اجرایی و هر شخص دیگری ممنوع است، گفت: فرمانداران و بخشداران مکلفند با متخلفین احتمالی برابر ماده ۵۰ همین قانون برخورد کنند. وی هم‌چنین یادآور شد: انجام تحقیقات محلی و مصاحبه برای احراز صلاحیت‌ها خارج از وظایف بوده و تحت هیچ شرایطی مجوز ندارد.

معاون سیاسی وزیر کشور ماده ۴۹ قانون شوراهای اسلامی شهر و روستا را هم مورد توجه قرار داد و تاکید کرد: بررسی صلاحیت داوطلبان شوراهای اسلامی شهر و روستا باید محرمانه و در چارچوب قانون انجام شود تا موجب هتک حیثیت و آبروی افراد نشود.

اعلام شروط احراز صلاحیت کاندیداها برای شورای نگهبان

عضو حقوقدان شورای نگهبان با تاکید بر این که شرایط موجود در اصل ۱۱۵ قانون اساسی درباره هر یک از کاندیداها باید برای این شورا احراز شود، خبرهای برخی رسانه ها درباره این که با توجه به تکثر کاندیداها شورای نگهبان قصد ندارد بیش از ۷-۸ نفر را برای انتخابات ریاست جمهوری تایید صلاحیت کند، رد کرد و این موضوع را پیش داوری نادرست خواند.

حسینعلی امیری در گفتگو با مهر، در پاسخ به این سئوال که یکی از اعضای فقهای شورای نگهبان پیش تر اعلام کرده است که هر کسی بوی انحراف بدهد هم رد صلاحیت می‌شود، ملاک ها و معیارهای شورا برای بررسی صلاحیت ها در انتخابات ریاست جمهوری آینده چیست، اظهار داشت: ملاک شورای نگهبان قانون است. در اصل ۱۱۵ قانون اساسی یک سری شرایط برای بررسی صلاحیت ها تعریف شده است که هم جنبه ثبوتی و هم جنبه اثباتی دارد. به این معنا که شرایط موجود در اصل ۱۱۵ باید برای اعضای شورای نگهبان احراز شود.

وی افزود: در بعضی از مناصب اصل بر این است که ویژگی ها و صلاحیت ها در شخص وجود دارد اما به لحاظ جایگاه مهم ریاست جمهوری و این که رئیس جمهوری، رئیس قوه مجریه و جدای از آن بخشی که مستقیما در حوزه اختیارات رهبری است، مدیر اجرایی کشور محسوب می شود و دارای اختیارات وسیعی است کار بررسی ها در این انتخابات از حساسیت بالایی برخوردار است.

عضو حقوقدان شورای نگهبان با بیان این که رئیس جمهوری مسئولیت سامان دادن وزارتخانه ها را بر عهده دارد و در بحث سیاست خارجی یک حرف او می تواند تنش های زیادی درست کند یا به نفع کشور تمام شود، تصریح کرد: در مباحث داخلی هم سخنان و راهکارهای رئیس جمهوری به همین اندازه تاثیرگذار است و لذا از همین جهت است که قانون اساسی شرایطی را برای رئیس جمهوری قرار داده که باید احراز شود و البته همین قانون اساسی هم احراز شرایط ریاست جمهوری را بر عهده اعضای شورای نگهبان گذاشته است.

امیری درباره روند بررسی صلاحیت کاندیداها در شورای نگهبان گفت: در شورا پرونده های افرادی که کاندیدا هستند تحت نظر قرار می گیرد. یک سری شرایط عمومی وجود دارد که باید همه کاندیداها از آن برخوردار باشند. درباره شرایط اختصاصی اصل ۱۱۵ برای کاندیداها بحث هایی در شورای نگهبان صورت می گیرد مبنی بر این که آن کاندیدا دارای شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی است هست یا نه؟ وقتی این بحث ها به حد کافی رسید، رای گیری صورت می گیرد.

وی ادامه داد: در شورای نگهبان ملاک هفت رای است یعنی از ۱۲ عضو فقیه و حقوقدان باید هفت نفر رای مثبت بدهند. اگر کاندیدایی هفت رای آورد آن آرا نظر نهایی شورای نگهبان محسوب می شود. لذا بنده ملاک عمل شورای نگهبان در رسیدگی به صلاحیت کاندیداها را قانون معرفی کردم. عضو حقوقدان شورای نگهبان با تاکید بر این که کاندیداهایی که دارای شرایط قانونی باشند و بتوانند این شرایط را احراز کنند مورد تایید قرار گرفته و کسانی که شرایط قانونی را نداشته باشند طبیعتا رد شده و صلاحیتشان تایید نمی شود، خاطر نشان کرد: این تایید و یا رد صلاحیت ها منحصرا بر عهده شورای نگهبان است و هیچ نهادی نمی تواند آن را کم یا زیاد کند.

سپاه از هیچ فرد و گروهی در انتخابات حمایت نمی‌کند

سخنگو و مسئول روابط عمومی کل سپاه با تاکید بر ورود نکردن به مصادیق و پشتیبانی از افراد در انتخابات‌های آینده، گفت: سپاه همانند گذشته در انتخابات از هیچ فرد و جریانی حمایت و جانبداری نخواهد کرد.

سردار رمضان شریف، در گفتگو با فارس، با اشاره به برخی هجمه‌های سیاسی علیه فعالیت های سپاه افزود: این هجمه‌ها و دشمنی ها علیه سپاه، مانع حضور هوشمندانه نه فقط پاسداران بلکه ملت ایران در عرصه های سیاسی و اجتماعی نخواهد شد، چراکه حضور میدانی و در صحنه، همچون حماسه‌های ۹ دی و ۲۲ بهمن می‌تواند منجر به افزایش قدرت بازدارندگی نظام شود و دشمنان را از پیگیری طرح های خصمانه خود بر علیه ملت منصرف کند و نمایانگر عزم و اراده مردم در پاسداری از انقلاب اسلامی شود. وی با اشاره به شعار سال ۹۲ مبنی بر «حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی»، یادآور شد: سپاه با آگاهی بخشی و بصیرت افزایی و افشای سناریوهای عملیات روانی دشمن در سال ۹۲ سعی خواهد کرد زمینه‌ساز خلق حماسه بزرگ دیگری توسط ملت ایران اسلامی شود.

رضایی: مشکلات اقتصادی مهمترین مساله کشور است

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: تحریم‌ها مهمترین عامل شرایط سخت اقتصادی کشور هستند که دولت و مردم باید در کنار هم آن را چاره کنند.

به گزارش ایسنا، محسن رضایی در جمع صنعتگران زنجان اظهار داشت: مشکلات اقتصادی در حال حاضر مهمترین مساله کشور به‌شمار می‌آید؛ به‌طوری که متاسفانه در حال حاضر شاهد کاهش قدرت خرید و بیکاری جوانان هستیم. وی شرایط کسب و کار در ایران را سخت دانست و گفت: بنگاه‌های اقتصادی در ایران معجزه می‌کنند که در این شرایط سخت به فعالیت خود ادامه می‌دهند. محیط های کسب و کار به مثابه موجودی زنده هستند که در شرایط سخت از میان می‌روند و باید مراقبت زیادی از این فضا کرد. معتقدیم هر محیط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند یک فضای کسب و کار باشد و باید از این شرایط استفاده کرد.

رضایی با تاکید بر لزوم حمایت قاطع از کارآفرینی و اشتغال در کشور تصریح کرد: یکی از راه‌ها، ایجاد فدرال اقتصادی و واگذاری اختیارات اقتصادی به استان‌ها در بخش های مختلف کشاورزی، تجارت، بهداشت، درمان و سلامت است. به گفته رضایی، یکی دیگر از مشکلات، سوءمدیریت است و در صد سال اخیر هیچگاه هیچ اقتصاددانی در بخش دولتی حضور نداشته و دولت و کارآفرین با یکدیگر غریبه هستند.

استفاده از شهرستانی ها در پست های مدیریتی

یک کاندیدای احتمالی انتخابات گسترده‌تر شدن دایره مدیریت و استفاده از نیروهای شهرستانی در پست‌های مدیریتی کشور را از برنامه‌های خود برای ریاست جمهوری ذکر کرد.

به گزارش ایسنا، کامران باقری لنکرانی در نشست سیاسی انتخابات ۹۲ در دانشگاه آزاد اسلامی رشت با اذعان به این که به انحلال سازمان برنامه و بودجه اعتقاد دارد، گفت: مهم‌ترین اشکال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، نگاه برنامه‌ریزی به پروژه‌ها و برنامه‌ها بود، به گونه‌ای که مدل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مدل خشکی بوده است. مدل صحیح این سازمان باید بر مبنای عملیاتی بنا شده باشد. این مدل در قانون این سازمان آمده بود اما به خوبی اجرا نمی‌شد. وی با اشاره به برنامه‌های خود در حوزه سیاست خارجی و موضوع مذاکره با آمریکا، گفت: اصل مذاکره برای آمریکا مهم است، زیرا به خوبی دریافته است که ایران به الگویی در جهان تبدیل شده است.

لنکرانی با بیان این که امروز هند، برزیل، آفریقای جنوبی بالاترین رشد را در عرصه‌های اقتصادی دارند، گفت: در برنامه های سیاست خارجه خود به همکاری با کشورهای تراز اول جهان به لحاظ اقتصادی و علمی فکر می‌کنم.

انتخابات فرصتی برای تغییر در منش و رفتار جامعه

یک نامزد احتمالی انتخابات ریاست جمهوری گفت: انتخابات فرصتی برای تغییر در منش و رفتار جامعه است.

به گزارش ایسنا، محمدرضا عارف در نشستی با دانشجویان دانشگاه آزاد با بیان این که امید همه ما به جوانان است، در تبیین ویژگی های دانشجو اظهار داشت: به محض این که با کلمه دانشجو روبه‌رو می‌شویم، صفت پیشتاز بودن او به ذهن می رسد؛ دانشجو یک انسان با انگیزه و اخلاق مدار است که نه تنها پیشتاز صحنه علمی است، بلکه در صحنه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هم نقش پررنگی دارد، ما هم این جایگاه را برای او قائل هستیم.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: دانشجو کسی است که نسبت به اتفاق‌هایی که در جامعه می‌افتد، احساس مسئولیت می‌کند و این احساس فارغ از هر جریانی ارزشمند است.

وی تصریح کرد: اگر دانشجو فارغ التحصیل شد، اما از نظر سیاسی رشدی نکرد دانشگاه وظیفه خود را به خوبی انجام نداده است.

این فعال سیاسی ادامه داد: در چند سال اخیر به دلایلی نه دانشجو آمادگی دفاع از نقش پررنگ خود را داشته و نه فضای حاکم در کشور این اجازه را به او داده است؛ او برای انجام رسالت و وظیفه خود هزینه داده است، اما در چند سال اخیر شاهد بودیم که کوچکترین موضع گیری دانشجویان منجر به رفتاری نادرست می‌شد و گاها کارشان به کمیته انضباطی کشیده می‌شد.

وی حق دانشجو را سئوال و پرسش گری دانست و افزود: ما باید این حق را به رسمیت بشناسیم. در حال حاضر دانشجو احساس می‌کند که از این فضاها به طور کلی فاصله گرفته است.

لزوم برگشتن به اخلاق و قانون

کاندیدای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری گفت: دوستان زیادی در دولت نهم و دهم دارم که در صورت موفقیت در انتخابات، از وجود آن‌ها استفاده خواهم کرد.

به گزارش فارس، حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی در جمع مردم بوشهر گفت: باور بنده این است که تحول در جامعه نیازمند برنامه، نظم و قانونمداری بوده و بسیاری از آسیب‌های کشور ناشی از بی‌قانونی و بی‌نظمی است و بداخلاقی ها هم به بی‌نظمی اضافه شده، که راه حل آن این است که از مسیر اشتباه برگشته و به اخلاق و قانون برسیم. رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اشاره به شعار انتخاباتی‌اش مبنی بر دولت قانون، تولید و اشتغال بر پایه تدبیر، اقتدار و صداقت اظهار داشت: دولت قانون‌مند بر اساس قانون کار می‌کند و از همین مسیر مردم ثروتمند خواهند شد، ما یارانه‌ها را افزایش می‌دهیم، اما قرار نیست مردم با یارانه‌ها زندگی کنند.

پورمحمدی گفت: اگر دولت قانونمند و مردم هم ثروتمند شوند با این حساب دیپلماسی ما هم قوی خواهد شد، چرا که قدرت در دنیای امروز بستگی به اقتصاد و وحدت مردم دارد.

انحلال سازمان برنامه و بودجه اقدامی شتابزده بود

عضو ائتلاف برای پیشرفت با تاکید بر اینکه انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی شتابزده بود تاکید کرد: انحلال این سازمان نیاز کشور به برنامه ریزی و بودجه با برنامه را نفی نمی کند و دولت حداقل می توانست اختیارات خود را در قالب همان سازمان برنامه و بودجه اعمال کند.

به گزارش مهر، غلامعلی حداد عادل بعدازظهر دیروز در جمع دانشجویان دانشکده مدیریت دانشگاه تهران درباره نظر خود نسبت به انحلال سازمان برنامه و بودجه و این که عمده کاندیداها گفته اند که آن را احیا می کنند گفت: من نسبت به تغییرات شتابزده بدبین هستم و معتقدم در تغییرات ساختاری باید تامل و کار کارشناسی انجام شود.

حداد عادل ادامه داد: نه تنها انحلال این سازمان من را قانع نکرده بلکه ادغام بسیاری از وزارتخانه ها هم مرا قانع نکرده است. کوچک کردن دولت به معنای کاهش عدد وزارتخانه ها نیست.

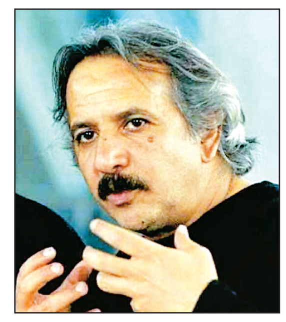
حدیث روز

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله:

طَلَبُ العِلمِ فَریضَةٌ عَلی کُلِّ مُسلِمٍ أَلا إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ بُغاةَ العِلم

طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است. خداوند جویندگان دانش را دوست دارد

مجید مجیدی: کشورهای اسلامی نسبت به سینما غفلت کرده‌اند



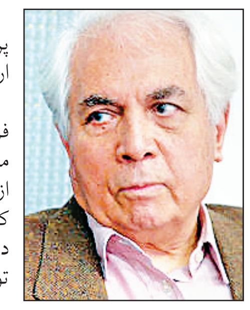
مجید مجیدی از فیلم سازان کشورمان در سفر به استانبول در جلسه‌ای مطبوعاتی خطاب به رسانه‌ها گفت: کشورهای اسلامی نسبت به اهمیت سینما و تلویزیون غفلت کرده‌اند، ما در معرفی پیامبرمان به دنیای غرب شکست خورده‌ایم.

به گزارش فارس به نقل از خبرگزاری آناتولیا، «مجید مجیدی» که در حال اتمام فیلم «محمد» (ص) است اواخر این هفته در یک کارگاه آموزشی در ترکیه شرکت کرده است.

او پس از شرکت در این کارگاه در جلسه مطبوعاتی خطاب به رسانه‌ها گفت: جهان اسلام از نقش سینما و تلویزیون غافل مانده است، در حالیکه ۲۵۰ فیلم درباره حضرت مسیح، ۱۲۰ فیلم درباره حضرت موسی، ۸۰ فیلم درباره پیامبران، ۴۰ فیلم درباره بودا ساخته شده می‌بینیم که تاکنون تنها یک فیلم «رسالت» درباره حضرت محمد، پیامبر اسلام، ساخته می‌شود، متاسفانه ما در معرفی پیامبرمان به جهان غرب شکست خورده‌ایم، در این مورد دشمنان، همچنان دشمنان ما باقی خواهند ماند.

«مجیدی» که هم‌اکنون در حال ساخت فیلمی با موضوع اسلام است، از این موضوع بسیار ابراز خوشنودی کرد و گفت: پیامبر اکرم (ص)خود در این پروژه رهنمونمان بود، این یک فرصت محسوب می‌شود، ما در این پروژه تمام توانمان را گذاشتیم، در ایران، ما مجبور به ساخت لوکیشن‌های عظیمی شدیم تا بتوانیم شهرهای مکه و مدینه را به خوبی تصویر کنیم و در این مورد از نظرات کارشناسان بسیاری استفاده کردیم، چهره پیامبر در این فیلم به هیچ‌عنوان تصویر نشده و به کرامات او بسیار پرداخته شده است.

رونمایی از سردیس پروفسور کاظم معتمدنژاد در هفته روابط عمومی



در هفته روابط عمومی از سردیس پروفسور کاظم معتمدنژاد، پدر علوم ارتباطات ایران رونمایی می‌شود.

امیر خوراکیان، رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با بیان این مطلب گفت: پروفسور کاظم معتمدنژاد از مفاخر فرهنگی و علمی کشور است که فعالیت‌های علمی و بنیادی ایشان در حوزه‌های ارتباطات، تأثیر شگرفی بر توسعه این دانش در کشور داشته است.

خوراکیان ادامه داد: این سردیس به پیشنهاد ستاد برگزاری هفته روابط عمومی در جلسه‌ای مشترک با دبیرخانه‌های همایش روابط عمومی الکترونیک و کنفرانس روابط عمومی و صنعت نهایی و توسط سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران طراحی و ساخته شده که در هفته روابط عمومی در مراسمی با حضور چهره‌های علمی و فرهنگی کشور، استادان و فعالان حوزه‌های ارتباطات و روابط عمومی در فرهنگسرای رسانه رونمایی می‌شود.هفته روابط عمومی از ۲۷ اردیبهشت و همزمان با روز روابط عمومی در تقویم رسمی کشور لغایت دوم خرداد برگزار خواهد شد.

تجلیل از فرهیختگان عرصه شعر و ادب در مراسم نکوداشت روز سعدی

آیین بزرگداشت سعدی شیرازی شاعر شیرین سخن و بلند آوازه ایرانی دوشنبه شب با حضور رییس دفتر رهبر معظم انقلاب، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ، جمعی از فرهیختگان و چهره های فرهنگی و ادبی کشور و سعدی شناسان در تالار وحدت تهران برگزار شد.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، رییس دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنانی در این آیین در باره سعدی گفت: این شاعر بزرگ حق بزرگی بر همه ما ایرانیان دارد.

حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی گلپایگانی با بیان این که سعدی صیادی بزرگ در اقیانوس شعر به ویژه معارف الهی است؛ افزود: رعایت ادب در اشعار سعدی در حد بالا است و حتی در پایان دیوانش وقتی می خواهد اشعاری در هزل بگوید ابتدا عذرخواهی می کند.

وی از کوشش وزیر و مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای برگزاری مراسم بزرگداشت سعدی تقدیر کرد و در پایان قصیده‌ای با عنوان " خلیج فارس " سرود که با تشویق حاضران در تالار وحدت همراه شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این آیین در سخنانی گفت: افتخاری است برای ملت ایران که یکی از بزرگترین شاعران جهان مربوط به این مرز و بوم است.

سید محمد حسینی با بیان این که سعدی در سطح جهان شناخته شده است، اظهار کرد:بیش از ۳۰۰ سال است که خاورشناسان ، ادبیات شرق و به ویژه آثار سعدی را بررسی و ترجمه می کنند.

وی با بیان این که بعد از فردوسی، زبان فارسی مدیون سعدی است، افزود: بهتر است بگوییم ما بعد از گذشت ۷۰۰ سال هنوز با زبان سعدی سخن می گوییم.

حسینی گفت : سعدی روح پرشوری داشت و یکجا نشینی را نمی توانست انتخاب کند؛ او به کوفه و شام و صنعا ، حجاز ، روم ، شرق عالم اسلام سفر کرد و تجربه‌های بسیار آموخت.

وی ادامه داد: این که گفته اند ایجاز سعدی در حد اعجاز است، واقعا مبالغه نیست.

حسینی در پایان با اشاره به دوم اردیبهشت و همزمانی آن با سالگرد وفات ملک الشعرای بهار و روز قیصر امین پور گفت: باید نام این بزرگان را زنده نگاه داریم و فرهنگ آنها را به دنیا معرفی کنیم.

یکی از بخش های این آیین ماندگار ، شعرخوانی توسط شاعران نام آشنای کشور بود.

محمد جواد آسمان ، میلاد عرفان پور ، فاطمه طارمی ، خانم دکتر الهی قمشه ای ، فاضل نظری، رضا غزوه، ناصر فیض،سعید بیابانکی ، پرویز بیگی حسینجانی، محدثی خراسانی، ابوالقاسم حسیجانی ، حجت الاسلام سید عبدالله حسینی ، محمدرضا نعمتی ، محمد علی بهمنی از جمله شاعرانی بودند که اشعار زیبایی بعضا در باره سعدی سرودند.

مهدیه الهی قمشه ای نیز درباره سعدی گفت: ما زبان فارسی را مرهون دو کس ، یکی فردوسی طوسی و دیگری سعدی هستیم.

وی با بیان این که سعدی، روانشناس و جامعه شناس بوده،گفت: این شاعر بلندپایه گویا تمام ایرانیان را می شناخته است.

در گلستان تمام داستان ها درس اخلاق و انسانیت است، سعدی تمامی ویژگی های قرآنی و انسانی را در اشعارش آورده است و مجموعه ی همه ی لطائف را در شعر او می بینیم.

اسماعیل آذر استاد ادبیات و برگزار کننده مسابقه‌های مشاعره در سخنان کوتاهی درباره سعدی گفت: در اروپا در سال ۱۶۳۶ میلادی برای اولین بار پاره‌هایی از گلستان ترجمه شد که این کار نام سعدی را در سراسر اروپا فراگیر کرد.

در این آیین همچنین از برگزیدگان هفتمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر از جمله بهاءالدین خرمشاهی به پاس سالها تلاش برای تصحیح آثار حافظ و سعدی، بهمنی ، مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان های همدان ، اردبیل و فارس ، موسسه فرهنگی شهرستان و مدیرکل شرکت تعاونی کارآفرینان ادیب تجلیل و هدایایی از جمله لوح یادبود به آنان اهدا شد.پایان بخش این آیین ، اجرای موسیقی سنتی در قالب سه تصنیف به وسیله گروه "راز و نیاز" به سرپرستی و خوانندگی سالار عقیلی بود که با استقبال چشمگیر حاضران روبرو شد.

بازدید از نمایشگاه ره توشه

حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری به همراه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از نمایشگاه ره توشه عملکرد و دستاوردهای وزارت ارشاد بازدید کرد و از نزدیک در جریان فعالیت‌های گسترده این وزارتخانه در چهارساله گذشته قرار گرفت.

سومین جشنواره فرهنگی خلیج فارس امروز آغاز می شود

سومین جشنواره فرهنگی هنری خلیج فارس از امروز به مدت یک هفته در سواحل خلیج فارس برگزار می‌شود.

نشست خبری سومین جشنواره فرهنگی هنری خلیج فارس ظهر سه‌شنبه سوم‌اردیبهشت با حضور همایون امیرزاده دبیر این جشنواره و ابراهیم عزیزی رئیس ستاد برگزاری آن و استاندار هرمزگان در سالن اجتماعات دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور برگزار شد.در ابتدای این نشست خبری همایون امیرزاده با یادآوری مصوبه سه سال پیش دولت در مورد برگزاری جشنواره فرهنگی هنری خلیج فارس، هدف از این مصوبه را وحدت رویه در اجرای جشن‌های مربوط به روز ملی خلیج فارس عنوان کرد.

وی افزود: هدف از برگزاری جشنواره خلیج فارس صیانت از نام خلیج فارس است. اقدامات دامنه‌دار و وسیعی در جهت تغییر نام خلیج فارس در ۵-۶ سال گذشته انجام شده و در طول دو دهه اخیر شاهد اوج گرفتن تعرض‌ها به هویت و نام خلیج فارس بوده‌ایم.



امیرزاده با نام بردن از برخی فعالیت‌هایی که‌درسومین‌جشنواره فرهنگی هنری خلیج فارس انجام خواهد شد، گفت: در این دوره، از سه خلیج فارس پژوه برجسته کشور، یک صیاد پیشکسوت، یک بازرگان پیشکسوت و یک لنج ساز پیشکسوت تقدیر خواهد شد.تجلیل و قدردانی از سه رسانه برتر در حوزه خلیج فارس در بخش‌های مطبوعات، خبرگزاری‌ها و وبلاگ‌ها از دیگر برنامه‌هایی بود که امیرزاده به آنها اشاره کرد. دبیر جشنواره فرهنگی هنری خلیج فارس اضافه کرد: در این دوره ضمن تقدیر از دریابان غلامعلی بایندر، فرمانده وقت نیروی دریایی ایران در مرزهای آبی خلیج فارس، از سه فرمانده ارشد نظامی کشور که در هشت سال دفاع مقدس در نبرد مستقیم با متجاوزان به خلیج فارس رشادت‌ها داشته‌اند، تجلیل به عمل خواهد آمد.ابراهیم عزیزی، استاندار فارس و رئیس ستاد اجرایی سومین جشنواره فرهنگی هنری خلیج فارس هم در این نشست خبری این خطه از کشورمان را یکی از نقاط استراتژیک جهان خواند و گفت: بی‌شک خلیج فارس در منطقه خاورمیانه محور اصلی ارتباطات میان قاره‌های مختلف است.

وی افزود: ۱۰ اردیبهشت مصادف است با سالگرد اخراج نیروهای پرتغالی متجاوز به خلیج فارس و باید برای گرامیداشت و زنده نگه داشتن این حماسه تلاش کرد.

وزیر ارشاد:هنرمندان در خلق آثار هنری با نگاه اسلامی جایگاه زنان را تبیین کنند

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، از هنرمندان خواست در خلق آثار هنری، جایگاه زنان را با نگاه اسلامی تبیین، و به نمایش بگذارند.

به گزارش ایرنا، دکتر سیدمحمد حسینی سه شنبه در مراسم افتتاحیه جشنواره میلاد کوثر در تالار وحدت، با تبریک فرارسیدن میلاد حضرت زهرا(س)، این رویداد را فرصتی مغتنم برای معرفی ابعاد زندگانی و شخصیتی بانوی بزرگوار اسلام برشمرد.

وی به آیاتی از قرآن کریم در مورد اهمیت شخصیت و جایگاه زنان گفت: زن و مرد در نزد خدا برابرند و فقط ایمان، تقوا و عمل صالح برتری هر یک را نزد دیگری مشخص می کند.عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به زمان جاهلیت اشاره کرد و گفت: در آن زمان به زن و جایگاه آنها کمتر توجه می شد، اما پیامبر(ص) علاوه بر حفظ و توصیه به رعایت حرمت و جایگاه زنان، هیچگاه اجازه ندادند در آن دوران به شخصیت زنان اهانت و جسارت شود.به گفته حسینی، امروز در غرب و برخی جوامع همچنان نگاه ابزاری و متحجرانه به زنان وجود دارد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: در جمهوری اسلامی، نگاه اعتدالی مبنی بر اصول و آموزه های اسلامی به زنان وجود دارد و همواره بر حفظ حرمت و جایگاه زنان تاکید می شود. حسینی همچنین با اشاره به ویژگی های حضرت زهرا(س)، این بانوی بزرگوار اسلام را الگویی برای تمامی زنان جهان توصیف کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به نامگذاری امسال با عنوان حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی اشاره کرد و گفت: به طور قطع در انتخابات پیش‌رو، حضور پرشور و همیشه در صحنه زنان، نقش موثر و مهمی در برگزاری این انتخابات خواهد داشت. در ادامه این مراسم با حضور وزیر ارشاد و مریم مجتهدزاده مشاور رییس جمهور و رییس مرکز زنان و خانواده و عفت شریعت مشاور امور بانوان وزیر ارشاد، از جمعی از بانوان که در مسابقات و جشنواره ها رتبه برتر را از آن خود کرده بودند، قدر دانی شد.

معرفی کتاب

دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار



«دنیای جغرافیای سحاب» به تازگی کتاب جدیدی را با عنوان «دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار» (شامل نقشه‌های ایران، تهران و قاره‌های جهان در یکصدو بیست سال قبل) تألیف محمدرضا مهندس (مهندس الملک) به اهتمام جواد صفی‌نژاد، غلامرضا سحاب و سعید بختیاری به زیور طبع آراسته است.غلامرضا سحاب فرزند زنده یاد استاد عباس سحاب پدر کارتوگرافی ایران در بخشی از مقدمه این کتاب نوشته است: «... افرادی که در تهیه این اطلس همکاری داشته‌اند. به صورت مستقل نقشه‌های دیگری از ایران، تهران، جهان و قاره‌ها ترسیم نمودند که به تعداد محدودی به چاپ رسید. این روند تا اوایل سال ۱۳۰۰ شمسی ادامه داشت. در این مدت سه جلد اطلس جغرافیایی تهیه گردید که ما آن‌ها را در این جزوه معرفی کرده‌ایم و جلد دوم که کار محمدرضا مهندس بود عینا به صورت نسخه برابر اصل در این مجموعه آورده‌ایم. انتشار اطلس نخست و اطلس سوم را بعد از چاپ این اطلس در نظر گرفته‌ایم که در کنار آن‌ها امیدوار است بتوانیم سایر کتاب‌ها و نقشه‌های جغرافیایی آن دوره را که بسیار کمیاب و نادر می‌باشند برای علاقه‌مندان و اهل مطالعه و تحقیق و دانشجویان رشته جغرافیا و کارتوگرافی منتشر نماییم.»

این کتاب در ۴۸ صفحه با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و بهای ۱۸۰۰۰تومان به بازار نشر عرضه شده است.

دکتر آیت‌اللهی: ۵ درصد از تولیدات نظری در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام می‌شود



رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: ۵ درصد از تولیدات علوم انسانی در کشور در این پژوهشگاه، انجام می‌شود.

حمیدرضا آیت‌اللهی در گفتگو با خبرنگاران با اعلام این مطلب به تشریح فعالیت‌های این پژوهشگاه پرداخت و گفت: خوشبختانه پرتال علوم انسانی کشور توسط این پژوهشگاه راه‌اندازی شده است که تمامی افراد در سراسر کشور به آن دسترسی دارند.

وی افزود: امروز ۴۰ هزار نفر از این سایت استفاده می‌کنند، همچنین دانشمندان ۱۸۰ کشور هم از این پرتال استفاده می‌کنند.

آیت‌اللهی با اعلام این که توسط شبکه مجازی که توسط این پژوهشگاه ایجاد شده است، تمامی مردم در جریان اخبار علوم انسانی قرار می‌گیرند افزود: شهروندان هم می‌توانند در درج این رویدادها مشارکت داشته باشند.

وی کاربردی کردن علوم انسانی را یکی دیگر از اقدام‌های این پژوهشگاه برشمرد و گفت: آثار پژوهشگران و ایده‌های علمی آنان را در ۲۱ مجله پژوهشی منتشر می‌کنیم به طوری که هر روز یک ایده بدیع و جدید علوم انسانی در نشریات منتشر می شود.

وی تلاش برای ورود به عرصه بین‌الملل و عرضه فکر و ایده‌های دانشمندان ایران را به جهان اندیشه از مهمترین فعالیت‌های این پژوهشگاه دانست و گفت: عرضه فکر دانشمندان توسط برگزاری همایش و تولید مجلات انجام خواهد شد.

وی گفت: دنیای مجازی نیاز دارد که علوم انسانی به صورت گسترده در آن وارد شود و ما به همین منظور تمامی اخبار، مجلات، سخنرانی‌ها و همایش‌های برگزار شده درباره علوم انسانی را به صورت آنلاین در سایت این پژوهشگاه قرار می‌دهیم.

آیت‌اللهی ایجاد محفل و پاتوق برای دانشجویان و استادان علوم انسانی را یکی دیگر از فعالیت‌های این پژوهشگاه برشمرد و گفت: روزآمد کردن ساختار پژوهشگاه متناسب با نیازهای کشور یکی دیگر از فعالیت‌های ما است به طوری که هم‌اکنون حدود ۱۱ پژوهشکده و ۲ مرکز علمی و ۵۵ مرکز زیر نظر این گروه‌ها فعالیت می‌کنند.

وی اضافه کرد: نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب علوم انسانی در خیابان کریم‌خان آغاز به کار کرده است و هم‌اکنون ۲۰ انتشارات آثارشان را در آن مرکز به فروش می‌رسانند آیت‌اللهی گفت: این پژوهشگاه امسال در نمایشگاه بین‌المللی کتاب هم ۲۰۰ کتاب تخصصی ارایه خواهد کرد.

آیت‌اللهی با اعلام اینکه ۲۹۰۰ مقاله تاکنون به پژوهشگاه ما رسیده که حدود ۷۰۰ مقاله آن چاپ شده است، گفت: در تمامی این مقاله‌ها، ایده‌های نو عرضه شده است و سال آینده هم سال فعالیت پژوهشگاه در زمینه بین‌المللی است.

آیت‌اللهی برگزاری کنفرانس بین‌المللی درباره رصد نهضت‌های اسلامی در کشورهای مختلف را یکی دیگر از اقدام‌های این پژوهشگاه دانست و گفت: موضوع امسال این همایش درباره اخوان المسلمین است و به تجزیه و تحلیل جریان اخوان‌المسلمین در کشورهای اسلامی خواهد پرداخت.

وی اضافه کرد: یکی از مهمترین مباحث کشورهای خاورمیانه بحث تغییرات اخیر است که این پژوهشگاه در صدد رصد این تحولات و تغییرات بوده است و به همین منظور اقدام به بررسی این جنبش‌ها، تحت عنوان جنبش‌های اسلامی در عرصه عمل و نظر کرده است و امسال هم اختصاص به اخوان‌المسلمین و جنبش‌های همسو در کشورهای اسلامی دارد.

وی در پایان با اعلام این که تلاش شده است که یک خبرگزاری علوم انسانی ایجاد کنیم، گفت: اقدام‌های اولیه این خبرگزاری شکل گرفته است و هم‌اکنون بریده تمامی اخبار مجلات و نشریات علوم انسانی جمع‌آوری و در اختیار متخصصان قرار می‌گیرد.

اهالی قلم، نود و دومین سال تولد سیمین‌دانشور را جشن می گیرند



نود و دومین سالگرد تولد سیمین دانشور در منزل شخصی وی و با حضور جمعی از اهالی قلم جشن گرفته می‌شود.

به گزارش مهر، مراسم جشن سالگرد ولادت سیمین دانشور نویسنده فقید ایرانی در آستانه هشتم اردیبهشت برگزار می‌شود.

در این مراسم که جمعه ۶ اردیبهشت و در منزل وی برگزار می‌شود، جمعی از نویسندگان و اهالی قلم در کنار خانواده دانشور حضور خواهند داشت و غلامرضا امامی نیز در این مراسم به سخنرانی خواهد پرداخت.

سیمین دانشور نویسنده فقید ایرانی در ۱۸ اسفند ماه سال ۱۳۸۹ درگذشت.

انتشار شماره ۲۶ «متن»



بیست و ششمین شماره هفته نامه «متن» منتشر شد.

در این شماره متن می‌خوانید: نامزدها از روی حیثیت هم رد نشوند. یک تیر با چند نشان!، این بودجه، درد را درمان می‌شود؟، حال اخلاق خوش نیست، بیکاران همچنان بیکارند، روندبازسازی مناطق زلزله‌زده منفی است.

میراث پرتناقض نخست وزیر آهنین، مجلس نمی‌تواند معجزه کند، در همه بخش‌های فرهنگ چالش خواهیم داشت و... متن جدید در ۹۸ صفحه و با بهای ۳۰۰۰ تومان منتشر شده است.

فرهادی، دومین شانس کسب نخل طلای کن شد

فیلم «گذشته» جدیدترین ساخته «اصغر فرهادی» در نظرسنجی نشریه سینمایی«ورایتی» به عنوان دومین شانس کسب نخل طلای کن امسال شناخته شد.

به گزارش ایسنا، با اعلام فیلم‌های بخش رقابتی جشنواره کن، نشریه سینمایی معروف «ورایتی» با راه‌اندازی یک نظرسنجی، شانس‌های کسب نخل طلای کن ۲۰۱۳ را در معرض افکار عمومی قرار داده است.

فیلم «گذشته» ساخته جدید اصغر فرهادی در این نظرسنجی با کسب ۷۱ / ۱۲ درصد آرا به عنوان دومین شانس کسب نخل طلا معرفی شده است. این در حالیست که فیلم‌های کارگردانان نامداری چون رومن پولانسکی، استیون سودربرگ، برادران کوئن و پائولو سوزیتنو در این نظرسنجی پایین‌تر از فیلم فرهادی قرار دارند.



طبق این نظرسنجی که تا کنون بیش از ۳۶۰ نفر در آن حضور داشته‌اند، فیلم «فقط خدا می‌بخشد» به کارگردانی «نیکلاس وندینگ» با کسب ۶۲ / ۲۷ درصد از آراء به عنوان شانس اول کسب نخل طلای کن معرفی شده است. پس از فیلم فرهادی، فیلم «درون لیون دیوس» ساخته برادران «کوئن» با ۲۲ / ۱۰ درصد آراء سومین شانس کسب نخل طلا است.در رتبه‌های سوم تا پنجم این نظرسنجی نیز به ترتیب فیلم‌های «نبراسکا» ساخته الکساندر پاین، «مهاجرم» ساخته جیمز گری و فیلم «ونوس در پوست خز» به کارگردانی رومن پولانسکی قرار گرفته‌اند.

فیلم «آن سوی کاندلابرا» ساخته استیون سودربرگ با ۰۸ / ۶ درصد آرا و همچنین فیلم «زیبایی بزرگ» ساخته «پائولو سورنتینو» با ۲۱ / ۲ درصد آرا به ترتیب به عنوان شانس‌های ششم و دهم نخل طلای کن شناخته شده‌اند. این نظرسنجی هم اکنون با عنوان «چه کسی برنده نخل طلا خواهد بود؟» در وب‌سایت ورایتی در حال برگزاری است.

تشریح روند اصلاحات اقتصادی در ایران

وزیر امور اقتصادی و دارایی کشورمان در جلسه مرکز هماهنگی جنبش عدم تعهد در مقر سازمان ملل متحد در سخنانی به ارائه تصویری گذرا از اقتصاد ایران بویژه در ماه‌های اخیر پرداخت.

سید شمس‌الدین حسینی گفت:ایران با سابقه تمدن، علمی و فرهنگی کهن، بیش از ۷۵ میلیون نفر جمعیت دارد. مردمی که هزاران سال همکاری علمی، اقتصادی و فرهنگی را تجربه و ترویج کرده‌اند و با تولید ناخالص داخلی بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار بر حسب معیار برابری قدرت خرید (PPP) ،هفدهمین اقتصاد در جهان به شمار می‌آیند.

به گفته وی ایران سرزمینی بسیار غنی است. ذخایر معدنی بسیار پرارزشی دارد. به طور مثال با در نظر گرفتن منابع نفت و گاز، بالاترین ذخایر انرژی را دارا است. البته ذخایر فلزات اساسی و نظایر آن هم بسیار بالا است و از این نظر،ایران مستعد سرمایه‌گذاری است.آنچه مزیت‌های فوق را رقابتی می‌سازد، پیشرفت‌های علمی ایران است. ملت ایران در علوم نوین که پایه اصلی خلق ثروت در اقتصاد نوین که همانا اقتصاد دانش محور است، به پیشرفت چشمگیری دست یافته‌اند. چنانکه در حوزه‌هایی چون نانو تکنولوژی، هوا و فضا، علوم صلح آمیز هسته‌ای، صنایع پیشرفته و سازه‌های عظیم و پیچیده و نظایر آن، مراحل تولید آزمایشگاهی، تولید صنعتی و تولیدتجاری را پشت سرگذارده است. به دلیل توانمندیهای فوق در گزارشات رسمی نهادهای بین‌المللی از ایران، هم قطب علمی و هم قطب اقتصادی در منطقه یاد شده است.

وزیر اقتصاد اضافه کرد: براساس گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۳، شاخص توسعه انسانی ایران را در سال گذشته۰,۷۴۲ اعلام کرده است و ایران به عنوان کشوری دارای توسعه انسانی بالا طبقه بندی شده است.البته ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران بسیار بالا است، لذا مقامات و برنامه‌ریزان ایرانی همواره به فکر کاهش فاصله عملکرد با توانمندیهای توسعه در ایران هستند. به همین دلیل براساس اصل ٤٤ قانون اساسی ایران و براساس سیاستهای کلی تعریف شده اصلاح این ساختار در ایران از پنج سال پیش آغاز شده است.

وی افزود:براساس قانونی که مجلس شورای اسلامی ایران پنج سال پیش از تصویب گذراند،سیاست تحول نهادی در ایران دنبال شد. ممنوعیت‌ها برای حضور بخش‌های غیر دولتی اعم از خصوصی و تعاونی در حوزه‌های مهم اقتصادی چون نفت، گاز، آب، برق، راه، مخابرات، بانکداری، بیمه، صنایع، معادن و بازرگانی برطرف شد وسرمایه گذاران داخلی و خارجی می‌توانند در بخشهای مختلف سرمایه گذاری کرده، مالک و مدیر شوند.

نامبرده گفت:ایران یک برنامه عظیم خصوصی سازی را در دست اجرا دارد. بنگاه‌های بزرگ، کوچک و متوسط به بخش غیر دولتی واگذار شدند. هفته پیش یک هلدینگ بزرگ پتروشیمی بانام «هلدینگ خلیج فارس» در بورس تهران به بخش خصوصی با موفقیت عرضه شد که حدود ۹ میلیارد دلار، قیمت اولیه آن است. البته برای تسهیل و تکمیل سیاست فوق، یک برنامه اصلاح اقتصادی در محورهای مهم چون یارانه‌ها، گمرک، مالیات و بانکداری در ایران در دست اجرا است.

وی تاکید کرد: در سال ۲۰۱۰، ما موفق شدیم اولین فاز سیاست هدفمند سازی یارانه‌ها در بخش غذا و انرژی را اجرا کنیم. اصلاح قیمت کالاها و خدمات مشمول یارانه و باز توزیع منابع حاصل از آن به صورت پرداخت مستقیم به خانوارها، رویکرد اصلی این سیاست بود. این سیاست که با اعمال قیمت تبعیضی و ارزانتر انرژی برای بنگاه‌های تولیدی دنبال می‌شود، صرفه جویی‌های عظیم ارزی و مالی و اقتصادی به همراه داشته است.

حسینی اضافه کرد:تراز تجاری انرژی ایران در بخش‌های فرآورده‌های نفتی، برق و گاز متحول شدند و ایران علاوه بر نفت خام، به صادر کننده خالص موارد فوق تبدیل شد. کاهش نرخ رشد کلی مصرف، پایین آمدن مصرف مطلق خانوارها، افزایش سهم تولید از مصرف انرژی از نتایج این سیاست‌ها بود.

وی گفت:دستاورد مهم و بی نظیر دیگر سیاست هدفمند سازی یارانه، بهبود توزیع درآمد در کشور است. ضریب جینی در مناطق شهری ظرف دو سال پس از اجرای این سیاست از ۰,۳٦۸ به ۰,۳٤۳ کاهش یافت و در مناطق روستایی از حدود ۰,٤ به حدود۰,۳,٦ رسید.

این وزیر کابینه گفت:همچنین قانون اصلاح امور گمرکی بیش از یکسال است که تصویب شده است و برنامه مدرنیزه کردن و تسهیل امور گمرکی و تجاری در ایران با سرعت دنبال می‌شود.لایحه اصلاح قانون مالیاتها هم در مرحله رسیدگی در مجلس قرار دارد.اینها بخشی مهم و برجسته از برنامه‌ریزی و تلاش برای پیشرفت توسعه اقتصادی مبتنی بر عدالت در جمهوری اسلامی ایران است. البته در این مسیر مهم ملت بزرگ ایران همواره با ناهموارهایی مواجه بوده و هست.

وی افزود:۳۵ سال پیش که انقلاب اسلامی مردم ایران به پیروزی رسید تحمیل ترور، جنگ و تحریم از سوی جهان امپریالیسم علیه ملت ایران آغاز شد. ایران تجاوز دولت دست نشانده و غاصب وقت عراق را دفع کرد و به رغم همه لابی‌های سنگین رای مظلومیت و حقانیت خود را گرفته و امروز هم در فضایی آکنده از دوستی و برادری با ملت همسایه و برادر عراق، همکاری می‌کند.اما تراژدی غیرانسانی ترور فرزندان کشورم ادامه دارد، سال گذشته دانشمندان جوان ایرانی را به خون کشیدند، در واقع جانشان را به بهانه حفظ علم خود فدا کردند.



حسینی اظهار داشت : از سویی حلقه تحریم‌های اقتصادی بر ایران تنگ‌تر شده است، گویی اینکه اقتصاد ایران از ورود به عرصه و عصر اقتصاد دانش باید منع شود و بهای پیشرفت خود را با تحمل و مقابله با تحریم‌ها بپردازد.

وی گفت:ما با تحریم اقتصادی آشنا بودیم، ولی با تفسیرهای مغرضانه از قطعنامه‌های غیر منصفانه، به شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران دست زدند. این تحریم‌ها با تحریم‌های تجاری نفتی و بانک مرکزی ایران اوج گرفته است. البته چنین مواردی در قطعنامه‌های شورای امنیت به صراحت نیامده است ولی متون تفسیر پذیر، این فضا را برای دولتهای معدودی چون آمریکا و اروپا فراهم کرده است. جالب آن است که این دولتها اراده خود را به دلیل سلطه مالی به سایر کشورها تحمیل می‌کنند. حتی به مناسبات توسعه‌ای ایران با نهادهای برتوون وودز چون بانک جهانی هم توسعه می‌دهند. در عمل حتی برای تامین داروهای خاص برای بیماران دشواری ایجاد می‌کنند. البته آنها اعلام کردند که این تحریم‌ها فلج کننده‌اند، اما بار دیگر در محاسبات خود اشتباه کردند. آری این تحریم‌ها دردسرزا هستند، تبعات انسانی دارند، اما تردیدی نداریم که ملت ایران در مسیر استقلال سیاسی، علمی و اقتصادی خود پیش می‌رود.

اهل گفتگو است اما در چارچوب عقل، حق و عدالت. تصریح می‌کنم که این فشارها، مسیر گفت‌وگو و حل مسائل را پیچیده‌تر و مشکل تر می‌کند.

وزیر اقتصاد تاکید کرد: اگر از من بپرسید که بالاترین حوزه‌های اثرگذاری تحریم‌های اخیر در کدام بخش بوده است، پاسخ می‌دهم ارز، تجارت خارجی و بودجه. البته در سیاست ارزی و تجاری بازبینی شد. نیازهای اساسی چون غذا و دارو از شوک‌های ارزی مصون شدند، در واقع دولت پذیرفت که تامین این نوع نیازها با نرخ ترجیحی و ارزانتر ارز صورت پذیرد.واردات اولویت بندی شد و بعد از غذا و دارو ،مواد اولیه و کالاهای واسطه ای مورد نیاز بخش های تولید با نرخی رقابتی تر در مرکزی تحت عنوان مرکز مبادلات ارزی که بازار مدیریت شده ارزاست، با حضور قوی بانک مرکزی تامین شدند.

وی افزود: البته با گذشت زمان، فواید شوک ارزی، افزایش نرخ ارز خارجی در کشور هویدا شد؛محصولات داخلی رقابتمندتر شدند،کل واردات حدود ١٤ درصد کاهش یافت و صادرات کالاهای غیر نفتی در بخش‌های صنعتی، معدنی و کشاورزی حدود ۲۰ درصد افزایش یافتند و موازنه بین واردات با صادرات غیرنفتی در سال گذشته از ۱۸ میلیارد دلار به ۱۲ میلیارد دلار بنفع صادرات کاهش یافت.به دلیل رونق گرفتن گردشگری و مسافرت‌های داخلی و جایگزینی آن با سفر سیاحتی به خارج، تراز خدمات به شدت بهبود یافته است و در کل، افزایش نرخ ارز سبب بهبود ساختار تراز تجاری شده است.

این مقام‌مسئول خاطرنشان کرد:در بخش مالی و بودجه دولت یک سیاست صرفه جویی همراه با انعطاف و ابتکار پیش بینی و اجرا شد. از آغاز سال یک پیش‌بینی دقیق از درآمدها انجام شد. مواردی چون حقوق و دستمزد که جزو هزینه‌های انعطاف ناپذیر بودند، صددرصد تخصیص داده شدند و برای فعالیتهای عمرانی، آن پروژه هایی که بالای ٦٥ درصد پیشرفت داشتند، در اولویت قرار گرفتند. البته بخش هایی چون مالیاتها تلاش شایسته‌ای انجام دادند. با پیشگیری از فرار مالیاتی و استفاده از ظرفیت‌های پنهان مالیاتی، درآمدهای این بخش، به میزان قابل قبولی کسری‌های درآمد نفتی را جبران کردند. البته با استفاده از ابزار تامین مالی اسلامی که جایگزین اوراق قرضه هستند، از مشارکت منابع مردم برای تامین مالی طرحهای عمرانی استفاده کردیم. اثر تحریم در بخش های واقعی مستلزم بررسی بیشتری است.

وی در ادامه گفت: در یک مطالعه دقیق به نتایج جالبی رسیدیم که با منطق اقتصادی جالب توجه است:بخش کشاورزی به خوبی از تغییرات نرخ ارز بهره مند شده است و تولید و محصولات کشاورزی بسیار رقابتمند شده و رشد یافته‌اند. بخش‌های معدنی به خوبی از شرایط جدید بهره مند شده، لیکن بخش صنعتی وابسته به واردات و کالاهای واسطه‌ای چون خودرو با کاهش تولید مواجه شده‌است و در مقابل،تولید بخش‌های صنعتی مستقل از واردات چون سیمان، شیشه.... افزایش یافته‌اند.

وزیر امور اقتصادی و دارایی اضافه کرد: بخش خدمات بویژه گردشگری بهبود یافته است. اگرچه حوزه بانکی، مستقیم درگیر تحریم است. در بخش مسکن به دلیل حضور و حمایت ویژه دولت در برنامه‌هایی چون تولید انبوه مسکن برای اقشار آسیب پذیر و متوسط، برنامه‌های تولید مناسب است.

در یک برآورد کلی، حتی رشد اقتصادی ایران در سال گذشته مثبت بوده است، اگرچه در برخی بخشها یا صنایع با کُندی رشد مواجه شده‌ایم.

وی بااشاره به اینکه بخش دیگری از اقتصاد ایران که عملکرد چشمگیری داشته است، بازار سرمایه ایران است، اضافه کرد: شاخص بورس تهران پارسال ٤٧ درصد رشد داشته است.

رودخانه کارون تحت کنترل کامل سدها قرار گرفت

با بهره‌برداری از سد گتوند علیا، کار سدسازی بر روی رودخانه کارون به پایان رسید و سیلاب‌های خروشان این رودخانه بزرگ تحت کنترل کامل سدهای احداثی قرار گرفت.

مهندس رضازاده مدیرعامل شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران در گفتگویی در پاسخ به اطلاعات درباره ویژگیهای این سد بزرگ، ضمن اعلام این مطلب اظهار داشت: سد گتوند با ۱۸۲ متر ارتفاع به عنوان بلندترین سدخاکی کشور و دومین مخزن بزرگ آبی بعد از سد کرخه به شمار می‌آید.

وی افزود: برای احداث سد گتوند ۸۲ میلیون مترمکعب خاکبرداری معادل ۲۰ میلیون کامیون خاک، ۲/۲ میلیون مترمکعب عملیات بتن‌ریزی معادل ۳۰ برابر برج میلاد و حفر ۳۰ کیلومتر تونل صورت گرفته است.

به گفته مدیرعامل آب نیرو سطح دریاچه ۱۰۸ کیلومتر برابر ۱/۱ برابر جزیره کیش، طول آن ۹۰ کیلومتر و حجم دریاچه ۲۵ برابر سد کرج است که با این ویژگیها، طرح مذکور تحت عنوان «گنجینه تلاش و نماد دانش» نام گرفته است.

نامبرده با بیان اینکه برای ساخت سد مذکور نزدیک به ۳۰۰۰میلیارد تومان هزینه شده است، خاطر نشان کرد: اگر فروش برق و آب تولیدی از این سد را محاسبه کنیم، روزانه یک میلیارد تومان درآمدزایی خواهد داشت.

همچنین اگر برق تولیدی این پروژه را با نیروگاه‌های کشور مقایسه کنیم، روزانه ۲میلیارد تومان درآمد و صرفه‌جویی کسب می‌شود.

رضازاده همچنین در تشریح یکی دیگر از ویژگیهای سد گتوند گفت: برای اولین بار شرکت ایرانی فرآب موفق شد توربین نیروگاه‌های ۲۵۰ مگاواتی را به تنهایی طراحی، تولید و نصب و راه‌اندازی کند که این توربین تست‌های لازم را در سوییس پشت سرگذاشته و اکنون در مدار بهره‌برداری قرار دارد. در این زمینه ایران تنها سازنده چنین توربین‌هایی در منطقه خاورمیانه خواهد بود.



قیمت جدید انواع خودروهای داخلی امروز اعلام می شود

قیمت جدیدانواع خودرو تولید داخل که بر مبنای شاخص تورم سال ۹۱ و شاخص کیفیت محصول مشخص شده است، امروز اعلام می شود.

عیسی امامی عضو شورای رقابت در گفتگو با فارس ضمن بیان این مطلب در واکنش به اظهارات اخیر قائم‌مقام وزیر صنعت اظهار داشت: بحثی در مورد جلسه جدید شورای رقابت با خودروسازان مطرح نیست و در جلسه نهایی این شورا که امروز برگزار خواهد شد، بر اساس نرخ تورم بخشی سال ۹۱ و شاخص کیفیت، قیمت جدید خودروها اعلام می شود.

وی تصریح کرد: با تعیین فرمول قیمت گذاری خودرو، در واقع مکانیزم قیمت گذاری مشخص شده و پس از استعلام نرخ تورم بخشی سال ۹۱ از بانک مرکزی و شاخص کیفیت از سازمان ملی استاندارد، قیمت نهایی خودروها تعیین خواهد شد.

امامی ادامه داد: قیمت جدید خودروها یا امروز توسط شورای رقابت اعلام می‌شود یا اینکه شرکت‌های خودروساز این قیمت‌ها را اعلام و در فروش خود اعمال خواهند کرد.

وی در پاسخ به این سوال که طبق گفته قائم‌مقام وزیر صنعت یکی از ابهامات خودروسازان این است که قیمت مواد اولیه در فرمول قیمت گذاری خودرو لحاظ شده یا خیر ، گفت: اینکه قیمت پایه سال قبل در فرمول تعیین قیمت جدید خودروها ذکر شده است، نشان می‌دهد که قیمت مواد اولیه در این فرمول مورد توجه بوده است.

به گزارش فارس، مسعود موحدی قائم مقام وزیر صنعت دیروز با اشاره به وجود برخی ابهامات در فرمول قیمت گذاری خودرو، گفت: قیمت جدید خودروها پس از رفع این ابهامات اعلام خواهد شد.

به گفته وی، پس از اعلام فرمول قیمت گذاری خودرو از سوی شورای رقابت، خودروسازان ابهاماتی را در مورد این فرمول مطرح کردند که قرار است در مذاکرات آنها با اعضای شورای رقابت برطرف شود.

وی در مورد این ابهامات توضیح داد: یکی از مسائل این بود که با توجه به اینکه قیمت خودرو در اول فروردین ۹۱ یا اسفند سال ۹۰ به عنوان مبنای قیمت گذاری قرار گرفته است، آیا در آن زمان قیمت خودرو در شرایط متعادل بازار تعیین شده بود یا خیر. یکی دیگر از ابهامات این است که آیا هزینه‌های تولید مالی یا تأمین کالا برای خودروسازان از خارج از کشور در تورم بخشی مورد توجه قرار گرفته یا خیر.

نامبرده با بیان اینکه خودروسازان با شورای رقابت در روزهای آینده بحث خواهند کرد، تصریح کرد: کیفیت خودرو از جمله معیارهایی است که در فرمول قیمت گذاری مورد توجه شورای رقابت بوده در حالی که مؤسسه استاندارد در جریان کیفیت نیست و باید منتظر باشیم تا ابهامات موجود برطرف شود.

خبر دیگر اینکه شورای رقابت دیروز فرمول قیمت گذاری خودرو را بر روی سایت خود اصلاح کرد.

فرمولی که پریروز به عنوان مبنای قیمت گذاری خودرو بر روی سایت شورای رقابت قرار گرفت عبارت بود از:

Pt=Pt+pt-1 (p+1/2dz-%2)

که این فرمول، عبارت Ptهم به عنوان مجهول و هم به عنوان معلوم مطرح شده است.

با این حال شورای رقابت دیروز با اصلاح این اشکال، عبارت Pt را به Pt-۱تغییر داده و فرمول را به این صورت بر روی سایت خود قرار داده است:

Pt=Pt-1+pt-1 (p+1/2dz-%2)

در این فرمول:

Pt-۱= قیمت هر نوع خودرو در ابتدای سال پیشین

Pt= قیمت هر نوع خودرو در سال مورد عمل

dz= تغییر شاخص کیفیت همان خودرو در طول سال تقسیم بر بدترین شاخص کیفیت پایین ترین کیفیت گروه خودروها در سال پیشین بر اساس اعلام موسسه ملی استاندارد.

P= نرخ تورم سالانه تولید همان خودرو در طول یکسال بر اساس گزارش رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۲٪ = بهره وری سالانه مورد انتظار از خودرو سازان نسبت به سال پیشین

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۸۸/۱۰ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۹۹/ ۲۹ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۹۶/۳۰ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۴۱۸/۷۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۳۰۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۳۳۵۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۷۰۳۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۴۴۰۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۳۱۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۲۸۸۰۰ تومان
هر گرم نقره خام	۳۷۵۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ مبادله ای)	۲۴۷۶/۵ تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر رسمی)	۳۶۰۰ تومان
یورو(نرخ مبادله ای)	۳۲۳۱/۵ تومان
یورو(نرخ غیر رسمی)	۴۷۴۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ مبادله ای)	۳۷۸۲/۷ تومان
پوند انگلستان(نرخ غیر رسمی)	۵۳۲۰ تومان
درهم امارات (نرخ مبادله ای)	۶۷۴/۲ تومان
درهم امارات (نرخ غیر رسمی)	۹۷۵ تومان

ممانعت انگلیس از تسویه بدهی نفتی شل با ایران

دولت انگلیس با هدف تحت فشار قرار گذاشتن ایران و اجبار تهران به کوتاه آمدن در مذاکرات هسته‌ای از ارسال غله و دارو در برابر بدهی شرکت نفتی شل به ایران خودداری کرد.

به گزارش فارس به نقل از رویترز، منابع آگاه انگلیسی خبر دادند که دولت این کشور مانع تلاش‌های شرکت نفتی شل برای پرداخت بدهی ۲,۳ میلیارد دلاری خود به ایران در قالب غلات یا دارو شده است.

این درحالی است که رستم قاسمی وزیر نفت ایران چند روز پیش اعلام کرد که اخیرا توافقاتی با شرکت شل صورت گرفته است و مجوزهایی در این زمینه از اتحادیه اروپا و سازمان ملل برای تسویه بدهی شل دریافت شده است.

قیمت جدید انواع روغن نباتی اعلام شد

لیست قیمت محصولات عمده تولیدی شرکت های روغن نباتی با ۳۰ تا ۳۵ درصد تعدیل اعلام شد.

به گزارش روابط عمومی انجمن صنفی صنایع روغن نباتی ایران، این انجمن با عنایت به صورتجلسه ستاد تنظیم بازار مورخ ۹۲/۰۱/۲٦ و هماهنگی فی مابین سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان لیستی قیمت جدید روغن نباتی را به شرح زیر اعلام کرد:بطری ٦۷۵ گرمی روغن سویا ۲۷ هزار و ۳۰۰ ریال ، بطری ۸۱۰ گرمی روغن سویا ۳۵ هزار و ۱۰۰ ریال ، حلب ٤ کیلو گرمی نیمه جامد ۱۹٦ هزار ریال ، حلب ٤/۵ کیلوگرمی نیمه جامد ۲۱۲ هزار ریال، حلب ۵ کیلو گرمی نیمه جامد ۲۳۹ هزار ریال و روغن فله هر کیلو ۳۷ هزار و ۷۵۰ ریال.

سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان نیز اعلام کرده، مادامی که نرخ های جدیدروغن نباتی روی سایت این سازمان درج نشده است، هیچ توزیع کننده ای حق افزایش قیمت روغن نباتی را ندارد و با متخلفان به شدت برخورد خواهد کرد.

رشد تولید فولاد خام ایران

تولید فولاد خام ایران در ماه گذشته میلادی با رشد ١٤,٣ درصدی نسبت به مدت مشابه پارسال به یک میلیون و ۳۳۰ هزار تن رسید.

انجمن جهانی فولاد (WSA) در تازه ترین گزارش خود تولید فولاد خام ایران را در ۳ ماه گذشته میلادی، ۳ میلیون و ٦٤۰ هزار تن اعلام کرد که این میزان نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۲ میلادی (۳ میلیون و ٦۲٦ هزار تن) افزایش ۰,٤ درصدی را نشان می دهد.

نرخ رشد تولید فولاد خام ایران هم در ماه گذشته از سایر کشورهای عمده تولید کننده فولاد خام در جهان مانند چین، هند، آمریکا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، روسیه، اوکراین، کانادا، مکزیک، برزیل و ژاپن بالاتر بوده است.

امکان رهگیری محصولات تولیدی یک میلیون هکتار از اراضی کشاورزی

عملیات شناسنامه‌دار کردن محصولات تولیدی بخش کشاورزی در یک میلیون هکتار از اراضی کشور آغاز شده است و مصرف‌کنندگان به زودی می‌توانند با استفاده از کد ١٦ رقمی الصاقی برروی این محصولات، امکان رهگیری تخلفات احتمالی را داشته باشند.

به گزارش خبرنگار ما، مهندس آقارضا فتوحی رئیس سازمان حفظ نباتات با اعلام این مطلب در یک نشست خبری گفت: براساس تکلیف برنامه پنجم توسعه، ٤ میلیون هکتار از اراضی زیر کشت باید تحت پوشش مدیریت تلفیقی مبارزه با آفات (IPM) قرار بگیرد که تاکنون ۲/۳ میلیون هکتار تحت پوشش قرار گرفته است.

به گفته وی، برای اولین بار بحث شناسنامه دار کردن محصولات کشاورزی مطرح و جدی گرفته شده است که دراین خصوص این طرح برای تولیدات یک میلیون هکتار از اراضی تحت پوشش برنامهIPM به اجرا گذاشته می‌شود.

فتوحی ادامه داد: دراین خصوص هر محصولی که می‌خواهد وارد بازار و میادین تره‌بار شود، باید حاوی کد ١٦رقمی که شامل کد استان، شهرستان یا گلخانه تولیدکننده، نام گیاهپزشک، نام محصول و نام کشاورز است، باشد.

وی‌افزود:دراین طرح محموله‌های تولیدی در بار اندازهای مبدأ پلمب و به بار اندازهای مقصد منتقل و درنهایت در برخی غرف تره‌بار عرضه می‌شود. در صورت بروز تخلف هم از طریق شناسنامه صادر شده، کشاورز یا گیاهپزشک متخلف شناسایی و مورد پیگیری قرار خواهند گرفت.

نامبرده گفت: حسن دیگر این کار مرتکب نشدن سایر کشاورزان هر روستا به تخلف در صورت معرفی متخلف است که این امر کمک شایانی به تولید محصول سالم می‌کند.

وی با بیان این که افزایش تولید توأم با کیفیت، اقتصادی شدن این بخش را به همراه خواهد داشت، افزود: تضمین کیفیت محصولات کشاورزی هم به صورت جدی در دستور کار قرار گرفته است و به دستور وزیر کشاورزی همه رؤسای سازمان استانها ملزم به کنترل فرآیند تولید شده‌اند. نتایج پایش‌های سال ۹۱ هم حاکی از سالم بودن اغلب تولیدات بخش است.

رئیس سازمان حفظ نباتات در توضیح افزایش حساسیت در مورد تولید محصولات سالم خاطرنشان کرد: در همین رابطه هفت مدیرکل از جمله مدیرکل‌های نظارت بر سموم، آمار، اطلاعات و فناوری و تحلیل خطرها به سازمان اضافه شده است.

وی از حذف ۳۰۰۰تن سموم پرخطر و جایگزینی ۱۸ رقم سموم کم خطر با منشأ گیاهی و بکارگیری ٤۵۰۰نفر در کلینیک‌های گیاهپزشکی به عنوان بخش دیگری از فرآیند سالم سازی فرآیند تولید خبرداد و گفت: هم اکنون تمامی گلخانه‌ها تحت پوشش طرح IPM قرار گرفته‌اند، با این حال به صورت تصادفی نمونه‌هایی توسط سازمان مورد آزمون قرار می گیرد تا تخلفات احتمالی شناسایی شوند.

فتوحی در ادامه، کاهش ۲۵درصدی مصرف سموم در سال ۹۱ را یک انقلاب ذکر کرد و یادآور شد: کار آموزش و نصب سامانه مونیتورینگ برای ردیابی سموم در ۳۰ استان کشور انجام شده و سامانه صدور الکترونیکی مجوز ترخیص محموله‌های کشاورزی در گمرکات کشور بزودی راه‌اندازی خواهد شد که تاکنون دو استان به این سامانه تجهیز شده است.



۲۰درصد بتن‌های تولیدی غیر استاندارد هستند

سرویس اقتصادی:۲۰ درصد از بتن‌های آماده در کشور که در ساخت و سازها مورد استفاده قرار می گیرند، غیراستاندارد هستند. دکتر محمود فاطمی عقدا رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی دیروز در جمع خبرنگاران گفت: دلیل غیر استاندارد بودن این ۲۰ درصد بتن مربوط به خطوط تولید و قدیمی بودن آن‌ها است.

وی افزود: در استاندارد بتن باید به سه مرحله استاندارد در تولید، مصرف و حمل توجه شود، زیرا بتن برای مصرف دوره زمانی مشخص دارد، و ممکن است بتن تولیدی ۱۰۰ درصد استاندارد باشد ولی در مرحله مصرف و حمل و نقل از حالت استاندارد خارج شود.دکتر فاطمی عقدا ادامه داد: به طور میانگین اگر بتن خوب تولید و مصرف شود، باید بتوان ۱۰۰ سال هم از آن استفاده کرد، اما عمر مفید بتن به هر حال به نحوه استفاده و نوع مصرف آن باز می گردد.رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی افزود: سرانه تولید بتن در کشور حداقل ۳ برابر بیشتر از سرانه جهانی است که به دلیل استفاده نادرست از آن و هدر رفتن بیش از حد است.وی خاطر نشان کرد: ساخت بتن در محل کار هم سبب کاهش کیفیت می‌شود و هم پرت مصالح را به دنبال دارد و مرکز اقدامات بسیاری کرده تا از این امر جلوگیری کند. یکی از این راهکارها استفاده از ملاتهای خشک آماده یا فرآورده‌های سیمانی است.فاطمی عقدا ادامه داد: تحقیقات کاربردی در این زمینه ۵ سال پیش به پایان رسید و معرفی شد و امروز شاهد وجود ۱۸ تولید کننده ملات خشک آماده شناسنامه‌دار در کشور هستیم.

وی افزود: سازه‌های بتنی در سواحل کشور کمتر از ۱۰ سال عمر می‌کنند و به شدت در حال تخریب هستند که استفاده از این ملاتها می‌تواند در طول عمر سازه‌ها بسیار مفید باشد.رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با اشاره به اینکه بتن به عنوان مهمترین ماده ساختمانی و یکی از شاخص‌های توسعه کشورها به شمار می‌رود، گفت: چهارمین کنفرانس بین‌المللی بتن و توسعه از ۹ تا ۱۱ اردیبهشت برگزار می‌شود.

قیمت نان تغییر نمی کند

تصمیمی برای افزایش قیمت نان اتخاذ نشده و در ماه‌های آینده با تغییر قیمت نان مواجه نخواهیم بود.

دکتر مسعود موحدی قائم مقام و سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت دیروز در گفتگو با خبرنگاران ضمن بیان این مطلب با اشاره به برخی اظهارنظرها در مورد احتمال افزایش قیمت نان، تصریح کرد: گندم باید با قیمت مناسب از کشاورزان خریداری شود و در این زمینه باید معیشت و قیمت نان با هم در نظر گرفته شود.

وی همچنین گفت:دولت تعرفه واردات خودروهای با حجم موتور کمتر از ۲۵۰۰ سی سی را به ٤۰ درصد و تعرفه واردات خودروهای با حجم موتور بالاتر را به ۷۵ درصد کاهش داده است .

قائم مقام وزارت صنعت گفت : البته واردات خودروهای با حجم موتور بالاتر از ۲۵۰۰ سی سی که در لیست گروه دهم کالاهای وارداتی برای دریافت ارز مرجع قرار دارند ، همچنان ممنوع است.

وی در ادامه با اشاره به واردات ۵۳ میلیارد دلاری کالا در سال گذشته به کشور، گفت: در این مدت، ارزش صادرات به ٤۱ میلیارد دلار رسید که به این ترتیب در حوزه غیرنفتی کسری ۱۲ میلیارد دلاری را در تراز تجاری داشته‌ایم. هر چند در کل، تراز تجاری کشور مثبت بوده است.

موحدی با بیان اینکه در سال جاری باید بخشی از کسری تراز تجاری در حوزه غیرنفتی از طریق کاهش واردات تأمین شود، افزود: در این جهت باید بخش قابل توجهی از نیاز کشور از طریق تولیدات داخلی تأمین شود.

به گفته وی، با در نظر گرفتن ۳ میلیارد دلار بابت واردات مواد اولیه و تجهیزات به کشور، کسری تراز تجاری در حوزه غیرنفتی به ۱۵ میلیارد دلار می‌رسد که باید ۲۰ درصد از آن را از طریق کاهش واردات و ۸۰درصد آن را از طریق افزایش صادرات جبران کنیم. البته تحقق این هدف در سال ۹۲ کار مشکلی است ولی می‌توانیم طی یک یا دو سال به آن دست یابیم.

نامبرده‌تصریح‌کرد:کاندیداهای‌ریاست‌جمهوری باید در این زمینه برنامه مشخصی را ارائه و عنوان کنند که چگونه می توانند کسری تراز تجاری را رفع کنند یا اینکه چطور می‌خواهیم در شرایط تحریم برای توسعه روابط با کشورهای دیگر عمل کنیم.

وی افزود: نامزدها باید اعلام کنند برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز چه برنامه‌ای دارند یا اینکه چطور باید نقدینگی به سمت تولید مدیریت شود و رابطه نقدینگی و تورم چگونه باشد.

سخنگوی وزارت صنعت گفت: فرمول قیمت‌گذاری خودروهای تولید داخل که از سوی شورای رقابت تعیین شده ، دارای ابهاماتی است که پیش از رفع این ابهامات، قیمت‌های جدید اعلام نخواهد شد. وی در مورد این ابهامات توضیح داد: یکی از مسائل این بود با توجه به اینکه قیمت خودرو در اول فروردین ۹۱ یا اسفند سال ۹۰ به عنوان مبنای قیمت‌گذاری قرار گرفته است، آیا در آن زمان قیمت خودرو در شرایط متعادل بازار تعیین شده بود یا خیر.

این مقام مسئول ادامه داد: یکی دیگر از ابهامات این است که آیا هزینه‌های تولید مالی یا تأمین کالا برای خودروسازان از خارج از کشور در تورم بخشی مورد توجه قرار گرفته یا خیر.

وی تصریح کرد: کیفیت خودرو از جمله معیارهایی است که در فرمول قیمت‌گذاری مورد توجه شورای رقابت بوده، در حالی که مؤسسه استاندارد در جریان کیفیت نیست و باید منتظر باشیم تا ابهامات موجود برطرف شود.

بازنشستگی در مشاغل زیان‌آور مشروط به ۷۳۰۰ روز کار متوالی شد

سرویس پارلمانی: طرح «استفساریه جزء یک بند ب تبصره ۲ ماده ۷٦ قانون تأمین اجتماعی»، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و از تصویب نهایی گذشت.

موضوع استفساریه و پاسخ مجلس را در زیر می‌خوانید:

موضوع استفساریه

آیا مراد قانونگذار از عبارت «افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب در کارهای سخت و زیان‌آور (مخل سلامت) اشتغال داشته باشند»، در جزء یک بند ب اصلاحیه تبصره ۲ ماده ۷٦ قانون تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی، داشتن حداقل ۷هزار و ۳۰۰ روز اشتغال در یک یا چند شغل زیان‌آور در یک یا چند کارگاه است؟

نظریه مجلس

بلی. توالی اشتغال به قوت خود باقی است.

موافقت با یک فوریت طرح حمایت از تولید ملی

طرح «ایجاد حساب ویژه حمایت از تولید ملی»، با پیشنهاد یک فوریت در این جلسه مورد بحث قرار گرفت و این پیشنهاد به تصویب رسید.

به موجب این طرح، همه بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی، اعتباری، هر ماه حداقل باید ۵۱ درصد از کل سپرده‌ها را به حساب ویژه «حمایت از تولید ملی» که نزد بانک مرکزی افتتاح می‌شود، واریز کنند.

هدف از تدوین این طرح، فعال‌سازی نقدینگی در امور تولیدی اعلام شده است.

عضویت ایران در مجمع انرژی

لایحه «اصلاح قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی انرژی»، در ادامه این جلسه مورد بررسی قرار گرفت و از تصویب نهایی گذشت.

لایحه «تعیین حریم حفاظتی، امنیتی اماکن و تأسیسات کشور»، به عنوان دیگر دستور این جلسه مطرح شد و در شور اول به تصویب رسید.

براساس این لایحه، تأمین حفاظت و امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده کشور اعم از نظامی، انتظامی، امنیتی و کشوری و رعایت حریم آن‌ها لازم‌الاجراست.

لایحه ترکیب اعضا و شرح وظایف شورای عالی بیمه سلامت با قید یک فوریت در این جلسه مورد بحث قرار گرفت و این درخواست تصویب شد.

سئوال از وزیر ورزش و جوانان

سئوال بهروز نعمتی نماینده اسدآباد و ۹ تن دیگر از نمایندگان، از محمد عباسی، وزیر ورزش و جوانان، در مورد علت دخالت آن وزارتخانه در امور فدراسیون‌ها، متوقف شدن طرح‌های ورزشی و اتخاذ تصمیم‌های ورزشی در بیرون از وزارتخانه، عزل و نصب مدیران در ماه‌های پایانی کار دولت، انفعال حوزه جوانان، اجرا نشدن مفاد برنامه پنجم توسعه و قانون ایثارگران، در ارتباط با ورزش، تعدیل ساختار در حوزه ورزش زنان، ناشنوایان و ورزش همگانی و ترویج فامیل سالاری، در این جلسه مطرح و پاسخ وزیر پس از رأی‌گیری قانع کننده اعلام شد.

موافقت کمیسیون تلفیق با افزایش قیمت حامل‌های انرژی

هنوز ابعاد موضوع و میزان یارانه نقدی مشخص نیست و در صورت تصویب رقم جدید در صحن علنی مجلس، شاهد تغییرات اساسی در اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها خواهیم بود.

رحیم ممبینی معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در گفتگو با ایسنا، با بیان این‌که در جلسه کمیسیون تلفیق بودجه ۹۲ مجلس شورای اسلامی اعتبارات مربوط به اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها با کاهش ۷۰ هزار میلیارد تومانی تصویب شد، اظهار کرد: در لایحه‌ی بودجه سال ۹۲ درآمد ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی را برای اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها پیشنهاد داده بودیم، اما در کمیسیون تلفیق رقم ۵۰ هزار میلیارد تومان به تصویب رسید.

وی افزود: از درآمد ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی پیشنهاد شده ۹۰ هزار میلیارد تومان برای پرداخت یارانه نقدی، ۱۵ هزار میلیارد تومان برای تولید و هم‌چنین ۱۵ هزار میلیارد تومان برای کمک به طرح‌های عمرانی و هزینه‌های جاری که عمدتا مربوط به حقوق کارکنان می‌شد، در نظر گرفته شده بود.

معاون بودجه معاونت نظارت راهبردی ریاست جمهوری تاکید کرد: با وجود طولانی‌شدن بحث و ارائه توضیحات در ابعاد مختلف و آثار اقتصادی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و شیوه اجرا، در نهایت کمیسیون تلفیق مبلغ ۵۰ هزار میلیارد تومان را تصویب کرد.ممبینی تصریح کرد: در واقع مشخص‌نشده که چه میزان اعتبار به پرداخت یارانه نقدی، بودجه دولت و تولید اختصاص می یابد و چگونگی آزاد سازی قیمت حامل‌های انرژی هم مشخص نیست.وی افزود: بنا به قانون هدفمندی یارانه‌ها ۳۰ درصد از منابع مربوط به هدفمندسازی یارانه‌ها برای بخش تولید، ۲۰ درصد کمک به بودجه دولت و ۵۰ درصد برای پرداخت به اقشارجامعه باید هزینه شود.

ممبینی تاکید کرد: هنوز چگونگی اجرای گام دوم قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و میزان پرداخت یارانه نقدی مشخص نیست.

وی در پایان با تاکید بر این‌که باید بر روی این رقم تجدیدنظر شود، اضافه کرد: اگر بنا باشد قانون هدفمندسازی یارانه‌ها با این منابع اجرا شود، تغییرات اساسی در روند اجرای آن ایجاد خواهد شد.

افزایش ۳۹ درصدی قیمت حامل های انرژی

سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی هم گفت: با مصوبه کمیسیون تلفیق قیمت حامل های انرژی در سال ۹۲ به طور میانگین ۳۸ تا ۳۹ درصد افزایش می یابد.

به گزارش ایرنا، جعفر قادری در یک نشست خبری با تشریح آخرین مصوبات کمیسیون تلفیق اظهارداشت: نحوه افزایش قیمت حامل های انرژی به تصمیم دولت بستگی دارد که می تواند برخی حامل های انرژی را بیشتر افزایش دهد.

وی افزود: اگر دولت بخواهد تورم کمتری ایجاد شود، باید قیمت حامل های انرژی مصرفی مانند بنزین را افزایش دهد.

سخنگوی کمیسیون تلفیق ادامه داد: افزایش برخی حامل های انرژی مانند گازوئیل که برای حمل و نقل و تولید مورد استفاده قرار می گیرند، موج تورمی بیشتری را ایجاد می کند.

وی با بیان این که نحوه توزیع ۵۰ هزار میلیارد تومانی بودجه هدفمندی سال ۹۲ به تصمیم دولت بستگی دارد، خاطرنشان کرد: ٤۲ هزار میلیارد تومان بین مردم توزیع می شود و ۸ هزار میلیارد تومان بودجه مازاد هدفمندی است که می توان آن را برای بخش هایی مانند بهداشت اختصاص داد.

نامبرده اظهارداشت: دولت با پیشنهاد ۱۲۰ هزار میلیارد تومان بودجه هدفمندی در سال ۹۲ در نظر داشت این طرح را با شیب تند اجرا کند که در نتیجه آن قیمت حامل های انرژی حدود ٤۰۰ درصد افزایش می یافت.

وی با اشاره به برخی اظهارات مبنی بر ارایه یارانه ۲۵۰ هزار تومانی به مردم گفت: پرداخت این مبلغ مستلزم این است که قیمت هر لیتر بنزین به ۳۰۰۰تومان افزایش یابد.

قادری ادامه داد: در کمیسیون تلفیق پیشنهادات مختلفی توسط نمایندگان و کمیسیون های تخصصی برای تعیین قیمت بنزین و سایر حامل های انرژی مطرح شد، اما کمیسیون تلفیق با خودداری از وارد شدن به جزییات، تصمیم گیری در خصوص قیمت گذاری را به دولت محول کرد.

وی اضافه کرد: براین اساس کمیسیون تلفیق بودجه عملیاتی هدفمندی یارانه ها در سال ۹۱ را از ٤۲ هزار میلیارد تومان به ۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش داد که دولت در قالب این سقف تعیین شده عملکردها و جزییات را مشخص می کند.

این نماینده مجلس گفت:سال گذشته از ٤۲ هزار میلیارد تومان بودجه عملیاتی هدفمندی یارانه ها ۲۸ هزار میلیارد تومان از محل افزایش قیمت حامل های انرژی و ١٤ هزار میلیارد تومان از محل بودجه و استقراض از بانک مرکزی تامین شده است. وی با اشاره به پیشنهاد ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی دولت برای اجرای طرح هدفمندی در سال ۹۲ گفت: ۱۰۸ هزار میلیارد تومان از درآمد این بخش از محل افزایش قیمت حامل های انرژی تامین می شود.

قادری اضافه کرد: دولت در نظر داشت ۹۰ هزار میلیارد تومان از این مبلغ را بین مردم توزیع کند و ۱۵ هزار میلیارد تومان را به بخش تولید اختصاص دهد و ۱۵ هزار میلیارد تومان راهم به بودجه تزریق کند.

وی خاطرنشان کرد: بررسی احکام درآمدی بودجه همچنان در کمیسیون تلفیق ادامه دارد، اما این کمیسیون تلاش می کند تا لایحه بودجه را تا ۱۵ اردیبهشت به صحن علنی مجلس تقدیم کند.

وی اضافه کرد: به دلیل این که کلیات لایحه بودجه ۹۲ یک بار در صحن مجلس تصویب شده است، نیازی به تصویب مجدد آن در صحن وجود ندارد و بنابراین می توانیم به سرعت بررسی جزییات این لایحه را در صحن آغاز کنیم.

شرکت های دارویی یارانه می گیرند

یک عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی هم از برگزاری جلساتی در این کمیسیون برای بررسی روند تغییر قیمت دارو به دنبال تخصیص ارز مبادله ای خبر داد و گفت: حداقل افزایش قیمت در داروها را خواهیم داشت.

عبدالرحمان رستمیان در گفت‌وگو با ایسنا به ارائه توضیحاتی پیرامون تاثیر مبادله‌ای شدن ارز در بازار دارویی کشور پرداخت و اعلام کرد: کارخانه‌ها و شرکت‌های دارویی ذخایری از سال گذشته دارند و مواد اولیه‌ای که شرکت‌های دارویی در سال گذشته خریداری کرده‌اند تا شش ماه دیگر کفایت می‌کند و لذا انتظار می‌رود افزایش قیمتی در هفته‌های آینده نداشته باشیم.

وی افزود: البته در سال جاری هم که باید با ارز ۲۴۵۰ تومانی دارو و مواد اولیه وارد کنند، مابه التفاوت آن در قالب یارانه تعلق خواهد گرفت تا حداقل افزایش قیمت ها را در این حوزه داشته باشیم.

نظام جدید آموزشی طرحی شکست خورده

همچنین عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، اجرای نظام آموزشی جدید را در مدارس یک طرح شکست خورده اعلام کرد و گفت: پس از گذشت تقریباً یک سال از زمان اجرای نظام آموزشی جدید در قالب ۶،۳،۳، مدیران و مسئولان آموزش و پرورش باید به این نتیجه رسیده باشند که اجرای آن کار اشتباهی بوده و این طرح با شکست مواجه شده است.

رسول خضری در گفتگو با مهر گفت: براساس صحبت های وزیر آموزش و پرورش اجرای نظام ۶،۳،۳ اجرای بخشی از سند تحول بنیادین بوده است، در حالیکه اجرای مفاد این سند از سوی وزرای قبلی هم تاکید شده بود، اما آنها وقتی دیدند که زیرساخت های لازم برای تحول در آموزش و پرورش ایجاد نشده است، حاضر به اجرای آن نشدند.

وی افزود: اگر قرار باشد تحول در آموزش و پرورش صورت گیرد، باید کارها و اقدام ها متحولانه تقسیم بندی شده و با توجه به اهمیتشان انجام شود. در حال حاضر هوشمندسازی، نوسازی، مقاوم سازی و بهسازی مدارس کشور یکی از مهمترین برنامه ها در آموزش و پرورش است.

نامبرده با اشاره به اینکه وزیر آموزش و پرورش مهمترین برنامه های این وزارتخانه را رها کرده و تحول را فقط در اضافه کردن یک پایه یا تغییر محتوای کتاب ها می بیند، ادامه داد: برای ایجاد پایه ششم ابتدایی لازم بود که کلاس ها هوشمندسازی شود، در شرایطی که برای هوشمندسازی به آموزش پرورش بودجه اختصاص داده می شود، اما مدارس پول هوشمندسازی کلاس ها را از والدین دریافت می کنند.

به گفته این نماینده مجلس، برای هوشمندسازی هر کلاس درس باید ۳ تا ٤میلیون تومان هزینه شود، بودجه هم در اختیار آموزش و پرورش قرار داده شده، اما می بینم که هزینه های هوشمندسازی از والدین دریافت می شود و باید دید که بودجه هوشمندسازی در آموزش و پرورش صرف چه کارهایی می شود؟

در آستانه افتتاح بزرگ‌ترین باغ پرندگان خاورمیانه در تهران

سهمی از زمین برای پرندگان آسمان



* باغ پرندگان تهران، فضای گسترده و سرپوشیده‌ای در شمال شرق تهران است که ۲۳ هکتار از ۸۶ هکتار مجموعه گردشگری پارک جنگلی لویزان را به خود اختصاص داده است و بزرگ‌ترین باغ پرندگان در خاورمیانه محسوب می‌شود

* ورود خودرو به داخل باغ پرندگان ممنوع است و بازدیدکنندگان می‌توانند با وسایل نقلیه سازگار با محیط زیست، مانند ماشین برقی و یا به صورت پیاده، از باغ بازدید به عمل آورند و یا با کالسکه، در مسیر دور تا دور مجموعه ۸۶ هکتاری لویزان گردش کنند

آن پرنده عاشق است
عاشق ستاره ماهی ای
که مثل یک نگین نقره‌ای
روی دست آب برق می‌زند
ماهی لباس نقره‌ای هم عاشق است
عاشق پرنده طلایی ای
که مثل سکه‌ای
توی مشت آفتاب
برق می‌زند

آن پرنده را ولی چطور
می‌شود به ماهی اش رساند!
خطبه عروسی
این دو عاشق عجیب را چطور
می‌شود میان ابر و آب خواند!
هیچ کس
تا کنون
سفره‌ای برای عقد ماهی ای نچیده است
هیچ کس پرنده ماهی ای ندیده است
*****

یک شبی ولی
مطمئنم عشق، بال می‌شود
راهی
جاده‌های روشن خیال می‌شود
ماهی ای
می پرد به سمت آسمان
یک شبی
مطمئنم عشق باله می‌شود
راه‌های دور
مثل کاغذی
مچاله می‌شود
و پرنده‌ای شناکنان
می‌رود به قعر آب‌های بیکران!
***

بعد از آن
روی نقشه‌های عاشقی
سرزمین تازه‌ای
آفریده می‌شود
و پرنده ماهی ای
بال و پرزنان، شناکنان
هم در آب و هم در آسمان
دیده می‌شود

عرفان نظرآهاری

«باغ پرندگان» با توجه به تلفیق طبیعت و حیات وحش از نوع خاص پرندگان آن، می‌تواند یکی از پربازدیدترین پارک‌های گردشگری هر کشور باشد و مجموعه‌ای از امکانات خاص مانند تکثیر پرندگان عادی یا کمیاب، فروش پرندگان و تجهیزات تخصصی نگهداری از آن‌ها و موزه‌های ویژه پرندگان تاکسیدرمی شده داشته باشد.

همچنین علاوه بر جاذبه پرندگان، فضای سبز، برکه‌ها و صخره‌های مصنوعی و برخی فضاهای تفریحی جانبی در این گونه باغ‌ها یا پارک‌ها وجود دارد که می‌تواند میان انسان و آسمان و زمین و زمینیان دیگر، آشتی برقرار کند و فضای خالی میان زندگی سیمانی امروزی و طبیعت آرامش بخش فراموش شده را پر کند. زنده کردن محیط زیست و حیات طبیعی جانداران و نگهداری از آن‌ها، قطعه گمشده زندگی بشر امروزی است که می‌تواند بار دیگر، خاطره حیاتی بهشتی و لذت بخش را در کره خاکی تجدید کند.

بزرگ‌ترین باغ پرندگان دنیا

بزرگ‌ترین باغ پرندگان دنیا را می‌توان در مالزی دید که یکی از جاذبه‌های گردشگری معروف نیز محسوب می‌شود. باغ پرندگان مالزی در منطقه‌ای به‌نام «دریاچه باغ‌ها» (Lake Gardens) با وسعت ٦٠ هکتار قرار دارد و در سال ١٨٨٨ میلادی در نوار سبز کوالالامپور احداث شد. باغ پرندگان کوالالامپور در سال ١٩٩١ میلادی، به‌صورت رسمی با حضور ملکه مالزی آغاز به کار کرد. این باغ فقط ١٠ دقیقه تا مرکز شهر فاصله دارد. دریاچه‌ای مصنوعی در کنار باغ پرندگان ساخته شده است تا گردشگران بتوانند با استفاده از قایق‌های تفریحی نیز به تماشای این باغ بپردازند. این پارک، بزرگ‌ترین باغ پرندگان جهان است که لانه ٣هزار پرنده از ٢٠٠ گونه مختلف از سراسر جهان در آن قرار دارد و نیز بزرگ‌ترین پارک در دنیا است که پرندگان در آن به‌شکل آزاد نگهداری می‌شوند و به راحتی در میان شاخه‌ها و درختان پرواز می‌کنند و منظره طبیعی و زیبایی به چشم گردشگران هدیه می‌دهند. گردشگران نیز برای جلوگیری از برخورد با پرندگان باید در میان نرده‌های کوتاهی حرکت کنند و از انجام کارهایی که موجب ترس و وحشت پرندگان می‌شود، بپرهیزند تا از آسیب نوک و سرپنجه تیز برخی از پرندگان که آن‌ها نیز به صورت آزاد در پروازند، در امان بمانند. از دیگر جاذبه‌های بازدید از این پارک پرندگان، لذت غذادادن و لمس کردن و عکس گرفتن با آن‌هاست که به صورت بسیار محافظت شده، انجام می‌گیرد. بازدیدکنندگان می‌توانند بسته‌های غذایی مخصوص را در پارک بخرند و به پرندگان بدهند و یا در کلبه بزرگی که در وسط پارک است، به همراه نگهبان وارد شوند و برخی از پرندگان بر سر و دست آنان بنشینند و افتخار عکسی یادگاری را نصیب گردشگران کنند!

باغ‌های پرندگان ایران

در ایران نیز، شهرهای بسیاری، قسمتی از زمین سبز و آسمان صافشان را به پرندگان اختصاص داده‌اند و قفسی به بزرگی باغ پرندگان برای آن‌ها ساخته‌اند. معروف‌ترین باغ پرندگان کشور، در شهرهای ارومیه، اصفهان، آستارا، ساوجبلاغ، شیراز، کرمانشاه، کیش و اخیرا نیز در تهران بزرگ احداث شده‌اند که به زعم مجریان و دست اندرکاران این پروژه، بزرگی و عظمت و تکامل باغ پرندگان تهران، معنای حقیقی باغ و پارک پرندگان را به زیبایی مجسم کرده است. این که باغ پرندگان، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و استانداردهای جهانی چنین باغ و پارک‌هایی چگونه است و چه کسانی می‌توانند اقدام به این کار کنند، در پورتال سازمان محیط زیست و با عنوان «چارچوب کلیات ضوابط و معیارهای احداث باغ پرندگان» بیان شده است. برای احداث باغ پرندگان با اهداف آموزشی، تحقیقاتی و تفریحی، ضروری است ضمن کسب آگاهی در مورد خصوصیات انواع پرندگان و از جمله رفتارها، تغذیه، تولیدمثل و لانه سازی، شرایط زیست طبیعی هر پرنده نیز تا جایی که امکان دارد، شبیه سازی شود.

از دیگر نکات مهم، تفکیک زیستگاه پرندگان بر اساس اقلیم و نوع زیستگاه آن‌ها است. به عبارتی، پرندگان خشکی زی، آبزی و کنار آبزی، هر کدام ویژگی‌های خود را دارند که در ساخت باغ پرندگان باید در نظر گرفت. بنابراین در هر زیستگاهی می‌توان در جستجوی پرندگان مختص همان زیستگاه بود. همچنین سازگاری پرندگان نسبت به هم نیز، باید بررسی شود. به طور مثال پرندگان شکاری با گونه‌هایی که مستقیماً مورد تغذیه و شکار آنها قرار می‌گیرند، نباید در یک محل نگهداری شوند. توصیه می‌کنیم، قبل از بازدید از باغ پرندگان و نمونه بزرگ آن در پایتخت، از شرایط اصولی باغ‌های پرندگان، کسب اطلاع کنید تا در حین تماشای زیبائی‌های طبیعی اطرافتان، به تخصص و توجه و مهارت طراحان چنین باغ‌هایی و میزان موفقیت آن‌ها در اجرای این برنامه‌ها نیز، پی ببرید.

باغ پرندگان تهران

در باغ‌های وحش، معمولا محوطه‌ها و یا قفس‌هایی با هدف نگهداری انواع پرندگان وجود دارد، ولی بهترین حالت نگهداری، رهاسازی آنها در محیطی وسیع اما سرپوشیده است که «باغ پرندگان» نامیده می‌شود که در آن‌ها پرندگان می‌توانند آزادانه و در فضایی همانند زیستگاه طبیعی شان، زندگی و پرواز کنند. باغ پرندگان تهران، فضای گسترده و سرپوشیده‌ای در شمال شرق تهران است که ٢٣ هکتار از ٨٦ هکتار مجموعه گردشگری پارک جنگلی لویزان را به خود اختصاص داده است.

این محل بزرگ‌ترین باغ پرندگان در خاورمیانه است و فاز اول آن در ٧ اردیبهشت ماه امسال افتتاح می‌شود. به گفته دکتر محمدهادی ایازی–سخنگوی شهرداری تهران، مجموعه گردشگری لویزان، در شمال شرق پایتخت واقع شده است و حدود ٨٦ هکتار وسعت دارد و فاز دوم باغ پرندگان این مجموعه، در ماه‌های آتی به بهره‌برداری کامل می‌رسد.

سخنگوی شهرداری تهران، همچنین اظهار می‌دارد: ١٦ هکتار از این مجموعه ٨٦ هکتاری به پرندگان «آبچری» اختصاص دارد که نمی‌توانند پرواز کنند. همچنین در قسمت جنوبی، شترمرغ‌ها و در قسمت شمالی، عقاب‌ها را می‌بینید، کبک و بلدرچین نیز در مجموعه رها هستند.

وی ادامه می‌دهد: برای پرندگان «دشتچری» توری‌هایی ایجاد شده که هم اکنون ستون‌های آن برافراشته شده است. این تورها ١٠٠ هزار متر مربع وسعت و ٥٠ متر ارتفاع دارند و پرندگان می‌توانند در این محوطه پرواز کنند.

* لطیف پنداریان– دکترای معماری و مدیر اجرایی پروژه باغ پرندگان تهران: این باغ بزرگ‌ترین سازه کابلی دنیا را دارد که محدوده ۶٫۵ هکتار را با کابل و توری و ارتفاع پروازی ۵۰ متر، چنان پوشش می‌دهد که پرندگان بلندپرواز، به راحتی می‌توانند در آنجا اوج بگیرند

* طراحی سازه و معماری باغ پرندگان تهران، منحصر به فرد است و همچون برج‌های آزادی و میلاد، از مشخصه‌های تهران خواهد شد

پرندگان دیپلماتیک!

دکتر ایازی، با بیان اینکه در ایران ٥١٢ گونه پرنده وجود دارد می‌افزاید: تلاش ما این است که بتوانیم تمامی این گونه‌ها را نگهداری کنیم و پیش بینی شده است، که در مراسم افتتاحیه باغ پرندگان، سفرای میهمان، هر کدام یک نوع از پرندگان خاص کشورشان را به این مجموعه اهدا کنند تا به نام آن کشور از پرندگان نگهداری شود.

وی با اشاره به اینکه هم اکنون ١٥٠٠ پرنده در این مکان نگهداری می‌شود، از افزایش ٧٥٠٠ پرنده در باغ پرندگان تهران در آینده خبر می‌دهد و می‌گوید: در یکی از لانه‌های باغ پرندگان، حدود ٢ هزار کبوتر زندگی می‌کنند!

بنابر اظهار نظر سخنگوی شهرداری تهران، چنانچه شورای راهبری دیدگاهش را در مورد نگهداری از برخی گونه‌های نادر پرندگان در کشور اعلام کند، آن‌ها نیز به این مجموعه آورده خواهند شد.

تنوع برتری آفرین

در روزهای پیش از افتتاح فاز اول باغ پرندگان تهران، تازگی و امتیازات این پروژه عظیم را در گفت‌وگو با لطیف پنداریان، دکترای معماری و مدیر اجرایی پروژه «باغ پرندگان تهران»، جویا می‌شویم و از وجوه برتری این باغ بر نمونه‌های دیگر آن در ایران می‌پرسیم که چنین پاسخ می‌دهد:

–آنچه تاکنون در ایران احداث شده است، باغ پرندگان به معنای واقعی آن نیست و بیشتر آن‌ها حکم قفس‌های بزرگ را دارند. بزرگ‌ترین باغ پرندگان ایران، در اصفهان بوده است با مساحت ١٫٥ هکتار؛ اما باغ پرندگان تهران، ٢٣ هکتار است و تمامی پرندگان آن آزاد هستند و به راحتی غذا می‌خورند، تخم‌گذاری و تولیدمثل دارند و زندگی عادی و طبیعی خود را در اینجا هم ادامه می‌دهند. پرندگان بلند پرواز، فضای کافی برای پرواز دارند و همه می‌توانند از برکه‌ها، آبشارها؛ سنگلاخ‌ها و سازه‌های چوبی اینجا استفاده کنند، پرندگان خاص تزئینی نیز در قفس نگهداری می‌شوند و تحت مراقبت‌های خاص قرار دارند.

باغ پرندگان تهران، به لحاظ تنوع نیز برتری‌هایی دارد. پنداریان در این مورد می‌گوید: –معروف‌ترین باغ پرندگان دنیا، باغ پرندگان مالزی است که گونه‌های بومی جنوب شرق آسیا را دارد. اما در این باغ همه گونه پرنده سازگار با محیط را داریم و قرار است در فاز دوم این پروژه که شرایط زیستی پرندگان گرمسیری فراهم شود، آن‌ها را نیز به این مجموعه بیاوریم.

بزرگ‌ترین سازه کابلی دنیا

مدیر اجرایی پروژه باغ پرندگان تهران، سپس ویژگی‌های منحصر به فرد این پروژه، معماری و طراحی سازه آن را بر می‌شمارد و می‌افزاید: سازه‌ای که اینجا می‌بینید منحصر به فرد، قابل استناد و کاملاً فنی، تخصصی و مهندسی ساز است و به این لحاظ در دنیا نظیر ندارد و در آینده همچون برج آزادی و برج میلاد، جزو المان‌های تهران و ایران خواهد شد و بازدید کنندگان بسیاری نیز از نحوه طراحی و اجرا و نصب سازه و معماری اینجا، الگوبرداری خواهند کرد. این باغ بزرگ‌ترین سازه کابلی دنیا را دارد که محدوده ٦٫٥ هکتار را با کابل و توری و ارتفاع پروازی ٥٠ متر، چنان پوشش می‌دهد که پرندگان بلندپرواز، به راحتی می‌توانند در آنجا اوج بگیرند.

وی ادامه می‌دهد: بزرگ‌ترین سازه‌های کابلی دنیا، در استادیوم‌های ورزشی است که نیمه سرپوشیده‌اند و سطح کار آن‌ها، حداکثر تا ٢ هکتار است، حال آن که ما ٦٫٥ هکتار را با ١٢ ستون تحت پوشش قرار می‌دهیم.

معماری اینجا نیز منحصر به فرد است. ٩٠ درصد مصالح به کار رفته، از مواد سازگار با محیط زیست و وضع موجود و از جنس سنگ و چوب انتخاب شده و فقط در موارد خاص مواد مصنوعی به کار رفته است.

قابل توجه است که مهندسی این باغ، حاصل سلیقه و دانش مهندسان ایرانی و ایتالیایی است.

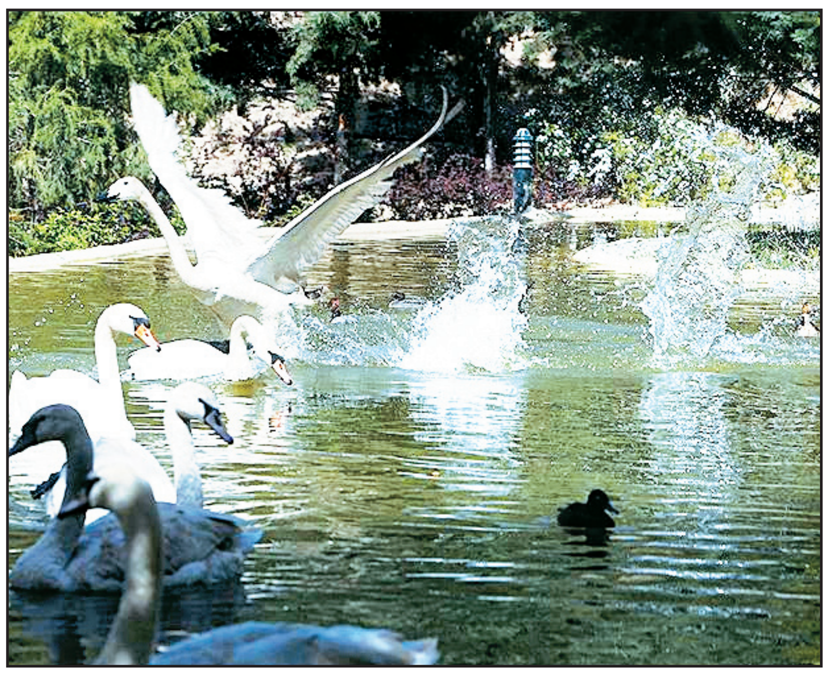
تازه‌ها در باغ پرندگان

پنداریان از جاذبه‌های گردشگری این باغ نیز چنین می‌گوید: دسترسی به این پارک به واسطه بزرگراه‌های اطراف آن و آماده بودن پارکینگ خودروها، بسیار آسان است.

ورود خودرو به داخل باغ پرندگان ممنوع است و بازدید کنندگان می‌توانند با وسایل نقلیه سازگار با محیط زیست، مانند ماشین برقی و یا به صورت پیاده، از باغ بازدید عمل آورند و یا با کالسکه، در مسیر دور تا دور مجموعه ٨٦ هکتاری لویزان، گردش کنند. همچنین برای حضور جانبازان، معلولان و افراد کهنسال در این مجموعه، سطح شیب دار پیش بینی شده و مناسب سازی به عمل آمده است. وی در خصوص فروش پرندگان یا خشک کردن پرندگان (تاکسیدرمی) می‌گوید: فعلا در این دو مورد، اقدامی صورت نمی‌گیرد، اما در آینده به این موضوع نیز می‌پردازیم. اما به لحاظ جمعیتی، کمبود جا نداریم و پیش بینی کرده‌ایم از حدود ٦٥٠٠ پرنده در این فضا نگهداری کنیم و اگر جمعیتشان تا ٥ برابر بیشتر شود یا قرار باشد گونه‌های جدیدی را به مجموعه بیافزاییم، باز هم وسعت ٢٣ هکتاری اینجا، پاسخگو خواهد بود.

مدیر اجرایی پروژه، با اشاره به این نکته که باغ پرندگان تهران از این پس در اختیار مدیران بهره بردار قرار خواهد گرفت، امیدوار است این باغ یکی از قطب‌های گردشگری تهران شود و امتیازهای خاص آن، رضایت بازدیدکنندگان را فراهم آورد.

وجیهه تیموری







جدول شرح در متن

شماره ۳۲۷۴

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول شماره ۳۲۷۳

جدول

۲۱۹۶۶

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ـ فیلمی از بهمن فرمان‌آرا ـ مورد نیاز
۲ـ بی‌بهره و محروم ـ ظرف آزمایشگاهی
۳ـ حرف انگلیسی ـ کامل ترین غذا ـ دریا ـ شاداب
٤ـ شهری در کرمان ـ اخمو و بداخلاق ـ خودداری
۵ـ سمت راست ـ گمراه و کج‌رو ـ مربوط به علم جبر
٦ـ نوبت بازی ـ پایتخت ژاپن ـ بالا آمدن آب دریا ـ حرف پیروزی
۷ـ نان توخالی ـ قلعه مستحکم ـ خشمگین
۸ـ از آبشارهای آمریکا ـ رودی در افغانستان
۹ـ عید ترکی ـ دریای غرب ترکیه ـ تیر پیکاندار
۱۰ـ کوچک ـ اثر رطوبت ـ ناپسند شرعی ـ همراه خورشت
۱۱ـ محلی ـ از آلات موسیقی شبیه میز ـ قد
۱۲ـ سال آذری ـ بیزار ـ کاخی در فرانسه
۱۳ـ برگزیده شده، پسندیده ـ حرف انتخاب ـ تلاش ـ جام معروف
١٤ـ بانوان ـ غیرصریح
۱۵ـ نوشابه گازدار قدیم ـ حاجب

عمودی:

۱ـ با یک چیز تیز اثری گذاشتن ـ وجه معادل آن در حساب بانکی نیست!
۲ـ ضیافت ـ زردک
۳ـ با آب کباب می‌شود! ـ دشمن فرشته ـ نوعی کاغذ ـ برعهده گیرنده
٤ـ آنها ـ سهولت ـ خرمن گندم
۵ـ گوش داد ـ اصلاح کردن ـ وسط، بین
٦ـ آخرین سوره نازل شده قرآن مجید ـ برطرف کننده بوی بد ـ موی نرم ـ توانایی آخر
۷ـ حرف ندا ـ خودکار معروف ـ دفاع تیم ملوان
۸ـ بدون مضایقه ـ کیفر و سزا
۹ـ عوض کردن ـ کتاب فیزیک و شیمی قدیم ـ برجستگی زیرگونه
۱۰ـ یازده ـ عدد منفی ـ تحسین فرنگی ـ سوره‌های قرآنی
۱۱ـ ابزار در و پنجره ـ یار بیژن ـ بیم دادن
۱۲ـ شهر تاریخی سوریه ـ دیواره ـ ذوق و استعداد طبیعی در هنر
۱۳ـ قسمتی از رودخانه که در آن سرعت جریان آب بیش از حد معمول است ـ کجاست؟ ـ نگهبانی ـ عنصر شیمیایی
١٤ـ سایبان چشم ـ مترجم گفتاری
۱۵ـ از فرشتگان مقرب الهی ـ مرغ غمخوار

حل جدول ۲۱۹۶۵

جام جم

جمیله اعظمیان

بشر از دیرباز در پی دیدن و دانستن رویدادهای دور از دسترس این جهان و ماورای آن بوده است. جام، آینه، تشت پر آب، مکاشفه، پیشگویی و خواب ابزارها و شیوه‌های مختلفی است که انسان را در کشف حوادث یاری رسانده است. در این میان، جام (اوستایی: yāma، فارسی میانه: jām یا yām) افزون بر زینت‌بخشی مجالس بزم بزرگان، در مراسم آیینی نیز به کار می‌رفت. در تاریخ و ادبیات ایران‌زمین نیز از چندین جامِ ویژه یاد شده که یکی از مشهورترین آنان جام جم است.

یَمه (جم) از شخصیت‌های اسطوره‌ای هندوایرانی است که در اسطورهٔ ودایی، او و خواهر همزادش ـ یَمی ـ به عنوان نخستین زوج بشر و پدر و مادر همهٔ آدمیان به شمار آمده‌اند. گرچه این شخصیت در گذر زمان و به تناسب شرایط آن سرزمین دستخوش تغییراتی شده است، بنا بر روایت شاهنامه، جم، فرزند تهمورث و چهارمین شهریار اسطوره‌ای از سلسلهٔ پیشدادیان محسوب شده است.

جم (اوستایی: Yima، فارسی میانه: IJam) گناهکاری است که برای خشنودی آدمیان، خوردن گوشت را به آنها آموخت(یسنا، ۸:۳۲) و در اوستای متأخر و دیگر متون فارسی میانه، جم پسر ویوَنگهَنه است که به پاداش افشردن هوم به او عطا شد. بنا بر این متون، اهوره‌مزدا پیش از زردشت، دین اهورایی را به وی عرضه داشت و از او خواست که این دین را بیاموزد و آن را منتشر کند؛ اما جم از پذیرش و نگاهبانی از دین ابراز ناتوانی کرد. آنگاه اهوره‌مزدا وظیفهٔ شهریاری و بالاندن زمین را برعهدهٔ او گذاشت. دورهٔ طولانی فرمانروایی او با بی‌مرگی، شادکامی، فراوانی آب و خوراک و افزونی آفریدگان همراه بود و از دورانهای طلایی تاریخ بشر به شمار می‌آمد. بنا بر این روایت، جم در طول شهریاری خود سه بار زمین را گسترش داد و «ور جمکرد» را ساخت و بهترین گونه‌های گیاهان، جانوران و آدمیان را در آنَ جای داد تا در زمستان بسیار سختی که در آخرالزمان فرامی‌رسد، نسل آنان را از نابودی حتمی حفظ کند؛ اما سرانجام به سبب غرور و دروغ سه بار فرّه از او گریخت و سرانجام، با ارّه دو نیمه گشت.

با این همه، در هیچ یک از منابع بازمانده از ایران باستان سخنی از جام جم به میان نیامده است. در متون دیگر و تاریخ‌نگاریهای اسلامی نیز با وجود اختلافهایی در نسب، دورهٔ شهریاری و احوال جم، مطلبی تازه و افزون بر منابع کهن به چشم نمی‌خورد.

پس از ظهور اسلام و فترت سه سده‌ای در زبان و ادبیات فارسی، جم تنها به عنوان پادشاهی مقتدر ظهور یافت؛ اما در اواخر سدهٔ ٤ق/١٠م نخستین بار منجیک ترمذی در اشعار خود از «ساغرِ جمشید» یاد کرد که ظرفی برای شراب و منسوب به جم است:

من نه خاقانم کز کاسهٔ فغفورخورم
من کجا حوصلهٔ ساغر جمشید کجا؟

پس از او، دیگر شاعران نیز اشعار فراوانی با همین مضمون سرودند؛ اما از میان شاعران یادشده، معزی ـ نخستین شاعر مدیحه‌سرا ـ بود که جام جم را با معنایی تازه، یعنی تسخیر آفاق، به کار برد:

آفاق مسخر است حُکمت را / گویی که به دست توست جام جم

و سنایی نخستین شاعر صوفی‌مشرب بود که افزون بر ویژگی جهان‌نمایی جام، معنای مجازی «دل عارف» را به آن بخشید، که عارف از طریق آن به اسرار راه می‌یابد، حقایق هستی را در آن می‌بیند و از آنچه ورای جهان مادی است، آگاه می‌شود:

به یقین دان که جام جم دل توست / مستقر نشاط و غم دل توست
گر تمنا کنی جهان دیدن / جمله اشیا در او توان دیدن

پس از سنایی، دیگر شاعران و نویسندگان صوفی نیز معانی مجازی و ثانوی دیگری چون خودِ فانی‌شده، عقل، دل، نفس دانا، انسان کامل، قلب انسان کامل و ... را بدان افزودند. در سیر این تطور معنایی، همچنین از خطوط هفت‌گانهٔ جام (جور، بغداد، بصره، ازرق، اشک یا ورشکر، کاسه‌گر، فرودینه) سخن به میان می‌آید که یادآور باورهای نجومی کهن سومری بابلی، دربارهٔ طبقات آسمان و هفت‌گانه بودن سیارات است. جالب آنکه این خطوط، افزون بر آنکه دستمایه‌هایی برای مضمون‌پردازی شاعران بود، ظاهراً هر یک نشان‌دهندهٔ ظرفیت می‌نوشی نوشندگان نیز به شمار می‌رفت. به این ترتیب، چنین به نظر می‌رسد که آیینها و پدیده‌هایی چون نوروزنهادن، پیدایش شراب، بزم و میگساری که ظاهراً در عهد جم یا پس از او به ظهور رسید، موجب شکل‌گیری مفهوم ساغر جم یا جام جم به عنوان ابزار میگساری شده است و گیتی‌نمایی و دیگر مضامین عمیق‌تر بعدها به این جام انتساب یافته است.

از سوی دیگر، با ورود اسلام به ایران، اخبار آمیخته به اسرائیلیات مانند آنچه دربارهٔ سلیمان نبی نقل شده است، نخست به حوزهٔ باورها، و سپس به ادبیات فارسی راه یافت. اشتباه مورخان و افزون بر این، اشتباه تاریخ‌نگاران مسلمان در تطبیق نام شاهان پیشدادی و کیانی موجود در منابع ساسانی با نامهای پادشاهان موجود در منابع سُریانی و جز آن، به توجیه‌های بی‌پایه‌ای چون یکسان شمردن سلیمان و جم و دیگران، و مبادلهٔ بن‌مایه‌های مشترک این دو شخصیت شد و بدین‌گونه، نه تنها از سدهٔ ٥ق/١١م سلیمان را جم انگاشتند (فرخی: خسرو نشسته، تاج شهِ هند پیش او / چونان که تختِ گوهر بلقیس پیش جم)، بلکه در دوره‌های بعد نیز ویژگیهای شناخته‌شدهٔ آن دوَ در مضامین شعری به هم‌آمیخت. در همین زمینه برخی از محققان بر این باورند که هر گاه جم با پیاله ذکر شود، مقصود جمشید است؛ و هر گاه با نگین، خاتم، طیر، دیو و پری همراه گردد، حضرت سلیمان را به ذهن می‌آورد.

جام کیخسرو

افزون بر جام جم، در ادبیات فارسی از جام کیخسرو نیز سخن به میان آمده است. بنا بر آنچه در متون و آثار بازمانده از ایران باستان و فارسی میانه می‌توان دریافت، کیخسرو ـ فرزندَ سیاوش و دارندهٔ فرّه ـ در سمرقند به دنیا آمد. وی در ماه فروردین، روز خرداد به کین خواهی پدر بر افراسیاب چیره شد و در طول ٦٠ سال شهریاری بر ایران‌زمین، افزون بر گسترش عدل و داد، و ساختن کَنگ‌دژ، بتکدهٔ بددینان را نیز ویران کرد؛ اما سرانجام به ناگاه حکومت را به لهراسپ واگذاشت و از دیده‌ها ناپدید شد و به جهان دیگر رفت.

در متون و منابع تاریخی اسلامی، دربارهٔ کیخسرو مطالبی افزون بر موارد یادشده نیامده است؛ اما در طلیعهٔ شعر فارسی دری، منجیک ترمذی کیخسرو را با صفت شکوه و اقتدار ستوده، و فردوسی برای نخستین‌بار در داستان بیژن و منیژه، «جام کیخسرو» را به تفصیل و آشکارا توصیف کرده است. بنا بر قول او، کیخسرو در نوروز در آیینی ویژه، در حالی که پوششی آراسته و پیراسته داشت، پس از ستایش خداوند و قرارگرفتن در جایگاهی خاص، جامی را که درون آن به صور فلکی دوازده‌گانه از ماهی تا بره و سیارات هفت‌گانه منقوش بود، در دست گرفت و پس از جستجو در آن، به فرمان خداوند بیژن را در کشور گرگساران در چاهی زندانی‌شده دید. به این ترتیب، فردوسی ویژگی دیدن نادیدنیها و آشکار ساختن امور پنهان را به جام کیخسرو نسبت می‌دهد.

پس از فردوسی، اشاره به جام گیتی‌نمای کیخسرو در جریانهای مختلف شعری کم و بیش ادامه یافت؛ چنان که عنصری این جام را با ویژگی گیتی‌نمایی وصف کرد و شاعرانی چون خاقانی، عطار و حافظ نیز آن را با همین مضمون در اشعار خود به کار بردند. از سوی دیگر، در کنار جام جم و جام کیخسرو، مضمون «آیینهٔ اسکندر» نیز با معنای بازنمایی اسرار، رویدادها و حقایق جهان، به‌تدریج در ادبیات فارسی رخ نمود.

پژوهشگران معاصر نظرهای متفاوت و گاه متناقضی را دربارهٔ این دو جام ابراز کرده‌اند؛ چنان‌که کریستن‌سن مفهوم جام جم را کهن‌تر از دوران اسلامی نمی‌داند و آن را با روایتهای مشابه در دیگر فرهنگها مقایسه می‌کند و کویاجی خاستگاه آن را در فرهنگ آریایی می‌جوید و به شباهتهای مشترک سرشتی جام مقدس و فرّ کیانی اشاره می‌کند. بنا بر نظر دیگر محققان، گرچه در شاهنامه از انتساب جام به جم ذکری به میان نیامده است، اما کیفیاتی چون برتری آوازهٔ جم بر کیخسرو، یکسان انگاشتن حضرت سلیمان و جم، و انتساب پیدایش شراب به جمشید در کنار یکدیگر سبب آن شده است که در سدهٔ ٦ ق/ ١٢م، «جام کیخسرو» را همان «جام جم»بدانند و از آنجایی که خردمندان وجود جامهای سحرآمیزی چون جام جهان‌نما، جام جم و جز آنها را بعید می‌شمردند، چنین مفاهیمی را به جام آب، اصطرلاب، آینه، کرهٔ جغرافیا، قطب‌نمای احکامی و مفاهیم عرفانی تعبیر کرده‌اند. همچنین برخی دیگر بر آنند که جمشید، دانشمندان جهان را برای ساختن ابزاری رمزی فراخواند تا با آن افزون بر ادارهٔ کشور، بر احوال مردم نیز نظارت داشته باشد. این جام پس از جمشید، به کیخسرو رسید و کیخسرو نیز به دلیل دست نیافتن بر رمز آن، توصیه کرد تا جام دیگری از روی آن ساخته شود. برخی نیز بر این باورند که جام جهان‌نمای کیخسرو تصویر دیگرگون شدهٔ همان تشت سیمین یا زرین هوم است که در مراسم مذهبی به کار می‌رفت.

برخی دیگر اشاره کرده‌اند که یافت نشدنِ نمونه یا نشانه‌ای برای جام جهان‌نما در اسطوره‌های ایرانی از یک سو، و وجود نمونه‌هایی، همچون جام یوسف(ع) و جام مسیح(ع) در ادبیات فارسی، و وجود اشارات کهن توراتی (سفر پیدایش، ٥:٤٤) و تلمودی در این زمینه از سوی دیگر، این فرضیه را به میان می‌آورد که شاید خاستگاه مضمون جام گیتی‌نما بن‌مایه‌های سامی توراتی داشته باشد که با واسطهٔ قصه‌گویان (گوسانها) به حوزهٔ روایتهای حماسی ایران راه یافته است. برخی نیز کوشیده‌اند تا تفسیری کیهانی و نمادگرایانه از جام ارائه کنند. در دیدگاه آنان، از آنجایی که تخم کیهانی شامل دو نیمهٔ فرازین آسمانی و فرودین زمینی است، می‌توان جام جم را انگاره‌ای از این تخم کیهانی به شمار آورد که نیمهٔ فرودینِ آن از آنچه در زمین است، و نیمهٔ فرازینِ آن از هر آنچه مقدّر است، آگاهی مَی دهد.

***دانشنامه جهان اسلام (باحذف مآخذ)**

از پسِ پردهٔ نمایش در ایران

دکتر یعقوب آژند — **بخش اول**

اشاره: در این مقاله سیر شکل گیری و تکوینی تئاتر کشور بازنمایی شده است. نویسنده برای پیگیری آن چهار مرحله را در نظر گرفته و بر آن است که تئاتر کشور ایران از این چهار مرحله گذر کرده و به افقهای جدیدی دست یافته است: «از برانگیختگی تا نوشکفتگی» که مرحله آغازین و طلیعه آشنایی ایرانیان با تئاتر جدید است. مرحله دوم «از ناآزمودگی تا آزمودگی» که مقصود ناآزمودگی فنی و تکنیکی در نمایش جدید و بخصوص در نمایشنامه‌نویسی است که رفته‌رفته به آزمودگی می‌رسد و دوره مشروطه را در بر می گیرد. مرحله سوم «از پذیرندگی تا پروردگی» که صحنه نمایش ایران در این زمان بیشتر شگردها و فنون نمایش غرب را می‌پذیرد و به پرورش آنها در آثار و اجرای خود می‌پردازد. این مرحله راه را برای مرحله چهارم یعنی «از پختگی، فرهیختگی» می گشاید. این نوشتار از نشریه «هنرهای زیبا» برگرفته شده است، با تلخیص و حذف مأخذ و منابع بسیارش.

مدخل

نمایش امروز ایران در بستری از بالندگی و تنوع، دگرگونیهای زیادی را تجربه کرده است. به لحاظ محتوا و فضاسازی و اصول فنی، بین نمایش امروز ایران و نمایشهای سنتی آن فرق به قدری زیاد است که نمی توان این دو را تداوم یکدیگر بر شمرد. چون نمایش امروزی ایران، سیاق بیان یک نوع ادبی جدید و طلیعه یک ژانر دیگر است. نمایش امروز ایران دنیاگرا و اغلب در بردارندهٔ نکته‌گیری‌های اجتماعی است که طرح و منشأ خود را از غرب گرفته است؛ ولی نمی توان این نکته را نیز مغفول گذاشته که بین این دو جریان مهم نمایشی ـ سنتی و مدرن ـ پیوندهای ظریفی موجود است که برخاسته از تأثیرگذاری متقابل است. اصولاً یک شکل هنری صادره از یک بودباش بیگانه، در نگر نخست، انقلابی و بدیع می‌نماید؛ اما زمان که می گذرد و شادی و نشاط اولیه فرومی‌نشیند و استادان فن جدید، در آن استادی و مهارت می‌یابند، با جسارت و بی‌باکی ویژگیها و چند و چون آن را به بحث می گیرند و فضاها و مؤلفه‌های ملی و فرهنگی خویش را در بیان هنری آن جای می‌دهند و حرکتی نو آغاز می کنند.

این مؤلفه‌ها و فضابندیها از فرهنگ بومی آنها منشأ می گیرد و لذا چیزی متفاوت با اصول آن نوع ادبی وارد شده، می‌شود که رنگ و بو و صبغهٔ بومی دارد و چیزی نو بر شمرده می‌شود. مقوله نمایش ایران نیز چنین روندی را به کمال طی کرد و به افقهای جدید دست یافت. این روند را در اینجا می‌توان در چهار بخش پی گیری کرد:

۱ـ از برانگیختگی تا نوشکفتگی (از آغاز سال ۱۲۸۵ ش)؛
۲ـ از ناآزمودگی تا آزمودگی(۱۲۸۵ـ۱۳۰۰ش)؛
۳ـ از پذیرندگی تا پروردگی (۱۳۰۰ـ ۱۳۲۰ش)؛
٤ـ از پختگی تا فرهیختگی (۱۳۲۰ـ۱۳۵۷ش).

در این مقام به سه بخش نخستین می‌پردازیم و بحثمان را تا سال ۱۳۲۰ ش می کشانیم و از سال ۱۳۲۰ش تا۱۳۵۷ش را به دلیل گستردگی مطلب به مجال و فرصتی دیگر وا می‌نهیم. این را هم بگویم که بیشترین توجه ما به نمایشنامه‌هایی معطوف خواهد بود که در داخل کشور نوشته شده و جوهرهٔ تئاتر بومی را قوام بخشیده؛ چون فکر و اندیشه اصلی در لابلای همین نمایشنامه‌ها نهفته‌است، گو اینکه مقوله ترجمه را نیز نباید از نظر دور داشت.

۱ـ از برانگیختگی تا نوشکفتگی

آشنایی ایران با غرب، دیرینه سال است و حتی در پیش از دوران صفویان ریشه دارد؛ ولی تأثیر گذاری این آشنایی از سده نوزدهم به بعد شدت گرفت و در بیشتر زمینه‌ها روح قرن جدید را مجسم ساخت. سنتهای موجود دوره قاجاری در کلیّت خود نمی توانست با پیشرفتهای زمانه هماهنگ شود. جهان، سرکش و بی‌قرار، به پیش می تاخت و فشار آن بر گردهٔ جوامع سنتی از جمله ایران سده نوزدهم بیشتر بود. حکومت از سنجیدگی و ابداع برخوردار نبود و شالودهٔ اندیشه سیاسی آن همان بود که در تاریخ میانه جریان داشت. این نظم کهن سیاسی، کارکرد اجتماعی مشابه قرون میانه داشت و لذا جامعه ایران نیز در هجوم اخبار پیشرفتهای جهانی، در بستری از یخ‌زدگی و واپس ماندگی برجای و گرفتار بود. دگرگونی در شیوه زندگی، تغییر در ساختارهای سیاسی و سلیقه‌ها را ایجاب می‌کرد. ویژگیهای ملی در قلمروهای متعدد فرهنگی و اقتصادی عملاً زنگ‌زده و نخ‌نما شده بود؛ چون فکر و اندیشه‌ای در پس و پی آن نبود و اگر هم بود، از برای دوام و قوام و پروردگی آن شناختی وجود نداشت.

تقابل‌های سیاسی و نظامی همسایگان که برای نفوذ بیشتر همچشمی می کردند، باعث آمد تا شماری از سیاستمداران با هشیاری و دوراندیشی به لزوم همگامی با تجدد و پیشرفتهای زمانه پی ببرند. همین افراد بودند که حس تجدد سیاسی و فرهنگی را در جامعه برانگیخته و روند گسترش و ساماندهی آن را برای ایرانیان شناساندند و شماری از ایرانیان را با دنیای جدید آشنا ساختند. فهم این نکته که این انگیختگی تا چه پایه در دیدگاه ایرانیان اثرگذار بوده، چندان آسان نیست؛ ولی از لابلای نوشته‌ها و جستارها و گزارشهای آنها می توان تا حدودی به این اثرگذاری پی برد. اینان پیش از همه و بیش از هرچیز، شیفته مقولات و مسائلی شدند که در داخل کشور سنت و دستاوردی بر آنها مترتب نبود. ردپای این مقولات نو و مسائل جدید را می توان از لابلای گزارشهای آنها بازجست. یکی از این مقولات، نمایش جدید، تماشاخانه‌های غرب و در یک کلام تئاتر به مفهوم امروزی کلمه بود. برای میرزا صالح شیرازی، دانشجویی که عباس میرزا به لندن راهی کرد تا تحصیل کند و دستاوردهای تمدن جدید را به مملکت خویش برگرداند، تماشای این تماشاخانه‌ها عوالمی داشت دیدنی که او را «بسیار خوش می‌آمد و گرچه حتی کلمات نمایش را گاه نمی‌فهمید» و با دیدن همین تماشاخانه‌ها برای میرزا ابوالحسن خان ایلچی ـ وزیر امور خارجه فتحعلی شاه ـ حیرت بر حیرت می‌افزود تا گزارش آن را در «حیرت‌نامه» خود وارد سازد.

سده نوزدهم برای شماری از ایرانیان سده سیر و سیاحت بود و دیدار از این تماشاخانه و گزارش آنها در سفرنامه‌ها و سیاحت‌نامه‌هایشان. سفرنامه‌های سیاست‌پیشگانی چون میرزا حسین خان آجودان‌باشی، میرزا فرخ خان غفاری و یا آثاری چون مسیر طالبی ابوطالب خان و تحفه‌العالم میرزا عبداللطیف شوشتری نشانه‌ها و عناصری از این مقولات دارد و همین نشانه‌ها از همان آغاز یاوری مفید برای آنهایی می‌شود که بعدها از کوشندگان این قلمرو فرهنگی می گردند. همه اینها آموزنده و برانگیزاننده بود و تأثیر کامل خود را اعمال می کرد. این کتابها و گزارشها حتی در خارج از محافل علمی، ذهنها را بر می‌انگیخت و بر کلیّت جامعه ایران تاثیر می گذاشت.



شکل گیری دارالفنون و پرده‌برداری از تالار بزرگ آن، زمینه را برای اجرای نمایشهایی از نوع جدید فراهم آورد. میرزا علی اکبر خان مزین‌الدوله(نقاشباشی) که از تحصیل کردگان خارج از کشور بود، در زمینه‌پردازی این تالار بزرگ سهمی به‌سزا داشت و همو بود که اجرای یکی از نمایشنامه‌های مولیر را با نام «مردم گریز» برای اعتبار سلطنت قاجار در همین تالار فراهم ساخت. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه سرپرست «دارالطباعه دولتی و دارالترجمه همایونی» که با زبان فرانسه آشنایی نزدیک داشت، اثر معروف دیگر مولیر «طبیب اجباری» را به گونهٔ ترجمه و اقتباس به فارسی برگرداند(۱۳۲۲ق). اعتمادالسلطنه هموست که متن نمایشی «بقال‌بازی در حضور» بدو منسوب است. نمایشنامه «گیج» یا «سوانح غیرمنتظره» از دیگر آثار نه چندان قوی مولیر بود که به فارسی برگردانده شد و روی صحنه رفت. در این ترجمه نیز اسامی و جاها تغییر یافته و حال و هوای ایرانی پیدا کرده بود.

> **مترجمانِ نخستین آثار نمایشی اروپا از دخل و تصرف در متن نمایش پرهیز نمی‌کردند و درصدد بودند آن را با فضای اجتماعی ایران دمساز کنند. از اینجا بود که آثار مولیر مضامین کمدی او و دیگران را آزادانه اقتباس کردند تا با سلیقه ایرانی سازگار باشد**

این نکته را به خاطر بسپاریم که مترجمان نخستین آثار نمایشی اروپا از دخل و تصرف در متن نمایش پرهیز نمی کردند و درصدد بودند تا آن را با خواسته‌ها و ضرورتهای موجود زمانه و فضای اجتماعی ایران دمساز کنند. از اینجا بود که مترجمان آثار مولیر مضامین کمدی او و دیگران را آزادانه اقتباس و ترجمه کردند تا با سلیقه نگرندگان ایرانی بیشتر سازگار باشد و تأثیر بیشتری را اعمال کنند. از این زمره است آثاری چون «عروسی جناب میرزا» (۱۲۸۱ق) ترجمه محمدطاهر میرزا، «عروسی مجبوری» (۱۲۹۰ق) ترجمه حسینقلی میرزا عمادالسلطنه و «طبیب اجباری» (۱۲۹۱ق) با ترجمه اعتمادالسلطنه.

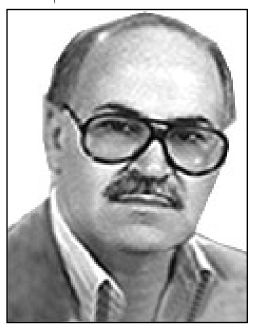
ترجمه نمایشنامه‌های آخوندزاده حال و حکایت دیگری داشت. وی از کوچندگان به خارج از کشور بود که در تفلیس اقامت داشت و در همان‌جا با درام جدید آشنایی به هم‌زد و از ستایندگان مولیر و گریبایدوف و گوگول و آستروفسکی شد و از شکسپیر و مولیر الهام گرفت. آثار همه این نویسندگان در نمایشنامه‌های او تأثیری درخور داشت. نمایشنامه در نظر وی وسیله‌ای بود برای نقادی اجتماعی و سیاسی. او در پرداخت نمایشنامه‌هایش، اوهام و خرافات و نادانی و کُند و زنجیر دستگاه ظلم، شیوه‌های استثمار و صفات دون انسانی، وضع ناگوار زنان در جامعه، نظام ارباب و رعیتی، سوداگری و مناسبات ناهنجار اقتصادی را به بحث کشید. نمایشنامه‌های او گاه‌به‌گاه از ضعف شخصیت‌پردازی و صحنه‌چینی لطمه خورده است. با این همه راهی را که او گشود، بسیار کسان را خوش آمد و پیگیر کارش شدند؛ از جمله میرزا جلیل محمد قلی زاده، عبدالعظیم حق‌وردی یف در قفقاز و بالاتر از همه میرزا آقا تبریزی در ایران.

پیش از آنکه به نمایشنامه‌نویسی میرزا آقا تبریزی برنگریم چند کلمه همه در باب بعضی از کوشندگان تجدد می گوییم که آثار قلمی آنها، گرچه کاملاً به شیوه نمایشی نبود، ولی دست کم از محاوره‌های نمایشی الهام گرفته بود. از ملکم‌خان شروع می کنیم که شماری رساله با فن گفت و شنود نوشت؛ همچون «رفیق و وزیر»، «نوم و یقظه» و غیره. با اینکه شیوه پرداخت آنها بیشتر به داستان مانند است تا نمایشنامه، ولی شکل و فرم اصلی آنها به خصوص رساله «رفیق و وزیر» بیشتر بر فرم نمایشی استوار است.

طالبوف تبریزی نیز در شکل و فرم نوشته‌هایش ذوق و سلیقه به خرج داده و در آنها گاه از گونه نمایشی بهره جسته است. به خصوص نوشته‌های میرزا آقاخان کرمانی را در آستانه انقلاب مشروطیت نباید نادیده گرفت. وی نوشته‌ای دارد به روال نمایشی و داستانی تحت عنوان «سوسمارالدوله و کلانتر» که در «سه مکتوب» او مضمر است. این نوشته نمایش گونه‌ای شیواست که در نقد اصول مملکت‌داری قاجارها و فجایع و ستم حکام آنها نوشته شده است.

و اما میرزا آقا تبریزی نخستین کوشنده در قلمرو نمایشنامه‌نویسی ایران، نمایشنامه‌های خود را از منظر سیاسی و اجتماعی نوشت و با بهره‌جویی از فن نمایش به نقادی سیاسی ـ اجتماعی پرداخت. نمایشنامه‌های او گرچه به لحاظ فنی و تکنیک نمایشی نقصان دارد و گاه به داستان می‌ماند تا نمایشنامه، ولی به هرحال از دستاوردهای نخستین ادبیات نمایشی ایران برشمرده می‌شود و این خود ارزشی بایسته دارد. میرزاآقا را ظاهراً با زبان انگلیسی و فرانسه الفتی داشت و چندی را در مقام مترجم کنسولگری فرانسه در تهران مشغول به کار بود. پنج نمایشنامه از او در دست است که شاید «سرگذشت اشرف‌خان» و «طریقه حکومت زمان‌خان» معروفترین و مؤثرترین آنها باشد. میرزاآقا در نمایشنامه‌های خود که همه دربردارندهٔ موضوعات سیاسی و اجتماعی است، حساسیت خویش را از ظلم حکام و فروپایگی مردم و آدمهای استثمار شده و رنج کشیده نمایان و این نظم و نسق را محکوم می سازد. زبان نمایشی او صریح و بی کنایه است و از کاربست واژگان عامیانه و تعابیر مردمی پرهیز نمی‌کند و گاه چنان شیوا و شیرین است که نقایص فنی نمایشنامه را می پوشاند. او صحنه را با دقت یک نفره گزارشگر نشان می‌دهد و شخصیت‌هایش را در قالب داستانی به صحنه می کشاند و همین نکته آثار او را از حیطه نمایش دور می کند.

اینها که برشمردیم، همه باانگاره‌های ناقص و نابسنده خود از نمایش جدید، به تلاش و تکاپو برخاستند و فکر و اندیشه خود را در خدمت بسط دنیای نمایش ایران قرار دادند. گرچه اندیشه اصلی در مواجهه با نماشی غرب پدید آمد، ولی رفته رفته و دمبدم معیارهای ایرانی خود را پیدا کرد و دوران صعود را در پیش گرفت. این دوره را باید سرآغازی برشمرد که شکل‌بندی نمایش ایران را در دوره مشروطیت برعهده داشت. به جستجوی این شکل‌بندی برمی‌خیزیم تا دریابیم نمایش ایران



در چشم‌انداز مشروطیت از چه دستمایه‌ای بهره‌یاب شد و چه کارنامه‌ای برای خویش ساخت و پرداخت کرد.

۲ـ از ناآزمودگی تا آزمودگی(۱۳۰۰ـ۱۲۸۵ش)

این بخش را ناآزمودگی تا آزمودگی نامیدم و قصدم ناآزمودگی فنی و تکنیکی است که نمایشنامه‌نویسان در این حوزه به تدریج به آزمودگی می‌رسند. اصلاً دوران مشروطیت هم خود یک دوره ناآزمودگی سیاسی است که ایرانیان را با اندیشه‌ای با نام مشروطیت آشنا می سازد. ایرانیان در این زمینه سنتی نداشتند، ولی به هرحال ذهن و ضمیرشان خالی از اندیشه سیاسی نبود، به خصوص که همواره در بستر تاریخ برای برپایی عدل و عدالت در جامعه خود کوشا بوده‌اند.

دوره قاجار به خصوص دوره ناصری به تعبیر امین‌الدوله «جز تاختن رعیت و اندوختن ثروت و مکنت» نبود! در این شرایط ایرانیان را برای اصلاح امور و احقاق حقوق چاره‌ای جز همرازی و همداستانی نماند. اندیشه مشروطیت از مدتها پیش در متن جامعه فراهم آمده بود که پاره‌ای از آن به هرحال به کوششهای اهل نمایش برمی گشت. بخشی از بیان نارضامندی در ادبیات نمایشی بازتابید و در دوره مشروطیت جلوه‌ای به تمام یافت. گروههای نمایشی رو به افزونی گذاشت و طُرفه اینکه شماری از سیاستمداران را با این گروهها همکاری بود. «شرکت فرهنگ»، «تیاتر ملی»، «شرکت کمدی ایران»، «شرکت نمایش ایرانیان» راه‌اندازی شد.

شخصیت‌هایی چون محمدعلی فروغی، عبدالله مستوفی، سلیمان میرزا اسکندری، علی‌اکبر داور، محمود بهرامی، ظهیرالدوله و غیره از نام‌آورانی بودند که با این نهادها همرایی و همفکری داشتند. افزون بر این، گروه گروههای نمایشی زیادی در شهرستانها پا گرفت و وسیله‌ای برای تعمیق اندیشه‌های نوگرایی در بین مردم شد. این گروهها در شهرهایی چون تبریز، رشت، اصفهان،

> **در دوره مشروطیت گروههای نمایشی زیادی در شهرستانها پا گرفت و وسیله‌ای برای تعمیق اندیشه‌های نوگرایی در بین مردم شد. تکاپوی آنان در شکوفایی فکری و اندیشگی مردم بسی مؤثر بود**

همدان، کرمانشاه و غیره پدید آمدند و به کوشش در این حوزه پرداختند و مردم شهرستانها را با امر نمایش جدید آشنا ساختند. تلاش و تکاپوی اهل نمایش در شکوفایی فکری و اندیشگی مردم و نوزایی سیاسی آنها بسی مؤثر بود. آنها خواسته‌های سیاسی و اجتماعی خویش را با زبان نمایشی اعلام می کردند.

آن حرکت و جنبشی که پیش از انقلاب مشروطیت در زمینه ترجمه آثار دراماتیک جهان برخاسته بود، در این دوره سرعت گرفت. شماری از آثار درام‌نویسان اروپایی به زبان فارسی ترجمه شد که آثار شکسپیر بیش از همه بود. های نمایشی زیادی در شهرستانها پا گرفت و وسیله‌ای برای تعمیق اندیشه‌های نوگرایی در بین مردم شد. این گروهها در شهرهایی چون تبریز، رشت، اصفهان، همدان، کرمانشاه و غیره پدید آمدند و به کوشش در این حوزه پرداختند و مردم شهرستانها را با امر نمایش جدید آشنا ساختند. تلاش و تکاپوی اهل نمایش در شکوفایی فکری و اندیشگی مردم و نوزایی سیاسی آنها بسی مؤثر بود. آنها خواسته‌های سیاسی و اجتماعی خویش را با زبان نمایشی اعلام می کردند.

آن حرکت و جنبشی که پیش از انقلاب مشروطیت در زمینه ترجمه آثار دراماتیک جهان برخاسته بود، در این دوره سرعت گرفت.

ادامه دارد

معرفت

سری سقطی: معرفت از بالا فرود آید، چون مرغ پروازکنان، تا دلی بیند که در او شرم بود و حرمت، آنجا فرود آید.

طبقات‌الصوفیه

گلشن وطن

دکتر احمد نیکوهمت

ای خاک فرخجستهٔ تو دلگشا، وطن
وی خطّهٔ مبارک تو جانفزا، وطن
تاریخ پرشکوه تو از عهد باستان
ما را بوَد به شوکت تو مدعا وطن
گلها شکفته گشت در این گلشن صفا
هست از نسیم باغ سحر مُشک‌سا وطن
مردان نامدار و فداکار جسته‌اند
در دامن وفای تو نشو و نما وطن
عنبرفشان سراسر این خاک مشک زاست
وی مرز مشک‌بیز و خوشت باصفا وطن
بین ملل به دانش و عرفان و مردمی
اهل تو را بوَد شرف و اعتلا وطن
فرزانگان راد در امواج حادثات
باشند همچو نوح تو را ناخدا وطن
داریم ما وقوف به رنج و بلای تو
بیگانه نیست باخبر از آشنا وطن
دردا که شد به شهر هنر بی‌بها کلام
گردید درّ ناب سخن شَهروا وطن
در شرق و غرب عالم، فرهنگ و معرفت
دادت همارهٔ آن همه ارج و بها وطن
از عصر افتخار چو افسانه سر دهند،
آید به گوش دل، سخن دلربا وطن
می‌بود در تصرف ما شام تا ختُن
بودند رام ما همه چین و ختا وطن
شد پر جلال میهن ما از فروغ علم
از پرتو کمال گرفتی ضیا وطن
با یاد جانفزای تو ما شاد و خوشدلیم
از لوح سینه‌ها تو شدی غم‌زدا وطن
مشهور در جهان به هنر بودی و ادب
این گونه یافتی همه جا ارتقا وطن
از اختران روشن آفاق معرفت
این سان گرفته‌ای تو فروغ و سنا وطن
بودت بس افتخار به دوران پرشکوه
ما را بود تمدن دیرین گوا وطن
سودیم سر به تارک افلاک از شرف
جز ما نبود فاتح و گیتی‌گشا وطن
تاریخ هم به دفتر زرین به خط خوش
بنوشته است از تو بسا مرحبا وطن
در چنبر حوادث دوران به روزگار
هر دم رسید بر تو بسی ماجرا وطن
با من بگو حکایت آلام خویش را
دانم که نیست درد تو را انتها وطن
ماییم بلبلان گلستان عشق و شوق
تا عرش می‌رسد سخن جان ما وطن
چشمم فروغ یافت ز خاک تو زانکه هست
خاک مقدست مَثَل توتیا وطن
زاید ز گنج خاطره اکسیر معرفت
باشد نهان به سینه ما کیمیا وطن
ماییم متکی به خود از ابتکار خویش
بر اجنبی نباشدمان اتکا وطن
در دفتر زمانه بود ثبت نام تو
ماندی تو برقرار به ملک بقا وطن
کوشیم بهر حفظ ثغور تو روز و شب
گر سر شود ز پیکر تن‌ها جدا وطن
همت که درس عشق بیاموخت، جان خویش
در پیشگاه مهر تو سازد فدا وطن

ایران‌گردی

شوشتر

دارالمؤمنین شوشتر با مساحت ٢٤٣٦ کیلومتر مربع در شمال استان خوزستان قرار گرفته است و پس از اهواز و دزفول و آبادان، چهارمین شهر بزرگ استان از لحاظ جمعیت محسوب می شود. از لحاظ طبیعی دامنه‌های کوههای زاگرس، مرز شرقی این شهر و رود دز مرز غربی آن را تشکیل می‌دهد. کوههای مشرف به شوشتر فدلک نام دارند که پایان چین‌خوردگیهای زاگرس در جلگه خوزستان هستند. فاصله شوشتر تا اهواز ۸۵ کیلومتر و تا تهران ۸۳۱ کیلومتر و تا خلیج فارس ۲۲۲ کیلومتر است.

شوشتر تا سال ۱۳۸۳ دارای بخشهای مرکزی و گتوند بود. با تبدیل گتوند به شهرستان، هم اکنون شوشتر دارای بخشهای مرکزی به مرکزیت شوشتر و شعیبیه، به مرکزیت گوریه است. شوشتر در میان اهواز، دزفول، گتوند، رامهرمز، مسجد سلیمان و شوش قرار گرفته است.

شاخه‌های مختلف رود کارون این شهر را به سه منطقه بافت قدیم، بُلیتی، و مناطق جدید شمال غربی تقَسیم کرده است. شاخه گرگر (یا دودانگه یا مسرقان) کانالی است دست‌کند انسان که تاریخش مشخص نیست؛ اما متون تاریخی نشان می‌دهد که این رود ابتدا به رود دیگری در رامهرمز ملحق می‌شد و به خلیج فارس می‌ریخت و در دوران کوروش آن را در منطقه بندقیر با سدی به کارون بازمی گردانند. شاخه شطیط (چهاردانگه) نیز که از سد معروف شادروان شاپوری عبور می کند، در بالادست سد شادروان، شاخه‌ای از آن جدا می‌شود که داریون (داریوش یا دارا) نام دارد. این سه شاخه کارون شوشتر را همچون جزیره‌ای محصور نموده و دشت وسیع میاناب را آبیاری کرده‌اند و در نهایت همگی در جنوب شهر به یکدیگر ملحق می‌شوند و در آنجا به رود دز می پیوندند و به طرف اهواز حرکت می‌کند.

اخه «گرگر» آبشارهای زیبایی را تشکیل می‌دهد و بسیاری از تأسیسات آبرسانی قدیم همچون: آسیابها، کانالهای پل، سدبندها، بندها و آبشارها برای آن ساخته شده بوده که از عجایب روزگار به شمار می‌روند و در سالهای اخیر به عنوان دهمین اثر ایران به ثبت جهانی یونسکو رسیده‌اند.

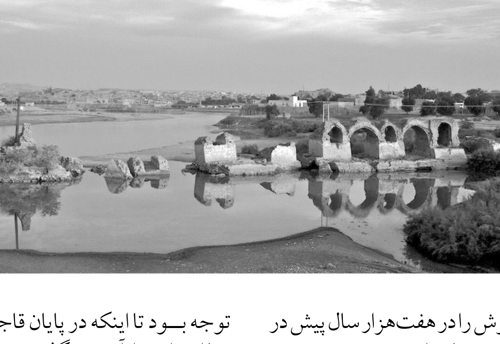
وجه تسمیه

به گفته تاریخ نویسان از جمله حمزه اصفهانی، شوشتر به معنی خوبتر است؛ و چون شهر شوش رو به ویرانی می‌رفت، در شش فرسنگی آن بنا شد که خوش آب‌وهواتر و حاصلخیزتر از شوش بود و آن را شوشتر یعنی از شوش بهتر نامیدند.

مستوفی در نزهت‌القلوب می‌نویسد: «برخی اصل واژه شوشتر را «ششدر» احتمال دادند؛ چون این شهر دارای شش دروازه بود: ماپاریان، دسبول، آدینه، لشکر، مقام علی، و گرگر.» برخی بر این باورند که شوشتر از واژه شوشا (یا سوسا) یعنی مطبوع و دلپسند یا شوشدر(به معنای دروازهٔ شوش) برگرفته شده است.

پیشینه تاریخی

پروفسور گیرشمن باستان‌شناس نامدار فرانسوی، غار پیده در شمال شرقی شهر شوشتر را نخستین سکونتگاه انسانی در ایران می‌داند و قدمت سکونت در شوشتر را به ده‌هزار سال تخمین می‌زند. عیلام‌شناس معروف والترهینس در کتاب دنیای گمشده عیلام، احتمال داده است شوشتر همان آدامدن عیلامی باشد. باستان‌شناسان در سال ۱۳۸۳ با کاوش تل ابوچیزان شوشتر، به آثاری برخوردند که ردپای حکومتهای اولیه



شوش را در هفت‌هزار سال پیش در شوشتر نشان داد.

ابن مقنع گوید: «اول شهری که پس از طوفان نوح بنا نهادند، شوش و شوشتر بود.»

متون تاریخی بسیاری از وجود قلعه سلاسل و نهر دارا یا داریوش شوشتر حکایت می‌کنند که این آبادی شوشتر را در دوران هخامنشی اثبات می‌کند. از دوران اشکانی نیز اشیا و سفالهای بسیاری در محدوده شوشتر کشف شده است. در عصر ساسانی از شهرهای مهم ایران بود؛ به گونه‌ای که والرین ـ امپراتور روم ـ را که شاپور اول اسیر کرده بود، به آبادی و عمران شوشتر می گمارد و بنا یا تجدید بنای سد شادروان را به وی می‌سپارد. در دوران ساسانیان تأسیسات آبی عظیم و پیچیده‌ای در شوشتر ساخته شد که اکنون از مجموعه‌اش به عنوان بزرگترین موزه آبی دنیا یاد می‌کنند. سدها، پلها، آسیابها و کانالهای بسیاری از آن دوران در شوشتر به یادگار مانده است.

در دوران اسلامی شوشتر از نظر علمی، فرهنگی و معارف اسلامی به مرحله‌ای رسید که همواره مورد توجه بود تا اینکه در پایان قاجاریه با احداث راه‌آهن و نگذشتنش از شوشتر و بی رونقی کشتیرانی در کارون شمالی، شوشتر موقعیت بندری خود را از دست داد.

آثار باستانی

آثار باستانی زیر در نشست سالانه کمیته میراث جهانی یونسکو در ۲٦ ژوئن ۲۰۰۹ (٥ تیرماه ۱۳۸۸) در شهر سویل اسپانیا، با عنوان نظام آبی تاریخی شوشتر به صورت یکجا به عنوان دهمین اثر ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو با شماره ۱۳۱٥ به ثبت رسیده‌اند: بند میزان، برج کلاه فرنگی، رودخانه دست‌کند گرگر، پل بند گرگر، مجموعه آبشارها و آسیابهای آبی، بند برج عیار و نیایشگاه صابئین، بند ماهی‌بازان شوشتر (بند خداآفرین)، قلعه سلاسل، کانال داریون، پل بند شادروان، بند خاک، پل بند لشکر و پل شاه علی، بند شرابدار.

افزون بر اینها، از آثار تاریخی زیر در شوشتر می توان نام برد: مسجد جامع، دخمه‌های زرتشتی، کاروانسراها، چشمه سوزنگر، توکمری، تو عاشقون، بند خاک، پلهای حاج خدایی باطنی و مستوفی، بازار سنتی، پل کابلی، روستاهای تک تکاب و گرآب.

با چنین قدمتی پیداست که دانشوران بسیاری از این شهر برخاسته باشند؛ چنان که ابن‌بطوطه علمای شوشتر را جزو بزرگترین دانشمندان نامیده است. کسانی همچون: سهل بن عبدالله شوشتری (سهل تستری)، قاضی نورالله شوشتری، شیخ جعفر شوشتری، علامه محمدتقی شوشتری، آقا سید علی شوشتری (از برجسته‌ترین عرفای متأخر)، شیخ مرتضی انصاری، سید محمدعلی امام شوشتری، عبداللطیف موسوی شوشتری (سفرنامه‌نویس عصر قاجار، مولانا عبدالله شوشتری از علمای دوره صفوی، ابوالعلاء شوشتری شاعر پارسی‌گوی سده چهارم ق و....

سازه‌های آبی شوشتر

این سازه‌ها در دوران ساسانیان، جهت بهره گیری از نیروی آب برای حرکت آسیابها ساخته شد. در این مجموعه بزرگ، ساختمان آسیابها، آبشارها، کانالها و تونلهای عظیم هدایت آب قابل توجه و جالب هستند. در سفرنامه مادام ژان دیولافوا ـ باستان‌شناس نامدار فرانسوی ـ از این محوطه به عنوان بزرگترین مجموعه صنعتی پیش از انقلاب صنعتی یاد شده است.

نگارگر ایرانی

کمال‌الدین بهزاد هراتی از بزرگترین و مشهورترین نقاشان نگارگری ایرانی (مینیاتور) در قرن دهم هجری است. استاد او به قولی میرک نقاش هراتی ـ کتابدار سلطان حسین بایقرا ـ و به قول دیگر پیر سیداحمد تبریزی بود. وی نزد سلطان حسین تقرب یافت و پس از برافتادن تیموریان و استیلای شاه اسماعیل، همراه وی به تبریز رفت. در دوره شاه تهماسب صفوی نیز در کمال عزت و احترام زیست و سرانجام در تبریز درگذشت و در جوار کمال‌الدین خجندی شاعر مدفون شد.

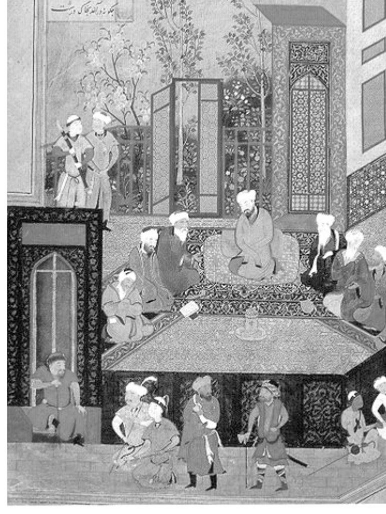
نظر به شهرت بهزاد، طی قرنها کسان بسیاری کارهای او را تقلید کرده و نامش را بر تصویرهای بی‌شمار گذاشته‌اند. از این رو تمیز دادن تصویرهای اصلی او کار دشواری است. این تحقیقات مخصوصاً پس از برپا شدن نمایشگاه هنر ایرانی در لندن (۱۹۳۱م) تا حدی به نتیجه رسیده است. اساس اطلاعاتی که از کار او در دست است، تصویرهایی است که با امضای اصیل او در نسخه‌ای از بوستان سعدی نقش شده و اینک در کتابخانه ملی قاهره نگهداری می شود.

شیوه به کار بردن رنگهای گوناگون و درخشان تصویرها از حساسیت عمیق بهزاد نسبت به رنگ حکایت می کند. از این تصویرها چنین برمی‌آید که او بیشتر به رنگهای اصطلاح «سرد» (مایه‌های گوناگون سبز و آبی) تمایل داشت؛ اما در همه جا با قرار دادن رنگهای «گرم» (به ویژه نارنجی تند) در کنارشان، به آنها تعادل بخشیده است. تناسب یک یک اجزای هر تصویر با مجموعه آن تصویر شگفت‌انگیز است. شاخه‌های پرشکوفه و نقش کاشیها و فرشهای پرزیور زمینه تصویرها نمودار ذوق تزیینی و ظرافت اوست. اما بیش از هر چیز واقع‌بینی او کارهایش را از آثار نقاشان پیشین متمایز ساخته است. این واقع‌بینی به خصوص در تصاویری به چشم می‌خورد که صرفاً جنبه درباری ندارد و نشان‌دهندهٔ زندگی عادی و مردم معمولی است: شیر دادن مادیانها به کره‌ها در مزرعه، تنبیه کسی که به حریم دیگری تجاوز کرده، خدمتکارانی که خوراک می‌آورند، روستاییان در کشتزار و غیره. دیگر اینکه صورت آدمها به صورت یکنواخت نیست، بلکه هر یک نمودار شخصیتی است و حرکت و زندگی در آن دیده می‌شود. آدمها در حال استراحت نیز شکل و حالاتی طبیعی دارند.

مهمترین تحول کار هنری بهزاد، توجه به شخصیت‌های موجود در نگاره‌هاست .بهزاد اولین نگارگر ایرانی است که به نقاشی تک‌چهره روی آورد. او در آثار خود جایی برای خطاط نمی گذاشت و بدین ترتیب نگاره‌هایی مستقل از کتابت به وجود آورد.

برخی از کتابهایی که با تصویرهای منسوب به بهزاد مزین‌اند، از این قرارند: خمسهٔ امیر علیشیر نوائی (مورخ ۸۹۰ق، در کتابخانهٔ بودلیان)، گلستان (مورخ ۸۹۱ق، جزء مجموعه روچیلد پاریس)، خمسهٔ نظامی (مورخ ۸٤٦ق، موزه بریتانیائی).

نفوذ بهزاد بیش از هر چیزی در کار شاگردانش دیده می‌شود. برخی از آنها در کار خود بیش و کم به پای استاد رسیدند. با آنکه در زمان صفویه سبک مینیاتورسازی بار دیگر دچار تحول شد، نزدیک نیم قرن پس از بهزاد نفوذ او در کار نقاشان به چشم می‌خورد.



نقاشان هراتی سبک بهزاد را به بخارا بردند و آن را در دربار خاندان شیبانی پرورش دادند. کتابی به نام مهر و مشتری که در ۹۲٦ق در بخارا استنساخ شده، نمودار آن است که سبک بهزاد در بخارا بهتر حفظ شده است. مهاجرت برخی از نقاشان سبب رواج سبک بهزاد در هند گردید.



نگاهی به چالش های اقتصاد ۹۱

اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۱ شرایط خاصی را تجربه کرده است. بررسی این شرایط و تلاش برای کنترل آنها چالش اصلی در حوزه سیاستگذاری اقتصادی برای سال ۱۳۹۲ است. با توجه به مولفه های اصلی اقتصاد مقاومتی که در سال ۱۳۹۱ مورد تاکید مقامات ارشد نظام و بویژه مقام معظم رهبری قرار گرفته است، توجه به این چالشها و تبدیل آنها به فرصت سبب خواهد شد اقتصاد ایران مسیر خود را در جهت رشد و توسعه اقتصادی ادامه دهد.

***کاهش رشد اقتصادی و سرمایه گذاری:** بر اساس آمار رسمی در شش ماهه اول سال ۱۳۹۰ رشد اقتصادی در حدود ۳,۴ درصد بوده است. از سال ۱۳۹۰ به بعد رشد اقتصادی در ایران با دو چالش اساسی روبرو بوده است:

۱- افزایش نرخ ارز که سبب افزایش هزینه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای صنایع شده است.

۲- تشدید تحریم های اقتصادی که سبب شده است تا فضای کسب و کار در داخل تخریب شود. در تایید این امر می‌توان به تنزل رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از ۱۰,۳ درصد در سه ماهه اول سال ۱۳۹۰ به ۱,۳ درصد در سه ماهه دوم همان سال اشاره کرد.

مطابق با آخرین پیش بینی صندوق بین المللی پول، اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۱ رشد اقتصادی ۲ درصدی را تجربه کرده است و در سال ۲۰۱۲ رشد اقتصاد ایران منفی و معادل ۰,۹۴ درصد بوده است که حاکی از نامناسب بودن اوضاع اقتصاد ایران در این دوره است.

***افزایش نرخ بیکاری:** براساس نتایج آخرین آمارگیری مرکز آمار ایران از نیروی کار در تابستان ۱۳۹۱، نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر کشور حدود ۱۲,۴ درصد بوده است که در مقایسه با تابستان ۱۳۹۰ به میزان ۱,۳ واحد درصد افزایش یافته است. علاوه بر آن، نرخ بیکاری زنان بیش از دو برابر مردان بوده است که نشان می‌دهد بازار کار در ایران برای اشتغال زنان تمایل کمتری نشان می‌دهد و مشاغلی که زنان بتوانند در آن فعالیت کنند، در مقایسه با مردان کمتر است. همچنین نرخ بیکاری در جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله ۲۷ درصد و در بین جمعیت ۱۵ تا ۲۹ ساله ۲۴,۸ درصد بوده است که با توجه به جوانی جمعیت کشور نرخ بالایی به شمار می‌رود. نرخ بیکاری این گروه سنی در تابستان ۱۳۹۱ به میزان ۲,۳ واحد درصد بیشتر از همین نرخ در تابستان ۱۳۹۰ بوده است.

***افزایش نرخ تورم:** روند نرخ تورم در ماههای پس از اجرای طرح هدفمندی یارانهها افزایشی بوده است. در این مدت نرخ تورم در دوگام یکی از پاییز سال ۱۳۸۹ تا تابستان ۱۳۹۰ و دیگری از اوایل تابستان تا زمستان ۱۳۹۱جهش یافته است. می‌توان گام اول را بیشتر به اثرات اجرای فاز اول طرح هدفمندسازی یارانه‌ها نسبت داد و گام دوم را عمدتا ناشی از اثرات نوسانات بازار ارز و سیاستهای پولی دانست. با توجه به کاهش رشد اقتصاد ایران و تداوم روند رشد اندک در سالهای آینده، بخش عرضه اقتصاد ایران قادر به پاسخ‌گویی به رشد تقاضا نیست. لذا یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۲ کنترل تورم و تلاش برای کاهش آن است.

***افزایش رشد نقدینگی:** آمارهای رسمی نشان می‌دهند که نقدینگی در اقتصاد ایران در خرداد ۱۳۹۱ نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۲۴/۴ درصد افزایش داشته است. به گفته رئیس کل بانک مرکزی (۱۳۹۱/۱۲/۷) حجم نقدینگی در پایان دی ۱۳۹۱ به ۴۳۸ هزار میلیارد تومان رسیده است که نسبت به اسفند سال قبل از آن رشد ۲۴,۴ درصدی را نشان می دهد. این رقم در مقایسه با دی سال قبل از آن رشد ۳۱ درصدی را نشان می‌دهد. علاوه بر آن، پایه پولی هم نسبت به اسفند ۱۳۹۰ رشد ۱۵,۸ درصدی را ثبت کرده است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، افزایش مطالبات بانک مرکزی از دولت مهمترین عامل افزایش پایه پولی در این مدت بوده است.

***کاهش صادرات محصولات پتروشیمی:** بر اساس گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران، ارزش صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی بدون احتساب میعانات گازی در ۱۰ ماهه سال ۱۳۹۱، معادل ۲۶۶۱۹ میلیون دلار و ارزش کل واردات ۴۳۷۶۸ میلیون دلار بوده است. در این مدت ارزش صادرات میعانات گازی نسبت به سال قبل کاهش ۱۰/۰۸- درصدی داشته است. همچنین در این مدت ارزش صادرات محصولات پتروشیمی نسبت به سال ۹۰ کاهش ۲۹/۶- درصدی داشته است. ارزش صادرات سایر کالاها هم نسبت به سال ۹۰ افزایش ۲۴/۱۳ درصدی را ثبت کرده است. به واسطه وجود تحریم‌های اتحادیه اروپا، بیشترین کاهش صادرات در گروه محصولات پتروشیمی رخ داده است. در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال قبل از آن سهم عراق از صادرات ایران افزایش یافته است و در مقابل سهم چین کاهش یافته است. به طور کلی روند فعلی نشان می‌دهد مقاصد صادراتی ایران در حال حاضر در حال محدودتر شدن است و به تدریج به کشورهای همسایه در منطقه تنزل می‌یابد. از دست دادن بازار کشورهای چین و هند در بلندمدت برای اقتصاد ایران نکته‌ای منفی محسوب می‌شود که باید بدان توجه کرد.

***کاهش واردات:** بر اساس گزارش گمرک در ۱۰ ماهه نخست سال ۱۳۹۱ مقدار و ارزش واردات گمرکی نسبت به سال قبل از آن۵/۹۷ درصد به لحاظ وزن و ۱۳/۱۴درصد به لحاظ ارزش کاهش داشته است.

عمده دلایل این کاهش را می‌توان در افزایش نرخ ارز، کم شدن درآمد ارزی ایران از محل صادرات نفت و محدودیت‌های ناشی از نقل و انتقال وجوه ناشی از تحریم‌های بانکی دانست. در همین مدت تعداد اقلام وارداتی ۵۲۳۵ قلم بوده است که نسبت به سال ۱۳۹۰ (۵۴۲۶ قلم) ۱۹۱ قلم کمتر بوده است. همچنین تعداد کشورهای مبادی واردات هم از ۱۴۹ کشور در سال ۱۳۹۰ به ۱۳۳ کشور در ۱۰ ماهه نخست سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است. این موضوع نشان می‌دهد کاهش واردات هم به صورت کاهش در مقدار، کاهش در اقلام و کاهش در تعداد مبادی وارداتی نمود پیدا کرده است.

***کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای:** در ۱۰ ماهه سال ۱۳۹۱ مواد خام و واسطه‌ای با ارزش ۲۰,۵ میلیارد دلار، کالاهای سرمایه‌ای با ارزش ۱۰,۷ میلیارد دلار و کالاهای مصرفی با ارزش ۷,۷ میلیارد دلار به ترتیب ۵,۴، ۲۶,۷ و ۱۹,۴درصد از واردات کالائی ایران را تشکیل داده‌اند. کاهش واردات کالایی در ۱۰ ماهه نخست سال ۱۳۹۱ برای مواد خام ، واسطه‌ای و سرمایه‌ای مصرفی به ترتیب ۱۷، ۲۵ و۸,۶ درصد بوده است. این موضوع بیان‌گر آن است که سهم مواد خام و واسطه‌ای و همچنین کالاهای سرمایه‌ای در واردات کالائی کاهش یافته است و در مقابل سهم کالاهای مصرفی افزایش یافته است.

بیشترین بار کاهش واردات در سال ۱۳۹۱ بردوش کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده است که نقش مهمی در تولید در اقتصاد ایران دارند. از این رو یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۲ این است که چگونه می‌توان واردات را محدود کرد. به صورتی که جریان ورود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز تولید آسیب نبینند.

***نوسانات قیمت ارز، سکه طلا و مسکن:** در فروردین ۱۳۹۱ متوسط قیمت هر دلار آمریکا ۱۸۷۷۲ ریال بوده است، درحالیکه در زمستان قیمت دلار از مرز ۳۷۰۰۰ ریال عبور کرد. بر این اساس قیمت دلار بیش از ۹۷ درصد در مدتی کمتر از یکسال افزایش یافته است. باید پذیرفت که مسیر قیمت ارز در بازار غیررسمی به طور کلی مستقل از تلاش‌های دولت بوده است و عمدتا تحولات سیاسی است که نرخ ارز را تعیین می‌کند.

همچنین در فروردین ۱۳۹۱ متوسط قیمت هر سکه تمام بهار آزادی (طرح جدید) ۷۴۶۳۴۰۹ ریال بوده است، در حالیکه در اوایل اسفند سال ۱۳۹۱ این رقم به بیش از ۱۴۵۰۰۰۰۰ ریال رسیده است. لذا در این مدت قیمت سکه در حدود ۹۵ درصد رشد کرده است که با افزایش حدود ۹۷ درصدی قیمت دلار هماهنگ بوده است.

در میان‌مدت و بلندمدت مسیر قیمت سکه طلا (و همچنین طلا) از دو منبع تاثیرپذیر خواهد بود: قیمت جهانی طلا و قیمت دلار در بازار غیررسمی. لذا تلاش‌های دولت برای کنترل قیمت سکه خنثی خواهد شد و بانک مرکزی تنها می‌تواند به این سیاست با هدف کنترل بخشی از نقدینگی توجه کند.

متوسط قیمت یک متر مربع زمین یا زمین ساختمان مسکونی کلنگی در شهر تهران هم در تابستان ۱۳۹۱ نسبت به بهار همان سال ۱۷,۱ درصد و نسبت به تابستان سال قبل از آن ۳۳,۶ درصد افزایش یافته است. به همین ترتیب متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای مسکونی در تابستان ۱۳۹۱ نسبت به سال قبل از آن حدود ۳۲ درصد رشد کرده است.

به تبع افزایش قیمت مسکن در این مدت، متوسط مبلغ اجاره به علاوه ۳ درصد ودیعه بابت یک متر مربع بنا در شهر تهران در تابستان ۱۳۹۱ نسبت به بهار همان سال ۱۱,۲ درصد و نسبت به تابستان سال قبل از آن ۳۶,۵ درصد افزایش یافته است.

با توجه به این مشکلات می‌توان توصیه های سیاستی مشخصی به این شرح ارائه کرد:

- کنترل تورم از طریق کاهش رشد نقدینگی.
- اجازه انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی با نرخ‌های سود بیش از ۲۵ درصد برای جذب نقدینگی و کاهش جذابیت بازارهای سکه، ارز و مسکن.
- سیاستگذاری تجاری در جهت تسهیل ورود ماشین آلات سرمایه‌ای و کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز تولید داخلی
- افزایش انضباط بودجه ای و تلاش برای محدود کردن استقراض دولت از بانک مرکزی

دکتر حسن حیدری
استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

اینترنت و کاربران

این روزها مسوولان مختلف وزارت ارتباطات بارها از این موضوع یاد می‌کنند که از این پس قطعی اینترنت نخواهیم داشت، اما این اظهارات در شرایطی صورت می‌گیرد که بسیاری از کاربران از کندی و اختلالات اینترنت به تنگ آمده‌اند و حتی دبیر شورای عالی فضای مجازی هم بر این باور است که سرعت فعلی حتی برای باز کردن یک صفحه عادی هم کم است.

به گزارش ایسنا، تا همین چند سال پیش تمام پهنای باند اینترنت بین الملل کشور از کابل مسیر جاسک-فجیره تامین می‌شد و از آنجا که این درگاه در آبهای خلیج فارس قرار داشت لنگر کشتی‌های در حال حرکت در خلیج فارس یکی از بلاهای همیشگی اینترنت ایران بود و هر از چندگاهی استراحت و لنگر انداختن کشتی‌ها باعث پاره شدن چند باره فیبرهای نوری خلیج فارس می‌شد و همین موضوع گاه حتی تا چند هفته سرعت اینترنت را با کاهش روبه‌رو می‌کرد یا برای مدتی موجب قطعی اینترنت می‌شد. اما درنهایت مسوولان زیرساخت به فکر مسیرهای جایگزین برای تامین پهنای باند کشور افتاده و پروژه‌های جدیدی در این بخش تعریف کردند و با استفاده از این مسیرها این گونه عنوان شد که دیگر دوره قطعی‌های اینترنت به پایان رسیده است.

اکنون اگرچه مدتی است حتی برای کوتاه مدت شاهد قطعی سراسری اینترنت نبوده‌ایم، اما طی ماه‌های اخیر بحث‌های متعددی درباره سرعت اینترنت مطرح شده و کاربران بسته به این‌که از اینترنت خانگی استفاده کنند یا در شرکت‌ها و ادارات کاربر اینترنت باشند، در موارد متعدد به گلایه از وضع دسترسی به اینترنت پرداخته‌اند. حتی علاوه بر تحمل کندی، برخی کاربران برای دسترسی به ایمیل‌های مورد استفاده خود هم مشکلات متعدد دارند و باز شدن صفحه جی‌میل یا صفحه چت آن بیش از سایر اختلالات کاربران را آزار می‌دهد.در این میان نهادهای متولی اینترنت کشور بر این نکته تاکید دارند که وضع اینترنت کشور مشکل خاصی ندارد و احتمالا اختلالات حالت موردی دارد. اما حتی با در نظر گرفتن این پیش فرض به نظر می‌رسد این روزها اختلالات بیشتر شده است .البته پیش از این دبیر شورای عالی فضای مجازی به نوعی به تائید ضمنی برخی مشکلات اینترنتی پرداخته و حملات متعدد سایبری به درگاه‌های ایران را دلیل اصلی این اختلالات دانسته بود.

مهدی اخوان بهابادی حملات سایبری به فضای مجازی کشور را مشکلی دانسته بود که برای مقابله با آن نیاز است پهنای باند درگاه بین‌المللی اینترنت کاهش یابد که این موضوع در نهایت موجب پایین آمدن سرعت اینترنت و کند باز شدن صفحات می‌شود.دبیر شورای عالی فضای مجازی با تاکید بر این که سرعت کنونی برای باز کردن یک صفحه عادی هم کند است، از افزایش سرعت تا پایان بهار ۹۲ خبر داده بود که در این زمینه اگرچه حداقل در اولین ماه بهار اتفاق خاصی رخ نداده، اما حداقل شاید بتوان امید داشت که در دو ماه باقی مانده حداقل بخشی از مشکلات اینترنتی کاربران کمتر شود.حال مسوولان مختلف وزارت ارتباطات بر این نکته تاکید دارند که از این پس دوره قطعی‌های اینترنتی به پایان رسیده و قطعی کلی اینترنت برای کاربران در حد یک خاطره خواهد بود.این اظهارات در شرایطی صورت می گیرد که اگرچه با افزایش درگاه‌های بین‌الملل راه‌های تامین پهنای باند کشور از یک درگاه به چند درگاه افزایش پیدا کرده و برای پهنای باند مسیرهای مختلفی وجود دارد، اما همچنان در موارد متعدد شاهدیم که کاربران حتی با این‌که به ظاهر اینترنت پرسرعت را برای خود ثبت نام کرده‌اند، عملا در دسترسی به ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین سایت‌ها با مشکلات متعدد مواجه هستند. طی ماه‌های اخیر در برخی اظهارنظرهای رسمی صورت گرفته مسوولان به اشتراک گذاشتن پهنای باند برای تعداد بالای کاربران یا بی اطلاعی افراد از دانش رایانه‌ای را برخی از موضوعاتی دانسته‌اند که موجب بروز مشکل می‌شود و حتی در دوره‌ای اینگونه عنوان کرده‌اند که اینترنت مشکل خاصی ندارد و رسانه‌ها این جریان را بزرگ کرده‌اند. با این حال هیچ گاه در این دوران آماری از رتبه اینترنت ایران در جهان و منطقه به طور رسمی منتشر نشده و همواره به کلی گویی در این زمینه بسنده شده است.از سوی دیگر در ارتباط با دریافت خسارت توسط کاربران هم تاکنون اقدام قابل توجهی صورت نگرفته و در هیچ یک از اختلالات چند روزه که در ماه‌های قبل اتفاق افتاده گزارش کاملی از اینکه مخابرات یا شرکت‌های ارائه کننده اینترنت خسارت پرداخت کرده باشند، منتشر نشد.

با این همه، وزیر جدید ارتباطات در مدتی که از دوره وزارتش باقی مانده این گونه وعده داده است که قصد دارد با استفاده از بستر فیبر نوری و عبور یک خط بین المللی اینترنت از کشور پهنای باند را افزایش دهد تا ظرفیت داخل و سرعت اینترنت افزایش یابد.



عرضه ۱۲۰ هزار تن محصول در بورس کالا

۱۲۰ هزار تن انواع محصولات صنعتی و معدنی و فرآورده های نفت و پتروشیمی در تالارهای داخلی و صادراتی بورس کالای ایران توسط کارگزاران عرضه شد.

به گزارش روابط عمومی بورس کالای ایران در تالار صادراتی ۱۵۰۰ تن قیر ۶۰۷۰ شرکت آذربام عایق کار به قیمت پایه ۶۲۰ دلار در هر تن به همراه ۱۵۰۰ تن قیر ۴۰۵۰ شرکت قیر دژپا به قیمت پایه ۵۰۰ دلار در هر تن برای صادرات به بازارهای جهانی عرضه شد.

در تالار محصولات صنعتی و معدنی هم شرکت فولاد مبارکه تا ۴۹ هزار و ۵۰۰ تن ورق گرم B ، ۶۶ هزار تن ورق گرم C ، ۱۲هزار تن ورق سرد B، ۵هزار تن ورق گالوانیزه Gو ۱۵۰۰ تن ورق قلع اندود را به صورت سلف عرضه کرد.

۱۰ هزار تن تختال C این شرکت به قیمت پایه ۱۴ هزار و ۶۰۰ ریال به صورت سلف توسط کارگزاران بر روی تابلوی معاملات رفت. در گروه آلومینیوم ، شرکت های المهدی و هرمزآل هر کدام عرضه کننده ۵۰۰ تن شمش هزار پوندی ۹۹,۷ به قیمت پایه ۶۰ هزار و ۴۵۰ ریال بودند. ۱۰ کیلوگرم شمش طلای موته ، ۲۰۰ تن کک متالورژی ۶۰,۱۴۰ شرکت کک سازی زرند و ۴۴۰۰ تن سبد میلگرد A۳-۱۴-۲۵ مجتمع فولاد صنعت بناب از دیگر کالاهای عرضه شده در تالار محصولات صنعتی و معدنی بورس کالای ایران در روز دوم اردیبهشت بود.

این گزارش حاکی است در این روز و در تالار فرآورده های نفت و پتروشیمی شرکت ایزوگام تبریز ۳ هزار تن قیر ، پالایش نفت تندگویان تهران ۱۹۲۰ تن گوگرد گرانوله و وکیوم باتوم و پتروشیمی پلی نار ۶۰۰ تن انواع پلی پروپیلن را در این تالار عرضه کردند.

ضمن آنکه شرکت پتروشیمی تبریز با عرضه ۶۸۳۰ تن انواع پلی اتیلن و پلی استایرن، پتروشیمی رجال با عرضه ۳۳۰ تن پلی پروپیلن و پتروشیمی شازند با عرضه ۱۲ هزار و ۱۷۶ تن انواع پلی اتیلن، پلی پروپیلن و پلی بوتادین رابر در تالار معاملات حضور یافتند.

مجتمع های پتروشیمی مارون، پلی پروپیلن جم ، پلیمر کرمانشاه، پتروشیمی رجال و نوید زرشیمی هم از دیگر عرضه کنندگان مواد پلیمری در این روز به شمار می روند. همچنین ۲۰ هزار و ۵۰۰ تن انواع قیر شرکت نفت پاسارگاد و ۱۹ هزار تن انواع قیر شرکت نفت جی در تالار داخلی فرآورده های نفت و پتروشیمی توسط کارگزاران عرضه شد.

گفتنی است که در روز اول اردیبهشت هم در تالارهای بورس کالا ۲۳ هزار تن انواع کالا با ارزش ۹۱۵ میلیارد ریال مورد دادوستد قرار گرفت.در این روز و در تالار صادراتی، ۱۰۰ تن قیر ۶۰۷۰ شرکت بام گستر زرین شرق و ۱۵۰۰ تن قیر ۶۰۷۰ شرکت نگین فخر آذربایجان به ترتیب با قیمت‌های ۶۶۰ و ۶۲۰ دلار در هر تن معامله شد.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	٤١٥٨٣/٨	٤١٥٨٣/٨	٤١١٣٤/٣	٤٥٠/٨	١/١
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	٢١١٠/٩	٢١١٠/٩	٢٠٧٩	٣٤	١/٦٤
شاخص آزادشناور	٤٨٠٩٦/٤	٤٨٠٩٦/٤	٤٧٤٤٢/١	٦٥٥/٨	١/٣٨
شاخص بازاراول	٣١٨٤١/٩	٣١٨٤١/٩	٣١٤٨٧/٢	٣٥٦/٢	١/١٣
شاخص بازاردوم	٧٥٥٠٧/٣	٧٥٥٠٧/٣	٧٥٠٤٠/٨	٧٦٢	١/٠ ٢
شاخص صنعت	٣٦١٢٤/٧	٣٦١٢٤/٧	٣٥٦٩٧/٧	٤٢٨/٤	١/٢

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۲/۲/۳)

مجموع حجم معاملات	۲۵۹ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۲۱۴/۲۳۴ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۳۳۵۸۲ معامله
ارزش بازار	۲/۰۵۲/۸۹۵ میلیارد ریال

پذیرش ۷محصول در بورس انرژی

مدیر عامل بورس انرژی از پذیرش هفت محصول فرآورده نفتی در بورس انرژی خبر داد.

شاپور محمدی، در گفتگو با ایسنااز پذیرش هفت محصول جدید در بورس انرژی خبر داد و گفت: در جلسه روز گذشته هیات پذیرش هفت محصول فرآورده نفتی در این بورس مورد پذیرش قرار گرفت.

وی افزود: در این جلسه با پذیرش نفتای سنگین صادراتی،نفت کوره صادراتی، ایزوریسایکل، نفت سفید ایزو ماکس، گازوئیل ایزوماکس، گاز پروپان و گاز بوتان موافقت شد.

به گفته محمدی با پذیرش این هفت محصول در بورس انرژی تعداد شرکتهای پذیرش شده در بورس انرژی با احتساب محصولات برق،قطران و زغال سنگ به ۱۰ شرکت رسید.مدیر عامل بورس انرژی در مورد آخرین وضع تامین نقدینگی معاملات برق توسط وزارت نیرو گفت:رایزنی های لازم برای تامین نقدینگی انجام شده و قرار است به زودی نقدینگی لازم توسط وزات نیرو برای انجام معاملات برق در بورس انرژی تامین شود.

افزایش کارآمدی شرکت‌های سرمایه‌گذاری با اجرای حاکمیت شرکتی

راه‌اندازی حاکمیت شرکتی می‌تواند در افزایش کارآمدی شرکت‌های سرمایه گذاری مفید باشد.

به گزارش ایسنا، مصطفی امید قائمی مدیرعامل سابق فرابورس تاکید کرد: با اعمال حاکمیت شرکتی و ایجاد دپارتمان روابط سرمایه گذاران، روابط سهامداران خرد و عمده تنظیم می شود و برابری حقوق سهامداران درنظر گرفته خواهد شد.



در پاسخ به پرسشی مبنی بر نقش شرکت‌های سرمایه گذاری و هلدینگ در بهبود حاکمیت شرکتی بنگاهای اقتصادی گفت: شرکت‌های سرمایه گذار به لحاظ اینکه تخصصی به کار هلدینگ‌داری مشغول هستند می توانند با انجام این کار به مفید بودن کارهای شرکتی کمک کنند.

مدیرعامل شرکت آینده‌نگر درادامه برای روشن شدن این موضوع به موضوع راه اندازی مفید حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها پرداخت و گفت: اگر این اتفاق به درستی در شرکت ها رخ بدهد می تواند در افزایش کار آمدی شرکت‌های سرمایه گذاری تاثیر مثبتی داشته باشد.

امید قائمی ادامه داد: سهامداران عمده در طول سال با شرکت در ارتباط هستند و نظر این سهامداران در انتخاب هیات مدیره شرکت، در جهت منافع این سهامداران است ولی سهامداران خرد تنها سالی یک بار در مجمع شرکت حضور پیدا می کنند و منافع آنها در شرکت‌ها کمتر درنظر گرفته می شود.

مدیرعامل شرکت آینده نگر

مدیرعامل سابق فرابورس گفت: در حاکمیت شرکتی باید درنظر داشت که منافع مالکان شرکت و سهامداران خرد از کجا تامین می شود. در واقع حاکمیت شرکتی مشخص می‌کند شرکت در جهت منافع چه کسانی حرکت می کند.

بر اساس این گزارش، حاکمیت شرکتی روابط میان مجموعه‌ای از افراد و نهادها را مورد هدف قرار می دهد که در جهت گیری و اثربخشی سازمان ها از جمله سهامداران، هیات مدیران، مدیریت، کارکنان، مشتریان، تأمین کنندگان مالی و نهادهای قانونی و دولتی، تأثیر بسزایی دارد.محمد اسماعیل فدایی‌نژاد عضو کمیته علمی نخستین همایش ملی حاکمیت شرکتی هم با اشاره به تشکیل کمیته‌ای در اتاق بازرگانی ایران، گفت: در این کمیته به تحقیق و بررسی برخی کشورها از جمله بحرین، ترکیه، مالزی و انگلیس که تجربه اجرای قانون حاکمیت شرکتی را داشتند، پرداختیم که نتیجه آن جمع‌بندی مجموعه‌ای از قوانین پیشنهادی با توجه به قانون تجارت ایران بود که با تصویب آن تمامی شرکت‌ها به شکل یکسانی عمل خواهند کرد.

وی با تاکید بر این‌که قانون حاکمیت شرکتی دارای ابعاد وسیع و لایه‌های مختلفی است، گفت: چیزی که در حال حاضر از حاکمیت شرکتی موجود بوده یک بخشنامه یا آیین‌نامه است که هر شرکتی بخشی از آن را اجرا می‌کند. این در حالی است که طبق قانون پیشنهادی بایستی با تشکیل کمیته حاکمیت شرکتی متشکل از نمایندگان بورس، بانک مرکزی، شرکت‌های بورسی و اتاق بازرگانی نظرات موافق و مخالف در جلسه مطرح و مشخص شود چه کارهایی بایستی صورت بگیرد، اصلاحات و حذفیات چیست و... تا در نهایت قوانینی وضع شود که به هیچ عنوان قابل تفسیر نباشد.سرپرست پردیس دانشگاه شهید بهشتی با بیان این‌که برای تشکیل این جلسه تا به اکنون فرصتی فراهم نشده است، ادامه داد: اجرایی شدن حاکمیت شرکتی برای کلیه شرکت‌ها مدنظر است اما در حال حاضر بیشتر بحث روی بانک‌ها و شرکت‌های پذیرفته شده در بورس بوده که امید است با تشکیل کمیته یاد شده و سپری شدن مراحل بررسی برای تصویب و تبدیل شدن به قانون به مجلس ارسال شود تا به صورت لازم‌الاجرا درآید.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کنتورسازی‌ایران	۱۵,۰۹۹	۴۶۸	کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۱,۳۱۴	۸۱۹	قنداصفهان	۴۲,۰۰۰	۸۰۰
مخابرات ایران	۲,۳۵۴	۳۵	سیمان داراب	۴,۴۱۷	۱۶۹	قند لرستان	۴۰,۱۷۰	۷۷۴
بیمه البرز	۳,۹۰۹	(۱۶۲)	سیمان‌ارومیه	۴,۳۴۲	۱۶۷	قند مرودشت	۱۹,۸۲۰	۵۰۲
کابل البرز	۱,۳۷۸	۵۳	سیمان بجنورد	۲,۵۵۵	۹۸	قندنقش‌جهان	۱۰,۵۵۰	(۱۶۹)
ایران ترانسفو	۲,۱۲۶	۸۱	سیمان‌سپاهان	۱,۲۹۲	۴۹	قند نیشابور	۱۱,۰۹۹	۱,۵۳۴
پارس‌سویچ	۲,۸۴۶	۱۰۰	سیمان تهران	۲,۵۷۱	۹۸	قندهکمتان	۲۶,۰۰۰	۶۴
لامپ پارس شهاب	۴,۴۰۲	۵	سیمان‌خاش	۳,۷۰۵	۱۴۲	آبسال	۱,۶۷۱	۶۴
موتوژن	۴,۲۹۱	۱۶۵	سیمان خزر	۲,۱۸۰	۸۳	گروه‌صنعتی‌بوتان	۲,۸۹۹	۱۱۱
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۲,۴۹۴	۹۵	صنایع سیمان دشتستان	۳,۱۹۴	۱۲۲	سرما آفرین	۱,۹۵۶	۳۶
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۲,۵۷۳	۸۸	سیمان دورود	۷,۸۵۲	۳۰۲	ایران‌ارقام	۲,۰۲۰	۴۹
گسترش نفت و گاز پارسیان	۸,۴۶۹	۲۵۶	سیمان شرق	۱,۱۹۷	۴۶	بیمه ملت	۱,۲۸۷	۱۷
بیمه پارسیان	۲,۱۹۹	۳۷	سیمان شمال	۱,۶۱۶	۶۲	نساجی بروجرد	۱,۱۴۸	۴۴
ایران‌یاساتایرورابر	۱۳,۷۱۰	(۴۰۷)	سیمان‌اصفهان	۱۰,۱۹۴	۳۹۲	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۰۵۰	۱۴
سرمایه گذاری پردیس	۱,۱۴۲	۴۳	سیمان صوفیان	۱,۶۸۷	۱۸۴	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۲,۹۰۰	۴
صنایع لاستیکی سهند	۵,۷۵۷	۲۲۱	سیمان‌غرب	۵,۲۵۸	۲۰۲	بانک انصار	۲,۳۰۸	۷
گروه صنعتی بارز	۳,۸۳۵	۱۴۷	سیمان‌فارس	۱۴,۷۱۱	۵۶۵	توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۱,۹۷۳	۷۵
تراکتورسازی‌ایران	۱,۹۳۹	۷۴	سیمان فارس و خوزستان	۱,۷۰۵	۶۵	ح . صنایع بهشهر(هلدینگ	۱,۰۱۸	۴۳
تولیدتجهیزات‌سنگین‌هپکو	۹۶۰	(۱۷)	سیمان فارس نو	۲,۵۸۸	۹۹	بانک صادرات ایران	۱,۰۰۹	۸
کمباین سازی ایران	۸۶۱	(۳۵)	سیمان‌هرمزگان	۸,۳۲۵	۳۲۰	بانک ملت	۱,۲۳۲	۱
تکنوتار	۲,۸۱۰	(۱۴)	سیمان‌هگمتان	۲,۷۹۱	۱۰۷	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۰۷۶	۱
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۲۳۹	۴۷	سیمان ایلام	۳,۶۱۵	۱۳۹	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۳۱۹	۴۸
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۶۵۱	(۲۳)	سیمان کردستان	۹,۸۱۷	۳۷۷	سرمایه گذاری صنعت بیمه	۹۴۸	۳۶
سامان گستراصفهان	۱,۳۳۰	(۱۳)	سیمان کرمان	۶,۷۷۳	۲۶۰	بانک‌پارسیان	۲,۲۰۴	(۳)
سرمایه گذاری شاهد	۱,۳۷۹	۱۷	پالایش نفت بندرعباس	۷,۹۴۰	(۶۷)	بانک پاسارگاد	۱,۵۲۰	۱۳
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱,۱۵۷	۴۴	بین المللی محصولات پارس	۴,۰۳۸	۱۵۵	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱,۳۸۸	۵۳
ح . عمران‌وتوسعه‌فارس	۱۴۹	۱۱	پتروشیمی آبادان	۹,۷۸۸	۳۷۶	داروپخش (هلدینگ	۷,۸۵۰	۳۰۱
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۴۱۹	۵۱	پتروشیمی پردیس	۵۰,۹۸۰	۱,۰۵۵	پست بانک ایران	۴,۱۵۳	۱۵۹
فیبر ایران	۳,۸۹۸	(۱۶۲)	پارس پامچال	۹,۰۴۱	۳۴۷	بانک تجارت	۱,۴۱۰	۶
کارتن ایران	۱,۸۹۵	۷۲	پالایش نفت اصفهان	۲۴,۷۰۰	(۲۰۳)	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۴۵۰	۲۶
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۵,۵۵۰	۱۵۸	تهران شیمی	۵,۲۹۹	(۱۲۱)	سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۵۸۴	۹۹
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۳۳۸	۱۶	دوده صنعتی پارس	۱۱,۷۵۰	۴۵۱	توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۳۴۶	۱۸
تایدواترخاورمیانه	۴,۰۴۳	۱۵۵	صنعتی رنگین	۱,۵۷۷	(۶۵)	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۱,۹۶۴	۴۶
حمل‌ونقل‌توکا	۴,۳۰۳	۱۶۵	صنایع‌شیمیایی‌سینا	۴,۷۰۰	۹	سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۷۶۸	(۳۲)
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۸۶۸	۳۳	پتروشیمی‌فارابی	۱۵,۴۶۸	۵۹۲	سرمایه‌گذاری سایپا	۸۱۰	۲۵
حفاری شمال	۴,۱۳۷	۱۵۳	صنایع شیمیایی فارس	۶,۳۹۹	۱۶۰	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۴۰۵	۹۲
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱,۱۷۰	(۱۹)	پتروشیمی فناوران	۱۸,۳۳۱	۶۵۸	سرمایه‌گذاری سپه	۱,۴۸۴	۵۷
سایپاآذین	۴۴۲	(۴)	لعابیران	۶,۲۸۰	۵۶	گروه‌صنعتی‌سدید(هلدینگ	۱,۶۱۸	(۶۷)
ایران خودرودیزل	۵۸۶	۱۹	تولیدموادّاولیه‌والیاف‌مصنوعی	۲,۵۱۶	(۶۴)	بانک سینا	۱,۳۴۰	۲۰
گروه‌بهمن	۱,۷۰۰	(۲۰)	پتروشیمی‌شیراز	۸,۱۲۰	(۲۹۰)	گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۴۲۶	۲۰
ح . گروه‌بهمن	۷۴۵	۵۵	کربن ایران	۳,۸۴۲	۱۴۷	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۱۵۳	۴۴
پارس خودرو	۶۱۰	۶	نیروکلر	۱۲,۸۹۹	۶۲	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۰۲۱	۳۴
قطعات اتومبیل ایران	۱,۰۸۰	(۱۴)	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۰۷۲	۱۵۶	لیزینگ رایان سایپا	۹۴۰	(۲۴)
چرخشگر	۱,۰۰۹	۲۲	لبنیات‌کالبر	۳,۸۰۲	۱۴۶	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۵۲۵	۲۷
رینگ‌سازی‌مشهد	۸۱۸	۳۱	بهنوش ایران	۵,۵۸۱	۲۱۴	لیزینگ‌خودروغدیر	۶۱۴	۲۳
زامیاد	۵۵۸	۲۱	لبنیات پاک	۴,۲۰۰	۱۵۹	لیزینگ‌ایران	۱,۶۶۷	۲۳
سایپا	۸۳۰	۲۳	پارس مینو	۲,۹۸۰	(۵۶)	توسعه‌معادن‌وفلزات	۵,۲۶۶	۲۰۲
الکتریک خودرو شرق	۵۵۲	۴	خوراک دام پارس	۱۲,۶۱۵	۴۸۵	سرمایه‌گذاری‌ملت	۳۹۹	۷
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۱,۴۴۵	(۲۵)	سالمین	۶,۵۳۰	۲۴۲	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۱۶۶	۴۴
نیرو محرکه	۸۱۵	۲۹	پگاه‌آذربایجان‌غربی	۹۴۱	۳۶	بانک‌اقتصادنوین	۲,۳۹۴	۸۵
مهرکام‌پارس	۳۹۶	(۱۲)	شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۳,۱۶۶	۴۹	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۰۳۰	(۷)
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۹۳۲	(۳۸)	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۲,۸۳۷	۱۰۹	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۸۰۹	۶۹
ایران خودرو	۹۰۳	۳۳	بیسکویت گرجی	۳,۷۹۳	۱۴۵	بانک کارآفرین	۲,۰۰۰	۲۸
ح . ایران خودرو	۱۰۳	۷	تولیدی‌مهرام	۲,۴۴۶	۶۵	فرآورده‌های‌نسوزآذر	۱,۸۵۳	۷۱
محورسازان‌ایران‌خودرو	۵۱۷	۱۹	صنایع آذرآب	۴,۳۱۶	۱۶۶	کاشی اصفهان	۱,۳۸۸	۵۳
سایپا دیزل	۵۲۲	۱۸	ماشین سازی اراک	۲,۵۹۰	۸۲	باما	۸,۲۹۹	۳۰۲
داروسازی ابوریحان	۷,۳۹۹	۲۷۶	صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۸,۳۲۳	۳۲۰	معادن بافق	۱۳,۴۳۹	۵۱۶
کارخانجات‌داروپخش	۶,۳۷۵	۲۴۵	کالسیمین	۶,۱۲۸	۲۰۹	کاشی پارس	۱,۳۳۱	۵۱
داروسازی اسوه	۱۱,۱۰۰	(۲۲۳)	صنعتی آما	۶,۹۰۰	(۲۲۵)	پشم‌شیشه‌ایران	۳,۸۲۰	(۵۱)
البرزدارو	۶,۱۷۰	۱۰	مس شهیدباهنر	۱,۵۲۰	۴۷	تولیدی کاشی تکسرام	۱,۰۳۶	(۲)
داروسازی امین	۲,۹۴۷	۱۱۳	سپنتا	۴,۲۶۸	۱۶۴	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۱۲,۰۷۰	۴۴۳
بیمه دانا	۴,۷۰۷	(۱۰۰)	جام‌دارو	۳,۷۹۳	۱۴۵	چینی ایران	۳,۸۷۱	۱۴۸
پارس دارو	۱۳,۸۷۰	(۵۷۷)	فولاد خراسان	۸,۵۰۰	۲۴۹	کاشی وسرامیک حافظ	۱,۸۴۶	۷۱
تولیدموادّاولیه‌داروپخش	۱۲,۸۱۲	(۴۹۰)	فولاد خوزستان	۲۷,۶۳۹	۱,۰۳۰	کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۱,۳۱۷	۵۰
داروسازی جابرابن‌حیان	۳,۰۲۰	۱۱۶	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۴,۹۰۶	۱۸۸	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۹,۹۲۹	۲۶۷
داملران	۱۱,۴۰۰	۱,۰۶۲	فروسیلیس ایران	۶,۰۰۰	(۴۶)	توسعه معادن روی ایران	۲,۲۹۷	۲۳
داروسازی‌زهراوی	۱۲,۶۴۲	۴۸۶	ملی سرب‌وروی ایران	۲,۱۴۳	۰	ساپاشیشه	۸۰۶	(۳۳)
گروه دارویی سبحان	۳,۶۴۰	۱۴۰	لامیران	۱,۹۹۶	۷۶	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۴,۶۷۰	۱۷۹
داروسازی سینا	۱۴,۹۱۴	۵۲۷	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۰۰۹	۷۷	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۲۴,۹۹۵	۵۲۳
شیمی داروئی داروپخش	۴,۱۴۰	۱۵۹	ح . لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۷۹۵	۵۸	پارس سرام	۲,۲۸۲	۸۶
داروسازی اکسیر	۶,۶۰۰	۱۹۲	ملی صنایع مس ایران	۵,۵۳۰	(۱۷)	کاشی سعدی	۲,۸۶۱	۱۱۰
دارویی لقمان	۲,۶۹۰	۶۲	نورد آلومینیوم	۳,۲۳۷	۱۲۴	ذغال‌سنگ نگین طبس	۳,۳۰۸	۱۲۷
ح . دارویی لقمان	۱,۵۴۵	۴۸	نوردوقطعات فولادی	۳,۳۷۴	۱۲۹	فراورده های نسوزایران	۹,۱۶۵	۳۵۲
ایران‌دارو	۴,۱۴۰	۱۵۹	فولاد مبارکه اصفهان	۴,۴۸۴	۱۷۲	شیشه و گاز	۲,۹۴۷	۹۰
داروسازی کوثر	۱,۶۹۴	۶۵	فولاد آلیاژی ایران	۵,۵۵۱	۲۱۳	معدنی و صنعتی گل گهر	۸,۹۴۱	۳۴۳
خدمات‌انفورماتیک	۱۵,۵۰۰	۱۷۵	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۸,۹۵۲	۷۲۸	کاشی الوند	۱,۴۱۴	۵۴
تجارت الکترونیک پارسیان	۱۰,۹۵۰	۲۵۱	قند ثابت خراسان	۵,۹۹۴	۸۴	کاشی نیلو	۱,۴۷۹	(۶۱)
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۳,۰۵۱	۱۱۷	کارخانجات قند قزوین	۸,۸۷۴	۳۴۱	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۱,۱۲۰	(۲۹)
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۲,۸۱۴	۱۰۸	شهد	۱۸,۶۰۰	۲۱۵			
کارت اعتباری ایران کیش	۹,۰۰۰	(۱۰۴)	شکرشاهرود	۷,۵۰۰	۷۲			

اخبار حوادث

توزیع کنندگان شیشه در مراغه به دام افتادند

مراغه ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده نیروی انتظامی مراغه از دستگیری دو توزیع کننده مواد مخدر در این شهرستان خبر داد.

سرهنگ عیسی هاتفی افزود: در بازرسی از خودرو این افراد ۱۲ گرم و در بازرسی از خانه آنان ۳۱۵ گرم مواد مخدر از نوع شیشه کشف شد.

وی همچنین با اشاره به تداوم اجرای طرح پاکسازی مناطق آلوده و دستگیری ۲۰ معتاد در این شهرستان یادآور شد: مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر این فرماندهی پس از شناسایی محل پاتوق معتادان ۱۲ معتاد مرد و هشت معتاد زن را جمع آوری و برای درمان به کمپ‌های ترک اعتیاد مجاز معرفی کردند.

فرمانده نیروی انتظامی مراغه گفت: به منظور برخورد با تخلفات موتورسواران طرح جمع آوری موتورسیکلت‌ها از سوی عوامل پلیس راهور اجرا شد و ۱۳ دستگاه موتورسیکلت متوقف و برای سیر مراحل قانونی به پارکینگ انتقال یافت.

دستگیری یک متهم به قتل در مراغه

* فرمانده نیروی انتظامی مراغه از دستگیری یک متهم به قتل در این شهرستان خبر داد. سرهنگ پاسدار عیسی هاتفی افزود: این فرد متهم است که زن ۶۲ ساله‌ای را در خانه‌اش با استفاده از قیچی به قتل رسانده است.

وی افزود: عوامل آگاهی با جمع آوری دلایل و مدارک و بررسی های محل، به این نتیجه رسیدند که مقتول توسط فردی از دوستان یا آشنایانش به قتل رسیده است که با انجام اقدام‌های پلیسی جوان ۲۸ ساله‌ای به هویت ط.ح به عنوان مظنون شناسایی و تحت تعقیب قرار گرفت و بعد از گذشت چهار روز از حادثه دستگیر شد. فرمانده نیروی انتظامی مراغه اعلام کرد: متهم، به قتل و سرقت طلاهای مقتول اعتراف کرده است.

حادثه رانندگی در محور ایلام ـ مهران

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: حادثه رانندگی محور ایلام ـ مهران سه کشته بر جا گذاشت.

در این حادثه بر اثر برخورد یک دستگاه خودرو سواری با یک دستگاه کامیون راننده و دو سرنشین سواری جان باختند و دو سرنشین دیگر آن مجروح شدند.

دستگیری سارق کیف قاپ در چناران

چناران ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده انتظامی چناران گفت: مأموران پلیس آگاهی، یک سارق کیف قاپ را دستگیر کردند و تحویل مقام‌های قضایی دادند. سرهنگ قربان صنعتی افزود: در پی تماس شهروندی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ و اعلام این موضوع که فردی با کاپشن مشکی اقدام به کیف‌قاپی در سطح شهر می کند، مأموران پلیس آگاهی بلافاصله وارد عمل شدند و تحقیقات گسترده‌ای را برای دستگیری متهم آغاز کردند.

وی با اشاره به اینکه کیف‌قاپی در این شهرستان بی سابقه بوده است، افزود: مأموران در تحقیقات اولیه متوجه شدند جوانی با یک دستگاه موتورسیکلت اقدام به سه فقره سرقت کرده که یک مورد آن نافرجام بوده است بر این اساس با اطلاعات به دست آمده و پیگیری سرنخ‌های موجود پلیس به وی که ساکن چناران بود، ظنین شد. سرهنگ قربان صنعتی افزود: متهم به طور نامحسوس چند روزی تحت نظر بود که با تکمیل شدن اطلاعات و اطمینان از اعمال مجرمانه توسط او مأموران در یک عملیات ضربتی او را در مخفیگاهش دستگیر کردند. سرهنگ صنعتی اضافه کرد: متهم بیست و سه ساله در پلیس آگاهی به سه فقره کیف‌قاپی اعتراف کرد که در محل اختفاء کیف و وسایل سرقتی نیز با اعتراف و راهنمایی او کشف و تحویل مالباختگان شد.

فرمانده انتظامی چناران همچنین گفت: سارقان زورگیر خودرو پراید ۴۰ دقیقه پس از سرقت و قبل از خروج از حوزه شهرستان دستگیر شدند.

سرهنگ قربان صنعتی افزود: فردی در تماس با پلیس ۱۱۰ از سرقت به عنف خودرو پرایدش توسط دو مرد و یک زن خبر داد. وی افزود: با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله با هدایت عملیاتی طرح مهار اجرا شد و در حالی که هنوز ۴۰ دقیقه از سرقت نگذشته بود، مأموران خودرو را در یکی از جاده‌های فرعی اطراف چناران توقیف و سه متهم را دستگیر کردند.

وی افزود: مالباخته در شرح ماجرا به پلیس گفت: دو مرد و یک زن با مراجعه به من در محل پلیس راه امام هادی(ع) مشهد اظهار داشتند که قصد ملاقات فردی زندانی در زندان چناران را دارند و دربستی خودرو را کرایه کردند. وی افزود: نرسیده به زندان چناران و در جاده‌ای خلوت فردی که جلو خودرو نشسته بود با تهدید چاقو مرا مجبور کرد خودرو را به حاشیه جاده و پشت یک خاکریز هدایت کنم و بعد از ضرب و شتم من با خودرو متواری شدند که بلافاصله با تلفن همراه با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم و کمک خواستم.

سه متهم در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفتند و تحقیقات پلیس برای کشف سوابق و سرقت‌های احتمالی ادامه دارد.

ساخت ۴ سد بزرگ در استان اردبیل



اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل آب منطقه‌ای استان اردبیل از ساخت سدهای بزرگ در چهار شهر استان خبر داد.

داود نجفیان در جلسه مدیریت جامع آب و کشاورزی اردبیل با اشاره به اقدام‌های انجام شده در زمینه تامین آب افزود: این سدها با هدف مهار آب‌های تولید شده در روستاهای ایوریق، ننه کران، نیارق، بیله‌درق، سولا، آرپاتپه سی، نمین و کوهساره ساخته می‌شود.

او به میزان آب مورد نیاز در بخش کشاورزی و غیرکشاورزی در استان اشاره کرد و افزود: ۶۸۶ میلیون مترمکعب آب کشاورزی مورد نیاز استان است.

وی گفت: آب موجود برای مصارف غیرکشاورزی در استان نیز ۶۲ میلیون متر مکعب است که برای چشم‌انداز ۲۰ ساله این میزان ۳۴۴ میلیون مترمکعب پیش‌بینی شده است.

استاندار اردبیل گفت: مدیریت مصرف آب مهمترین راهکار در پیشبرد اهداف ملی در توسعه بخش کشاورزی است.

اکبر نیکزاد افزود: اجرای طرح‌های جامع آب و کشاورزی برای افزایش میزان تولیدات امری ضروری است که با توجه به وجود آب و زمین و اقلیم مناسب در استان باید دست‌اندرکاران امر این بخش‌ها را به شکل مناسب مدیریت و از آن در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی و آشامیدنی استفاده بهتر از این منابع خدادادی داشته باشند.

وی گفت: مدیریت منابع آب و ایجاد مدیریت یکپارچه در آب و خاک و مشارکت دادن مردم در این منابع موضوع مهمی است که باید مورد توجه دستگاه‌های متولی قرار بگیرد.

نیکزاد در بخش دیگری از سخنان خود از مطالعه تخصیص آب قزل‌اوزن به استان اردبیل خبر داد و گفت: در اجرا و مطالعات فنی این طرح باید دستگاه‌های اجرایی ذیربط با آب منطقه‌ای استان همکاری لازم را داشته باشند.

استاندار اردبیل اضافه کرد: به دلیل اهمیت موضوع لازم است جلسه‌ای با حضور دستگاه‌های دخیل برگزار و نسبت به اجرای این طرح تصمیمات لازم گرفته شود.

خرد شدن زمین‌های کشاورزی به ضرر کشاورزان است

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: ۳۰هزار تن کشمش سالانه در کارخانه‌های سبزه پاک‌کنی بناب فرآوری و به خارج از کشور صادر می‌شود.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی گفت: ۱۱/۲ درصد از صادرات غیرنفت استان را محصولات کشاورزی تشکیل می‌دهد و بناب با برخورداری از ۱/۸ درصد از زمین‌های کشاورزی آذربایجان‌شرقی ۸/۷ درصد تولید محصولات کشاورزی، ۹/۳ درصد تولید محصولات باغی و ۷/۲ درصد تولید محصولات دامی استان را به خود اختصاص داده است.

مسعود محمدیان افزود: پراکندگی و کوچک بودن زمین‌های کشاورزی یکی از مشکلات مهم بخش کشاورزی بناب است که ناشی از محدودیت زمین‌های قابل کشت است و جهاد کشاورزی به‌عنوان نخستین متولی توسعه این بخش یکی از مخالفان خرد شدن زمین‌های کشاورزی بوده و اقدام‌های لازم را در این زمینه انجام داده است.

به گفته وی ابلاغ قانون ماده ۱۴۷ نیز که براساس آن باید برای زمین‌های کشاورزی سند مالکیت صادر شود، موجب روی آوردن هرچه بیشتر کشاورزان به تقسیم و کوچک‌سازی زمین‌های کشاورزی می‌شود.

او یادآور شد: ادامه روند کوچک‌سازی زمین‌های کشاورزی به نفع کشاورزان و بخش کشاورزی استان نبوده و تداوم آن کاهش راندمان تولید و کشت و کار را در پی خواهد داشت.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی از آغاز اجرای طرح جی.پی.اس و مطالعه الگوی کشت در زمین‌های کشاورزی استان خبر داد و افزود: در این طرح که برای نخستین بار در شهرستان بناب به مرحله اجرا درآمد موضوع آبیاری، تغذیه و اقلیم منطقه مورد مطالعه قرار گرفته و در نهایت به شناسنامه‌دار شدن تمام زمین‌های کشاورزی استان منتهی خواهد شد.

وی اعلام کرد: تلاش می‌شود تا با جذب سرمایه بخش خصوصی، ارتقای کیفی تولیدات بیش از پیش میسر شود و با توجه به اینکه محصولات کشاورزی ۱۱/۲ درصد صادرات غیرنفتی استان را تشکیل می‌دهد، این امر قابلیت‌های بی‌بدیل بخش کشاورزی در گام نهادن در جاده اعتلا و رشد در سال جهاد اقتصادی را به خوبی نمایان می‌سازد. رئیس سازمان جهاد کشاورزی افزود:

در راستای حمایت از تولیدکنندگان، بخش قابل توجهی از کشمش تولیدی آذربایجان‌شرقی توسط اتحادیه خشکبار کشور خریداری و به خارج از کشور صادر خواهد شد.

نصب ۴۳ دوربین ترافیکی جدید در گرگان

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: نصب ۴۳ دوربین کنترل هوشمند جدید، اعمال قانون را در سطح شهر گرگان افزایش می‌دهد.

مهدی بکائیان، مدیر مرکز کنترل ترافیک و حمل و نقل شهرداری گرگان با اعلام این خبر افزود: به منظور کنترل و نظارت بیشتر بر رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی برای افزایش ایمنی و سلامت شهروندان، اعمال قانون در تقاطع‌های سطح شهر گرگان افزایش خواهد یافت.

وی افزود: نصب ۴۳ دوربین جدید در دستور کار مرکز کنترل ترافیک و حمل و نقل شهرداری گرگان قرار گرفته است که به زودی در مکان‌های جدید فعال خواهد شد.

او گفت: به موجب آمار ثبت شده مرکز کنترل ترافیک و حمل و نقل شهرداری گرگان در زمان تعطیلات نوروز سال ۹۲ تعداد ۳۹۰۰ تخلف توسط این مرکز به ثبت رسیده است، در حالی که این میزان در مدت تعطیلات ۱۳ روزه نوروز پارسال ۴۲۲۵ مورد بوده است.

بکائیان یادآور شد: در حال حاضر دوربین‌های هوشمند در میدان شهید هزار جریبی، فلسفی، چهارراه میدان، میدان معلم، تقاطع گلها، بانک ملی (زمزم سابق)، تقاطع تابلو، میدان شهرداری، تقاطع گلشهر، میدان ولیعصر(عج)، میدان کریمی، میدان شهید قندهاری، میدان سرخواجه، تقاطع شهدا و میدان شهید مفتح فعال است.

تمام تخلفات رانندگی به صورت شبانه روزی در مرکز کنترل نامحسوس ترافیک شهرداری گرگان ثبت می‌شود و جریمه‌های قانونی آن توسط همین ارگان در مدت یک هفته تا ۱۰ روز به در منازل شهروندان از طریق پست ارسال می‌شود.

ایجاد کنسولگری عراق در ایلام پیگیری می‌شود

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: مرز بین‌المللی مهران در جنوب استان ایلام کانون تردد زوار دو کشور ایران و عراق است و به همین دلیل ایجاد کنسولگری عراق در ایلام پیگیری می‌شود. محمود عباس‌زاده استاندار ایلام در دیدار با سرکنسول عراق در استان کرمانشاه، افزود: افزون بر این تجار دو کشور نیز علاقه‌مند به صادرات و واردات از طریق این خروجی بین‌المللی در جنوب استان ایلام هستند.

وی ویژگی‌های منحصر به فرد این مرز از جمله امنیت آن را یکی از دلایل توجه زوار و تجار دو کشور دانست و افزود: براین اساس یکی از مطالبات زوار، تجار و مردم استان ایلام ایجاد کنسولگری عراق در ایلام است.

استاندار ایلام گفت: مسئولان امر نیز پیگیر این موضوع هستند اما ایجاد آن منوط به تصمیم دولت مرکزی عراق است.

وی یادآور شد: برای تسهیل فعالیت‌ها برنامه‌هایی از جمله ایجاد نمایندگی دفتر وزارت امور خارجه در استان ایلام در دستور کار قرار گرفته است که امید می‌رود با ایجاد این دفتر نمایندگی در ایلام و نیز همکاری کنسولگری عراق در استان کرمانشاه از تردد زوار و تجار به استان کرمانشاه برای انجام امور خود کاسته شود.

خالد زنگنه سرکنسول عراق در استان کرمانشاه نیز در این دیدار گفت: ایجاد کنسولگری عراق در ایلام با تصمیم دولت عراق محقق می‌شود.

وی با اشاره به ایجاد کنسولگری عراق در مرکز استان آذربایجان غربی در آینده نزدیک، افزود: ایجاد نمایندگی کنسولگری عراق در استان ایلام یکی از نیازها بوده که افزون بر ارائه خدمات بهتر به زائران عتبات عالیات در استان ایلام، تردد زوار به استان کرمانشاه برای اخذ ویزا را نیز کاهش می‌دهد.

به گفته زنگنه در حال حاضر سرکنسولگری عراق در استان‌های کرمانشاه، خراسان رضوی و خوزستان فعال است.

طرح ارتقای ایمنی موتورسیکلت سواران در استان زنجان به اجرا درآمد

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: طرح ارتقای ایمنی موتورسیکلت سواران برای نخستین بار در بخش زنجانرود استان زنجان اجرا شد.

علی رحمتی، مدیرکل حمل و نقل و پایانه‌های استان زنجان با اعلام این خبر افزود: این طرح با هدف ارتقای فرهنگ عمومی استفاده صحیح و اصولی از موتورسیکلت با همکاری پلیس راه، اورژانس و بخشداری زنجانرود در سه مرحله اجرا شد. وی با اشاره به اینکه در طرح یاد شده کارشناسان پلیس قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و کارشناسان اورژانس نیز نحوه امدادرسانی به مصدومین و آمادگی لازم هنگام برخورد با حوادث را برای موتورسیکلت سواران تشریح کردند، افزود: به تمام موتورسیکلت سواران که در این طرح شرکت کرده بودند کلاه ایمنی رایگان اهدا شد.

رحمتی با بیان اینکه استفاده از موتورسیکلت به دلیل مصرف سوخت پایین و آسان بودن رانندگی در حال گسترش است اما به دلیل نداشتن تعادل کافی و حفاظ به یکی از وسایل خطرآفرین تبدیل شده است، افزود: در سال‌های گذشته موتورسیکلت فراوان در کشور تولید شده ولی متاسفانه فرهنگ‌سازی لازم در راستای استفاده صحیح از این وسیله نهادینه نشده است که باید اقدامات فرهنگی صورت گیرد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

تقاضای تحویل آب کشت بهاره روستائیان

روستائیان شهرستان اسفراین (استان خراسان شمالی) خواستار واگذار شدن آب کشاورزی بهاره از سوی اداره امور آب این شهرستان هستند و از آنجا که تنها ممر درآمد آنان کشاورزی است، تقاضا دارند آب موردنیاز کشت بهاره مزارع آنان در روستاهای فرتان، چهل حصار، درازپی، سینان، کوشکی و جوشقان و برخی از محله‌های اسفراین، هرچه زودتر به آنان تخصیص داده شود.

روستای کوشکی اسفراین ـ قدرت‌الله فلاح

عدم پرداخت ودیعه مسکن دانشجویان

با این که قرار بود ودیعه مسکن دانشجویان علوم قرآنی تا قبل از پایان سال گذشته پرداخت شود، این تسهیلات هنوز به دانشجویان پرداخت نشده است.

دانشجوی علوم قرآنی

ضرورت ساماندهی و نظافت فضای سبز

فضای سبز بلوار مرزداران، نبش خیابان اطاعتی شمالی در شهرک آزمایش تا سال‌ها محل تخلیه مخفیانه و غیرقانونی مصالح ساختمانی بود که خوشبختانه شهرداری راه ورودی این محل را مسدود کرده است که ضمن تشکر از این اقدام، انتظار می‌رود در خصوص نظافت و ساماندهی آنجا هم اقدامات لازم صورت گیرد.

از اهالی

ساخت‌وسازهای بی‌رویه در اطراف جاده هراز

پس از سال‌ها که گذرم به جاده هراز افتاد، از وجود تعداد زیادی مغازه و همچنین انبوه زباله در اطراف این جاده تعجب کردم.

ضمن آن که در مناطقی مانند رودهن، آبعلی و دره مشاع تا آمل نیز دلالان زمین و مسکن کوه‌ها را شکافته‌اند و با جاده‌سازی، اقدام به ساخت و فروش ویلاهایی در آنجا کرده‌اند که اگر وضع به همین منوال پیش برود، در آینده نزدیک از طبیعت زیبای اطراف جاده هراز دیگر خبری نخواهد بود.

مسافر شمال

جبران هزینه اتوبوس‌های بخش خصوصی

مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که در ۲ سال اخیر هیچ اتوبوس جدیدی به تهران اختصاص نیافته و این در حالی است که علاوه بر حل مشکل کمبود اتوبوس‌های شرکت واحد، جا دارد در مورد جبران هزینه‌های رانندگان اتوبوس‌های بخش خصوصی هم اقدام شود.

راننده بخش خصوصی

«سپهبد» بهتر از «ژنرال» است

در ستون «امروز در تاریخ» صفحات ضمیمه روزنامه اطلاعات اغلب از سرداران ایران باستان به عنوان «ژنرال» نام برده می‌شود، که ضرورت دارد واژگان درست و اصیل فارسی «اسپهبد» و «سپه‌بُد» مورد استفاده قرار گیرد که زیباتر و منطقی‌تر از القاب انگلیسی و فرانسوی و عربی است.

قدیری ـ مورخ و باستان‌شناس

تشکر از اپراتورهای همراه اول

از پاسخگویی محترمانه و مؤدبانه اپراتورهای تلفن همراه اول متشکرم و امیدوارم که نحوه برخورد آنان با مراجعان، الگوی سایر اپراتورها قرار گیرد.

حکیمیان

کاهش حقوق کارکنان سازمان ورزش شهرداری

از کارکنان سازمان ورزش شهرداری تهران هستم که ۲ سال پیش و قبل از واگذاری حدود نیمی از مجموعه‌های ورزشی شهرداری به بخش خصوصی ۷۰۰ هزار تومان در ماه حقوق می گرفتم که در حال حاضر به ۴۷۰ هزار تومان کاهش یافته و این در شرایطی است که از حجم کارهای ما کاسته نشده است.

از کارکنان سازمان ورزش شهرداری

پیامهای شخصی کد ۱۷۰۰

کارت دانشجوئی به‌شماره ۳۸۶۹۰۲۳۷۰ به‌نام الناز سلطانی‌نقده فرزند مهدی شماره شناسنامه ۰۳۲۳۲۰۰۰۹۲ فارغ‌التحصیلی از دانشگاه نبی‌اکرم تبریز در سال ۹۰ مفقود شده و اعتبار ندارد.

پلاک خودرو پراید رنگ سفید مدل ۸۲ به شماره ۷۷۹ج۲۳ ایران ۷۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز کامیون ۱۰ چرخ مدل ۷۵ میلادی به‌شماره انتظامی ۸۴۲ع۶۴ - ایران ۱۲ به نام مسلم وحدتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب فرهمند نوری نوده مالک سواری پیکان مدل ۱۳۷۶ شماره‌ی شهربانی ۵۵ ـ ۹۳۹م ۱۱ و شماره شاسی ۷۶۴۲۴۷۰۲ شماره‌ی موتور ۱۱۱۲۷۶۲۱۶۳۹ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران، کرج شهرک پیکان‌شهر ساختمان سمند طبقه اول مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب معصومه منتظریان فرزند ابوالفضل به شماره شناسنامه ۸۷۴۳ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی کامپیوتر نرم‌افزار صادره از دانشگاه آزاد قزوین با شماره ۱۵۸۶۲۱۴۰۰۴۷۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین به نشانی قزوین خیابان دانشگاه بلوار نخبگان مجتمع شهید عباسپور ارسال نماید.

اینجانب الیاس مصطفی‌نژاد مالک خودرو به شماره شهربانی ۲۵ ایران ۴۹۷ص۱۹ و شماره شاسی ۸۰۴۴۲۴۱۰ و شماره موتور ۱۱۱۲۸۰۲۷۹۶۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعائی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران ـ کرج شهرک پیکان‌شهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب میثم حیدری فرزند یعقوب به شماره شناسنامه ۱۱۵۴۵ صادره از تهران در مقطع کارشناسی پیوسته رشته مهندسی برق قدرت صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی گناباد با شماره ۱۳۸۸۱۴۰۰۰۳۱۴ تاریخ تاییدیه سازمان مرکزی ۱۳۸۸/۱۱/۱۹ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد به نشانی استان خراسان رضوی ـ شهرستان گناباد میدان بسیج خیابان دانشگاه ارسال نمایند.

اینجانب شرکت تعاونی تولیدی آتش گل اصفهان به نمایندگی سیدکریم سجادی مالک خودرو وانت پیکان تیپ ۱۶۰۰ به شماره شاسی IN۷۹۹۰۳۸۶۶ و شماره موتور ۱۱۵۱۷۹۰۳۵۸۰ و شماره پلاک ۱۳-۵۱۸ط۱۴ به‌علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر منطقه‌ای شرکت ایران خودرو واقع در خیابان ارتش – کوچه آرش مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

چون محراب همایون مالک کامیون کمپرسی سیستم بنز تیپ LK۱۹۲۱/۴۲ مدل ۱۳۵۷ رنگ نارنجی شهربانی ۹۸۹ع۱۲ ایران ۷۳ موتور ۸۳۰۸۱۹۴۹۲۶ شاسی ۱۴۸۹۶۲۵۵ به علت فقدان سند تقاضای صدور المثنی نموده است. لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودروی مذکور وجود دارد ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران‌خودرو دیزل واقع در تهران، خیابان آزادی، کوچه شهید حبیب‌زادگان، پلاک ۱ مراجعه نمایند.

اینجانب فرهاد لطفی‌فر مالک خودرو پیکان ۱۶۰۰ شماره انتظامی ۹۹۸ل۴۸ ایران ۵۵ مدل ۱۳۷۲ شماره بدنه ۷۲۴۰۹۹۲۴ شماره موتور ۱۱۲۷۲۰۲۰۸۵ به علت فقدان اسناد فروش سند کمپانی تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است.
لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو، واقع در پیکان‌شهر، ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

نوبت دوم آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب زیبا یارمحمدی کلخوران فرزند رسول به شماره شناسنامه ۱۰۴۶ صادره از اردبیل در مقطع کارشناسی رشته زیست‌شناسی عمومی صادره از واحد دانشگاهی علوم پایه با شمارهٔ ۸۰۱۵۷۰۲۶۸۸۲ ۸۰/۱۲/۱۶ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی پاسداران میدان هروی مکران جنوبی دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

اینجانب رویا قهرمان الوارس مالک خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۰ به شماره شاسی ۸۰۹۰۶۸۳۱ وشماره موتور ۱۱۵۱۸۰۰۶۷۸۱ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکانشهر – ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. (اردبیل)

اینجانب عبدالرضا کریمی مالک خودرو سواری پیکان مدل ۷۳ به شماره شهربانی ۵۱ـ۷۲۷ج۲۸ و شماره بدنه ۷۳۴۴۷۰۴۴ شماره موتور ۱۱۲۷۳۱۶۷۸۳ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر، ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

آگهی دعوت

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت هماهنگی تشکیلات مرغداران ایران سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۰۶۶۲۱ دعوت به عمل می آید که جهت شرکت در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه این شرکت که راس ساعت ۹ صبح مورخ ۹۲/۲/۲۵ در محل شرکت تشکیل می گردد، حضور به هم‌رسانند.

دستورجلسه:
۱ ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره
۲ ـ انتخاب بازرسین شرکت
۳ ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۴ ـ سایر مواردیکه در صلاحیت مجمع باشد.

رئیس هیئت مدیره ـ هیئت مدیره

آقای سیداحمد آقاخوئی فرزند سیدجعفر

نظر به اینکه شما به استناد ماده ۱۷ قانون رسیدگی به تخلفات اداری به مجازات اخراج از وزارت آموزش و پرورش محکوم گردیده‌اید.
لذا ظرف یک ماه از تاریخ نشر آگهی فرصت دارید، جهت اعتراض به رای صادره به دیوان عدالت اداری مراجعه و طرح شکایت نمایید و در صورت عدم مراجعه برابر مقررات رای صادره اجراء خواهد شد.

مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه شرکت صمخو (سهامی خاص) شماره ثبت ۴۲۶۳ تهران

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه شرکت که در ساعت ۱۱ روز چهارشنبه ۱۳۹۲/۰۲/۱۸ در محل قانونی شرکت (تهران، خیابان سعدی جنوبی، پلاک ۲۶۵) تشکیل خواهد شد حضور بهم‌رسانند.

دستورجلسه:
۱ ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی
۲ ـ انتخاب اعضاء هیئت مدیره شرکت
۳ ـ بررسی و تصویب صورتهای مالی دوره منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰
۴ ـ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل
۵ ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۶ ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می‌باشد.

از طرف هیئت مدیره شرکت

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تعاونی مسکن مهر ۷ منطقه ۱۹ به شماره ثبت ۳۲۱۷۰۵ (نوبت اول)

بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضاء محترم می‌رساند که جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول در ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۲/۰۲/۱۴ درمحل تهران ـ خیابان آذربایجان تقاطع نواب مسجد لولاگر تشکیل می‌گردد حضور به هم‌رسانند.

دستورجلسه:
۱ ـ تصمیم گیری نسبت به تغییر آدرس و تغییر حوزه عمل شرکت از استان تهران به استان البرز(اصلاح ماده ۴ و ۶)
۲ ـ تمدید مدت شرکت تا تاریخ انحلال
۳ ـ اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال تعاونی
۴ ـ انتخاب ۳ نفر به عنوان هیات تصفیه
۵ ـ انتخاب محل تصفیه و مدت تصفیه

هیات مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تعاونی مسکن مهر ۷ منطقه ۱۹ به شماره ثبت ۳۲۱۷۰۵ (نوبت اول)

بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضاء محترم می‌رساند که مجمع عمومی عادی نوبت اول سالیانه تعاونی در ساعت ۱۷ روز پنجشنبه مورخ ۹۲/۰۲/۱۹ در محل تهران ـ خیابان آذربایجان تقاطع نواب مسجد لولاگر برگزار می‌گردد حضور به هم‌رسانند.

دستورجلسه:
۱ ـ استماع گزارش هیات مدیره و بازرسین
۲ ـ طرح و تصویب صورت‌های مالی منتهی به سال‌های ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ طرح و تصویب بودجه سال ۹۲
۳ ـ تصویب حق عضویت سالانه و نحوه پرداخت مبالغ جدید ساخت واحدهای مسکونی
۴ ـ طرح و تصویب پاداش هیات مدیره و بازرسین و مدیرعامل بر اساس آیین‌نامه مربوطه در سنوات گذشته
۵ ـ تعیین خط مشی آینده شرکت
۶ ـ تعیین روزنامه جهت درج آگهی‌ها

هیات مدیره

آگهی تصمیمات شرکت دارا پلاستیک غرب سهامی خاص به شماره ثبت ۲۶۵۵۸۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۵۰۶۴۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۴/۲۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۱ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ بتصویب رسید. محمدرضا جلیلوند به کد ملی ۲۹۹۲۳۸۰۷۷۶ بسمت بازرس اصلی و علیرضا بهارلو به کد ملی ۱۵۳۲۵۷۷۷۹۶ بسمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: هوشنگ انوشیروانی به کد ملی ۳۷۶۱۴۸۶۱۵۴ ـ شهریار انوشیروانی به کد ملی ۰۰۷۷۵۹۲۴۳۳ ـ کسری انوشیروانی به کد ملی ۳۷۵۰۱۸۴۷۴۷ ـ زیبا یزدان‌پناه به کد ملی ۳۷۶۱۵۵۸۰۳۱ ـ مرکز اصلی شرکت به تهران ـ سعادت‌آباد ـ خ علامه جنوبی ـ مجتمع طوس ـ پ ۲۲۱ ـ ط ۵ ـ واحد ۱۰۲ ـ کدپستی ۱۹۹۷۸۳۶۵۵۹ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۳۸۷۸

آگهی تصمیمات شرکت کارخانجات صنایع فلزی و میخ‌سازی پارس سهامی خاص ثبت شده به شماره ۶۳۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۰۱۰۱۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۵ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ بتصویب رسید. مؤسسه حسابرسی شاهدان به ش ملی ۱۰۱۰۰۱۸۲۵۵۰ به سمت بازرس اصلی و منصور شمس‌احمدی به ک م ۰۰۴۹۳۱۴۷۴۲ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: جلیل باقرزاده خورسندی به ک م ۰۰۴۴۱۴۳۳۳۸ و مصطفی باقرزاده خورسندی به ک م ۰۰۳۹۸۲۵۷۲۸ و مینا باقرزاده خورسندی به ک م ۰۰۴۷۴۰۸۴۹۹ که به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۲۰ مصطفی باقرزاده خورسندی به سمت رئیس هیئت مدیره و مینا باقرزاده خورسندی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و جلیل باقرزاده خورسندی به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک سفته برات با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۴۶۵۵

آگهی تصمیمات شرکت نیما اسفنج سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۲۸۰۰۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۱۳۸۸۸

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۴ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ بتصویب رسید. مؤسسه حسابرسی بهنام مشار به ک م ۱۰۳۲۰۱۷۳۲۹۹ به سمت بازرس اصلی و ناصر سنگسر یزدی به ک م ۱۸۱۶۶۹۳۶۵۰ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: خلیل فخاریه به ک م ۴۲۸۴۵۴۱۴۳۹ و رضا فخاریه به ک م ۰۰۶۱۴۰۷۰۱۱ و شریفه گلچین به ک م ۰۰۴۴۷۹۶۳۹۰ به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۲۵ شریفه گلچین به سمت رئیس هیئت مدیره و رضا فخاریه به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و خلیل فخاریه به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک سفته برات و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۵۰۲۵

آگهی تصمیمات شرکت لیزینگ پاسارگاد سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۱۵۱۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۲۲۶۳۶

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۱/۲۹ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی دش و همکاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۱۲۷۱ به سمت بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۴۲۰۹۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیأت‌مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: بانک پاسارگاد به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۴۶۹۵۶ به نمایندگی احمد وادی‌دار به کدملی ۰۰۴۵۹۷۲۸۶۹ ـ شرکت سرمایه‌گذاری پارس آریان به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۴۷۳۲۱ به نمایندگی ذبیح‌الله خزائی به کدملی ۱۸۱۷۸۰۳۰۶۹ ـ محسن معلمیان به کدملی ۰۴۹۱۱۹۱۸۸۱ ـ به موجب صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۹۱/۱/۲۹ احمد وادی‌دار به سمت رئیس هیئت‌مدیره و ذبیح‌اله خزائی به سمت نایب‌رئیس هیئت‌مدیره و محسن معلمیان به سمت مدیرعامل و عضو هیأت‌مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت‌مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات و کلیه قراردادها با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۳۸۶۶

آگهی تصمیمات شرکت سای تک سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۷۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۷۳۳۲۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۱۷ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۵ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. الهیار مهدیزاده به کدملی ۱۱۸۹۶۷۹۹۷۳ به سمت بازرس اصلی و محمد مازندرانیان به کدملی ۱۲۶۰۳۳۶۶۹۷ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: فرود معتمدی به کدملی ۰۰۳۸۵۴۹۲۴۷ و بابک اکبریان به کدملی ۰۰۵۸۰۰۹۶۳۹ و هوشنگ اکبریان به کدملی ۴۶۵۰۲۷۰۷۰۷ و نیلوفر برجیان به کدملی ۰۰۴۷۳۶۳۷۵۴ ـ فرود معتمدی به سمت رئیس هیئت‌مدیره، بابک اکبریان به سمت نائب‌رئیس هیئت‌مدیره، هوشنگ اکبریان به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت‌مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات و قراردادها با امضاء منفرد هر یک از اعضا هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۴۰۹۶

آگهی تصمیمات شرکت صندلی امین آسایش سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۸۹۰۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۰۲۳۴۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۴ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹ بتصویب رسید. موسسه حسابرسی مشاور مالی ژرف‌بین بنگر به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۰۹۰۶۰ بسمت بازرس اصلی و حمیدرضا عرفی به کد ملی ۲۸۰۳۱۵۷۲۰۹ بسمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: شرکت تولیدی ایران غرب به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۱۵۸۲۵ ـ شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی اردکان به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۷۴۷۳۳۶ ـ محمود عبداللهی نمین به کد ملی ۰۰۴۰۴۹۹۱۲۱ ـ مرتضی یاغچی ساقخانه به کد ملی ۰۰۴۳۲۷۹۰۵۸ ـ کریم فلاح خیرخواه به کد ملی ۲۷۲۲۱۴۶۹۳۲

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۴۵۹۶

آگهی تصمیمات شرکت داروئی و بهداشتی لقمان سهامی عام به شماره ثبت ۱۲۴۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۸۲۰۴۸

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۴ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی آرمان راهبرد به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۴۳۳۸۳ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی و خدمات مالی و مدیریت ایران مشهود به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۲۹۷۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: امیراسماعیل ثقفی‌نیا به کد ملی ۰۰۵۰۳۳۵۳۵۹ به نمایندگی از موسسه جامعه الامام‌الصادق(ع) به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۸۵۸۷۳ و خسرو داوری به کد ملی ۲۶۹۱۳۴۸۱۴۸ به نمایندگی از شرکت طاهر ایران به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۹۴۹۹۰۵ و علیرضا ظهره‌وند به کد ملی ۰۰۵۴۵۹۶۳۲۷ و علیمحمد حاجی علینقی به کد ملی ۰۰۵۰۹۷۹۴۵۰ و محمدعلی نوید به کد ملی ۰۰۳۸۱۴۷۸۴۱ ـ بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۵/۹ علیرضا ظهره‌وند به سمت رئیس هیئت مدیره، علیمحمد حاجی علینقی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء ثابت مدیرعامل و یا رئیس هیئت مدیره به همراه یکی از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. حدود اختیارات مدیرعامل بشرح مندرج در صورتجلسه تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۳۹۳۹

آگهی تصمیمات دایا زمان‌سنج سهامی خاص به شماره ثبت ۱۸۶۸۸۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۸۹۳۷۸

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دل‌آرام به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۴۰۲۶۱ به سمت بازرس اصلی و محمد دل‌آرام به کد ملی ۱۸۲۸۸۸۱۷۰۸ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۴۷۴۴

آگهی تصمیمات شرکت چانچو رایانه سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۴۵۳۴۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۸۲۸۰۹

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۲۳ واصل گردید: محمد شعاعی به ک م ۰۰۳۷۶۸۱۰۵۲ به سمت بازرس اصلی و امیرهوشنگ عمادی به ک م ۰۰۴۴۹۴۲۲۲۵ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: کیومرث جوهری مجد به ک م ۲۶۷۹۲۳۷۲۰۱ و علیرض فردین به ک م ۰۰۳۹۸۱۰۹۲۵ و علی قبادی عریان به ک م ۰۰۴۴۱۹۲۵۰۹ که به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۲۵ کیومرث جوهری‌مجد به سمت رئیس هیئت مدیره و علیرضا فردین به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و سید محمدرضا خاتمی به ک م ۰۰۴۹۵۲۴۰۴۶ خارج از هیئت مدیره به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک سفته برات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۵۳۹۸

آگهی تصمیمات شرکت رهیافت سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۰۵۹۸۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۹۸۶۸۵

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۸ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۲۳ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ بتصویب رسید. نداالسادات پورطولمی به ک م ۰۰۶۸۳۳۵۴۱۵ به سمت بازرس اصلی و علیرضا یزدی به ک م ۰۰۶۱۳۷۲۸۵۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: مجید باباخانی تیموری به ک م ۰۰۴۳۲۶۵۵۰۲ و سیاوش محمدی رودباری به ک م ۰۰۴۹۹۴۸۵۸۱ و خلیل آقاجان‌زاده اسفنجانی به ک م ۴۱۳۷۰۷۱۶۶۴۸ و فریبرز محسنی آهوئی به ک م ۰۰۵۶۲۳۰۳۷۰ و اسماعیل عمارلو به ک م ۱۰۶۲۱۶۱۹۹۸ که به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۲۸ فریبرز محسنی آهوئی به سمت رئیس هیئت مدیره و اسماعیل عمارلو به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مجید باباخانی تیموری به سمت مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک سفته برات با دو امضاء از سه نفر مدیرعامل رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۵۲۲۹

آگهی تصمیمات شرکت شیمی طب سهامی خاص به شماره ثبت ۵۹۰۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۴۰۸۴۶

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۴ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۲۲ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ بتصویب رسید. مسعود تجزیه‌چی به کد ملی ۰۰۴۷۷۳۶۰۵۴۲ بسمت بازرس اصلی و کاظم تجزیه‌چی به کد ملی ۳۸۷۰۸۴۳۳۲۲ بسمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۵۳۲۷

آگهی تصمیمات شرکت داروسازی مداوا سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۹۸۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۰۲۳۹۹

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۵/۱۲ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۷ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال بقرار ذیل انتخاب گردیدند. سیدعلی سبحانیان به کد ملی ۰۰۴۳۸۰۷۲۵۹ و ریحانه طبیب‌زاده به کد ملی ۰۰۵۴۲۶۴۷۵۸ و سیدحمید خوئی به کد ملی ۴۷۲۲۸۴۵۳۴۴ به نمایندگی از شرکت پخش دارو بهداشت شفا آراد به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۷۱۷۵۹ و محمدرضا روئینی به کد ملی ۰۶۳۹۳۹۳۶۹۱ به نمایندگی از شرکت شفایاب فردا به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۴۵۵۱۲ و اکبر منصوری به کد ملی ۰۰۴۲۱۵۷۱۶۱ به نمایندگی از شرکت شفاب گستر به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۰۹۸۶۳ بسمت اعضاء اصلی هیئت مدیره و رضا ابوالفضلی به کد ملی ۱۲۸۴۴۵۰۳۰۹ بسمت عضو علی‌البدل ـ بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۵/۱۴ سیدعلی سبحانیان بسمت رئیس هیئت مدیره و محمدرضا روئینی بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و سیدحمید خوئی بسمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء ثابت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و قراردادهای مالی و تعهدآور شرکت با مبلغ کمتر از پانصد میلیون ریال با امضاء مدیرعامل ممهور به مهر شرکت و معتبر است.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۴۸۸۰

آگهی تصمیمات شرکت مهندسی و مدیریت تخصیص پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۱۸۰۸۵۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۳۰۶۲۶

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۳۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۸ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی اعداد آرا به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۹۳۴۵ به سمت بازرس اصلی و حمیدرضا علیگودرز به کد ملی ۰۰۵۲۶۱۴۰۳۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: داود جعفری به کد ملی ۰۰۴۴۹۲۷۱۸۵ و صالح نوعی به کد ملی ۴۷۲۰۷۳۱۸۸۰ و مجتبی گرجی به کد ملی ۰۴۳۹۸۴۶۳۸۲ ـ داود جعفری به سمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره، صالح نوعی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات بانکی با امضاء مشترک مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۴۸۸۷

آگهی تصمیمات شرکت تولیدی آلیاژکاران سهامی خاص به شماره ثبت ۴۵۱۹۳ و شناسه ملی ۱۰۱۲۲۶۷۱۱۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۳۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۱۴ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ به تصویب رسید. مجید بهینا به کد ملی ۱۳۷۸۵۵۴۰۶۱ به سمت بازرس اصلی و توران سیاهپوش به کد ملی ۰۰۴۰۳۵۳۸۳۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند. محمدرضا اشجعی به کد ملی ۰۰۳۸۳۱۸۴۱۵ و کریم تاجدار به کد ملی ۲۰۶۳۵۸۶۸۷ و جمشید پورعبداله به کد ملی ۰۰۴۱۶۱۹۰۵۶ ـ بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۳۱ محمدرضا اشجعی بسمت رئیس هیئت مدیره و کریم تاجدار بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و سعید امیدواری (خارج از اعضاء) به کد ملی ۵۷۰۹۵۳۹۰۸۲ بسمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت با امضاء مدیرعامل یا هر یک از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۴۹۴۹

آگهی تصمیمات شرکت مرکز خدمات صنایع فیلم ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۲۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۳۷۱۴۶

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۹ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ بتصویب رسید. حسین دهگاهی به کد ملی ۰۶۸۱۶۲۱۴۶۱ بسمت بازرس اصلی و آمنه رسولی‌زاده به کد ملی ۰۰۵۵۲۵۹۰۱۴ بسمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۴۴۰۱

اخبار کوتاه شهرستان

انتصاب در شورای هماهنگی بهداشت و درمان نیروهای مسلح

سرویس خبر ـ رئیس ستاد کل نیروی‌های مسلح با صدور حکمی دکتر سیدخلیل‌الله بنی فاطمی را به‌عنوان رئیس شورای هماهنگی بهداشت و درمان نیروهای مسلح استان گلستان منصوب کرد.

مراسم معارفه دکتر فاطمی با حضور سردار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی، سردار فتحیان رئیس بهداشت و درمان ستاد کل نیروهای مسلح و جمعی از مسئولان کشوری و لشکری در سالن همایش‌های کوثر برگزار شد، سرهنگ پاسدار دکتر سید خلیل الله بنی فاطمی پیش از این مسئولیت معاونت بهداری فرماندهی انتظامی استان گلستان را عهده‌دار بود.

تندیس چهارمین همایش علمی و کاربری نیروهای مسلح نیز به معاون بهداری فرماندهی انتظامی استان گلستان اهدا شد.

ساخت سالن ورزشی چندمنظوره در رشتخوار

رشتخوار ـ خبرنگار اطلاعات: کلنگ ساخت سالن ورزشی چندمنظوره روستای احمدآباد رشتخوار به زمین زده شد.

مدیرکل آموزش و پرورش خراسان رضوی در این مراسم با قدردانی از نیکوکاران، گفت: گرچه سال گذشته را به علت کمبود اعتبار به سختی گذراندیم اما امسال با کمک نیکوکاران، تمام پروژه‌های نیمه‌کاره ۶۰ درصد به بالا تا مرداد تکمیل می‌شود.

محمدتقی فخریان با اشاره به این که مدرسه شش کلاسه راهنمایی نجمه رشتخوار از همین پروژه‌ها است گفت: ۸ اردیبهشت جشنواره بزرگ خیرین مدرسه‌ساز خراسان رضوی برگزار و با کمک نیکوکاران و دولت پروژه‌های نیمه‌کاره سطح مدارس استان تکمیل می‌شود.

وی گفت: سالن ورزشی چندمنظوره روستای احمدآباد با اعتبار ۴۰۰ میلیون تومان با مشارکت نیکوکار حسین امانی که از فرهنگیان این شهرستان است، با زیربنای کل ۷۲۰ متر مربع در زمینی به مساحت ۲۰ هزار متر مربع ساخته خواهد شد.

۲۸۰ کیلومتر بزرگراه در مازندران در دست ساخت است

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر ساخت و توسعه راه‌های اداره کل راه و شهرسازی مازندران از ساخت ۲۸۰ کیلومتر بزرگراه با اعتبار ۷۸ میلیارد تومان خبر داد.

علی‌اکبر ییلاقی افزود: با برنامه‌ریزی از قبل تعیین شده، در سال جاری ساخت ۲۴۱ کیلومتر بزرگراه دیگر نیز اجرایی می‌شود.

وی اضافه کرد: تعریض و چهار خطه کردن محورهای ارتباطی هراز، سوادکوه، ساری ـ جویبار، قائمشهر ـ جویبار، درویش‌خیل ـ فریدونکنار و آمل ـ بابل قدیم از جمله طرح‌های در دست اجرا است.

تولیدات شیلات مازندران از مرز ۸۵ هزار تن گذشت

* مجموعه تولیدات شیلاتی مازندران در سال ۹۱ از مرز ۸۵ هزار تن گذشت که از این میزان، بیش از ۶۳ هزار تن ماهی پرورشی بوده است.

استاندار مازندران با اعلام این خبر، افزود: این استان تولید حدود ۲۰ درصد آبزیان کشور را به خود اختصاص داده است که مقام نخست را در این زمینه دارد.

علی‌اکبر طاهایی با اشاره به اینکه دولت برنامه‌هایی را برای حمایت از فعالیت‌های آبزی‌پروری در دست اقدام دارد، گفت: تاکنون حدود ۴۵ میلیارد تومان تسهیلات در اختیار واحدهای آبزی‌پروری قرار گرفته است.

سد جره و ۵ شبکه آبیاری و زهکشی در خوزستان به بهره‌برداری رسید

رامهرمز ـ خبرنگار اطلاعات: با حضور وزیر نیرو سد مخزنی جره رامهرمز، ۵ شبکه آبیاری و زهکشی و عملیات ساخت بدنه سد بالارود به بهره‌برداری رسید.

سد جره در ۱۲۰ کیلومتری شرق اهواز و ۳۵ کیلومتری شمال‌شرق رامهرمز قرار دارد.

این سند با حجم مخزن ۲۶۰ میلیون مترمکعب ۲۲ هزار و ۳۰۰ هکتار از اراضی مستعد دشت رامهرمز را آبیاری می‌کند.

۷۰۰ دانش‌آموز راهنمایی در رامهرمز جشن تکلیف برگزار کردند

* رئیس اداره آموزش و پرورش رامهرمز، از برگزاری جشن تکلیف ۷۰۰ دانش‌آموز مقطع راهنمایی پسرانه برای نخستین بار در این شهرستان خبر داد.

تاج محمّد طیبی با بیان مطلب بالا افزود: با توجه به رسیدن دانش‌آموزان به سن تکلیف و در راستای ارتقای احکام شرعی و اهمیت هر چه بیشتر دانش‌آموزان به نماز، مراسم جشن تکلیف در رامهرمز برگزار شد.

۶۰ درصد مساحت دریاچه ارومیه بیرون از آب است



ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: سطح آب دریاچه ارومیه در مقایسه با پایین‌ترین رقم در تابستان پارسال ۵۸ سانتیمتر و در مقایسه با مدت مشابه سال پیش از آن ۸ سانتیمتر بالا آمد.

حسن عباسنژاد مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان‌غربی این خبر را اعلام کرد و افزود: ارتفاع آب دریاچه ارومیه از سطح آب‌های آزاد ۱۲۷۱/۰۸ متر است که سال گذشته در همین موقع ۱۲۷۱ متر بوده است.

به گفته وی، پارسال در همین موقع ارتفاع آب دریاچه ارومیه در مقایسه با سال پیش از آن ۲۴ سانتیمتر کمتر شده بود.

وی گفت: میزان نزولات جوی در سال آبی جاری (از مهر ۹۱) در حوزه آبخیز دریاچه ارومیه ۴۶ درصد بیشتر شده که ۳۰ درصد آن مربوط به اجرای طرح‌های بارووری ابرها است.

وی اضافه کرد: پنج دستگاه بارووری ابر در استان نصب و راه‌اندازی شده که برای نتیجه‌گیری بهتر لازم است تعداد آنها به ۱۵ دستگاه برسد.

وی ادامه داد: پارسال بیش از ۲۸ هزار هکتار از اراضی کشاورزی استان به سیستم آبیاری تحت فشار مجهز شد و با مدیریت مصرف آب در بخش کشاورزی بیش از ۵۰ میلیون مترمکعب آب صرفه‌جویی شد.

او میزان آب ورودی به دریاچه ارومیه را در سال آبی جاری یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون مترمکعب اعلام کرد و گفت: دریاچه ارومیه برای ادامه حیات سالانه به ۳/۱ میلیارد مترمکعب آب نیاز دارد.

مساحت دریاچه ارومیه در شرایط نرمال ۵۷۰ هزار و ۴۷۳ هکتار است که اکنون بیش از ۶۰ درصد آن از زیرآب خارج شده است.

تنها جانور آبزی این دریاچه به نام آرتمیا نابود شده و گونه‌های جانوری موجود در جزایر آن از طریق حمایت‌های اداره کل محیط زیست استان قادر به ادامه حیات هستند.

*** دریاچه ارومیه برای ادامه حیات، سالانه به ۳/۱ میلیارد مترمکعب آب نیاز دارد**

برگزاری پانزدهمین جشنواره خیرین مدرسه‌ساز در اردبیل

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: پانزدهمین جشنواره خیرین مدرسه‌ساز ۱۰ اردیبهشت در نگارخانه ختایی با حضور خیرین استانی و کشوری برگزار می‌شود.

یاور وحدتی‌پور مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس استان اردبیل در نشست خبری با رسانه‌های جمعی، وجود خیرین و مشارکت آنان در کار خداپسندانه ساخت مدرسه را یک حرکت بی‌بدیل و بی‌نظیر در تاریخ کشور اعلام کرد و افزود: ما با تمام وجود و توانمان در خدمت خیرین هستیم چرا که معتقدیم توسعه فرهنگ مشارکت خیرین و احیای سنت حسنه احسان فواید و ثمرات بسیاری را به همراه دارد.

وحدتی‌پور اضافه کرد: بزرگترین اهداف در این راستا تکریم از انسان‌های آسمانی است تا از چهره‌های بنام همچون حسنعلی علیپور خیر نام آشنای کشور قدردانی و تکریم شود چرا که آنها دنیا و مادیات خود را برای ابدیت به معامله گذاشتند و کار ابدی کردند که نوعی وارستگی از دنیا و ظواهر آن است.

وی گفت: چنین حرکت خیرخواهانه از دست همه برنمی‌آید چرا که با دست به جیب‌شدن، علیپورها توانستند دنیای جاودانه‌ای را برای خود خلق کنند که در آن سخن از ملکوت است نه ملک ظاهری.

مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس استان اردبیل ادامه داد: اگر مدرسه را محل عبادت و کار معلمی را کار عاشقانه بدانیم حرکتی که خیرین انجام دادند حرکت متعالی در مسیر عبودیت و عشق‌بازی با خداوند است که همه مادیات را کنار گذاشته و برای گذر از دنیای فانی تنها به آخرت خود فکر کردند.

او جایگاه آسمانی بزرگ خیرین و نیک‌اندیشان را یادآور شد و گفت: هر چند هزینه ساخت یک مدرسه پنج کلاسه در ظاهر ۵۰۰ میلیون تومان است اما این سرمایه‌های مادی برای خیرین ما در برابر خشنودکردن دل یک کودک فاقد مدرسه مناسب و آموزشگاه درخور و مرتب، پشیزی ارزش ندارد.

وی با بیان اینکه خیرین داخلی و خارج از استان در سال‌های اخیر بیش از ۳۴۰ پروژه آموزشی را اجرایی و به سرانجام رساندند، افزود: ۳۴۰ پروژه در قالب ۱۳۸۵ کلاس درس توسط خیرین و افراد نیکوکار ساخته شده و به مرحله بهره‌برداری رسیده است.

وحدتی‌پور از ساخت دو آموزشگاه شبانه‌روزی، پنج نمازخانه و دو کتابخانه به همت خیرین در یاری‌رساندن به نظام تعلیم و تربیت و ایجاد فضای بانشاط برای دانش‌آموزان خبر داد.

مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس استان اردبیل افزود: ۲۵ پروژه را نیز خیرین در قالب ۱۰۴ کلاس درس در حال اجرا دارند که پیش‌بینی می‌شود در ۲ سال آینده این پروژه‌ها نیز به سرانجام برسد.

او با اشاره به اینکه به طور متوسط ۳۰ درصد خیرین پرنام و نشان استان اردبیل را بانوان تشکیل می‌دهند، گفت: ما ۱۴ جشنواره استانی و منطقه‌ای برگزار کردیم و پانزدهمین جشنواره را نیز از ۲۶ فروردین‌ماه در حال اجرا داریم که تا ۱۰ اردیبهشت قرار است در تمام شهرستان‌ها و بخش‌ها برگزار شود.

تشکیل شعب ویژه رسیدگی به تخلف‌های انتخاباتی در استان اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: شعب ویژه رسیدگی به تخلف‌ها و جرائم انتخاباتی یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و چهارمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستاهای استان در دادسراهای عمومی و انقلاب، دادسرای ویژه روحانیت و دادسرای نظامی اصفهان تشکیل شده است. رئیس کل دادگستری استان اصفهان با بیان اینکه روند رسیدگی به پرونده تخلف‌ها و جرائم انتخاباتی با تشکیل این شعب ویژه، تسریع می‌یابد، افزود: تخلف‌های انتخاباتی در تایید صلاحیت کاندیداها تأثیرگذار است. غلامرضا انصاری همچنین از تشکیل ستاد پیشگیری از جرائم و تخلف‌های انتخاباتی دراین استان همزمان با استان‌های دیگر کشور خبر داد و گفت: براساس مصوبه‌های این ستاد از تخلف‌ها و جرائم انتخاباتی، از فعالیت‌های زودهنگام انتخاباتی همچون سفرهای انتخاباتی، برگزاری همایش‌های استانی با اهداف انتخابات، مصاحبه‌های انتخاباتی و فعالیت‌های رسانه‌ای، فعالیت‌های ستادهای انتخابات غیرمجاز، تبلیغات انتخاباتی با پوشش سمینارهای علمی، ایثارگری و بهره‌گیری غیرقانونی و غیرمجاز از امکانات دولتی و شبه دولتی توسط برخی داوطلبان احتمالی انتخابات ریاست جمهوری یا شوراهای شهر، پیشگیری خواهد شد.

او از اولویت‌های این ستاد در پیشگیری از جرایم و تخلف‌های انتخاباتی را، سیاه‌نمایی و تخریب چهره نظام، بهره‌گیری ابزاری از اقوام و دادن وعده و عیدهای غیرقابل تحقق، استفاده مستقیم و آشکار از امکانات دولتی و شبه دولتی و بیت‌المال، تخریب، توهین و همچنین افترا به کاندیداهای رقیب برشمرد.

وی ضمن اعلام اینکه تاکنون پرونده‌ای در خصوص تخلف انتخاباتی در استان تشکیل نشده است، در پاسخ به این پرسش که چرا نصب بیلبورد یکی از کاندیداهای احتمالی ریاست جمهوری در چند مکان شهر اصفهان به منظور برگزاری سخنرانی، تخلف انتخابتی محسوب نشده است، گفت: در این خصوص خلاء قانونی وجود دارد و مشخص نیست که نصب بیلورد قبل از انتخابات جرم است یا نه ولی براساس قانون نصب بیلورد تبلیغات انتخاباتی در زمان انتخابات جرم است که با آن برخورد می‌شود. او همچنین افزود: مشکلات احتمالی حوزه‌های انتخاباتی، به خصوص حوزه‌های انتخاباتی شوراهای اسلامی شهر و روستاهای استان که بحث‌های قومی و محله‌ای دارد، شناسایی و تمهیداتی برای کاهش مشکلات آنها اندیشیده شده است.

اهدای سکه دوران صفوی به موزه مرکزی آستان قدس رضوی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: سکه نقره کمیاب متعلق به دوران صفوی توسط یک مجموعه‌دار تهرانی به گنجینه تمبر، اسکناس و سکه موزه مرکزی آستان قدس رضوی اهدا شد.

محمدحسین یزدی‌نژاد، مسئول گنجینه تمبر، اسکناس و سکه موزه مرکزی آستان قدس رضوی با بیان این مطلب افزود: این سکه ارزشمند که متعلق به دوران حاکمیت شاه اسماعیل سوم صفوی است توسط امیر سعید مرعشی‌نیا، مجموعه‌دار تهرانی به گنجینه سکه آستان قدس رضوی اهدا شده است.

وی درباره کتیبه‌های این سکه و نقوش روی آن اظهار داشت: در مرکز یک روی سکه یادشده، عبارت «لا اله الا الله ـ محمد رسول الله علی ولی‌الله» شعار مذهب تشیع برای احترام به ائمه اطهار(ع) و در روی دیگر آن عبارت «بنده شاه ولایت اسماعیل، ضرب مازندران ۱۱۶۷» حک شده است.

مسئول گنجینه تمبر، اسکناس و سکه آستان قدس رضوی گفت: گنجینه سکه موزه مرکزی آستان قدس رضوی در سال‌های اخیر پذیرای مجموعه‌هایی ارزشمند از سکه‌های ایران و سایر کشورهای جهان بوده است که این امر سبب جلب توجه و گرایش محققین، پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ به این گنجینه و برای انجام پژوهش‌های گوناگون علمی شده است.

اکران المان‌های شهری با موضوع حضرت فاطمه زهرا(س)

قم ـ خبرنگار اطلاعات: المان و نمادهای شهری با محوریت حضرت فاطمه(س) در شهر قم نصب شده است.

سید محمد موسوی منش، مدیرعامل سازمان زیباسازی و شهرداری قم در تشریح این خبر گفت: با برنامه‌ریزی‌های مدون و زمان بندی طراحی و نصب المان‌ها، اجرای اثر با محوریت حضرت فاطمه زهرا(س) در دستور کار قرار گرفت و سه المان و نماد شهری در سطح شهر نصب شد.

وی افزود: این المان‌ها با طراحی سه محراب با ابعاد متناوب که نمادی از سه مسجد فتح، امام علی(ع) و حضرت فاطمه(س) از مساجد هفتگانه واقع در مدینه منوره را به تصویر می‌کشند، با استفاده از متریال آهن، برش لیزری و پیوست مجدد، ساخته شده‌اند. وی ادامه داد: این سه المان مزین به ذکر شریفه یا فاطمه الزهرا(س) و سه محراب نمادین از مساجد مذکور، در قالب حجم موقت در مناطق ۲، ۶ و ۷ شهری به ترتیب در میدان بعثت، میدان امینی بیات و حاشیه صحن جوادالائمه(ع) حرم مطهر، توسط سازمان نصب و اکران شده‌اند.

او ادامه داد: همچنین با هماهنگی‌های صورت گرفته با شهرداران و مدیران مناطق هشتگانه شهرداری قم همزمان طرح این المان در اختیار مسئولین زیباسازی مناطق هشتگانه شهری قرار گرفت تا از طرح مذکور در تعداد و ابعاد بالاتری استفاده شود. موسوی منش در پایان یادآور شد: همچنین شاهد تکمیل پروژه نصب المان حضرت معصومه(س) در خیابان امیرکبیر (اراک) بودیم و شمایل اثر به صورت دایره استوانه‌ای با قطر ۲/۶ و ارتفاع ۵ متر است که واژه تایپوگرافی «یا فاطمه(س) اشفعی لنا فی الجنه» اثر استاد رضائیان از هنرمندان خوشنویسی استان را به نمایش می‌گذارد.

برخورداری ۸۵ درصد جمعیت مراغه از شبکه فاضلاب

مراغه ـ خبرنگار اطلاعات: معاون برنامه‌ریزی و توسعه شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور گفت: میزان برخورداری مردم مراغه از شبکه جمع‌آوری فاضلاب نسبت به بسیاری از شهرهای کشور در سطح بالایی قرار دارد.

حسین بنکداری در آیین کلنگ‌زنی پروژه ساخت شبکه جمع‌آوری فاضلاب شهرک گلشهر مراغه، افزود: هم‌اکنون ۸۵ درصد از مردم این شهر از شبکه مدرن جمع‌آوری فاضلاب برخوردار هستند که این رقم از میانگین استان و کشور بالاتر است.

وی گفت: با بهره‌برداری از پروژه شبکه جمع‌آوری فاضلاب شهرک گلشهر مراغه ۱۵ هزار نفر از جمعیت این شهرک زیر پوشش قرار می‌گیرند و میزان برخورداری از شبکه جمع‌آوری بهداشتی فاضلاب این شهر به ۹۰ درصد می‌رسد. بنکداری اعلام کرد: با بهره‌برداری از شبکه تأمین آب روستایی در مجتمع شهید دهقان نیز مشکلی در زمینه تأمین آب آشامیدنی بهداشتی در این شهرستان وجود نخواهد داشت. نماینده مردم مراغه و عجب شیر در مجلس شورای اسلامی نیز در این آیین گفت: با بهره‌برداری از پروژه شبکه جمع‌آوری فاضلاب شهرک گلشهر یکی از مشکلات مردم این منطقه برطرف می‌شود.

مهدی دواتگری افزود: در ساخت برخی شهرک‌های شهرستان مراغه زیرساخت‌ها و امکانات لازم پیش‌بینی نشده بود که با پیگیری‌های انجام شده شبکه فاضلاب شهرک‌های امام علی(ع) و امام حسن(ع) نیز در حال ساخت است.

وی همچنین از ساخت مدرسه دوازده کلاسه در شهرک گلشهر خبر داد و افزود: با توجه به لزوم تأمین آب آشامیدنی بهداشتی روستاها، مجتمع آبرسانی شهید دهقان با هدف آبرسانی به ۱۶ روستای این منطقه تا خرداد به بهره‌برداری می‌رسد. او همچنین اعلام کرد: طرح آبرسانی به سه روستای قلعه خالصه، نرج‌آباد و سرج شهرستان مراغه با ۲ میلیارد ریال اعتبار آغاز خواهد شد. حسین وکیلی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب مراغه نیز در این آیین گفت: پروژه ساخت شبکه جمع‌آوری فاضلاب شهرک گلشهر به طول ۱۶ کیلومتر با صرف ۳۰ میلیارد ریال اعتبار اجرا می‌شود.

انسداد ۴۸ حلقه چاه غیرمجاز در قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای قزوین گفت: در راستای طرح تعادل بخشی دشت قزوین این شرکت موفق به انسداد ۴۸ حلقه چاه غیرمجاز در سطح این استان شد. حمید قزوینی با اشاره به لزوم حفاظت و صیانت از سفره‌های آب زیرزمینی در استان افزود: شرکت آب منطقه‌ای قزوین سال گذشته موفق به پر و غیر قابل استفاده کردن ۴۸ حلقه چاه غیرمجاز در سطح استان شده است و در همین راستا ۱۸ دستگاه حفاری غیر مجاز نیز هنگام حفاری در محدوده استان شناسایی و توقیف شده است. وی گفت: در این مدت منصوبات غیرمجاز ۳۶ حلقه چاه دارای مجوز بهره برداری که با نصب این منصوبات غیرمجاز اقدام به بهره برداری بیش از میزان مجاز از منابع آب زیرزمینی می‌کردند، به میزان مجاز کاهش داده شد.

فرمانده پدافند هوایی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) در گفتگو با اطلاعات خبرداد

مراکز هسته‌ای و حیاتی ایران زیر چتر مستحکم پدافند هوایی ارتش



اشاره: پدافند هوایی در سیستم دفاعی هر کشوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کشورهای مدعی قدرت نظامی، همواره درصدد تقویت پدافند هوایی خود هستند.امروزه با پیشرفت تکنولوژی ساخت انواع هواپیماهای فوق مدرن و پهپادها، نقش پدافند هوایی در دفاع از کشورها بیش از پیش نمود پیدا کرده است.کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. تشکیل پدافند هوایی در ایران تحت نظر نیروی هوایی به سال ۱۳۳۰ بازمی گردد. پس از پایان جنگ تحمیلی و جمع‌بندی نتایج حاصل از آن، تشکیل یک قرارگاه مستقل پدافند هوایی احساس نیاز شد، لذا با تدبیر و دستور فرمانده معظم کل قوا، قرارگاهی به نام خاتم‌الانبیاء(ص) فعالیت خود را در زمینه پدافند هوایی آغاز کرد.کسب تجربیات جدید و بهره‌گیری از دانش بومی کافی بود تا این قرارگاه در مدت کوتاهی به موفقیت‌های بسیار بزرگی دست یابد، از تولید انواع سامانه‌های موشکی و شنود تا شکار پهپادهای متجاوز و زمینگیر کردن آنها، بخش کوچکی از دستاوردهای نظامی این قرارگاه بشمار می‌آید.فرارسیدن هفته ارتش و نمایش تجهیزات جدید قرارگاه پدافند هوایی در رژه ۲۹ فروردین، بهانه‌ای شد تا با فرمانده این قرارگاه گفتگویی را انجام دهیم. امیر سرتیپ فرزاد اسماعیلی که به خوشرویی نزد کارکنان قرارگاه شهرت دارد،در جریان این مصاحبه به تشریح فعالیت‌های قرارگاه تحت امرش می پردازد.بخش نخست این گفتگو در خصوص معرفی آخرین تجهیزات و ویژگی های آنها پنجشنبه گذشته در صفحه ۱۴ چاپ شد، در این شماره شرح کامل مصاحبه را می‌خوانیم.

فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) در ابتدای این مصاحبه، به تاریخچه تشکیل پدافند هوایی در کشورمان اشاره می‌کند و می گوید: پدافند هوایی از دهه ۳۰ در ایران شکل گرفت و عمده سلاح های سنگین و توپ‌ها در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ وارد کشورمان شد که اکثر آنها، آمریکایی یا انگلیسی بودند.

وی می‌افزاید: پدافند هوایی در آن زمان زیرنظر نیروی هوایی بود و مأموریت آن ساده و منحصر به پشتیبانی هوایی و دفاعی و چند پایگاه نیروی هوایی ارتش می‌شد ولی پس از پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی این موضوع احساس شد که پدافند هوایی نمی‌تواند در چند نقطه مشخص بماند و باید در مرزها و معابر نفوذی و ورودی مستقر شود، لذا به دلایل مذکور سامانه‌های پدافند هوایی از حالت استقراری ثابت به متحرک تقریبی تبدیل شد که نمونه بارز آن را می‌توان در عملیات‌های فتح‌المبین و والفجر ۸ مشاهده کرد.

اسماعیلی تأکید می‌کند: پس از پایان جنگ و اثبات حقانیت ایران، این نیاز حس شد که یک نیروی تخصصی به نام پدافند هوایی شکل بگیرد تا بتواند از همه پتانسیل‌های دفاعی در کشور اعم از لشکری و کشوری استفاده کند تا به این ترتیب شاهد یک دفاع منسجم باشیم.

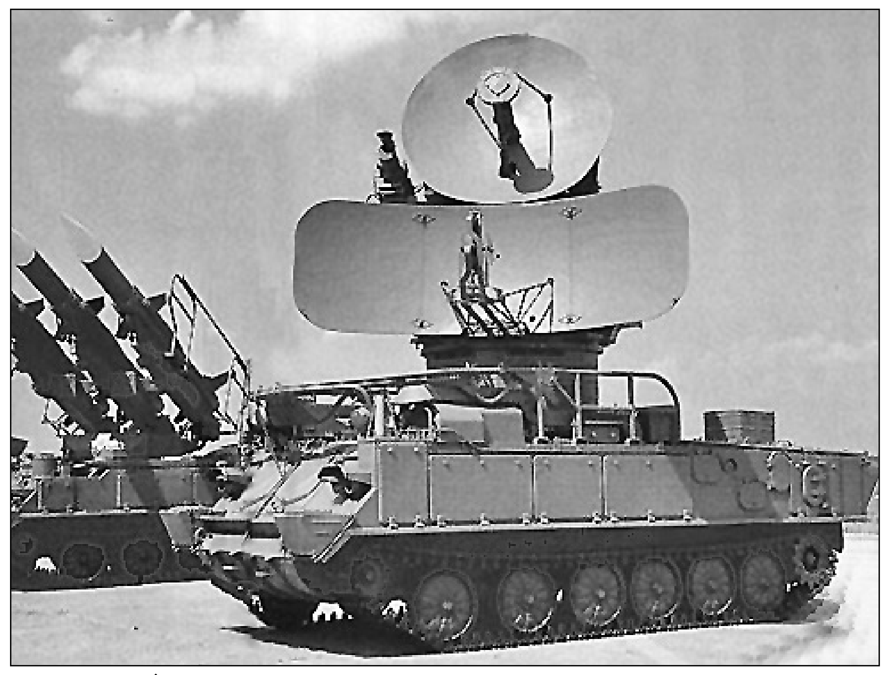
فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیا(ص) از کشف، شناسایی، رهگیری و انهدام به عنوان چهار مأموریت اصلی پدافند هوایی یاد می‌کند و می‌افزاید: پدافند هوایی تا قبل از پیروزی انقلاب، در ۲۰ تا ۳۰ نقطه مستقر بود و در زمان جنگ نیز به ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ نقطه رسید اما امروز از ۳۶۰۰ نقطه شاهد دفاع هوایی هستیم.

پدافند هوایی سرانجام براساس احساس نیاز،به دستور فرمانده معظم کل قوا از پیکرهٔ نیروی هوایی ارتش جدا شد و نام قرارگاه را به خود گفت و در حقیقت نیروهای پدافند هوایی سایر نیروها و دیده‌بانی‌های مستقر در اقصی نقاط کشور به قرارگاه پدافند هوایی متصل شدند .این قرارگاه در شاکله شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور تحت یک سامانه به هم پیوسته فرماندهی و کنترل انجام وظیفه می‌کند.

اسماعیلی به دو بازوی حساسه‌ها و ابزار در پدافند هوایی اشاره می‌کند و می‌گوید: بازوی حساسه‌ها مشتمل بر رادارهای دوربرد، حساسه‌های شنود الکترونیکی و سامانه‌های دیده‌بانی بصری هوایی است و همچنین از سامانه‌های توپخانه‌ای، پهپادهای رزمی می‌توان به عنوان بازوی ابزار یاد کرد.

وی دربارهٔ نحوه حفاظت از مراکز حیاتی و هسته‌ای کشور تأکید می‌کند: براساس برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده، سامانه‌های موشکی بردبلند، متوسط و پائین و همچنین سامانه‌های توپخانه‌ای موشکی ارتفاع پائین را به شکل لایه‌لایه مانند لایه های پیاز به دور مراکز هسته‌ای و حیاتی چیدمان پدافندی کرده‌ایم تا در هر مرحله در صورت بروز تهدید بتوانند با توجه به قابلیتشان، برخورد تاکتیکی انجام دهند.

اسماعیلی همچنین در پاسخ به این سئوال که توانایی‌های پدافند هوایی در زمینه جنگ الکترونیک در چه وضعی قرار دارد، یادآور می‌شود: یکی از مواردی که در جنگ‌ها ممکن است کشور مدافع را به ستوه درآورد، استفاده



*** امیر اسماعیلی: سامانه‌های موشکی و توپخانه‌ای را به شکل لایه لایه مانند لایه های پیاز به دور مراکز هسته‌ای و حیاتی چیدمان پدافندی کرده‌ایم تا در هر مرحله در صورت بروز تهدید، به برخورد تاکتیکی بپردازیم**

*** کشوری می‌تواند در جنگ الکترونیک موفق باشد که پایداری سامانه‌هایش تضمین شده باشد و همچنین از طیف‌های متعدد مانند UHF و VHFاستفاده کند**

و بهره‌گیری از جنگ الکترونیک است، کشور و مدافعی می‌تواند موفق عمل کند که از انواع سامانه‌های دفاعی استفاده و بهره گیرد. استفاده از فضای مجازی و فضای جنگ الکترونیک در بحث واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که هواپیما و سامانه موشکی حمله‌ور در یک طیف فرکانسی فعالیت می‌کند، هواپیما نمی‌تواند در همه طیف‌ها جنگ الکترونیک انجام دهد و درواقع محکوم به شکست است. بنابراین زمانی می‌تواند در جنگ الکترونیک موفق باشد که پایداری سامانه‌هایش تضمین شده باشد و همچنین از طیف‌های متعدد مانند UHFو VHF استفاده کند.

اسماعیلی در ادامه می گوید:ما قبل از پیروزی انقلاب، فقط طیف راداری UHFرا داشتیم، اما امروز به یک نوسازی رسیده‌ایم و علاوه بر UHF، راداری با طیف VHFو HFرا طراحی کرده ایم که در این صورت اگر هواپیمایی بخواهد در تمامی این طیف‌ها جنگ الکترونیک انجام دهد، نخستین هواپیمایی که سقوط خواهد کرد، خودش است.

نمونه بارز این مثال در بازی فوتبال مشهود است، تیمی برنده و موفق خواهد بود که مدافعانش با یکدیگر از لحاظ قد و پای چپ یا پای راست بودن متفاوت باشند.

*** سامانه موشکی مرصاد به پیشرفته‌ترین سامانه جنگ الکترونیک مجهز شده است و به هیچ عنوان قابل مقایسه با نمونه آمریکایی آن به نام "هاگ"نیست**

*** پهپاد می‌تواند پدافند هوایی هر کشوری را به چالش بکشد، مهم این است که بدانیم چگونه از پرواز آن جلوگیری کنیم و اگر پرواز پهپادی را شاهد بودیم، آنرا چگونه به زمین بنشانیم**

فرمانده قرارگاه پدافند هوایی یادآور می‌شود: در جنگ الکترونیک شاهد حضور سامانه‌های راداری خوب، بومی و سامانه شنود الکترونیکی بومی و منحصر به فرد هستیم، این سامانه در منطقه منحصر به فرد است و توانایی بالای خود را در میدان عمل و در رزمایش ولایت ٤ نشان داد.

وی می‌گوید: در سامانه موشکی مرصاد هم که به هیچ‌وجه قابل مقایسه با نمونه آمریکایی آن به نام هاگ نیست، پیشرفته‌ترین سامانه جنگ الکترونیک را به کار برده‌ایم و با طیف‌های متفاوت زمین و هواپایه، این سامانه‌ها را تست کرده‌ایم.

توانایی ایران در ساخت پهپادها

توانایی ایران در ساخت انواع پهپادها و شکار پهپادهای متجاوز، سئوال دیگری است که این امیر ارتش به آن پاسخ می‌دهد.

اسماعیلی می گوید: پهپادها از مدل ساده‌اش تا پیچیده‌ترین نوع آن، از نظر تاکتیکی بسیار پیشرفته هستند، یکی از مسائلی که برای پدافند هر کشوری می‌تواند چالش برانگیز باشد، پهپادها هستند، چه کشورهایی که صاحب تکنولوژی آن هستند و چه کشورهایی مانند رژیم صهیونیستی. نمونه بارز آن را می‌توان در شکستن گنبد آهنین اسرائیل توسط یک پهپاد مشاهده کرد.

وی تأکید می‌کند: پهپاد می‌تواند پدافند هوایی هرکشوری را به چالش بکشد، مهم این است که بدانیم چگونه از پرواز آن جلوگیری به عمل آوریم و اگر پرواز پهپادی را شاهد بودیم، آن را چگونه به زمین بنشانیم و زمینگیر کنیم، همانطور که پدافند هوایی کشورمان با همکاری ارتش و سپاه توانست پهپاد (آرکیو ۱۷۰) آمریکا را در منطقه شمال شرق کشور به زمین بنشاند.

وی در بخش دیگری از این مصاحبه از ارتقای آموزش در پدافند هوایی به عنوان یکی از برنامه‌های اصلی یاد می‌کند و می‌گوید: در این راستا تعامل با مراکز دانش‌بنیان را در دستور کار قرار داده‌ایم.

آمایش سرزمین، برنامه مهم دیگری است که فرمانده قرارگاه از آن به عنوان یکی دیگر از برنامه‌های در دستور کار در سال ۹۲ به آن اشاره می‌کند.

اسماعیلی یادآور می شود: براساس طرح جامع پدافند هوایی مصوب فرمانده معظم کل قوا، آمایش‌های متعددی را برای مناطق پدافند هوایی پیش‌بینی کرده‌ایم که جابجایی و تقویت سامانه‌ها و ایجاد تقویت لایه‌های پنهان از جمله برنامه‌ها خواهد بود.

وی در ادامه برای لحظاتی در واکنش به سؤالی مبنی بر نمره قرارگاه، سکوت می کند و سپس می گوید: نمره یک قرارگاه را نباید از مسئول آن پرسید، نمره جمهوری اسلامی در کل جهان بالاترین است که دلیل آن برخورداری کشورمان از مردمی بی‌نظیر است.

اسماعیلی در ادامه با تأکید بر حضور حداکثری پدافند هوایی در انتخابات آتی ریاست جمهوری، شناخت خوب از کاندیداها را واجب می‌داند و می افزاید: آگاهی سیاسی برای همه اقشار جامعه به‌ویژه نیروهای نظامی واجب است، فرمانده معظم کل قوا هم حضور حداکثری منهای حضور سیاسی را واجب کفایی می‌دانند و این قرارگاه مشارکت حداکثری را واجب می‌داند اما دخالت نیروهای نظامی یا تبلیغات توسط این قشر در انتخابات را محکوم می‌کنیم.

بخش پایانی این مصاحبه ۴۰ دقیقه‌ای، بیان آخرین دستاوردهای نظامی در حوزه پدافند هوایی است.

پهپادهای حازم ۳ و مهاجر B و همچنین سامانه موشکی مرصاد ۲، یازهرا۳ و سامانه شنود صیاد ۴۰ از جمله تجهیزات جدیدی است که امیر به آنها اشاره می کند.

این دستاوردهای متخصصان داخلی کشورمان پنجشنبه گذشته در سالروز ارتش، در مراسم رژه نیروهای ارتش در جوار حرم مطهر امام راحل به نمایش درآمد.

شهید چمران، فرمانده حماسه پاوه



سرویس حماسه و پایداری: یازدهمین کتاب از مجموعه اطلس راهنما ویژه «پاوه» از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چاپ شد.

کتاب «پاوه در جنگ با ضد انقلاب و دفاع مقدس» مشتمل بر پنج فصل: تاریخچه پاوه، حماسه پاوه، توسعه امنیت، تامین مرز و قهرمانان حماسه پاوه با نظارت شورای اطلس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به قلم «محمد اللهیاری» چاپ شده است.

نحوه تشکیل سپاه پاسداران پاوه، اقدامات تجزیه‌طلبان و نحوه مبارزه رزمندگان کشورمان با آنها، قتل‌عام مردم بیگناه در بیمارستان پاوه توسط تجزیه‌طلبان، فرمان تاریخی امام خمینی(ره) برای پایان دادن به غائله پاوه، پیروزی رزمندگان اسلام و آزاد شدن پاوه و عملیات باینگان و شیخان از جمله موضوع‌هایی هستند که در این کتاب تشریح شده است.

شهیدان محمد نوژه، سید عبدالله موسوی، محمدرضا وجدانی و جعفر مهدوی ملک‌کلاهی خلبانانی بودند که با نثار جان خود در عملیات پاوه، حماسه‌آفرینی کردند که در این کتاب به اقدامات این دلاورمردان اشاره شده است.

وحدت مسلمانان سنی و شیعه موضوع دیگری است که با چاپ عکسی از اقامه نماز جماعت در هفته وحدت به امامت مرحوم آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی به آن اشاره شده است.«

*** امام خمینی(ره) در یکم تیر ۱۳۶۰ در پیامی به مناسبت شهادت مصطفی چمران، فرمودند: «چمران عزیز با عقیده پاک خالص غیر وابسته به دستجات و گروه‌های سیاسی و عقیده به هدف بزرگ الهی، جهاد را در راه آن، از آغاز زندگی شروع و به آن ختم کرد. او در جهاد با نور معرفت و پیوستگی به خدا قدم نهاد و در راه آن به جهاد برخاست و جان خود را نثار کرد**

همچنین عکس تهیه شده از دیدار خانواده شهدای هوانیروز در حماسه پاوه با امام خمینی(ره) در مرداد ۱۳۵۸، بخش پایانی این کتاب است.

در بخشی از پیش گفتار کتاب اطلس راهنما آمده است: انقلاب اسلامی که ریشه در تعلیمات قرآنی و فرستادگان الهی(ع) داشت و امام خمینی(ره) آن را هدایت می‌کرد، خارج از تاثیر و سلطه قدرت‌های بزرگ، گروه‌ها و اشخاص ظهور کرد و به پیروزی رسید.

این پیروزی به کام ابرقدرت‌ها و گروه‌های بی خبر از مبانی الهی که در توهمات خویش غوطه‌ور و از گردونه خارج شده بودند، خوش نیامد.

قدرت‌های استکباری که با پیروزی انقلاب اسلامی منافع بسیاری را از دست داده بودند و منافع دیگرشان هم در معرض تهدید قرار گرفته بود و گروه‌ها و احزاب داخلی که نتوانسته بودند درک صحیحی از این تحول عظیم داشته باشند، در عمل اتحاد شومی برقرار کردند که هدف نهایی آن استحاله نظام تازه تاسیس جمهوری اسلامی بود.

ایجاد آشوب و بحران در بخش‌هایی از کشور به خصوص مناطق هم مرز با عراق از جمله شیوه‌های آنها برای نیل به این هدف بود اما تلاش، ایستادگی و جان‌فشانی مردم این مناطق و رزمندگانی که به کمک آنان شتافتند، سبب حفظ ثبات و تداوم راه شهیدان انقلاب شد.

از دیگر موضوعات مهمی که در این کتاب به خوبی از آن یاد شده، نقش شهید مصطفی چمران در حماسه پاوه است. در بخشی از حماسه‌آفرینی این شهید می‌خوانیم: با شروع غائله پاوه، شهید چمران به این شهر عزیمت کرد و فرماندهی عملیات علیه شورشگران را تا پاکسازی پاوه، مریوان، بانه و سردشت به عهده گرفت.

وی با آغاز جنگ تحمیلی عازم خوزستان شد و ستاد جنگ‌های نامنظم را تشکیل داد.

در عملیات شکست محاصره سوسنگرد مجروح شد و سرانجام در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در دهلاویه بر اثر اصابت ترکش خمپاره‌های دشمن به سرش به شهادت رسید.

امام خمینی(ره) در یکم تیر ۱۳۶۰ در پیامی به مناسبت شهادت او، فرمودند: «چمران عزیز با عقیده پاک خالص غیر وابسته به دستجات و گروه‌های سیاسی و عقیده به هدف بزرگ الهی، جهاد را در راه آن، از آغاز زندگی شروع و به آن ختم کرد.

او در جهاد با نور معرفت و پیوستگی به خدا قدم نهاد و در راه آن به جهاد برخاست و جان خود را نثار کرد. او با سرافرازی زیست و با سرافرازی شهید شد و به حق رسید.

هنر آن است که بی هیاهوهای سیاسی و خودنمایی‌های شیطانی برای خدا به جهاد برخیزد و خود را فدای هدف کند نه هوی، و این هنر مردان خداست.»

علاقه‌مندان تهیه این کتاب در تهران می‌توانند به انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس واقع در خیابان فخررازی و در خرمشهر به بازار شهید محمد جهان‌آرا مراجعه کنند.

اروپا ، آمریکا و سردرگمی برای خروج از بن بست های اقتصادی ■ بخش ششم و پایانی

آمریکا در پیچ و خم سیاست‌های خرد و کلان مالی

* اشاره

سرویس خارجی: مردم آمریکا در روزهای پایانی سال ۲۰۱۲ و نخستین روزهای سال ۲۰۱۳ شاهد جنجال ایجاد شده میان دولت و کنگره بر سر طرح اقتصادی اوباما و موضوع پرتگاه مالی بودند.

گرچه کنگره با تعدیل هایی این طرح را تصویب کرد و سقوطی که دولت مدعی وقوع آن بود، رخ نداد، اما آگاهان مسائل اقتصادی بر این اعتقادند که طرح یاد شده، منجی اقتصاد بیمار آمریکا نیست و این اقتصاد همچنان بر لبه پرتگاه قرار دارد.

خوانندگان گرامی روزنامه اطلاعات در بخش پایانی مقاله، تفسیری را در این ارتباط از نظر می گذرانند.

***

اختلافات میان کاخ سفید و کنگره بر سر چگونگی کاهش کسری بودجه و کاهش بدهی های عمومی در ایالات متحده، خطر سقوط آمریکا به پرتگاه مالی را افزایش داده بود. پرتگاه مالی به مجموعه سیاست های اجباری اقتصادی اطلاق می شود که قرار بود در صورت عدم توافق نهایی کنگره و کاخ سفید بر سر بودجه سال جدید، به طور خودکار به اجرا گذاشته شود. گفته می شود که اجرای تدابیر یادشده، می توانست اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۱۳ را با انقباض قابل توجهی روبه رو کند. همچنین برخی تحلیلگران عدم تصویب طرح کاهش هزینه های دولت و افزایش مالیات ها را موجب وخیم تر شدن وضعیت اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۳ می دانستند. بحث پرتگاه مالی از آنجا نشات گرفت که با آغاز سال جدید میلادی، موعد قانونی دو طرح کاهش مالیاتی که یکی در زمان جورج بوش پسر در ۲۰۰۱ و دیگری توسط باراک اوباما در سال ۲۰۱۰ تصویب شده و به اجرا رسیده بود، پایان می یافت.

براساس این طرح ها، دولت به منظور بهبود وضعیت اقتصادی، مالیات بر درآمد خانواده های آمریکایی را کاهش داد تا از این طریق ضمن تشویق مصرف کنندگان برای خرید بیشتر، سطح اشتغال زایی و سرمایه گذاری را افزایش دهد. در صورتی که طرح پیشنهادی باراک اوباما برای اجتناب از پرتگاه مالی به تصویب کنگره نمی رسید، خانواده های آمریکایی با درآمد متوسط مجبور بودند به طور میانگین در سال جاری حدود ۲۲۰۰ دلار مالیات بیشتر پرداخت کنند. نمایندگان دو جناح دموکرات و جمهوریخواه در کنگره آمریکا موافق تمدید این طرح بودند، اما دموکرات ها بر این نظر بودند که این طرح نباید برای کسانی که بیش از ۲۵۰ هزار دلار در سال درآمد دارند، تمدید شود، اما جمهوری خواهان تاکید داشتند که این کاهش مالیات باید به طور یکدست و برای همه شهروندان آمریکایی تمدید شود. اوباما یک روز پیش از تصویب طرح پیشنهادی خود در سنا در یک گفتگوی تلویزیونی جمهوریخواهان را متهم کرد که تنها برای جلوگیری از افزایش مالیات ثروتمندان با طرح او مخالفت می کنند. بحث افزایش مالیات در آمریکا موضوع تازه ای نیست. در حالی که طرفداران هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه به طور کلی مخالف افزایش مالیات ها بودند، اما تفاوت دو جناح این بود که جمهوریخواهان معتقدبودندعلاوه براقشار کم درآمد،مالیات ثروتمندان نیز نباید افزایش یابد.جمهوریخواهان استدلال می کردند که افزایش مالیات ثروتمندان موجب کاهش سرمایه گذاری و متعاقب آن، کاهش رشد اقتصادی و در نهایت رکود خواهد شد. جمهوریخواهان کوچک سازی دولت و کاهش هزینه های عمومی را راه حل جبران کسری بودجه می دانند. در مقابل دموکرات ها معتقدبودند که افزایش مالیات ثروتمندان می تواند بخشی از کسری بودجه دولتی را جبران کند. پس از اعلام خبر تصویب این طرح در مجلس سنا، «مکس کایزر» یکی از تحلیلگران اقتصادی تلویزیون «راشاتودی» روسیه تحلیل جالبی در این خصوص ارائه داد. وی گفت: بخش زیادی از مشکلات اقتصادی آمریکا از دخالت بانکداران و سیاستمداران این کشور در نظام اقتصادی ناشی می شود و موضوع پرتگاه مالی نیز نمایش تصنعی این گروه برای منحرف کردن افکار عمومی از مشکلات عمیق اقتصادی است که خود به وجود آورده اند. از نظر کایزر، در مذاکرات پرتگاه مالی، به مشکلات اصلی و ریشه ای اقتصاد آمریکا توجه نشد و این مشکلات به صورت حل نشده به سال جدید تحویل داده شدند. تحلیلگران این مساله را یک سرگرمی اقتصادی نمی دانند و بالعکس، خطرات آینده ناشی از این بحران را بسیار جدی تر از وضع فعلی پیش بینی می کنند. روزنامه «خلق» ارگان حزب کمونیست چین در تحلیلی نوشت: بعد از نزاع سقف بدهی ها در سال ۲۰۱۱، دو حزب رقیب جمهوریخواه و دموکرات یک بار دیگر و در لحظه ای سرنوشت ساز درباره پرتگاه مالی آمریکا به توافق رسیدند. کنگره طرح کاهش مالیات از آمریکایی ها را امضا کرد و با وجود آرام تر شدن بازارهای مالی، دوگانگی نظام آمریکا و معضلات اقتصادی آن آشکار تر شد. این روزنامه می افزاید: طبعا این پرونده، برخی مشکلات بی درمان را به ویژه پس از سرپوش گذاشتن بر موضوع سقف بدهی ها بر جای گذاشت، به گونه ای که دولت آمریکا رسما از سقف تعیین شده کنگره برای بدهی ها(۱۶/۴ تریلیون دلار) تجاوز کرد و تدابیر فوق العاده وزارت مالی آمریکا هم نتوانست دولت را از سقوط در بحران کسری برای پرداخت بدهی ها نجات دهد. اکنون اگر کنگره آمریکا باز هم سقف بدهی ها را افزایش ندهد، تدابیر فوق العاده هم به بن بست خواهد رسید. این روزنامه می افزاید: هرچند راه گریزی برای دو حزب رقیب جز توسل به یک سازش دیگر وجود ندارد، اما اگر همه عوامل را در کنار هم ببینیم و چشم اندازی دورتر را در نظر آوریم، این سازش به معنای آن نیست که سیاست مالی آمریکا به راهکار ریشه ای برای بحران دست یافته است. بالعکس، این احتمال وجود دارد که مرحله جدید، سریالی از «نوشیدن سم به دنبال تشنگی شدید» را در پی داشته باشد و بعد از پشت سر گذاشتن گودال هایی دیگر؛ پرتگاه واقعی و ناگزیر بر سر راه آمریکا قرار گیرد. با این حال و با وجود تضعیف شدید دولت، آمریکا در معرض تهدید کوچ سرمایه ها، آنچنان که یونان و پرتغال شاهد آن بودند، نخواهد بود، بلکه سرمایه های بین المللی به آن وارد خواهند شد. هژمونی پولی آمریکا مبتنی بر سلطه سیاسی و نظامی است و به مدد این سلطه، در هر بحران جهانی، این آمریکاست که از فرار سرمایه ها به زیر چتر دلار سود می برد. این به «عمو سام» امکان می دهد که هر بار سقف بدهی های خود را افزایش دهد و ثروت های حقیقی را جایگزین دلارهای چاپی کاغذی کند. برای حفظ این سلطه، آمریکا تردیدی برای حفظ و افزایش بودجه های نظامی با ارقامی نجومی به خود راه نمی دهد. از این رو اوباما همزمان با رسیدن به توافق در لبه پرتگاه مالی، طرح بودجه تخصیصی امنیت ملی را به ارزش ۶۳۳ میلیارد دلار امضا کرد. با این حال نگاهی به آینده و وضعیت اجتماعی آمریکا و عدم درمان ریشه ای بحرانی که منجر به بدهی های بیشتر آن می شود، نشان می دهد که آمریکا نخواهد توانست خود را از سنت های تاریخ برهاند.



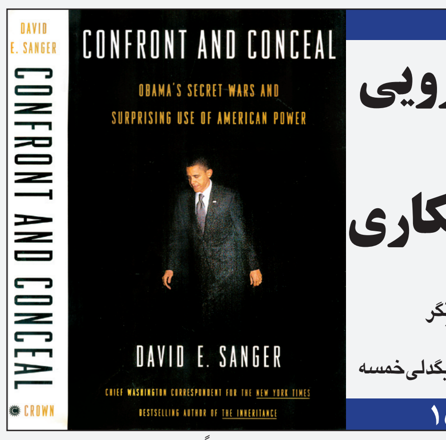
✦✦✦

*** برخی کارشناسان مسائل مالی، چشم‌انداز روشنی در اقتصاد آمریکا برای سال جاری نمی‌بینند و پیش‌بینی کرده‌اند که تولید ناخالص داخلی این کشور تا پایان سال ۰/۵ درصد کاهش یابد. این در حالی است که بدهی‌های آمریکا در حال نزدیک شدن به سقف قانونی است و مجموع این مسائل اقتصاد آمریکا را در سال آتی با بحران‌های بیشتری مواجه می‌کند**

✦✦✦

*** تداوم جنجال مالی**

باراک اوباما در آخرین سخنرانی خود در سال ۲۰۱۲ با اعلام توافق اولیه بین کاخ سفید و نمایندگان کنگره به مردم نوید داد که مالیات ها در سال آینده افزایش نخواهد یافت. وی همچنین از عدم توافق جمهوریخواهان با کاهش نیافتن مالیات ثروتمندان خبر داد. اوباما در سخنرانی خود اعلام کرد: «این طرح هنوز به طور کامل تصویب نشده است و مسائلی باید در این میان حل شوند. ترجیح می دادم همه این مشکلات در چارچوب تفاهمی کلی تر مطرح شود که مشکلات ما را به صورت متعادلانه تر و مسئولانه تری حل و فصل کند.» پس از اینکه نمایندگان کنگره به بررسی این طرح ها پرداختند، وضعیت ابهام آمیزی در آمریکا پدید آمد. یکی از علل پدید آمدن این وضع ابهام آمیز، این بود که این طرح به صورت نیم بند به تصویب رسید و تعیین تکلیف در مورد آن به سال ۲۰۱۳ موکول شد. اعضای مجلس نمایندگان قسمتی از این طرح را با تغییراتی که مورد نظر نمایندگان جمهوریخواه بود با ۲۵۷ رای مثبت در مقابل ۱۶۷ رای منفی به تصویب رساندند. براساس مصوبه جدید، مالیات ها تنها برای افراد ثروتمند با درآمد سالانه بیشتر از ۴۰۰ هزار دلار افزایش یافت. اوباما برای کسب توافق جمهوریخواهان؛ کف درآمدی برای افزایش مالیات را از ۲۵۰ هزار دلار به ۴۵۰ هزار دلار افزایش داد. قابل ذکر است که کاهش مالیات ها تنها یک بخش از برنامه بلندمدت کاهش بدهی دولتی آمریکا است و تصمیم گیری در مورد کاهش هزینه های عمومی دولت نیز به سال ۲۰۱۳ موکول شد. با تمام این تفاسیر و براساس مصوبه سال گذشته کنگره، دولت موظف است از امسال، ۱۱۰ میلیارد دلار از بودجه خود بکاهد. براساس قانون، نیمی از این کاهش بودجه باید در بخش نظامی اعمال شود. این در حالی است که چشم انداز روشنی از اقتصاد آمریکا در سال جاری وجود ندارد. موسسه های مالی پیش بینی کرده اند که تولید ناخالص داخلی آمریکا تا پایان سال جاری، ۰/۵ درصد کاهش یابد. از سوی دیگر از دید کارشناسان، بدهی های آمریکا به سقف قانونی و مجاز خود نزدیک خواهد شد. این مسائل در مجموع اقتصاد آمریکا را در سال آتی با بحران های بیشتری مواجه خواهد کرد. بنابراین با تصویب نیم بند طرح اجتناب از پرتگاه مالی و موکول شدن تصویب نهایی آن به سال جاری، در کنار آمارهای نه چندان مثبت از اقتصاد آمریکا، به نظر می رسد باید بر تحلیل «مکس کایزر» صحه گذارد که بحث پرتگاه مالی، بازی سیاسی جدیدی برای منحرف کردن افکار عمومی از مشکلات واقعی آمریکا بوده است، هرچند در نهایت، منجر به نوشیدن پیاپی سم از فرط عطش و در افتادن به پرتگاه واقعی شود.



رویارویی و پنهانکاری

نوشته: ■ دیوید سَنگر
مترجم: ■ منوچهر بیگدلی خمسه
۱۵

امّا مسأله واقعی این بود که هیچ کس دقیقاً نمی توانست مشخص کند ایالات متحده می کوشد به چه هدفی دست یابد. یک دموکراسی تمام عیار با حکومت قانون و احترام به حقوق بشر؟ کشوری تجزیه شده که در آن هر جنگ سالار بر سهم خود از آن حکومت کند؟ یک کشور تنها به اسم کشور که با عایدات موادمخدر، کانی ها و کمک های خارجی زندگی کند؟ یا چیزی دیگر؟

دانیلون گفت: «همان‌طور که داگ (لوت.م) توضیح داد، کسی نمی توانست پاسخ دهد.»

لذا اوباما در نخستین روز ریاست خود بروس ریدل Bruce Riedel کارشناس ضدتروریسم را متصدی ریاست بازنگری بین المؤسسات سیاست ایالات متحده در افغانستان و پاکستان کرد. ریدل بلند قامت، طاس و تنومند درست به کسی می‌مانست که تازه‌کارهای دولت اوباما به او احتیاج داشتند: یک خودی کارکشته، با سال‌ها تجربه در مقام تحلیلگر در سیا که سیاست‌های رعشه‌آور قبیله‌ای و حس عمیق آسیب‌پذیری را که محرک حوادث در افغانستان و پاکستان بود، تا مغز استخوان احساس می کرد. ریدل در طی ۳۰ سال در هر چرخه‌ای حضور داشت که ایالات متحده به افغانها قول مساعدت داده، منطقه را رها کرده، و پاکستان را در مسابقه‌اش برای تولید بمب تهدید کرده بود.

ریدل می‌دانست که یک سال یا همین حدود طول می کشد تا رئیس جمهوری جدید ریتم‌های عجیب و غریب برخورد با شکایتِ پاکستان و تلون حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان را حس کند. ضمناً می دانست اوباما تجمل زمانی برای شروع تصمیم گیری را ندارد.

روز ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹ که اوباما مقام خود را تحویل گرفت، نخستین ندای دشوار روی میزش در انتظار او بود. ژنرال دیویس مک کرنان Davis Mckienan ـ ژنرال چهار ستاره‌ای که فرمانده عالی نیروهای آمریکا و ناتو در افغانستان بود، و اوباما به زودی او را برکنار کرد ـ درخواست دهها هزار سرباز اضافی برای فرو نشاندن طغیان طالبان کرده بود. بن رودس Ben Rhodes، یکی از دستیاران جوان و خودی سیاست خارجی اوباما به من گفت که (این درخواست) «مثل یک تقاضای اضطراری پنج اخطارهٔ آتش‌نشانی بود.» در افغانستان انتخابات ریاست جمهوری در راه بود، که اگر مسالمت‌آمیز و تمیز برگزار می‌شد، می‌توانست نقطهٔ عطفی و در جنگ شود. مک‌کرنان می‌گفت که نیروهای اضافی امنیت بسیار ضروری را برقرار خواهند کرد. در دورهٔ تحویل و تحول، تیم بوش پیشنهاد کرد این درخواست اجابت شود و نیروهای اضافی اعزام شوند ـ میزان محبوبیت بوش در حول و حوش ۲۰ درصد بود، پایین‌ترین درجهٔ محبوبیت رئیس جمهوری در حال کنار رفتن، در تاریخ. امّا اوباما گفت که دست نگهدارند. رئیس جمهوری جدید مبارزهٔ انتخاباتی‌اش را بر پیروزی در افغانستان بنا نهاده بود ـ در آن زمان بر خلاف «جنگ اختیاری» در عراق، به «جنگ ضروری» استدلال کرده بود. اگر می‌بایست در استراتژی این جنگ تغییری صورت پذیرد، می‌خواست خود او بانی آن باشد.

اما یافتن راهی تازه به جلو برای این کشور مورد تهاجم آسان نبود. افغانستان اوباما بعد از هفت سال جنگ گرفتار بی‌ثباتی زنجیره‌ای، عمدتاً به سبب اشتغال خاطر دولت بوش در عراق بود. در همان حین که بیش از ۱۰۰ هزار سرباز آمریکایی برای حفظ نفوذ ایالات متحده در عراقی جدید می‌جنگیدند، طالبان این فرصت را غنیمت شمرده و به درون افغانستان بازخزیده بودند. بوش در نیمهٔ دوم ریاست جمهوری خود، هرگاه از افغانستان سخن می گفت، از چیزی به نام «دستور عمل آزادی» به مثابه آب‌نبات برای بچه‌ها یاد می‌کرد. در سال ۲۰۰۴ که افغانها به پای صندوق‌های رأی رفتند، او جشن گرفت. بوش به مخاطلبانش می گفت حالا دخترها در افغانستان به مدرسه می‌روند، و این کلمات همیشه باعث کف‌زدن حضار می‌شد.

ادامه دارد

جاسوسان در برابر نبرد بزرگ



■ نوشته: دان راویو - یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۱۹۵

برای ۵۰۰ هزار یهودی که در آرژانتین زندگی می کردند، عمدتاً در واکنش به ربودن «آدولف آیشمن» توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۱ وضعیتی بحرانی ایجاد شده بود. «هارل» تا اندازه‌ای در مورد موج جدیدی از حملات یهودی‌ستیزی که توسط یک گروه فاشیست که با برخورداری از حمایت نظامیان و پلیس سازماندهی می‌شد، احساس مسئولیت می‌کرد. در ماه ژوئیه سال ۱۹۶۲ فاشیست‌ها یک دختر دانشجوی یهودی را دزدیدند و علامت صلیب شکسته آلمان نازی را روی سینه‌اش خالکوبی کردند. یهودیان آرژانتینی ترسیده بودند و روزنامه‌های اسرائیلی با چاپ سرمقاله‌هایی، دولت را ترغیب کردند که برای «برادران یهودی‌شان در آمریکای جنوبی کمک فرستاده شود.» «هارل» در این مورد ابداً احتیاجی به ترغیب نداشت.

او به «تولدانو» و واحد «بیتزور» در موساد دستور داد که با الهام از عملیاتی که در شمال آفریقا توسط موساد اجرا شده بود، عملیات دیگری با همان عنوان «چارچوب» برپا کنند. این عملیات به یهودیان آموزش می‌داد که از خود دفاع کنند.

در آرژانتین یک داوطلب بسیار مشتاق به سرعت به شهرت رسید: او که نام «گواچو جودیو» (کابوی یهودی)[25] را برای خودش انتخاب کرده بود، نام اصلی‌اش «لئو گلسر»[26] بود. «لئو» داستان زندگی‌اش را نیم قرن بعد در اسرائیل بازگو کرد. او قد بلند و چهارشانه بود. لباس جین و چکمه‌های چرمی سفارشی می‌پوشید و از تلاش‌های هیجان‌انگیزش به عنوان یک صهیونیست ـ سوسیالیست جوان سخن می‌گفت. «لئو» که در سال ۱۹۴۹ در آرژانتین متولد شده بود، بخوبی می‌دانست که اجداد یهودیش بعد از برنامه قتل‌عام یهودیان توسط حکومت روسیه تزاری در سال ۱۹۰۳ از روسیه فرار کرده بودند. آنها خانه جدیدشان را در مزرعه‌ای که متعلق به یک بنیاد یهودی بود بنا کرده بودند.

«گلسر» بخاطر می‌آورد که: «من بچهٔ قوی‌بنیه، موطلایی و جالب توجهی بودم. در آنجا یک درخت وجود نداشت که من نتوانم از آن بالا بروم. مثل یک گربه بودم. در رودخانه ماهی می‌گرفتم و حیوانات را شکار می‌کردم. در شکار کردن بزمجه‌های ایگوانا تخصص داشتم. در کمین برای گرفتن آنها ساعت‌ها روی زمین دراز می‌کشیدم و وقتی که از سوراخ بیرون می‌آمدند، با ضربه چوب آنها را می‌کشتم.»

وقتی «گلسر» ۹ ساله بود، پدرش با زن جوانتری دوست شد و خانواده را ترک کرد. مادر «لئو» او را به خانه جدیدی در بوئنوس‌آیرس برد.

زندگی در پایتخت او را تغییر داد. آن پسربچه که طبیعتی خشن داشت، تحت تأثیر ستیزه‌جویی یک نهضت دست‌راستی جوانان یهودی بنام «پاسدار جوان»[27] تبدیل به یک جنگجوی خیابانی شد. «لئو» در شرح خاطراتش می‌گفت: «در بوئنوس‌آیرس با یهودی‌ستیزی مواجه شدم که فقط جنبه مذهبی نداشت. دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود.»

وقتی که کارکنان موساد و سربازان اسرائیلی در لباس شخصی به آرژانتین رفتند و پیشنهاد کردند که به «گلسر» و دوستانش آموزش دهند، به طوری که او می‌گفت، «همه چیز به سبک رمان‌های هیجان‌انگیز فرانسوی، بوی رمز و راز می‌داد.» در اینجا تناقضی هم وجود داشت. «ایسار هارل» رئیس موساد که در اسرائیل به جناح چپ اعتماد نداشت، در آرژانتین به جوانان آرمان‌گرای چپی برای حمایت از جامعه یهودیان به شدت اتکاء می‌کرد.

ادامه دارد

25- GUACHO JUDIO (JWISH COWBOY)
26- LEO GLESER
27- HA-SHOMER-HA-TZAIR (YOUNG GUARD)

اخبار کوتاه

برخورد سلبی، آخرین درمان بدحجابی است

سرویس خبر: معاون اجتماعی ناجا بااعلام بازنگری در دستورالعمل طرح امنیت اخلاقی در تشریح اقدامات پلیس در برخورد با بدپوششان و بدحجابان گفت: به مقوله بدحجابی باید به صورت ریشه‌ای توجه شود.

سردار منتظر المهدی در پاسخ به برخی انتقادات مبنی بر کلی بودن مصادیق بدحجابی گفت: زنان می‌دانند که چه حجابی سالم و درست است و پلیس با آن چیزی که شان زنان را کاهش می‌دهد، برخورد می‌کند.

منتظرالمهدی افزود: باید به صورت ریشه‌ای به مقوله بدحجابی توجه کرد. حجاب مساله‌ای اجتماعی و نه فردی است و هدیه خداوند برای انسانهاست.

وی با بیان اینکه تمامی روش‌ها و شیوه‌های برخورد با بدحجابان و بدپوششان مشخص شده است، گفت: در این زمینه پس از شیوه اغنایی، از شیوه‌های ترغیبی و تشویقی استفاده می‌شود، گفت: در مرحله پایانی و به عنوان آخرین درمان بحث اجبار و شیوه‌های سلبی توسط ماموران اجرایی خواهد شد.

مسئولان اجرایی، نقاط ضعف جامعه را به قوت تبدیل کنند

سرویس خبر: مسئولان اجرایی کشور باید با شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌های اخلاقی واقتصادی جامعه آنها را به نقاط قوت تبدیل کنند.

آیت الله محسنی گرکانی رئیس دیوان عالی کشور درجلسه هیات عمومی دیوان عالی کشور که با حضور دادستان کل کشور و قضات عالیرتبه دیوان برگزار شد، با بیان این مطلب افزود: در بستر حکومت اسلامی کسی که مسئولیت اجرایی به او سپرده می‌شود، موظف است نقاط ضعف و آسیب‌های اخلاقی و اقتصادی جامعه را شناسایی کند و آنها به نقاط قوت تبدیل کند و دراین رابطه احساس مسئولیت جدی داشته باشد.

وی بااشاره به نزدیک شدن به ایام انتخابات شوراهای اسلامی و ریاست جمهوری و لزوم شناخت کاندیدای اصلح گفت: در این مقطع زمانی که انتخابات شوراهای اسلامی و ریاست جمهوری مطرح است نامزدهای ریاست جمهوری باید کارنامه مدیریت اسلامی و سابقه انقلابی و اخلاقی درخشانی داشته باشند و آن را به مردم عرضه کنند و هدف مدیریت اسلامی رئیس‌جمهوری اولا این باشد که فرهنگ ناب اسلامی در جامعه حاکم شود و معضلاتی چون اعتیاد جوانان به انواع وحشتناک مواد مخدر و کثرت آمار طلاق،بد حجابی و بداخلاقی‌های اجتماعی را برطرف کنند.

محسنی گرکانی اضافه کرد: تجربه به ما نشان داده است هر زمان که از تعالیم و معارف اسلامی منحرف شدیم ضربه همه جانبه خورده‌ایم و دشمن بر ما چیره شده است و هر زمان که بر اساس اصول اخلاقی و تعالیم مترقی قرآنی پیش رفته‌ایم به موفقیت و پیروزی رسیده‌ایم.

تشییع پیکرهای ۲ خلبان شهید در دزفول و بهشهر

سرویس خبر: پیکر پاک خلبان شهید حسین طحان نظیف در دزفول تشییع و در بهشت علی(ع) این شهر به خاک سپرده شد.

پیکر مطهر این شهید والامقام از محل آستان متبرکه سبز قبا بر روی دوش مردم ولایتمدار و شهید پرور دزفول تا بهشت علی(ع) این شهر تشییع شد و پس از اقامه نماز توسط امام جمعه دزفول در کنار مزار سرلشکر شهید احمد سوداگر به خاک سپرده شد.

سرهنگ خلبان حسین طحان نظیف به همراه سروان خلبان شهید مرتضی پورحبیب یکم اردیبهشت بر اثر سقوط یک فروند هواپیمای آموزشی پایگاه چهارم شکاری دزفول به علت نقص فنی در منطقه آبدانان ایلام به شهادت رسید.

همچنین به گزارش خبرنگار ما از بهشهر پیکر شهید مرتضی پورحبیب، خلبان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی دیروز با حضور قشرهای مختلف مردم بهشهر تشییع و به خاک سپرده شد.

مراسم تشییع پیکر مطهر این خلبان شهید از بیمارستان امام خمینی(ره) بهشهر به سمت پارک ملت این شهر برگزار شد. در این مراسم که قشرهای مختلف مردم ولایتمدار بهشهر، خانواده معظم شهدا، ایثارگران، بسیجیان و مسئولان محلی حضور داشتند، پیکر شهید پورحبیب در گلزار شهدای بهشت‌زهرا(س) بهشهر در جوار سایر شهدای سرفراز انقلاب اسلامی به خاک سپرده شد.

در این مراسم آیت‌الله جباری، امام جمعه و نماینده خبرگان رهبری از خدمات خلبان شهید مرتضی پورحبیب قدردانی کردند. شهید پورحبیب نیز یکشنبه گذشته در پی سقوط یک فروند هواپیمای (اف ـ ۵) در اطراف شهرستان آبدانان به شهادت رسید.

بهره‌برداری از ۷۰۰۰ واحد مسکن مهر در استان قم

سرویس شهرستانها ـ رئیس جمهوری اسلامی ایران که برای افتتاح چند پروژه عمرانی دیروز به استان قم سفر کرده بود، از طرح بزرگ حرم تا حرم بازدید کرد.

دکتر محمود احمدی‌نژاد در جریان بازدید از طرح اتصال حرم کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه(س) به مسجد مقدس جمکران با عنوان بلوار پیامبر اعظم(ص)، از نزدیک از روند اجرای این پروژه دیدن کرد.

وی سپس با حضور در شهرک پردیسان قم، ۷۰۶۸ واحد مسکن مهر را مورد بهره‌برداری قرار داد.

رئیس جمهوری همچنین کمربندی ریلی شهر قم و فاز دوم طرح انتقال آب از سرشاخه‌های دز را افتتاح کرد و کلنگ پروژه تصفیه‌خانه آب آشامیدنی استان قم را به زمین زد.

واحدهای مسکن مهر که دیروز در قم به بهره‌برداری رسید، شامل ۵۵۱۵ واحد در منطقه پردیسان، ۳۶۴ واحد اجاره داری ۹۹ ساله شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر در شهر جعفریه، ۳۰۰ واحد در بافت فرسوده، ۷۶۹ واحد خود مالکین شهرهای بالای ۲۵هزار نفر و ۱۲۰ واحد خود مالکین شهرهای زیر ۲۵هزار نفر است.

این مرحله، ششمین مرحله از افتتاح واحدهای مسکن مهر در استان قم بود.

برابر ابلاغیه وزارت راه و شهرسازی، تعهد استان قم در ساخت مسکن مهر، ۳۷ هزار و ۳۰۰ واحد است که تاکنون ۱۸ هزار و ۲۳۳ واحد مسکن مهر به بهره‌برداری رسیده است.

اداره کل راه و شهرسازی استان قم در نظر دارد بیش از ۱۰ هزار واحد مسکن مهر را نیز تا پایان سال به متقاضیان واگذار کند.

دکتر احمدی‌نژاد در آیین بهره‌برداری از ۷۰۰۰ واحد مسکن مهر در استان قم، با حمایت از طرح احداث منوریل در قم که مراحل اجرایی خود را می گذراند، افزود: منوریل جزو مدرن‌ترین تجهیزات حمل و نقل شهری است و قم شایسته چنین قطار شهری است.

وی با ابراز تعجب از اینکه برخی نمی‌خواهند اجازه دهند پروژه منوریل هم به نتیجه برسد، از احداث طرح منوریل در قم حمایت کرد.

راه‌آهن کمربندی قم به عنوان یکی از طرح‌های مهر ماندگار در حوزه حمل و نقل ریلی با حضور رئیس جمهوری به طور رسمی مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

این پروژه به طول ۶۰ کیلومتر و عرض کلی ۱۲ متر در طول مسیر در قالب دو خط رفت و برگشت به طور کامل و صددرصد زیرسازی شده است که دیروز بهره‌برداری از یک خط ریلی آن آغاز و ساخت خط دوم آن تا پایان سال اجرا خواهد شد.

برای اجرای این طرح حدود ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه شده است.

رئیس جمهوری در مراسم افتتاح این طرح با اشاره به این که امروز توجه دنیا به ایران و قم معطوف شده است، گفت: قم باید الگو و الهام‌بخش در جهان اسلام باشد و به شایستگی از مهمانان و زائران از سراسر جهان پذیرایی کند.

وی افزود: دهها طرح بزرگ با همت خادمان و مردم شریف این استان در دست اقدام است که چهره شهر را به سرعت دگرگون می‌کند.

وی خاطرنشان کرد: کارهای بزرگ عمرانی در قم در دست احداث است و این استان در مسیر ساخت و توسعه به سرعت حرکت می‌کند.

دکتر احمدی‌نژاد همچنین گفت: در دور چهارم سفرهای استانی دولت، سفر به استان قم نیز همانند سایر استان‌ها در دستور کار است که انشاالله انجام خواهد شد.

دبستان پروین اعتصامی در منطقه پردیسان قم، هم دیروز توسط رئیس جمهوری اسلامی ایران افتتاح شد.

این دبستان با اعتباری بالغ بر ۱۱۶۸۰ میلیون ریال از محل اعتبارات استانی ساخته شده است.



سخنرانی رئیس جمهوری در قم

دکتر احمدی‌نژاد در جمع مسئولان و دست‌اندرکاران چندین پروژه عمرانی و زیربنایی که دیروز همزمان در این استان افتتاح شد، گفت: اگر با عدالت پیش نرویم، خدای ناخواسته ممکن است ۲۰ یا ۴۰ سال دیگر چشم باز کنیم و ببینیم که انقلاب اسلامی به حکومتی شبیه عباسیان یا امویان تبدیل شده است.

دکتر احمدی‌نژاد تأکید کرد: باید پای آرمان‌های انقلاب، خط نورانی ولایت و امامت به طور حساس و دقیق بایستیم و قم مرکز این ایستادگی است.

رئیس جمهوری در ادامه سخنانش با بیان این که حرف‌هایی است که بعدا خواهم گفت و با اشاره تلویحی به هزینه‌هایی که صرف مترو تهران شده است، اظهار داشت: پول ملت را به چند برابر قیمت و با اصرار زیرزمین کردند و کسی هم سر در نیاورد که چه خبر است.

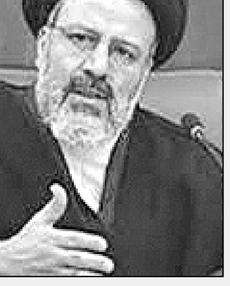
دکتر احمدی‌نژاد گفت: البته خط قطار زیرزمینی هم نیاز داریم ولی جایی که هر دو را می توان انجام داد، باید آن را که ارزان‌تر تمام می‌شود، انجام دهیم.

دکتر احمدی‌نژاد در ادامه با بیان این که از زمان بعد از انقلاب تا امروز تقریبا میزان فروش نفت در حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز به طور میانگین ثابت بوده است، گفت: جمعیت اول انقلاب نصف جمعیت امروز بود و امروز دو برابر شده است.

وی افزود: قبل از انقلاب روزانه ۶ میلیون بشکه نفت تولید می شد که پنج و نیم میلیون بشکه آن صادر می شد اما امروز با وجود این که فروش نفت تقریبا نصف شده است مردم نسبت به قبل از انقلاب در رفاه بیشتری هستند.

دکتر احمدی‌نژاد در ادامه سخنان خود درباره اندیشه مهدویت و راه‌های مقابله با اندیشه‌های غربی از جمله اومانیسم و لیبرالیسم مطالبی بیان کرد.

تأکید بر توسعه همکاری‌های قضایی ایران و مصر



سرویس خبر: جوامع اسلامی به برکت بیداری اسلامی، هویت اسلامی خود را بازیافته‌اند،یعنی می‌خواهند مسلمان زندگی کنند و دین و آموزه‌های دینی بر تمام روابط آنها حاکم باشد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تشریفات قوه قضائیه، حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی معاون اول قوه قضائیه در دیدار جمعی از اندیشمندان و حقوقدانان مصری با بیان این مطلب اظهار داشت: هویت کشورهای اسلامی به این معناست که جوامع اسلامی می‌خواهند مسلمان زندگی کنند و ما معتقدیم دین اسلام جامع و کامل است و برای همه نیازهای بشر برنامه و پاسخ دارد.

وی اضافه کرد: ما ضمن این که دارای روابط اجتماعی با همه عالم هستیم معتقدیم که نیاز به نسخه‌های مغرب زمین برای اداره کشور نیست و می‌توان جامعه را مبتنی بر قوانین و احکام اسلامی که احکامی متمدن است اداره کنیم.

رئیسی با اشاره به فرهنگ و تمدن کشور مصر گفت: برخی از کتابهای بزرگان مصر را مطالعه کرده ام و باید اذعان داشت که خوب قلم زده‌اند و این نشان دهنده فرهنگ، تمدن و مدنیت واقعی مصر است.

معاون اول قوه قضائیه افزود: در دوران «انورسادات» و «حسنی مبارک» توانمندی‌های فرهنگی مصر، چه در مصر و چه در جهان اسلام کم سرکوب نشد. وی با اشاره به بیداری اسلامی در جوامع اسلامی گفت: حرکت بیداری و بیدار آفرین جوانان مصری در میدان التحریر و اسلام خواهی آنان و آنچه در سایر کشورها روی داد دارای سه ویژگی مهم بود.کوتاه کردن دست استبداد داخلی، کوتاه کردن و از بین رفتن استبداد خارجی و اسلام خواهی به معنای این‌که دین اسلام بر تمام زوایای زندگی حاکم باشد.

رئیسی اضافه کرد: بدون تردیدنظام سلطه نمی خواهد مصر، قدرتمند و عزتمند در جایگاه اقتدار وجود داشته باشد، یقین داریم با بصیرت شما و مردم مصر، نظام سلطه بر مصر حاکم نخواهد شد.

رئیسی افزود: قوه قضائیه ایران دارای دانشگاه است و ظرفیت‌های قضایی این دانشگاه نیز می تواند مورد استفاده اندیشمندان و تشکیلات قضایی کشورهای دوست و اسلامی باشد.

در این جلسه، میهمانان و اندیشمندان مصری باطرح سؤال با نحوه کار دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران آشنا شدند ودر پایان این دیدار نیز بر همکاری‌های قضایی و حقوقی بین ایران و مصر تأکید شد.

خط مرزی ایران با عراق مشخص شده است



سرویس خبر: فرمانده مرزبانی ناجا از درخواست مرزبانی ایران مبنی بر آزادی شماری از اتباع ایرانی که به علت سفر غیرمجاز به خاک عراق دستگیر شده‌اند، خبر داد و گفت: اسامی این افراد را پس از تهیه و تکمیل در اختیار مقامات مربوطه کشور عراق قرار می دهیم .

سردار حسین ذوالفقاری در حاشیه دیدار و امضای تفاهمنامه همکاری میان مرزبانی ایران و عراق گفت: در رایزنی هایی که انجام شد از طرف عراقی خواستیم در صورت ورود سهوی مرزنشینان به خاک این کشور همکاری‌های لازم را برای آزادی این افراد داشته باشند.

ذوالفقاری درباره مفاد تفاهمنامه نیز گفت: در بخش‌هایی از این تفاهمنامه دو طرف بر ضرورت مبارزه با تروریسم، قاچاق سلاح، کالاهای ممنوعه وعابران پیاده غیرمجاز تاکید کردند و مقرر شد که عملیات در این حوزه تشدید شود و امنیت نیز ارتقا یابد.

فرمانده مرزبانی ناجا با اشاره مباحثی که در حوزه اروند رود مطرح شده است گفت: در بخش هایی از این تفاهمنامه مقرر شد کلانتری دوازدهم در این حوزه ایجاد شود که در این راستا از وزارت امور خارجه دو کشور خواسته شده است که به این موضوع توجه کرده و قوانین مربوط به آن را تصویب کنند.

به گفته وی تا زمان تصویب قوانین مربوط به کلانتری دوازدهم در اروند رود گاردهای ساحلی دو کشور در این حوزه حضور خواهند شد.

ذوالفقاری از آمادگی مرزبانی جمهوری اسلامی ایران برای انتقال تجهیزات و امکانات مرزبانی و بازسازی و نوسازی علائم مرزی دو کشور ایران و عراق خبر داد و گفت: خط مرزی ایران با عراق مشخص شده است.

سپهبد جاسم العلاوی فرمانده مرزبانی عراق نیز در این دیدار با تأکید بر ضرورت حل مشکلات حوزه اروند رود با عابران غیرمجاز اضافه کرد: در این زمینه توافقات خوبی با مرزبانی ناجا انجام شده است.

بازسازی حرم طفلان مسلم(ع)، سامرا و کاظمین شتاب بیشتری می گیرد

مهندس حسن پلارک بر تسریع در روند بازسازی حرم طفلان مسلم(ع)، سامرا و کاظمین تاکید کرد.

به گزارش روابط عمومی ستاد بازسازی عتبات، در جلسه‌ای با حضور حسن پلارک رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات، معاونان ستاد مرکزی، همچنین رئیس و تنی چند از مدیران ستاد بازسازی عتبات عالیات استان قزوین، آخرین وضعیت مرمت و بازسازی حرم طفلان مسلم(ع)، سامرا و کاظمین مورد بررسی قرار گرفت.

براساس این گزارش، در ابتدای جلسه، صدیقی رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات استان قزوین به عنوان متولی پروژه حرم طفلان مسلم(ع) و مهندس کریمی رئیس ستاد بازسازی کاظمین و مدیر پروژه طلاکاری گنبدهای سامرا و کاظمین در مورد روند اجرای کارهای مربوطه گزارشی ارائه کردند.

مهندس حسن پلارک رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات با اشاره به اهمیت بازسازی حرم طفلان مسلم(ع) و همچنین پروژه‌های مهم طلاکاری گنبد سامرا و کاظمین خواستار تسریع در اتمام این پروژه‌ها شد و گفت: در سفری که اخیرا به عتبات داشتم به دقت از مراحل کار حرم طفلان مسلم(ع) بازدید کرده و در جلسه‌ای که با دیوان مرمت شیعی داشتم مصمم شدیم که کار را با سرعت بیشتری ادامه داده و به پایان ببریم که در این راستا، گودرزی، معاون اجرایی ستاد را برای مسئولیت نظارت مستقیم بر طلاکاری داخل حرم تعیین شد.

پوشش بیش از ۷۰۰ هزار معتاد توسط مراکز ترک اعتیاد

بم:معاون کاهش تقاضا و توسعه مشارکت‌های مردمی ستاد مبارزه با مواد مخدر با بیان این که حدود ۴۰۰۰ مرکز داوطلبانه در کشور در حوزه ترک اعتیاد فعالیت دارند، گفت: در مراکز یاد شده بیش از ۷۰۰ هزار نفر از معتادان زیر پوشش هستند که خدمات مختلفی به آنها ارائه می‌شود.

بابک دین‌پرست در جلسه کمیته هماهنگی مرکز نگهداری، درمان و کاهش آسیب معتادان استان کرمان گفت: تاکنون ۱۸ مرکز نگهداری درمان و کاهش آسیب معتادان در سطح کشور راه‌اندازی شده است.

وی افزود: در مراکز مشمول ماده ۱۶، باید برای هر ۱۰۰ نفر یک نفر پزشک، پرستار و مددکار اجتماعی در مرکز حضور داشته و خدمات درمانی و مشاوره‌ای را به آنها ارائه کنند.

دین پرست از راه‌اندازی کمیته تخصصی زنان در ستاد مبارزه با مواد مخدر خبر داد و گفت: به زودی مرکز نگهداری میان مدت زنان در شهرستان بم راه‌اندازی می‌شود.

ناکامی سارقان مسلح در سرقت از طلافروشی در کنارک

کنارک: شیشه‌های نشکن طلافروشی، سارقان مسلح را که قصدداشتند با خودرو وارد یک طلافروشی در شهر کنارک شده و طلاها را بدزدند، ناکام گذاشت.

سارقان به دلیل این که مغازه طلافروشی مجهز به سیستم‌های ضد سرقت و شیشه‌های نشکن بود، در چند نوبت که با خودرو به شیشه‌های طلافروشی ضربه زدند، نتوانستند وارد طلافروشی شوند و با استفاده از سلاح به سمت طلافروشی تیراندازی کردند.

این سارقان به دنبال تجمع مردم و حضور مأموران گشت کلانتری ۱۱ کنارک، با تیراندازی به سمت پلیس و مردم از محل سرقت گریختند.

بر اثر این حادثه دو نفر از شهروندان به صورت سطحی دچار جراحت شدند که به مراکز درمانی اعزام شدند. تحقیقات گسترده‌ای برای شناسایی و دستگیری این سارقان مسلح فراری در دستور کار پلیس قرار دارد.

اخبار کوتاه حوادث

آتش‌سوزی در مهدیه تهران

مهر: عاملان آتش سوزی در مهدیه تهران دستگیر شدند. حدود ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه عصر دوشنبه گذشته وقوع آتش سوزی در مهدیه تهران سبب شد اهالی این منطقه از آتش نشانی درخواست کمک کنند وباحضور آتش نشانان درمحل معلوم شد در شبستان مهدیه و بخش تأسیسات آن آتش سوزی رخ داده است.با اطفای حریق مشخص شد آتش سوزی عمدی بوده است که با اعلام موضوع به پلیس عوامل این حادثه شناسایی و دستگیر شدند.هنوز انگیزه متهمان مشخص نشده است.

دستگیری قاچاقچی اشیاء عتیقه عصر آهن در قائم‌شهر

ماموران انتظامی شهرستان «قائم شهر» مازندران، با شناسایی و دستگیری یک قاچاقچی اشیاء عتیقه ۴۶ قطعه از این اشیاء را کشف و ضبط کردند.

ماموران انتظامی کلانتری ۱۱ شهرستان قائم شهر در پی کسب خبری مبنی بر فعالیت فردی در امر خرید و فروش و قاچاق اشیاء عتیقه، با انجام اقدامات اطلاعاتی و تحقیقات پلیسی موفق شدند،متهم به قاچاق اشیاء عتیقه را شناسایی و دستگیر کنند وپس از هماهنگی با مرجع قضایی در بازرسی از محل سکونت او، ۴۶ قطعه انواع اشیاء عتیقه از جمله سکه‌های مسی، نقره‌ای و جواهرآلات زیر خاکی کشف و ضبط کنند.

گفتنی است،کارشناسان میراث فرهنگی قائم‌شهر قدمت این اشیاء عتیقه را مربوط به عصر آهن می‌دانند.

سرقت مسلحانه از بانک در مشهد

مهر: فرمانده انتظامی مشهد در تشریح جزئیات دستبرد مسلحانه به یک شعبه بانک ملت در این شهر از دستگیری یک مظنون در این رابطه خبر داد.

سرهنگ احد کریمی اظهار داشت: ساعت ۱۰ و ۵۱ دقیقه صبح دیروز دو سارق وارد بانک ملت شعبه دانش‌آموز مشهد شدند و با شلیک یک تیر هوایی مشتریان را در گوشه‌ای از بانک نگه داشتند. آنها سپس با تهدید کارکنان مبلغ ۷۰ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان را داخل یک ساک مشکی رنگ قرار داده و از محل گریختند.

وی افزود: باحضور ماموران کلانتری ۳۶ شهرک ناجا در محل سرقت مشخص شد سارقان صورت‌های خود را پوشانده و دو قبضه سلاح کلاشینکف و کلت کمری همراه داشته‌اند.

فرمانده انتظامی مشهد ادامه داد: دزدان پس از اجرای نقشه خود سوار یک دستگاه خودرو پراید سفید رنگ شده و گریخته بودند. در حال حاضر فیلم صحنه سرقت در اختیار ماموران قرار گرفته تا با بررسی آن سرنخ‌هایی از دزدان به دست بیاید.

وی با اشاره به این که پرونده به صورت ویژه در حال بررسی است اظهار داشت: تاکنون یک مظنون در این زمینه شناسایی و تحت بازجویی است.

مرگ ۳ عضو یک خانواده در کانال آب

اصفهان: بر اثر سقوط یک دستگاه خودرو پیکان در کانال آب «اصغرآباد» شهرستان خمینی شهر خانواده سه نفری غرق شدند.

مسئول پایگاه اورژانس ۱۱۵ خمینی شهر گفت: در این حادثه پدر، مادر باردار و یک دختر هشت ساله جان خود را از دست دادند.

حسینی افزود: در این حادثه پدر خانواده در محل فوت کرد و مادر و فرزند نیز پس از ۴۵ دقیقه عملیات احیاء در بیمارستان جان باختند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوع پیام‌ها جنبه های خصوصی ، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان ، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
* چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

مشکلات دانشجویان علوم پزشکی

تغییرات جدیدی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران رخ داده، دانشجویان این دانشگاه را دچار مشکل کرده است. آیا درست است زمانی که دانشجویان نیاز به تمرکز و آرامش دارند و باید خودشان را برای امتحانات آماده کنند، تغییری بنیادی در دانشگاه ایجاد شود و آن را دو قسمت کنند؟ بسیاری از دانشجویان با چنین تصمیماتی مخالف‌اند و لازم است مسئولان به این موضوع رسیدگی کنند.

از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران

مشکلات اهالی روستای عنان‌گرد

اهالی روستای عنان گرد، در زیر مجموعه شهرستان آشتیان، کیلومتر ۶۵ جاده اراک با مشکلاتی مانند نبود آسفالت، جدول‌کشی، فضای سبز، سازمان‌دهی کوهستان و تخلیه زباله روبرو هستند و لازم است به این روستا رسیدگی شود. در ضمن لوله‌کشی آب روستا هم با مشکل مواجه است.

آشتیان ـ بداغی

بانک سرمایه پاسخ دهد

لطفاً هیأت مدیره بانک سرمایه به این پرسش پاسخ دهد که چرا سهام این بانک در بازار سهام معامله نمی‌شود و از طرف دیگر چرا دو سال است سود سهام از طریق این بانک به سهامداران پرداخت نشده است؟

کرمانشاه ـ نوری

عدالت در پرداخت مالیات

در برخی از خانواده‌ها، زن و شوهر هر دو کارمند یا کارگرند و از هردویشان مالیات کسر می‌شود و علاوه بر آن، بابت خرید هر کالا هم مالیات می‌دهند، بهتر است حداقل یکی از ایشان از پرداخت مالیات مستقیم معاف شوند. این در حالی است که بسیاری از دلالان یا بساز و بفروش‌ها میلیاردها پول جابجا می‌کنند، بدون این که مالیات بدهند! اگر برای حساب‌های بانکی بالای ۵۰ میلیون تومان مالیات در نظر گرفته شود، چنین افرادی از دادن مالیات فرار نمی‌کنند.

ابراهیمی

۷ سالگی معوقات بازنشستگان

با فرارسیدن سال ۹۲، مطالبات معوقه بازنشستگان کشوری ۷ ساله شد و یک سال دیگر هم گذشت، ولی این معوقه‌ها به طور کامل پرداخت نشد. مسئولان لطفاً پاسخی بدهند.

بازنشسته کشوری

مشکلات جوانان امروز

بیشترین فشار بیکاری و مشکلات معیشتی موجود در جامعه بر روی جوانان است و منجر به ناراحتی‌های مختلفی چون افسردگی و اعتیاد می‌شود. چرا مسئولان فکر اساسی برای مشکلات جوانان نمی‌کنند؟

شهروند تهرانی

مزاحمت تلفنی شرکت‌های تبلیغاتی

بعضی از شرکت‌های تبلیغاتی یا بازاریابان مؤسسات و از جمله یکی از واحدهای امداد خودرو در بلوار ابوذر بی‌موقع تلفن می‌زنند و اصرار دارند که به آنها مراجعه کنیم، در حالی که ما خودرویی نداریم. آیا این افراد برای مزاحمت وقت و بی‌وقت برای شهروندان مجوزی دارند؟

از ساکنان بلوار ابوذر

بازنگری در قانون شمول فرانشیز

قانون شمول فرانشیز که به تازگی تصویب شده است، مشکلاتی دارد و نیازمند بازنگری و تجدیدنظر است.

بیمه شده تأمین اجتماعی

برگزاری مسابقه کتابخوانی

مؤسسه فرهنگی ـ انتشاراتی اطلاعات می‌تواند با برگزاری مسابقات کتابخوانی و با در نظر گرفتن جوایز نقدی و غیرنقدی، به بالابردن سطح فرهنگ کشور کمک کند.

شهرک فردیس کرج ـ موّحدنیا

گران شدن کرایه تاکسی در بیجار

کرایه تاکسی‌ها در شهر بیجار کردستان از جانب فرمانداری به میزان ۱۰۰ تومان افزایش یافته است که لازم است در این تصمیم تجدیدنظر شود.

بیجار ـ از اهالی

تأسیس ادارات مستقل در قرچک

از فرمانداری تازه تاسیس شهرستان قرچک (استان تهران) که در ۲ ماه اخیر اکثریت ادارات این شهرستان را به صورت مستقل راه‌اندازی کرده و موجب رسیدگی بهتر به امور مردم شده است، سپاسگزارم.

قرچک ـ عضو انجمن خوشنویسان

هزینه انتقال آب خزر به کویر

در شرایطی که آب برخی از رودخانه‌های کشور از شدت آلودگی محل انتشار بیماری‌های خطرناک شده است و کناره‌های شیبدار آن سبب غرق شدن پیر و جوان می‌شود، انتقال آب دریای خزر به کویر مرکزی ایران هزینه‌های فراوانی در پی دارد. با ایجاد مرداب‌های مصنوعی در کویر، لاله‌های دریایی داغدار می‌شوند و بهتر است منابع مالی عظیم طرح مزبور به مقاوم‌سازی خانه‌های روستایی سراسر کشور در مقابل زلزله اختصاص داده شود.

بشارت

استادان حق‌الدریس پیام نور

مبلغ حق‌التدریس نیمسال اول سال تحصیلی ۹۲ـ۹۱ دانشگاه پیام نور هنوز پرداخت نشده و این درحالی است که قرار بود تا اسفند ۹۱ پرداخت شود. لطفاً پیام نور رسیدگی کند.

از اساتید دانشگاه

هزینه تراشی با «اس‌ام‌اس»!

شرکت همراه اول تحت عناوین مختلف پیامک می‌فرستد و بعد هزینه‌اش از مشترکان دریافت می‌شود کما این‌که به تازگی ۵هزار تومان از من به دلیل همین پیام‌ها کسر شده است. درست نیست که این شرکت بدون رضایت مشتریان، حریم شخصی ایشان را نقض کند و برایشان هزینه بتراشد.

شیراز ـ مشترک همراه اول

دهبان‌ها بر سر کار بیایند

حضور دهبان‌ها در روستاها موجب تسریع کارها بود. الان که شوراها امور روستاها را برعهده دارند، اعضای شورا با این‌که اهل روستا هستند، در شهر زندگی می‌کنند و اگر کسی کار اداری داشته باشد، باید از روستا به شهر برود، درحالی که جایی برای ماندن ندارد. زمانی که دهبان‌ها در روستاها به امور رسیدگی می‌کردند، کارها بهتر انجام می‌شد و ثبت اسناد و امضاها سریع‌تر صورت می‌گرفت. از مسئولان وزارت کشور خواهشمندیم دوباره دهبان‌ها را به کار بگمارند.

ملایر ـ یک شهروند

هزینه حج تمتع ۳ برابر شده است

امسال هزینه حج تمتع ازسوی سازمان حج و زیارت بین ۱۱ تا ۱۲ میلیون تومان یعنی حدود ۳ برابر سال گذشته برای هر نفر تعیین شده است. آیا مسئولان آن سازمان فکر نمی‌کنند که این رقم برای کسانی که ۸ سال انتظار کشیده‌اند و زندگی متوسطی دارند، زیاد است؟

احمدی

نام کوچه‌ها و خیابان‌ها

بهتر است در جامعه اسلامی کوچه‌ها و خیابان‌ها مزین به اسامی مبارک حضرات چهارده معصوم(ع) باشد و البته بهتر است از القاب و کنیه ایشان استفاده شود. از مسئولان شورای شهر و شهرداری خواهشمندیم اسامی و القابی را که معانی تأثیرگذاری ندارند، با اسماء متبرکه ائمه جایگزین و دل های همگان را به آستان پاک این بزرگواران روانه کنند.

شهروند تهرانی

پاسخ مسئولان

پاسخ شرکت ملی گاز ایران به مشترک سالمند

احتراماً، عطف به مطلب منتشره در آن روزنامه مورخ ۹۲/۲/۱ تحت عنوان «آیا شرکت گاز راه‌حلی دارد»، بدینوسیله به‌اطلاع می‌رساند مشترک محترم و سالمند معترض به مبلغ بدهی متفرقه می‌توانند ضمن اعلام شماره اشتراک و یا آدرس منزل، پیگیر درخواست خود بوده و یا در صورت لزوم با شماره تلفن ۸۱۹۷۲۲۵۵ تماس حاصل نمایند.

لطفاً دستور فرمائید مطلب فوق در اولین شماره آن جریده محترم جهت اطلاع نگارنده مطلب و سایر مشترکین محترم چاپ گردد.

مجید بوجارزاده ـ رئیس روابط عمومی

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

۲۷ بازیکن در اردوی تیم ملی فوتبال زیر ۱۷ سال

سرمربی تیم ملی فوتبال زیر ۱۷ سال ایران ۲۷ بازیکن را به اردوی انتخابی این تیم دعوت کرد.

به گزارش سایت فدراسیون فوتبال، اردوی انتخابی تیم ملی فوتبال زیر ۱۷ سال ایران، از ششم تا یازدهم اردیبهشت در کمپ تیم‌های ملی برگزار خواهد شد.

یوسف سیدی (اردبیل)، حسین مهربان، محمدرضا کاوه، محمد بازاج، علی ریگی (خراسان رضوی)، احمد گوهری، علی شجاعی، رضا جعفری (تهران)، آرش کمالی (فارس)، آرمین سبحانی (کردستان)، میلاد بدرقه، ساسان جعفری (خوزستان)، ایمان سلیمی (هرمزگان)، علی نوری، علی قلی‌زاده، ماهان رحمانی (البرز)، حافظ یعقوبی، صادق محرمی، امیرمحمد مظلوم، پارسا سلیمی، سعید عزت‌الهی (گیلان)، محمد بائوج، سیدمصطفی هاشمی (مازندران)، میلاد داعی، امیرحسین کریمی، مهدی امینی و امیر نصرآزادانی (اصفهان) بازیکنان دعوت شده از سوی علی دوستی‌مهر به این اردو هستند. بازیکنان باید ساعت ۱۴ جمعه این هفته، خود را به کادر فنی در کمپ تیم‌های ملی معرفی کنند.

برپایی اردوی تیم ملی بوچیای جوانان

۶ ورزشکار از سه استان کشور، برای حضور در دومین اردوی آمادگی تیم ملی بوچیای جوانان دعوت شدند.

دومین مرحله از تمرینات تیم ملی بوچیا، از امروز تا ۱۰ اردیبهشت با حضور شش ورزشکار در کمپ تیم‌های ملی جانبازان و معلولان تهران برپا خواهد شد.

این تمرینات که مرحله اول آن سال گذشته برگزار شد، برای آمادگی حضور در بازی‌های پاراآسیایی جوانان مالزی – که آبان امسال برگزار می‌شود – در نظر گرفته شده است.

پوریا قشونی‌زاده، امید شفیه (اصفهان) میلاد ابراهیمی، فرشید استجلو (زنجان) امیرحسین بنایی و محمدرضا کاری (تهران) ورزشکارانی هستند که زیر نظر عباس خاکی (مدیرفنی) و سیدکمال هاشمی (مربی) تمرینات خود را پیگیری می‌کنند.

پرسپولیس – ملوان بندرانزلی؛ یک روز زودتر

سازمان لیگ برتر از تغییر زمان دیدار دو تیم پرسپولیس و ملوان بندرانزلی خبر داد.

دیدار دو تیم پرسپولیس تهران – ملوان بندرانزلی، از هفته سی‌وسوم لیگ برتر فوتبال، ساعت ۱۹:۱۵ نهم اردیبهشت در ورزشگاه آزادی تهران برگزار می‌شود.

پیش از این قرار بود، این دیدار دهم اردیبهشت برگزار شود که با توجه به درخواست مدیرعامل باشگاه پرسپولیس، مبنی بر تغییر زمان بازی و با توجه به هماهنگی‌های لازم و موافقت سازمان لیگ برتر، این دیدار دوشنبه هفته آینده برگزار می‌شود.

برگزاری پیاده روی بزرگ خانوادگی در بجنورد

همایش بزرگ پیاده روی همگانی خانوادگی، جمعه این هفته در خراسان شمالی به میزبانی بجنورد و در جاده سلامت برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون ورزش‌های همگانی، در این برنامه ورزشی، خانواده‌های بجنوردی مسیر پنج کیلومتری بیمارستان تامین اجتماعی – بوستان بش قارداش بجنورد را از مسیر جاده سلامت، پیاده روی می‌کنند.

در مسیر برگزاری این پیاده روی خانوادگی، ایستگاه‌هایی برای استقرار گروه‌های اورژانس و امداد و نجات جمعیت هلال احمر پیش‌بینی خواهد شد و به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شود که این برنامه بدون مشکل خاصی برگزار شود.

در پایان این پیاده روی خانوادگی به تعدادی از شرکت‌کنندگان به قید قرعه، جوایز غیرنقدی اهدا خواهد شد.

۵ ملی پوش کشتی آزاد به «ماخاچ کالا» می روند

تیم منتخب کشتی آزاد ایران با پنج کشتی گیر در رقابت‌های بین‌المللی جام علی علی اف که از ۲ تا ۶ خرداد در شهر ماخاچ کالا جمهوری داغستان روسیه برگزار می‌شود، شرکت می‌کند.

اسامی نفرات اعزامی به رقابت‌های مذکور به این شرح است: ۶۰ کیلوگرم: فرزاد جعفری، ۶۶ کیلوگرم: مسعود کمروند، ۷۴ کیلوگرم: امیر شریعتی، ۸۴ کیلوگرم: محمد حسین محمدیان و ۹۶ کیلوگرم: حامد طالبی زرین کمر.

تیم منتخب کشتی آزاد ایران در صورت موافقت شورای برون مرزی وزارت ورزش و جوانان، راهی این رقابت‌ها می‌شود.

تراکتورسازی ـ الجزیره؛ نماینده ایران در اندیشه تکرار دیدار رفت



هفته پنجم از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا، امروز در حالی با برگزاری ۸ دیدار به پایان می رسد که تیم تراکتورسازی تبریز در امارات، بازی حساسی مقابل الجزیره دارد.

تراکتورسازی برای جبران نتایج گذشته و افزایش شانس صعود خود برای رسیدن به مرحله بعدی جام، امروز باید در امارات مقابل الجزیره، پیروز شود.

هفته پنجم از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا، امروز با برگزاری هشت دیدار در شرق و غرب آسیا به پایان می رسد و در یکی از مهمترین دیدارها برای ایرانی‌ها، تراکتورسازی تبریز در زمین الجزیره امارات به میدان خواهد رفت.

شاگردان تونی اولیویه‌را که به خاطر دو شکست متوالی در هفته‌های سوم و چهارم مقابل الشباب امارات به رده سوم سقوط کرده‌اند، برای صعود به مرحله بعدی باید در امارات مقابل الجزیره، پیروز شوند که کاری بسیار سخت و دشوار است.

تبریزی‌ها که نخستین حضور خود در آسیا را با پیروزی مقابل الجزیره در بازی رفت آغاز کرده‌اند، حالا برای حذف نشدن از لیگ قهرمانان آسیا باید در امارات بازنده نباشند. بهترین حالت برای این تیم، پیروزی است؛ اما تساوی هم امیدهای تبریزی‌ها را بر باد نخواهد داد و کار صعود آنها به بازی پایانی کشیده می‌شود. هر چند که تبریزی‌ها امیدوارند، نتیجه بازی رفت مقابل اماراتی‌ها را در دوبی جبران کنند و شانس خود را برای صعود به مرحله بعدی به اما و اگر نرسانند.

در دیگر دیدار این گروه، الجیش قطر (قعرنشین)، برای حذف نشدن به مصاف الشباب عربستان می‌رود. تیمی که با یک پیروزی، راه خود را برای صعود به مرحله بعد هموار می‌کند.

در گروه دوم، پاختاکور ازبکستان میزبان تیم الاتفاق عربستان است که با پیروزی در این دیدار می‌تواند، راه خود برای صعود به مرحله بعد را هموار کند. الشباب، در امارات میزبان لخویای قطر است و برای حذف نشدن در بازی خانگی، نباید امتیاز از دست بدهد.

در شرق آسیا، اف سی سئول کره در زمین جیانگسو (قعرنشین) به میدان می‌رود و با پیروزی در این بازی می‌تواند، راهی مرحله بعد شود.

بازی بعدی این دیدار بین دو تیم ۵ امتیازی سندایی ژاپن با اوریام تایلند است. نبردی که دو تیم برای رسیدن به رده دوم به میدان می روند، هرچند ناکامی کره جنوبی و بردن یکی از این دو تیم، تیم پیروز را صدرنشین گروه خواهد کرد.

در گروه F گوانگجوی چین، برای صعود به مرحله بعد، فقط به یک امتیاز نیاز دارد و باید این امتیاز را در زمین «اوراوا ردز» به دست آورد؛ تیمی که با از دست دادن یک امتیاز هم در خطر حذف قرار می گیرد.

جئونگوک کره جنوبی، میزبان حریف تایلندی (قعرنشین) است و برد در این دیدار، راه این تیم را برای رسیدن به جمع ۱۶ تیم برتر آسیا، هموارتر خواهد کرد.

تعیین تیم دوم

اولیویرا، سرمربی تراکتورسازی تبریز، گفت: بازی تراکتورسازی – الجزیره، مشخص می کند که چه تیمی به عنوان تیم دوم صعود خواهد کرد و سه تیم الجزیره، الجیش و ما شانس صعود داریم؛ طبیعتا بازی سختی خواهد بود.

تونی اولیویرا، سرمربی تراکتورسازان در کنفرانس مطبوعاتی قبل از بازی، گفت: ما تیم الجزیره را بردیم، ولی به ظرفیت این تیم هم اعتقاد داریم و همه تلاش خود را انجام خواهیم داد تا بهترین بازی را انجام داده و نتیجه مورد نظر را کسب کنیم؛ نتیجه خوب یعنی گرفتن سه امتیاز.

از تونی در مورد سابقه بازی با تیم الجزیره سوال شد که وی در پاسخ، گفت: به عنوان مربی با تیم الاتفاق عربستان و شارجه امارات در مقابل الجزیره مربیگری کرده‌ام.

او، در خصوص این موضوع که با توجه به تجربه چند باره الجزیره و تجربه اول تراکتورسازی در لیگ آسیا، بازی امروز را چطور پیش‌بینی می کنید، افزود: سعی در جبران نتایج گذشته داریم و دو بازی آسیایی را که با یک گل واگذار کردیم ۷۵ درصد مالکیت توپ دست ما بود، ولی از موقعیت‌ها خوب استفاده نکردیم.

مرتضی اسدی، کاپیتان سرخ‌پوشان نیز در خصوص این بازی، گفت: بازی راحتی در پیش نخواهیم داشت، ولی امیدوارم که همراه با نتیجه برای تیم بزرگ تراکتور باشد و امیدواریم که به عنوان تیم دوم صعود کنیم.

فقط پیروزی

تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز در پنجمین دیدار خود در لیگ قهرمانان آسیا مقابل الجزیره امارات فقط به پیروزی نیاز دارد.

مهمترین دیدار امشب برای ایرانیان در لیگ قهرمانان آسیا، نبرد تراکتورسازی با الجزیره امارات است. تراکتورسازی با چهار امتیاز از چهار بازی در رده سوم جدول گروه یکم قرار دارد. این در حالی است که الشباب عربستان با ۱۰ امتیاز، صدرنشین است و تا حدودی برای نماینده ایران دست‌نیافتنی. درعوض، الجیش قطر با پنج امتیاز، فقط یک امتیاز بیشتر نسبت به تراکتورسازی، رده دوم را در اختیار دارد.

تراکتورسازی برای صعود به مرحله حذفی لیگ قهرمانان آسیا باید مقابل الجزیره امارات، ضعیف‌ترین تیم گروه پیروز شود تا در بازی آخر مقابل الجیش، سرنوشت خود را در دست بگیرد. اگر تراکتورسازی، امشب شکست بخورد و الجیش موفق به شکست الشباب شود، کار برای سرخ‌پوشان تبریزی تمام می‌شود.

تراکتورسازی در حالی به مصاف حریف اماراتی‌اش می‌رود که در بازی رفت این تیم را در خانه با نتیجه سه بر یک شکست داده و نخستین پیروزی‌اش را در آسیا کسب کرده بود. باید دید که تراکتورسازی می‌تواند برای رسیدن به نخستین افتخار آسیایی خود، از پس شیخ‌نشین اماراتی برآیند یا در میانه راه از رسیدن به هدف باز می‌مانند؟

برگزاری نخستین دوره لیگ قایقرانی آب‌های آرام بانوان

نایب رییس بانوان فدراسیون قایقرانی، مهمترین برنامه فدراسیون در سال جاری را برنامه‌ریزی برای آغاز لیگ آب‌های آرام بانوان عنوان کرد.

مریم دباغ با تاکید بر اینکه امسال، اولین سالی است که لیگ آب‌های آرام بانوان برگزار می‌شود، گفت: تلاش می‌کنیم که این مسابقه‌ها در تابستان امسال برگزار شود.

وی با تاکید بر اینکه تا حد امکان استفاده از داوران زن در مسابقه‌های قایقرانی بانوان در دستور کار فدراسیون قرار دارد، افزود: از اولویت‌های کاری کمیته‌های قایقرانی، توسعه همگانی و افزایش ورزشکاران زن در این رشته است.

دباغ با اشاره به مسابقه‌های کاپ‌های آسیایی در بخش برون مرزی، تصریح کرد: در بخش روئینگ که مسابقه‌های آن در مهر آغاز می‌شود، بیشترین نیاز به مربی خارجی را داریم. البته یک مربی آلمانی برای این بخش در نظر گرفته‌ایم که اکنون در ایران بسر می‌برد و در حال رایزنی با او هستیم.

نایب رییس بانوان فدراسیون قایقرانی، از شروع اردوهای نوجوانان در رشته‌های آبهای آزاد و روئینگ خبر داد و گفت: در سال جاری، مسابقه‌های قهرمانی کشور را در پنج رشته اصلی برگزار خواهیم کرد.

وی افزود: نخستین دوره لیگ کانوپولو در اردیبهشت پایان می‌یابد و دور بعدی این مسابقه‌ها نیز از تیر امسال آغاز خواهد شد.

مریم دباغ، با اشاره به برنامه‌های فدراسیون در سال گذشته، همچون استعدادیابی در بخش قایق بادبانی و تشکیل پایگاه بادبانی در بندرلنگه با حضور دختران و پسران در رده‌های سنی دبستان، راهنمایی و دبیرستان، تصریح کرد: این پایگاه به علت کمبود مربی کارآزموده، از امسال شروع به کار خواهد کرد و برای این امر، چند مدرس را دعوت به کار کرده‌ایم.

نایب رییس بانوان فدراسیون قایقرانی، وضع آرزو حکیمی و سلماز عباسی را رضایت‌بخش ارزیابی کرد و گفت: این دو ورزشکار، تحت نظر مربی قرار دارند و با شرکت در چند مسابقه انتظار می‌رود، آمادگی بیشتری برای شرکت در بازیهای آسیای داشته باشند.

وی، سطح قایقرانی بانوان ایران را در مقایسه با سطح آسیایی قایقرانی مناسب دانست و تصریح کرد: تیم قایقرانی بانوان در آسیا، صاحب مقام است و هدف ما این است که در رشته‌های مختلف در سطح المپیک نیز موفق به کسب جایگاه بالایی شویم.

حریفان کاله در مرحله دوم والیبال باشگاه‌های آسیا

تیم والیبال کاله، نخستین دیدار خود در مرحله دوم رقابت‌های قهرمانی باشگاه‌های آسیا را مقابل نماینده هند برگزار خواهد کرد.

در چارچوب روز پایانی مرحله مقدماتی مسابقات والیبال قهرمانی باشگاه‌های آسیا، دیروز تیم لیونگ چین از گروه سوم با نتیجه ۳ بر یک مقابل گاز هند به برتری دست یافت و در صدر گروه باقی ماند.

در پایان دیدارهای مقدماتی گروه سوم مسابقات والیبال قهرمانی باشگاه‌های آسیا، پس از نماینده چین، تیم‌های گاز هند و منتخب ازبکستان در رده‌های دوم و سوم قرار گرفتند. تیم‌های لیونگ چین و گاز هند به عنوان تیم‌های اول و دوم این گروه، راهی مرحله دوم شدند و در جمع هشت تیم برتر این رقابت‌ها قرار گرفتند. بر این اساس، در مرحله دوم مسابقات والیبال قهرمانی باشگاه‌های آسیا که از امروز آغاز می‌شود، تیم کاله به عنوان صدرنشین گروه یکم به مصاف هند می‌رود و در روز دوم این مرحله با نماینده چین دیدار خواهد کرد. مسابقات والیبال قهرمانی باشگاه‌های آسیا، که از یکشنبه گذشته در تهران آغاز شده است تا ۹ اردیبهشت ادامه خواهد داشت. قهرمان این مسابقات، سهمیه حضور در پیکارهای جهانی را کسب می‌کند.

آغاز کار اصلی کاله

بازیکن کمکی تیم کاله در مسابقات والیبال باشگاه های آسیا، گفت: از همه تجربه و توانایی‌هایم استفاده می‌کنم تا کاله را در رسیدن به هدفش – که قهرمانی است – یاری کنم.

مهدی بازارگرد، پس از پیروزی کاله مقابل العین امارات در دومین روز مسابقات والیبال قهرمانی باشگاه‌های آسیا، گفت: العین در روز اول مسابقات با قرعه استراحت روبرو بود. به همین دلیل ما بدون هیچ شناختی به مصاف این تیم رفتیم با این حال خیلی خوب بازی کردیم و پیروزی قاطعی به دست آوردیم.

وی با اشاره به دیدار کاله در مرحله دوم مسابقات مقابل نماینده هند، افزود: این تیم به مراتب، قدرتی بیشتر از نمایندگان چین تایپه و امارات دارد که در مرحله مقدماتی با آنها بازی کردیم. در واقع کار اصلی ما، از این مرحله به بعد آغاز می‌شود.

این بازیکن که به عنوان یار کمکی، کاله را در مسابقات باشگاه‌های آسیا همراهی می‌کند، گفت: به واسطه انتخابی بودن این رقابت ها برای مسابقات باشگاه‌های جهان، چند سالی است که تیم‌ها با جذب بازیکن خارجی سعی می‌کنند، قدرت بیشتری برای شرکت در مسابقات داشته باشند. همین مساله روی کیفیت بازی‌ها تاثیر زیادی گذاشته است.

دورتموند – رئال‌مادرید
تعیین دومین پای فینال لیگ قهرمانان اروپا

دور رفت از مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا، امشب با بازی بوروسیادورتموند و رئال‌مادرید به پایان می‌رسد.

دو تیم در حالی امشب در ورزشگاه «زیگنال ایدونا پارک» به مصاف هم می‌روند که در دور گروهی نیز با هم بازی کردند که عملکرد دورتموند، بهتر بود. زردهای فوتبال آلمان، پس از حذف تیم‌های شاختار دونتسک و مالاگا، راهی نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا شدند. رئال‌مادرید که در دور گروهی به عنوان تیم دوم به مرحله بعد صعود کرد، تیم‌های منچستریونایتد و گالاتاسرای را از گردونه لیگ قهرمانان اروپا حذف کرد.

بوروسیادورتموند

دورتموند، کم‌تجربه‌ترین تیم حاضر در مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپاست. آنها در گروه مرگ لیگ قهرمانان اروپا، به عنوان سرگروه به مرحله یک هشتم نهایی صعود کردند، ولی باید از حضورشان در این مرحله لیگ قهرمانان اروپا راضی باشند؛ زیرا در مرحله قبل با دو گل مشکوک دقایق پایانی، مالاگا را شکست دادند تا راهی مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا شوند.

تنها افتخار دورتموند در لیگ قهرمانان اروپا به سال ۱۹۹۷ برمی‌گردد که با پیروزی مقابل یوونتوس، قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شدند. بعد از آن دوران باشکوه، دورتموند روزگار سیاهی را تجربه کرد. گرفتن وام‌های پی‌درپی و ورشکستگی مالی باعث شد، بوروسیا دورتموند، حتی خطر سقوط به بوندسلیگای ۲ را نیز تجربه کند. با آمدن یورگن کلوپ در سال ۲۰۰۸ دورتموند، جان تازه‌ای گرفت و توانست کم‌کم گذشته باشکوه خود را احیا کند. آنها دو بار پیاپی توانستند به قهرمانی در بوندسلیگا دست یابند و اکنون با حضور در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا امیدوارند، با حذف رئال‌مادرید، یکبار دیگر تاریخ‌سازی کرده و به فینال لیگ قهرمانان اروپا راه یابند.

دورتموند، در ۱۰ بازی این فصل لیگ قهرمانان اروپا ۴۵۹ شوت به سمت دروازه حریفان زده که ۹۰ شوت بیش از هر تیم دیگری بوده است. زردپوشان، از این تعداد ۲۰۱ شوت را با ضربه سر به سمت دروازه حریفان شلیک کرده‌اند که نشان می‌دهد، مهاجمان این تیم قدرت سرزنی فوق‌العاده‌ای دارند. روبرت لواندوفسکی، مهاجم لهستانی این تیم، قطعا گزینه اول هافبک‌های دورتموند در بازی با رئال‌مادرید خواهد بود.

دورتموند در این فصل بوندسلیگا، برای هت‌تریک قهرمانی، یک رقیب سرسخت به نام بایرن‌مونیخ داشت. مدافع عنوان قهرمانی، این فصل نتوانست به رتبه‌ای بهتر از دومی برسد. آنها از جام‌حذفی نیز حذف شدند تا فصل آرامی را نسبت به سال گذشته در آلمان سپری کرده باشند.



رئال‌مادرید

بازیکنانی که تاکنون در رئال‌مادرید بازی کرده‌اند، از جمله برترین بازیکنان تاریخ فوتبال جهان بوده‌اند: آلفردو دی‌استفانو، زین‌الدین زیدان، رونالدو و کریستیانو رونالدو در کنار فرانس پوشکاش، فرناندو هیرو، رائول گونسالس و ....

تعجب‌انگیز نیست، باشگاهی که همیشه بهترین بازیکنان جهان را داشته است، یکی از تیم‌های حاضر در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا باشد. با این همه، رئال‌مادرید از سال ۲۰۰۲ نتوانسته است، در لیگ قهرمانان اروپا به مقام قهرمانی دست یابد تا رسیدن به دهمین عنوان قهرمانی به هدف اصلی مادریدی‌ها (اگر نگوییم عقده) در این فصل تبدیل شود. شعار رئال‌مادرید در این فصل لیگ قهرمانان اروپا از ابتدا مشخص بود: «Decima» یا همان رسیدن به دهمین عنوان قهرمانی در معتبرترین تورنمنت باشگاهی فوتبال جهان.

آنها مدتهاست که در حسرت رسیدن به دهمین قهرمانی خود در لیگ قهرمانان به سر می‌برند. آیا خوزه مورینیو، طلسم قهرمان نشدن رئال‌مادرید را در لیگ قهرمانان اروپا می شکند؟ پاسخ به این سوال، در پایان بازی امشب داده می شود.

کریستیانو رونالدو، مسوت اوزیل و رافائل واران ستارگان بی همتای این تیم اسپانیایی هستند.

بازی تیم های بوروسیادورتموند – رئال‌مادرید، ساعت ۲۳ و ۱۵ دقیقه امشب به وقت تهران در ورزشگاه «زیگنال ایدونا پارک» و به داوری «بیورن کوئیپرس» ازهلندبرگزار می شود.

دکتر قالیباف: نفی شعاری هولوکاست به منافع انقلاب ضربه زد

عضو ائتلاف پیشرفت در باره تحریم‌های غرب علیه ایران گفت: سخنان جنجالی ولی کم فایده و رفتارهای شعاری و نمایشی به ما ضربه زد و موضع برحق ما را تضعیف کرد. موضع قانونی ما از طریق یک دیپلماسی هوشمند و عقلانی قابل تحقق است.

زمانی می گفتند تحریم ها کاغذ پاره‌اند و اکنون می گویند فلج کننده‌اند و عامل همه مشکلاتند. این عدم عقلانیت از کجا نشات می گیرند؟

نگاه عقلانی می گوید که تحریم‌ها نه کاغذ پاره‌اند و نه رفع آنها حلال همه مشکلات.

محمدباقر قالیباف درمصاحبه با خبرگزاری تسنیم افزود: باید به سمت سیاست خارجی هوشمند برویم که به جای اصالت دادن به تخاصم صرف یا وادادگی و تسلیم، بر اساس اصول و ارزشهایمان و با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌هایمان، رقابت را با هدف تحقق اهدافمان محور فعالیت هایمان قرار دهیم.

وی درباره پرونده هسته‌ای گفت: راهبرد اصولی و معقول در برنامه هسته‌ای مقاومت با هدف تامین حقوقمان است؛ ولی پیشبرد این سیاست و تحقق عملی آن باید در چارچوبی معقول و هوشمندانه صورت گیرد، موفقیت راهبرد مقاومت هوشمندانه هم از سویی نیازمند اجماع و وحدت داخلی، تقویت اقتصادملی برای کاهش اثرپذیری از فشارها و از سوی دیگر توجه به ظرفیت های مغفول مانده در عرصه سیاست خارجی، پرهیز از رفتارهای هیجانی و سخنان پرطنین ولی کم بهره که به جای ایجاد فرصت برای ما، به دشمن اجازه تبلیغ و شانتاژ می دهد، است.

این که بگوییم مشکلات اقتصادی زمانی حل می شوند که موضوع تحریم‌ها حل شود، معنای دیگرش آن است که بپذیریم همه مشکلات اقتصادی فعلی ما ناشی از تحریم ها و مسائل سیاست خارجی است. این حرفی است که عده ای در داخل مطرح می کنند تا نقش خود و سوءمدیریت اقتصادی را در شکل گیری وضع کنونی اقتصادی پنهان کنند. حل مشکلات اقتصادی امروز از طریق اتخاذ مجموعه‌ای سیاست‌های عقلانی و هوشمندانه اقتصادی ممکن است که در این زنجیره سیاست خارجی و موضوع هسته‌ای یکی از حلقه‌های بسیار مهم است.

در موضوع آمریکا هم تقابل با آن به خودی خودارزش نیست؛ همانطور که ائتلاف و کرنش کردن نمی تواند منافع ما را تامین کند. این همان دو نگاه افراط و تفریطی است. ما باید همان نگاه آرمانگرایی واقع بینانه را داشته باشیم. رقابت هوشمندانه و مقاومت مقتدرانه دو بال پیروزی است.

قالیباف به مساله هولوکاست اشاره کرد و گفت: دراین باره وقتی لازم نیست و تامین کننده منافع ما نیست، می آییم این را مطرح می کنیم. حتی یک ذهنیت درست می شود و بهانه در دست دشمن‌ترین دشمن انقلاب اسلامی که صهیونیست‌ها هستند، می‌دهیم و آرمان‌های فلسطین را تحت تاثیر قرار می دهیم. دفاع از آرمان فلسطین جزیی از اصول سیاست خارجی ماست؛ نفی هولوکاست که جزیی از آن نیست و بنا به ماهیت جنجالی خود به جای کمک به ما برای پیشبرد اهداف و آرمانهایمان، به دشمن فرصت می‌دهد تا مظلوم نمایی کند، علیه ما اجماع درست کند و موضع برحق ما در موضوعی مانند موضوع هسته‌ای را تحت تاثیر قرار دهد. من می گویم با طرح سخنان کم ثمر پرهزینه، زمینه سوء استفاده دشمنان را فراهم ساختیم. منشاء این موضع گیری‌ها هم سیاست زدگی است. این ها بیشتر مصرف داخلی دارد.

مذاکره با آمریکا هیچ گاه برای ما خط قرمز نبوده است. به جای تعریف رابطه‌مان با آمریکا در قالب تقابل صرف یا تعامل صرف باید به سوی رقابت با این کشور برای تامین منافعمان حرکت کنیم. تفاوت رویکرد رقابتی با رویکرد تقابل گرایی و ائتلاف گرایی در این است که نه مذاکره به خودی خود بد و نه به خودی خود خوب و مطلوب است. مذاکره با هر کشوری (از جمله آمریکا) تنها ابزاری برای تامین منافع و تحقق آرمانهاست.

وی ادامه داد: برای شکل دادن به یک سیاست خارجی موفق باید به تقویت انسجام و توان داخلی مان بپردازیم، به جای تخاصم در سطح منطقه ای به سوی شکل دادن به ائتلاف های منطقه ای حرکت کنیم و نهایتا این که در سطح بین المللی رویکرد مان را معطوف به رقابت با هدف تامین حداکثر منافعمان کنیم.

بیماریهای قلبی، سوانح و سرطان به ترتیب عوامل سه گانه مرگ ایرانیان است

معاون بهداشتی وزیر بهداشت گفت: نتایج اولیه طرح مطالعه ملی بار بیماری ها در کشور که اواخر سال گذشته آغاز شد نشان می‌دهد که بیماریهای قلبی–عروقی، سوانح و سرطان رتبه اول تا سوم علت مرگ و ناتوانی ایرانیان را به خود اختصاص می‌دهند.

فاطمه رخشانی در گفت و گو با فارس در پاسخ به این پرسش که آیا نتایج طرح مطالعه ملی بار بیماریها که زمستان گذشته بعد از ۱۰ سال آغاز شد، مشخص شده است، گفت: بله نتایج این مطالعه ملی آغاز شده است و اکنون برای اولین بار اعلام می کنم که بر اساس نتایج این پیمایش ملی بیماریهای قلبی–عروقی، سوانح وحوادث و سرطان رتبه های اول تا سوم بار بیماریها را در ایران به خود اختصاص می می‌هند.

وی ادامه داد: در مورد عامل خطر بروز این بیماریها نیز تحقیقات ملی نشان می دهد که فشار خون عامل اول بروز مرگ و میر در کشور است و بعد از آن چاقی در رده دوم عوامل خطر (Risk factor) مرگ و میر ایرانیان است.

شناسایی و برخورد قاطع با پزشکان متخلف

مدیرکل نظارت بر امور درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: با نظارت‌های نامحسوس صورت گرفته، پزشکان متخلفی که اقدام به اخذ زیرمیزی کرده‌اند، شناسایی و لیستی از آنها تهیه شده است و با همکاری مجلس و ارگان‌های نظارتی در حال پی گیری برای برخورد قاطع با آنها هستیم.

به گزارش ایسنا، دکتر سجاد رضوی با بیان این که شناسایی و معرفی متخلفان از طرف وزارت بهداشت صورت می گیرد اما بررسی را قوه دیگری انجام می‌دهد که نیاز به اسناد و مدارک دارد، گفت: متاسفانه در برخی از قوانین، میزان جریمه صورت گرفته با تنبیه در نظر گرفته شده همخوانی و تناسب ندارد به نحوی که برای تخلفی بسیار بزرگ، جریمه ۲۰۰ هزار تومانی تعیین شده است در حالی که میزان جریمه نقدی اخذ زیرمیزی به صراحت در قانون آمده است.

مدیرکل نظارت بر امور درمان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر این که بیمار نباید به جز بیماری درد و رنج دیگری داشته باشد و نیز دغدغه وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر ضرورت پاسخگویی به مشکلات مردمی و دستور وی برای راه‌اندازی سامانه پاسخگویی مردمی ۱۴۹۰ گفت: در فروردین ماه امسال تعداد ۲۹ مورد شکایت مردمی از دریافت زیرمیزی به سامانه ۱۴۹۰ گزارش شده است.

وی افزود: مردم می توانند به راحتی هرگونه تخلف را به شماره تلفن ۱۴۹۰ که سامانه پاسخگویی به شکایات مردمی است، اعلام کنند تا بررسی و رسیدگی شود.

اظهارات رئیس انجمن داروسازان ایران درباره توزیع پنی سیلین چینی

رئیس انجمن داروسازان ایران گفت: گزارشی از توزیع پنی‌سیلین چینی در هیچ داروخانه‌ای نداریم، رسانه‌ها اعلام کرده‌اند اگر چنین موضوعی صحت داشته باشد باید مشخص شود، این داروها مجوز وزارت بهداشت داشته یا قاچاق بوده‌اند.

رهبر مژدهی آذر در گفت‌وگو با فارس درباره پنی سیلین‌های چینی توضیح داد: بنده اطلاعی از این موضوع ندارم زیرا در هیچ یک از داروخانه‌های کشور گزارشی مبنی بر توزیع پنی سیلین چینی نداشته‌ایم. این خبر را از رسانه‌ها شنیده‌ام بنابراین باید مشخص شود اگر چنین داروهایی وارد کشور شده است آیا مجوز وزارت بهداشت را داشته است یا قاچاق بوده است.

وی ادامه داد: اگر از گمرک آمده باشد و مجوز وزارت بهداشت را داشته باشد وزارت بهداشت باید پاسخگو باشد اما اگر قاچاق باشد به وزارت بهداشت مربوط نیست به خصوص این که در شبکه رسمی داروخانه‌های کشور ما گزارشی از توزیع داروی پنی سیلین چینی نداریم.

رئیس انجمن داروسازان ایران گفت: پنی سیلین تولید داخل به میزان کافی اکنون در داروخانه‌های کشور وجود دارد بنابراین نیازی به واردات پنی‌سیلین از چین یا هر جای دیگری وجود ندارد.

مژدهی آذر افزود: به نظر من شما رسانه‌ها نیز چنین اخباری را منتشر نکنید چون در مردم نگرانی ایجاد می کند.

ترحیم

انا لله و انا الیه راجعون

افسوس صد افسوس پدر از کف ما رفت
آن گوهر تابنده و پرمهر و وفا رفت
ما را نبود چاره به جز صبر در این غم
با حکم خدا آمد و با امر خدا رفت

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و دلسوز مرحوم مغفور شادروان **حاج علی بنّایی زنوزی**، بزرگ خاندان را به کلیه بستگان، دوستان و همشهریان می‌رساند.
به همین مناسبت مراسمی روز جمعه مورخ ۹۲/۲/۶ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد النبی واقع در خیابان کارگرشمالی روبروی کوی دانشگاه برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی در این مجلس موجب شادی روحش و تسلی خاطر بازماندگان آن مرحوم خواهد بود.
از طرف خانواده‌های: بنّایی زنوزی، حدادی زنوز، اسدی زنوز و کلیه بستگان، دوستان و آشنایان و زنوزیهای مقیم تهران و کرج

انالله و اناالیه راجعون

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت بانوئی متقی و پرهیزگار و مادری دلسوز و مهربان حاجیه خانم **مزین متحدان** (همسر مرحوم مهندس سرهنگ حسین صراف‌پور) را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
به این مناسبت مجلس بزرگداشت ایشان در مورخه ۹۲/۰۲/۰۴ چهارشنبه از ساعت ۲ الی ۳/۳۰ در مسجد حجت‌ابن‌الحسن(ع) واقع در سهروردی شمالی، نرسیده به میدان قندی برگزار می‌گردد.
برادر: دکتر کریم متحدان شیرازی
فرزندان: لیلی، مهندس علی‌رضا و مجید صراف‌پور
داماد: دکتر کاظم معتبر
عروس‌ها: زهرا کاظمی بهراد، مژگان منشی‌زاده وزیری
نوه‌ها: محمد، حمید، مریم، نیلوفر، مژده، وحید، میترا، امیرحسین
حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح آن مرحومه و موجب تسلی خاطر دل بازماندگان خواهد شد.
خانواده‌های سوگوار: صراف‌پور ـ معتبر ـ متحدان ـ کاظمی بهراد ـ منشی‌زاده وزیری ـ توسل باقری ـ قادری ـ حسینی سده ـ استقلال ـ مازندرانی ـ عطار ـ فاطمی ـ چایچی ـ خالصی ـ بنی‌هاشمی ـ میرمحمد صادقی ـ کیانی شبستری ـ بحرینی و سایر خانواده‌های وابسته

به نام اهورا مزدا

پرسه

با اندوه فراوان درگذشت همسر و برادر عزیزمان روانشاد دکتر **منوچهر خداداد خدیو پارسی** را در خارج از کشور به آگاهی خویشاوندان دوستان و آشنایان گرامی می‌رساند.
آئین پرسه آن بهشتی روان روز امرداد امشاسپند اردیبهشت ماه ۳۷۵۱ دینی زرتشتی برابر با آدینه ۱۳۹۲/۲/۶ از ساعت ۴/۳۰ تا ۶/۳۰ پسین در تالار ایرج واقع در خیابان جمهوری اسلامی، خیابان میرزاکوچک خان، کوچه زرتشتیان، شماره ۶ برگزار می‌گردد.
همسر: ژانت بارتس پارسی
برادران: کیخسرو ـ ایرج ـ فریدون
همسران برادران: پروین ـ زرین ـ گیتی
برادرزادگان: افشین ـ پریسا ـ سیما و خسرو ـ ژیلا و آمی‌تیس ـ ویدا و شهرام و آوا
خانواده‌های: بارتس پارسی ـ خدیو پارسی ـ استواری ـ کرمانی ـ سیوشانسی ـ عبدالهی ـ کشاورزی ـ خدادادی ـ جوانمردیان ـ طهمورث‌زاده ـ آریانی ـ اختیاری ـ بختیاری و سایر خانواده‌های وابسته و پیوسته

بازگشت همه به سوی اوست

بانهایت تأسف و تألم درگذشت مرحومه مغفوره بانو **مریم ادیب نطنزی** همسر آقای سیدحسن قائمی و فرزند مرحوم حاج عبدالکریم ادیب نطنزی را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان می‌رسانیم.
مجلس بزرگداشت و ترحیم آن مرحومه در مسجد حاج سیدقاسم شهرستان نطنز (جایگاه هیأت مکتب القرآن) روز پنجشنبه ۹۲/۲/۵ از ساعت ۱۷ الی ۱۹ برگزار می‌شود.
شرکت در مجلس فوق موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: ادیب نطنزی (سرشکی)، قائمی طباطبایی و امیر مظاهری

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت همسری مهربان و پدری فداکار شادروان مرحوم **علی‌اکبر رحیمی** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ختمی در روز پنجشنبه ۹۲/۲/۵ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
از طرف خانواده‌های: رحیمی ـ اناری ـ خزایی ـ حکمتی‌پور ـ کریم‌پور ـ بامداد ـ بیتی ـ شه‌بخت ـ دبستانی ـ غفارزاده ـ افسری ـ دوست‌محمدی ـ کفاشیان ـ محمدی‌نسب ـ زحمت‌کار ـ میرزایی ـ اسماعیل‌زاده ـ سیدغیاثی ـ ورندیلی ـ حیدری ـ روشن‌دل ـ رازگردانی ـ طباطبایی ـ پورلطفعلی ـ حسین‌زاده

بازگشت همه به سوی اوست

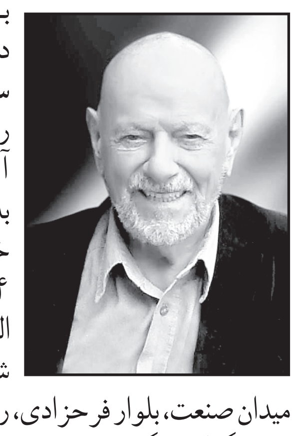
رفتی و همراه تو رفت از جهان
خلق خوش و سیرت زیبای تو

با اندوه فراوان درگذشت مرحومه مغفوره **صدیقه جعفری (علمی)** دختر شادروان حاج محمدعلی علمی و همسر فداکار آقای عبدالرحیم جعفری بنیان‌گذار انتشارات امیرکبیر و مادر عزیزمان را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس یادبود آن فقیده سعیده روز پنجشنبه ۱۳۹۲/۲/۵ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب، مقابل مجتمع میلادنور برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خاندان علمی و خاندان جعفری

هو
۱۲۱

با نهایت تأسف و تألم درگذشت دوشیزه **فرزانه شاه حسینی** نرس بازنشسته بیمارستان بانک ملی ایران را به اطلاع دوستان و بستگان و همشهریان شاهرودی می‌رساند.
مجلس ترحیم زنانه و مردانه آن مرحومه در روز جمعه مورخ ۹۲/۲/۶ در مسجد نور واقع در میدان دکتر فاطمی تهران از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ برگزار می‌گردد.
حضور سروران گرامی موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: شاه حسینی، جعفریان، دزیانی

بازگشت همه به سوی اوست



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **حاج سید طاهر روحانی ماسوله** را به اطلاع کلیه اقوام و آشنایان می‌رساند
به همین مناسبت مراسم ختم آن مرحوم روز چهارشنبه ۹۲/۲/۴ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب تهران واقع در میدان صنعت، بلوار فرحزادی، روبروی مجتمع تجاری میلاد نور برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: روحانی ماسوله، قویدل ماسوله و سایر بستگان، دوستان و آشنایان

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادری مهربان و فداکار شادروان **حاجیه خانم کافیه نعمت‌اللهی** (همسر مرحوم ابوتراب ترابی) (مادر مرحوم مهندس تقی ترابی) را به اطلاع میرسانیم.
به همین مناسبت مراسم شب هفت روز پنجشنبه ۱۳۹۲/۲/۵ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر، خیابان شهید عشقیار، میدان نیلوفر منعقد می‌باشد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن عزیز و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
از طرف خانواده‌های: نعمت‌اللهی، ترابی و سایر بستگان، دوستان و آشنایان

بازگشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت یار و هم دانشکده‌ای عزیز روانشاد مهندس **فیروز توفیق بنام** فارغ التحصیل سال ۱۳۴۱ را به اطلاع دوستان و سروران میرساند.
مجلس ختم آن مرحوم از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ روز چهارشنبه ۹۲/۲/۴ در مسجدالرضا(ع) واقع در میدان نیلوفر برگزار می‌شود. حضور هم دانشکده‌ای‌های عزیز موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
کانون مهندسین فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تبریز

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر در سوگ پدری مهربان جناب آقای **عباسعلی عباس زاده** خادم دربار اباعبدالله الحسین (ع) نشسته‌ایم. به همین مناسبت مراسمی در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان فاطمی روز پنجشنبه مورخ ۹۲/۲/۵ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ برگزار خواهد شد.
حضور سروران گرامی موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: عباس زاده ـ صاحبدل ـ کارگر ـ مردبی‌غم
دامادها: محمدحسین صاحبدل ـ نجف امام علیزاده ـ بهزاد درویشی ـ اصغر صاحبدل ـ مختار نافعی و سایر وابستگان سببی و نسبی

بازگشت همه به سوی خداست

با کمال تأسف و تأثر درگذشت مرحوم **محمد آقا بیگلی شبستری** (بزرگ خاندان) را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مراسم ترحیمی روز پنجشنبه ۹۲/۲/۵ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار می‌گردد.
خانواده‌های: بیگلی شبستری ـ پوروهاب ـ خلیلی دیزجی ـ ابوطالبی ـ سمیعی ـ حیدری ـ نژاد ابیض ـ احمدی نیا ـ مدنی ـ مجیدی ـ عابدین‌پور ـ محمدلویی شبستری ـ عابدی ـ آخته و سایر بستگان، دوستان و آشنایان

انا لله و انا الیه راجعون

*رحلت مرحوم مغفور، محب اهل بیت عصمت و طهارت، جناب آقای **حاج مرتضی عابدین** پدر گرامی دوست عزیز و ارجمندمان جناب آقای مهندس جلال عابدینی موجب تاثر و تاسف فراوان گردید.*
مجلس ختم آن فقید سعید روز پنج شنبه ۹۲/۲/۵ ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ در مسجد حوری واقع در خیابان ۱۷ شهریور بلوار قیام برگزار می شود.
منصور عزیزی ـ محمد صافی ـ اسداله صبوری ـ محمود زمانیان ـ مجید بهزاد ـ مرتضی واحدی ـ محسن شرفی ـ حمیدرضا منیری ـ حسین حاتمی ـ علی تیرگر ـ سعید فیض آبادی

بازگشت همه بسوی اوست

بدینوسیله درگذشت مرحومه خانم ملوک تولمی اصلی (بهاری) را به اطلاع دوستان وآشنایان می‌رسد. بنا به وصیت ایشان هزینه‌های مراسم صرف امور خیریه می‌گردد.
از طرف خانواده‌های: بهاری ـ سندزاده ـ جعفری و سایر بستگان

یادبود

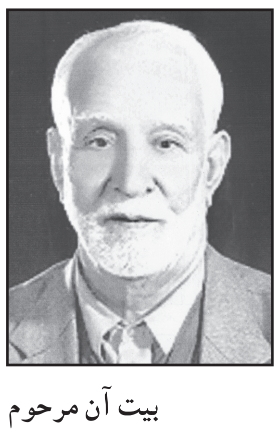
بنام حضرت دوست که هرچه است از اوست

هرچند همچو گل همه بر باد رفته‌اند
هرگز گمان مدار که تو از یاد رفته‌ای



۸ اردیبهشت ماه هفتمین سالگرد سفر بی‌بازگشت همسر صبور، فرزند دلبند، مادر فداکار و خواهر مهربانمان شادروان حاجیه خانم **افخم الملوک شریفی** دبیر منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران را گرامی داشته برای آمرزش روحش دعا می‌کنیم.
کاظم اکبری، مادر، فرزندان، عروس، داماد، خواهران و برادران

چه آسان پر کشیدی
و نگاه ما همچنان ناباورانه به این پرواز است.



فرا رسیدن دومین سالگرد عارف ربانی عبدصالح خدا **حاج محمدرضا الطافی نشاط** را تسلیت عرض نموده به همین مناسبت روز پنج‌شنبه ۱۳۹۲/۲/۵ ساعت ۱۶ الی ۱۸ بر مزارش در باغ‌بهشت شهرستان همدان گردهم آمده و یادش را گرامی می‌داریم.
بیت آن مرحوم

تسلیت

جناب آقای دکتر هاشم‌لو

مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت عرض نموده، صبر جزیل از خداوند برای شما خواستاریم.
هیئت مدیره ساختمان چهل ستون

خانواده محترم خوروش

مصیبت وارده را به شما از صمیم قلب تسلیت عرض نموده ما را در غم خود شریک بدانید.
بابل ـ حاج نقی یگانگی ـ حاج حبیب الله سجادی و مهندس فریبرز سجادی

جناب آقای دکتر محمدعلی نجم آبادی همکار محترم

با تأسف بسیار فوت خواهر گرامی جنابعالی را صمیمانه تسلیت گفته و برای جنابعالی و فامیل محترم صبر و شکیبایی آرزومندیم.
هیأت مدیره بیمارستان دی، پزشکان بیمارستان دی، کارکنان بیمارستان دی

خانواده محترم توفیق بنام

فقدان زنده یاد مهندس فیروز توفیق بنام را از صمیم قلب تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال صبروشکیبایی برای بازماندگان و علودرجات برای آن مرحوم آرزومندم.
سید محمد کاظمی شریعت پناهی

همکار ارجمند
جناب آقای دکتر تاجر نیا

با کمال تأسف و تأثر فوت پدر بزرگوارتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از درگاه ایزد منان مسئلت می‌نمایم.
دکتر علیرضا زالی
معاون نظارت و برنامه ریزی سازمان نظام پزشکی

جناب آقای مهندس عارف
معاون محترم طرح و توسعه
شرکت آب منطقه‌ای مازندران

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، ضمن طلب غفران الهی برای آن مرحوم، برای کلیه بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نماییم.
شرکت مهندسی منابع آب و خاک

به نام حضرت دوست

استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمدجواد فریدزاده

بر آستان جانان گر سر توان نهادن
گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد
اهل نظر، دو عالم در یک نظر ببازند
عشق است و داو اول بر نقد جان توان زد

پرواز روح بی‌قرار پیر پارسا حضرت آیت الله **فرید الاسلام (فریدزاده)** را به گلشن رضوان که آشیانه شهید جمال الهی (جمال فریدزاده) است تهنیت گفته، و نیز فراق و فقدان پدر بزرگوار را به جنابعالی و آقایان مهدی، کمال و محمد فریدزاده که فرزندان فرهیخته آن عزیز سفر کرده‌اند تسلیت می گوییم.
رحمت و رضوان حضرت احدیت از آن آن بزرگمرد دانشمند، و صبر و اجر جمیل و جزیلَ از آن شما بزرگواران دردمند باد.
دکتر حمیدرضا آتش‌برآب ـ عباس آریا زند ـ آزادی ـ مجید آزادیان ـ ابوالفضل آقابابا ـ محمد آقا جانی ـ محمد آلادپوش ـ صادق آیینه‌وند ـ دکتر یوسف اباذری ـ مرتضی ابراهیم‌پور ـ دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی ـ حمیدرضا ابک ـ ابوالفضل اجاره‌دار ـ عبدالحمید ارجمند ـ احمد ارژمند ـ محمود ارژمند ـ مهدی ارگانی ـ مجید اسپان‌منش ـ عبدالله اسفندیاری ـ رضا اسماعیلی ـ رضا اصلاح ـ دکتر شاپور اعتماد ـ حسین افضل آقایی ـ محمدرضا افضل آقایی ـ علیرضا افضل آقایی ـ مجتبی اقدامی ـ ابراهیم اقلیدی ـ غلامرضا امامی ـ محمود احمدی ـ فخرالدین انوار ـ سیدعلی اکبر اورعی ـ اکبر ایرانی ـ مجید باقی ـ اسماعیل باغستانی ـ دکتر فریدون بدره‌ای ـ دکتر اسماعیل بنی اردلان ـ محمدرضا بهاری ـ محمدرضا بهزادیان ـ شاهرخ بهشاد ـ سیدمحمد بهشتی ـ مهری بهفر ـ محمد بیگ زاده ـ علی بیگ‌زاده ـ دکتر محمود بینای مطلق ـ علی پارسا ـ دکتر ایرج پارسی‌نژاد ـ دکتر شهرام پازوکی ـ حسین پاکدل ـ بهروز پاکزاد ـ دکتر علی پایا ـ رضا پدیدار ـ دکتر عباس پژمان ـ هومن پناهنده ـ دکتر نصرالله پورجوادی ـ رسول پورطوسی ـ محمد پورطوسی ـ دکتر مهدی تابشیان ـ دکتر زهره تفضلی ـ محمدجواد ثابتی صنعت ـ سعید ثامنی پور ـ اکبر ثبوت ـ کاظم جلالی طلب ـ مهدی جمالی بحری ـ دکتر سید کمال حاج سیدجوادی ـ فرید حاج کریم خان ـ حسین حاجی‌پور ـ دکتر نجفقلی حبیبی ـ دکتر مهدی حجت ـ نجفقلی حسن‌زاده ـ محمدحسن حسنی ـ عباس حسنی ـ محمدعلی حسین‌نژاد ـ دکتر مالک حسینی ـ خسرو حقیقت کاشانی ـ محمد حسین حقیقی ـ مهدی حقیقی ـ محمدمهدی حیدریان ـ محمدتقی خادم‌الشریعه ـ دکتر هادی خانیکی ـ بهاءالدین خرمشاهی ـ دکتر خلیجی ـ ابوالقاسم خوشرو ـ علی خوشرو ـ محمدحسن خوشنویس ـ محمدحسین خوشنویس ـ محمدمهدی دادگو ـ دکتر رضا داوری اردکانی ـ دشتی ـ محمد دوایی ـ مهدی رئیس قاسم ـ محمد راسخ ـ دکتر علی رامین ـ محمد رجبی ـ فرج رحمدل ـ علیرضا رضاداد ـ عیسی رضازاده ـ جلال رفیع ـ احمد رمضانی ـ دکتر علی رواقی ـ احمد روستا ـ مجید روئین‌تن ـ دکتر هوشنگ رهنما ـ صباح زنگنه ـ جاوید ساغروانی ـ لطف‌الله ساغروانی ـ دکتر فضل‌الله ساغروانی ـ رضا ساغروانی ـ صدار ساغروانی ـ محمدجواد ساغروانی ـ اصغر سبحانی‌فر ـ دکتر محمود سریع‌القلم ـ دکتر رضا سلیمان حشمت ـ پیروز سیار ـ حسن سیدعرب ـ کیخسرو شاپوری ـ حسین شاکری ـ دکتر داریوش شایگان ـ علیرضا شجاع نوری ـ محمد شریعتی دهاقانی ـ جمشید شفیعی ـ مرتضی شفیعی شکیب ـ التفات شکری آذر ـ محمود شوریده ـ دکتر محمد شهبا ـ حمید صادق‌زاده ـ دکتر منوچهر صدوقی سها ـ جعفر صانعی مقدم ـ دکتر کورش صفوی ـ اکبر صمیمی ـ دکتر پرویز ضیاءشهابی ـ دکتر محمد ضیمران ـ فرشته طائرپور ـ رضا طالبیان ـ ابراهیم طاهریان ـ احمد طایفی ـ دکتر امید طبیب‌زاده ـ حسین طوسی ـ یحیی طوسی ـ دکتر هادی عالم‌زاده ـ بابک عباسی ـ مجتبی عبدالله نژاد ـ علی عبداللهی ـ دکتر سعید عدالت‌نژاد ـ دکتر احمد عزیزی ـ سید کاظم علوی ـ فریدون عموزاده خلیلی ـ ناصر عنصری ـ محمدحسین غفاری ـ کامران فانی ـ دکتر سیدرضا فیض ـ محسن فیضی ـ مهدی قادری ـ ابوالقاسم قاسم‌زاده ـ فرهاد کاشانی کبیر ـ سیامک کاظمی ـ علی کدخدازاده ـ دکتر مسعود کرباسیان ـ محمدباقر کریمیان ـ دکتر مرتضی کریمی‌نیا ـ حسن کیائیان ـ علی کیوان‌آرا ـ دکتر آبتین گلکار ـ جواد متوسلیان ـ جلال متوسلیان ـ دکتر فتح‌الله مجتبایی ـ دکتر مهدی محبتی ـ دکتر سعید محبی ـ عبدالحمید محبی ـ دکتر مهدی محقق ـ دکتر سیدمصطفی محقق داماد ـ منوچهر محمدی ـ علی‌اصغر محمدخانی ـ جواد محمودی ـ احمد مختاری ـ علی مرادخانی ـ دکتر نورالله مرادی ـ دکتر رضا مست علی ـ حسین مست علی ـ احمد مسجد جامعی ـ محمد مسجد جامعی ـ مجید مسچی ـ مهدی مسعود شاهی ـ محسن مسعود شاهی ـ احمد مظاهری ـ محمدجواد مظفر ـ دکتر حسین معصومی همدانی ـ محسن معینی ـ دکتر محمدعلی موحد ـ دکتر ضیاء موحد ـ دکتر محمدمهدی موحدی ـ دکتر علی موسوی گرمارودی ـ دکتر سیدعبدالمجید میردامادی ـ محبوبه مهاجر ـ امیرحسین مهدی‌زاده ـ محمدعلی نجفی ـ صالح نجفی ـ نظام دوست ـ دکتر سیماسادات نوربخش ـ دکتر اسدالله نوری ـ دکتر احمد نقیب‌زاده ـ دکتر حمید نیازمند ـ دکتر سعید نیازمند ـ دکتر وحید نیازمند ـ وحید نیکخواه آزاد ـ دکتر نیلی پور ـ دکتر حسین واله ـ دکتر واعظی ـ فریدون وردی نژاد ـ عبدالرسول وصال ـ محمد وفادار ـ فاطمه ولیانی ـ محمدحسین هاشمی ـ محمد هاشمی ـ فرزاد هاشمی ـ دکتر مرتضی هنری ـ حسین هنری ـ حمید یزدان‌پرست ـ مهدی یزدانی

همکار محترم جناب آقای علی‌اصغر خدام

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم، برای آن مرحومه از درگاه الهی طلب علوّ درجات و برای بازماندگان و مصیبت‌دیدگان آرزوی صبر و اجر داریم.
دفتر فنی ـ سفارشات ـ کامپیوتر ـ تصحیح ـ گرافیک ـ طراحی ـ ایمیج‌ستر ـ اسکنر ـ عکاسی رتوش ـ مونتاژ ـ کپی افست ـ افست رتاتیو ـ افست ورق ـ کماندر ـ کمپکتا ـ صحافی ـ مکانیکی ـ انبارفنی ـ برق ـ تأسیسات

همکار محترم جناب آقای علی‌اصغر خدام

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم، برای آن مرحومه از درگاه الهی طلب علوّ درجات و برای بازماندگان و مصیبت‌دیدگان آرزوی صبر و اجر داریم.
همکاران شما در حروفچینی کامپیوتر

جناب آقای عبدالرحیم جعفری
مدیر لایق و ارزنده بنگاه مطبوعاتی امیر کبیر

فوت مرحومه همسر محترمه گرامی خانم **صدیقه جعفری (علمی)** و مادری مهربان، ایثارگر، دلسوز و پرهیزگار و کلیه خانواده‌های وابسته را به شما و فرزندان محترم و شریف تسلیت عرض نموده، بقای عمر و سلامت شخص شما را از خداوند خواستاریم.
از طرف یاران:
رضا فاضلی، حسن صادقی، حسن عبدالهی، مهدی فرهومند، نصرت کریمی، ابوالقاسم مهاجری، رضا نادعلی، دکتر علی لقایی، رضا تقویان، امان‌اله حیات داوودی، ابراهیم حسینجانی، مهندس خدایی‌فر، رضا خرم، محمد دهقانی، مجید راهب، قاسم رفعتی، محمد خردمندان، علیرضا شجاع‌پور، نازیلا شجاع‌پور، دکتر رمضانعلی قاسمی.

جناب آقای دکتر محمدعلی نجم آبادی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت خواهر بزرگوارتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی برای کلیه بازماندگان و رحمت واسعه برای آن مرحومه خواستاریم.
شرکت بی ان ام
محمدحسن مرادی

جناب آقای قلی‌نژاد
مدیرعامل محترم شرکت بهزیست دام طوس

درگذشت والده مکرمه جنابعالی را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد یکتا صبر و سلامتی شما را آرزومندیم.
شرکت تولید داروهای دامی ایران

جناب آقای رضا کریمی
هیئت مدیره محترم شرکت آرمان شفق کالا

درگذشت والده مکرمه جنابعالی را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد یکتا صبر و سلامتی شما را آرزومندیم.
شرکت تولید داروهای دامی ایران

سپاسگزاری

از کلیه دوستان و سروران عزیز که در ضایعه از دست دادن پدر عزیزمان شادروان آقای **خلیل امامی** با الطاف و همدلی‌هایشان این مصیبت بزرگ را بر ما آسانتر نموده‌اند تشکر و قدردانی می‌نماییم.
خانواده آن مرحوم

با نهایت احترام و ادب و در کمال تواضع و ارادت و با عرض سپاس، بدین‌وسیله مراتب قدردانی و تشکر خود را از جناب آقایان محمد معظمی، میرحمید اسکندانی، مجید بهرامی و کارکنان محترم شرکت مادوی و بتن برش که با ابراز همدردی، موجب تسلی خاطرمان شدند صمیمانه تقدیر و سپاسگزاری می‌نماییم.
یوسف صمدی‌فر

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

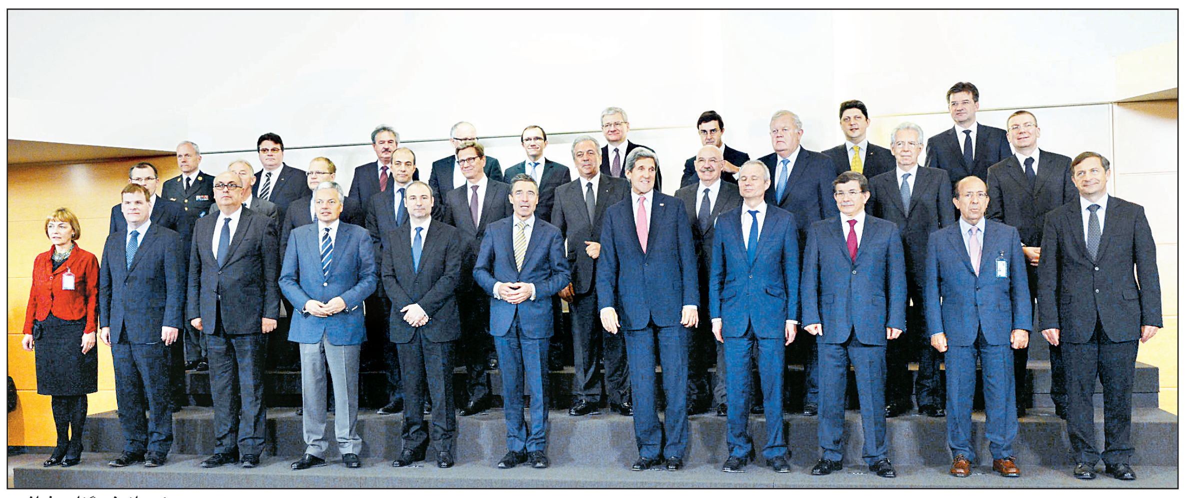
صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۲
۱۳ جمادی الثانی ۱۴۳۴ ـ ۲۴ آوریل ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۲ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۴۵ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۰۴ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۷ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۴۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۱۹ دقیقه

واکنش روسیه به تصمیم اتحادیه اروپا برای خرید نفت از معارضان سوریه



عکس از خبرگزاری فرانسه

سرویس خارجی: وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشستی درباره سوریه، با خرید نفت خام از مخالفان این کشور برای حمایت مالی بیشتر از آنها موافقت کردند.

در این نشست که در لوکزامبورگ برگزار شد، حاضران با کاهش تحریم‌های نفتی سوریه و خرید نفت خام از مخالفان سوری با هدف حمایت مالی بیشتر از آنها جهت براندازی نظام حاکم در سوریه، موافقت کردند. وزیران خارجه اتحادیه اروپا تصمیم گرفتند نفت تولید شده در سوریه را از این کشور خارج کرده و به جای آن تجهیزات مورد استفاده در بخش‌های نفت و گاز به سوریه صادر کنند. بر اساس این تصمیم، اتحادیه اروپا در بخش‌های نفت و گاز سوریه سرمایه‌گذاری‌هایی خواهد کرد و واردکنندگان اروپایی می‌توانند در صورتی که گروه‌های مخالف دولت راضی باشند، از سوریه نفت خریداری کنند. علاوه براین، وزیران خارجه اتحادیه اروپا در نشست خود تاکید کردند علاوه بر کاهش تحریم‌ها علیه سوریه باید برای کمک‌رسانی به ...

... گروه‌های مسلح در سوریه همچون جبهه النصره با وی مخالف بودند.

درگیری ارتش با القاعده

سوریه محور نشست ناتو

آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در آغاز نشست وزیران خارجه عضو این سازمان در بروکسل اعلام کرد: ... از تمامی تلاش‌های جامعه بین‌الملل که در جهت ...

رییس جدید مخالفان

سرکوب تظاهرات معترضان به فعالیت زندان گوانتانامو

مظنون انفجارهای «بوستون» به استفاده از سلاح کشتار جمعی متهم شد



تعیین مجازات

فراخوان مخالفان مصری برای برگزاری تظاهرات حمایت از قضات

مردم عربستان خواستار برکناری وزیر کشور و آزادی معترضان شدند

بحرین

کویت

اردن

یورش نظامیان صهیونیست به تظاهرات همبستگی با اسرای فلسطینی در قدس

سرویس خارجی: نظامیان صهیونیست به تظاهرکنندگان در تظاهرات همبستگی با اسرای فلسطینی در شهرک ابودیس واقع در قدس اشغالی حمله کرده و با شلیک گلوله پلاستیکی یک جوان را از ناحیه صورت زخمی کردند.

نظامیان صهیونیست برای متفرق کردن تظاهرکنندگان از گلوله جنگی و پلاستیکی و بمب‌های صوتی و گاز اشک آور استفاده می کردند. درگیری‌ها پس از آن رخ داد که شماری از مردم فلسطین در شهرک ابودیس به نشانه یاری اسرای در بند زندان‌های رژیم صهیونیستی تظاهرات کرده و با در دست داشتن پرچم‌های فلسطین و تصاویر اسرا، شعارهایی علیه اقدامات این رژیم سر دادند.

درتحولی دیگر شهرک‌نشینان صهیونیست در ادامه تجاوزات خود علیه فلسطینیان و مایملک آنها ۱۰ خودرو فلسطینیان را در شهرک دیر جریر در شمال شرق رام‌الله واقع در کرانه باختری به آتش کشیدند. منابع محلی و شاهدان عینی گفتند ده‌ها شهرک‌نشین مسلح به شهرک دیر جریر و مایملک شهروندان حمله کردند و خودروها را آتش زده و شیشه‌های آنها را شکستند که باعث ایجاد رعب و وحشت در میان شهروندان فلسطینی شد. اخیرا تجاوزات شهرک‌نشینان صهیونیست علیه مجتمع های مسکونی فلسطینیان و تخریب مایملک آنها و نیز پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف به سمت فلسطینیان و خودروهای آنها افزایش پیدا کرده است.

چاک هیگل، وزیر دفاع آمریکا و موشه یعالون وزیر جنگ رژیم صهیونیستی بعد از مذاکرات خود در تل آویو درباره برنامه هسته ای ایران و ناآرامی های سوریه، معامله تسلیحاتی بزرگ میان واشنگتن و تل آویو را نمادی از حمایت تغییرناپذیر و راسخ آمریکا از رژیم صهیونیستی توصیف کردند. هیگل اعلام کرد آمریکا و اسرائیل درباره انعقاد معامله تسلیحاتی سه میلیارد دلاری که تل آویو در قالب آن موشک ها و هواپیماهای پیشرفته آمریکایی را دریافت خواهد کرد، با یکدیگر به توافق رسیده اند.

خبر دیگر اینکه محمود عباس رییس تشکیلات خودگردان فلسطین در آنکارا با رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه به صورت غیر علنی دیدار کرد. این دیدار یک ساعته پشت درهای بسته صورت گرفت و دو طرف در پایان دیدار توضیحاتی ارائه نکردند. اما نهاد ریاست جمهوری ترکیه با صدور بیانیه ای اعلام کرد در این دیدار که در کاخ ترابیای استانبول انجام شد، فرایند صلح خاورمیانه و وحدت بین گروه های فلسطینی محور گفتگوها بود. ازسویی شاه اردن که به آمریکا سفر کرده است در دیدار با شماری از رهبران سازمان‌های عربی و اسلامی تأکید کرد راه حل عادلانه در مورد مسأله فلسطین ثبات را در منطقه به همراه خواهد داشت. «عبدالله دوم» افزود: راهکار دو جانبه تنها راه ایجاد صلح میان فلسطینیان و اسرائیل است و موجب خواهد شد ملت‌های منطقه در صلح و امنیت زندگی کنند. وی همچنین بر اهمیت نقش اساسی سازمان‌های عربی و اسلامی در انتقال و شرح رنج مردم فلسطین به تصمیم گیرندگان در ایالات متحده تأکید کرد و خواستار ایجاد دولت مستقل فلسطینی بر اساس مرزهای سال ۱۹۶۷ شد.

درتحولی دیگر رژیم صهیونیستی یک اسیر فلسطینی از اهالی غرب جنین را پس از ۱۰ سال اسارت در زندان‌های این رژیم، آزاد کرد. مسئولان رژیم صهیونیستی «فؤاد خالد واکد» (۳۰ ساله) از روستای العرقه در غرب جنین را آزاد کردند. واکد در برابر اهالی روستای العرقه که برای استقبال از وی جمع شده بودند ...

آنکارا: توافق با اسرائیل علیه ایران صحت ندارد

حمله تروریستی به سفارت فرانسه در لیبی



عکس از خبرگزاری فرانسه

سرویس خارجی: خبرگزاری ها از حمله تروریستی به سفارت پاریس در طرابلس پایتخت لیبی خبر دادند که بر اساس آن، دو نگهبان سفارت فرانسه در این حمله زخمی شدند که حال یک نفر وخیم گزارش شده است.

این حمله با استفاده از یک خودرو بمبگذاری شده انجام شد. گزارش ها حاکی از آن است که بخشی از دیوار سفارت بر اثر انفجار تخریب شده است. یک منبع امنیتی لیبی نیز در این باره گفت خسارت های مالی سنگینی به ساختمان سفارت وارد شده است. ساختمانی که شامل دفاتر سفارت بود با خسارات زیادی روبرو شده و بخشی از دیوار حیات سفارتخانه کاملا تخریب شده است. دو خودرو متعلق به سفارت نیز در این حمله کامل منهدم شد.

هنوز هیچ فرد یا گروهی مسئولیت حمله را برعهده نگرفته است. این انفجار ساعت هفت صبح دیروز به وقت محلی روی داد. همچنین یک منبع آگاه گزارش داد که خانه سفیر الجزایر نیز که در نزدیکی سفارت فرانسه قرار دارد در پی این حادثه آسیب دید. رئیس جمهوری فرانسه در واکنش به این حمله گفت حمله به سفارت فرانسه برای هدف گرفتن کشورهایی است که با تروریسم در جنگ به سر می‌برند. فرانسوا اولاند با صدور بیانیه ای حمله به سفارت کشورش در پایتخت لیبی را محکوم و تاکید کرد: از مقامات لیبی می خواهیم همه زوایا و عوامل این اقدام را که نمی توان در برابر آن سکوت کرد روشن کنند. «لوران فابیوس» وزیر خارجه فرانسه نیز اعلام کرد: پاریس حمله به سفارت خود در طرابلس را به شدت محکوم می کند. در بیانیه وزارت خارجه فرانسه آمده است: دستگاه‌های دولت فرانسه به هر وسیله ای با مقامات لیبی در ارتباط هستند تا از همه جزئیات این حمله شرم آور مطلع شوند و در سریع ترین زمان ممکن عوامل ارتکاب آن را شناسایی کنند.

دولت لیبی نیز این حمله را اقدامی تروریستی خواند و آن را محکوم کرد. محمد عبدالعزیز وزیر خارجه لیبی در واکنش به حمله با خودرو بمب گذاری شده علیه سفارت فرانسه در طرابلس گفت: ما به شدت این حمله را که اقدامی تروریستی علیه کشوری برادر صورت گرفت، محکوم می کنیم. وی افزود: فرانسه در طول قیام سال ۲۰۱۱ علیه معمر قذافی، در کنار مردم لیبی بود. عبدالعزیز تاکید کرد: ماضمن ابراز تاسف از وقوع این حمله با دولت و ملت فرانسه اعلام همبستگی می کنیم و از بابت این حادثه ناراحت هستیم.

وزیر خارجه لیبی همچنین گفت این کشور با فرانسه کمیته تحقیق مشترکی ... امنیتی همکاری کنند و اطلاعات مربوط به وجود هر گونه تهدیدی را در اختیار پلیس قرار دهند.

وزیر کشور لیبی نیز حمله به سفارت فرانسه در کشورش را فاجعه‌آمیز دانست و گفت تحقیقات درباره علل و عوامل حمله آغاز شده است. عمر الخذراوی در حین بازدید از سفارت فرانسه بعد از حمله گفت: این حادثه فاجعه آمیز بود و شدیدا ابراز تاسف می کنیم.

وی افزود: طرف های امنیتی ذیربط تحقیقات را برای شناسایی و دستگیری جنایتکارانی که در پس این حمله بوده اند آغاز کرده اند. ازسویی شبکه خبری العربیه گزارش داد بعد از این حمله نیروهای امنیتی به طور گسترده در اطراف سفارت فرانسه در طرابلس مستقر شدند. همچنین واحدی از نیروهای ویژه فرانسه عازم طرابلس شده است. خبر دیگر اینکه مسئولان لیبی ممنوع‌الخروج بودن شخصیت‌های دوره قذافی دیکتاتور سابق این کشور را لغو کردند. «مجدی العرفی» سخنگوی وزارت کشور لیبی اعلام کرد این تصمیم مسئولان لیبی بنا به دلایل سیاسی بوده است. العرفی اظهار داشت تعقیب و بازداشت افراد تحت تعقیب به اتهامات جنائی همچنان ادامه دارد اما افراد تحت تعقیب با اتهامات سیاسی می توانند بدون هیچ مانعی به کشور وارد یا از آن خارج شوند.

دکتر صالحی: رعایت اصل اتفاق آرا در تصمیمات مربوط به خزر ضروری است

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: سی و دومین اجلاس گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر روز گذشته در تهران آغاز به کار کرد.

به گزارش خبرنگار ما، در این اجلاس دو روزه که با حضور کشورهای حاشیه دریا برگزار شد، دکتر صالحی، وزیر امور خارجه در سخنانی با اشاره به برگزاری نشست‌های مختلف در سطح سران، وزرای امور خارجه و گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر برای تدوین اصول کلی فعالیت‌ها در دریا و حقوق و تکالیف کشورها، گفت: جمهوری اسلامی ایران دریای خزر را عرصه‌ای برای همکاری‌های سازنده مبتنی بر احترام متقابل و بهره‌مندی همه طرف‌ها از مواهب آن تلقی می کند و در این چارچوب بر رعایت اصل اتفاق آرا در تصمیمات مربوط به دریای خزر، حل و فصل مسائل از طریق گفتگو، تقویت روح همکاری و حفاظت از محیط زیست شکننده و آسیب‌پذیر این دریا و حفاظت از منابع زنده منحصر به فرد آن تاکید دارد.

وی همچنین بر موافقت ایران با ایجاد منطقه ملی تحت حاکمیت کشورهای ساحلی، منطقه انحصاری ماهیگیری و پهنه مشترک در سطح دریا تاکید کرد.

صالحی سپس پیشنهاد کرد که برای بهره‌برداری از منابع انرژی بستر و زیر بستر، محدوده‌های انحصاری بهره‌برداری کشورها مبتنی بر موازین حقوقی شناخته شده بین‌المللی از جمله لزوم توجه به نتایج منصفانه، تبیین شود.

به گفته صالحی، ایران حل و فصل مسائل دریای خزر و تامین منافع کشورها را فقط از طریق همفکری و همکاری کشورهای منطقه امکان‌پذیر می‌داند و اعتقاد دارد همه مسائل دریای خزر، صرفاً با مشارکت کشورهای ساحلی این دریا قابل حل بوده و دخالت کشورهای فرامنطقه‌ای منجر به پیچیدگی مسائل دریای خزر و بروز چالش های جدید خواهد شد.

صالحی ابراز امیدواری کرد که با تداوم این گفتگوها، تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر که در برگیرنده اصول کلی فعالیت‌ها و همچنین مبین حقوق و تکالیف کشورهای ساحلی است، هر چه سریعتر نهایی شود.

درخواست پیونگ یانگ برای به رسمیت شناختن کره شمالی به عنوان کشور هسته‌ای

سرویس خارجی: کره شمالی با اعلام اینکه می خواهد به عنوان یک کشور هسته‌ای به رسمیت شناخته شود، شرط آمریکا را برای توقف برنامه هسته‌ای ...

کوتاه از سراسر جهان

«عبدالحمید» رئیس جمهوری بنگلادش شد



ایسنا: «عبدالحمید» ۶۹ ساله رئیس پارلمان بنگلادش به عنوان رئیس جمهوری این کشور انتخاب شد. «اسدالزمان»، رئیس کمیسیون انتخابات بنگلادش در این باره گفت: عبدالحمید در این انتخابات بدون رقیب پیروز شده است.

کرسی ریاست جمهوری بنگلادش که توسط پارلمان انتخاب می شود، پس از درگذشت «زیل الرحمان» به دلیل کهولت سن در بیمارستانی در سنگاپور خالی مانده بود.

درخواست آمریکا برای مذاکره با حزب حاکم سودان

فارس: دولت آمریکا خواستار مذاکره با حزب کنگره ملی حاکم بر سودان شده و شورشی های این کشور را نیز به گفتگو با خارطوم فراخوانده است. منابع حزب کنگره ملی حاکم بر سودان گفتند که این اولین دعوت مقامات آمریکایی برای گفتگوی سیاسی مستقیم با حزب کنگره ملی حاکم بر سودان است.

«باروسو»: سیاست‌های ریاضتی در منطقه یورو پایان یابد



فارس: «خوزه مانوئل باروسو»، رئیس کمیسیون اروپا با انتقاد از برنامه‌های ریاضتی در منطقه یورو، پایان دادن به این سیاست‌ها را ضروری دانست.

موضع گیری باروسو در شرایطی است که موسسه آمار و اطلاعات «یورواستات» اعلام کرد که ۲۷ کشور اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ در مجموع ۵۷۶ میلیارد یورو بدهی جدید داشته‌اند و اجرای برنامه‌های شدید ریاضتی هم باعث نشده تا تغییری در وضع بسیاری از کشورها ایجاد شود.

انتقاد روسیه از گزارش حقوق بشر آمریکا

ایسنا: «سرگئی دولگف»، یکی از مقام‌های مسئول حقوق بشر روسیه گفت: مسکو معتقد است که گزارش آمریکا درباره اوضاع حقوق بشر کشورهای جهان در سال ۲۰۱۲ به سوء استفاده از موارد مربوط به اقدامات بشردوستانه و حقوق بشر اشاره کرده و در راستای اهداف و منافع سیاسی واشنگتن تهیه شده است. وی افزود: این گزارش فاقد منابع مشخص و صحیح است و از کاستی هایی که در گزارش های مشابه پیشین وجود داشته برخوردار است.

اولاند، منفورتر از «دوگل»



ایسنا: نتایج جدیدترین نظرسنجی نشان می دهد، رئیس جمهوری کنونی فرانسه منفورترین رهبر این کشور در ۵۰ سال اخیر محسوب می شود. در بحبوحه مشکلات اقتصادی، بی کاری های گسترده و بدهی عمومی فرانسه، تنها ۲۵ درصد از مردم از فرانسوا اولاند رضایت دارند. میزان محبوبیت اولاند حتی از «شارل دوگل»، رئیس جمهوری اسبق فرانسه در سال ۱۹۶۸ نیز کمتر است. در آن سال‌ها میلیون‌ها تن از مردم فرانسه شورش کرده و خواستار تغییر کامل جامعه فرانسه شدند.

تمدید عملیات نظامی فرانسه در «مالی»

ایسنا: مجمع ملی فرانسه به درخواست دولت این کشور مبنی بر تمدید عملیات نظامی در مالی تا ماه مه رای داد. ارتش فرانسه از ۱۱ ژانویه در این مداخله نظامی شرکت کرد تا به نیروهای محلی مالی در عقب راندن شبه نظامیان مرتبط با القاعده کمک کند. شبه نظامیان، شمال مالی را تصرف کرده و این تهدید وجود داشت که کنترل باماکو، پایتخت مالی را نیز به دست آورند.

«ناپولیتانو» سوگند یاد کرد



فارس: «جورجیو ناپولیتانو» بار دیگر سوگند ریاست جمهوری یاد کرد و به این ترتیب نخستین مقام سیاسی تاریخ ایتالیا شد که برای دو دوره در این پست خدمت می کند. ناپولیتانو تاکید کرد که انتخاب مجدد وی "آزمایشی جدی" از توان اوست و قویا از احزاب خواست که "راحت طلبی ها" و "تاکتیک‌های غیر قابل بخشش" را کنار بگذارند تا بتوان روی اصلاحات تاثیر گذار کار کرد.

ناپولیتانو که عضو حزب کمونیست پیشین ایتالیاست و به بی طرفی مشهور است، گفت، وی تمام توان خود را به کار خواهد گرفت تا بن بستی را که کشور در تشکیل دولت جدید از زمان انتخابات ۲۵ فوریه متحمل شده از بین ببرد.

اتحادیه اروپا تحریم‌های میانمار را لغو کرد

فارس: اتحادیه اروپا اعلام کرد که به رغم هشدارهای سازمان دیده‌بان حقوق‌بشر درباره وضعیت مسلمانان در میانمار، تحریم‌های اقتصادی و بازرگانی دولت این کشور را لغو می کند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر با متهم کردن دولت میانمار به اعمال جنایت علیه بشریت، نشست مقامات اتحادیه اروپا و لغو تحریمها علیه میانمار را عجولانه اعلام کرد.

مخالفت با استرداد داماد «بن علی»



فارس: مجمع الجزایر سیشل که اخیرا مجوز اقامت یک ساله به «صخر الماطری» داماد فراری دیکتاتور مخلوع تونس داده است با استرداد وی به تونس مخالفت کرد. «ژان پل آدام» وزیر خارجه مجمع الجزایر سیشل گفت: ما خواست ملت تونس برای محاکمه همه عوامل نظام سابق در این کشور را درک می کنیم اما این موضوع نیز باید درک شود که موضع سیشل باید بر اساس قانون باشد.

تظاهرات ضد آمریکایی افغان ها

ایرنا: ده ها افغان با سر دادن شعارهایی علیه آمریکا بزرگراه کابل به شمال افغانستان را در استان بغلان بستند و خواستار آزادی فوری امام جماعت مسجد شهرستان «دوشی» شدند که نظامیان آمریکایی دوشنبه شب مولوی «بازمحمد» را پس از ربودن به مکان نامعلومی منتقل کردند. اقدام نیروهای ویژه آمریکایی در شماری از استان های افغانستان که در بسیاری موارد خودسرانه اعلام می شود، واکنش تند افغان ها را به همراه داشته است.

«پرویز مشرف» در دادگاه ترور بوتو حضور یافت

ایسنا: پرویز مشرف رئیس جمهوری سابق پاکستان برای پاسخگویی درباره ترور «بی‌نظیر بوتو» در دادگاه ضد تروریسم این کشور حضور یافت. بی نظیر بوتو در یک حمله انتحاری مسلحانه در دسامبر ۲۰۰۷ کشته شد. این یکی از سه پرونده ای است که مشرف در دادگاه از زمان بازگشتش به خانه در ماه مارس با آن مواجه است. وی پس از چهار سال تبعید خود خواسته به پاکستان بازگشته است.

ونزوئلا به آمریکا هشدار داد

سرویس خارجی: «الیاس خائوا» وزیر خارجه ونزوئلا در واکنش به تهدیدات آمریکا هشدار داد در صورتیکه آمریکا علیه ونزوئلا تحریم‌هایی را به دلیل نتایج انتخابات ریاست جمهوری این کشور در نظر بگیرد، کاراکاس با اقدامات خود انتقام خواهد گرفت. وی تصریح کرد که اگر آمریکا به تحریم‌های اقتصادی یا هر نوع تحریمی متوسل شود، کاراکاس نیز در زمینه تجاری، انرژی، اقتصادی و هر نوع دستور سیاسی که لازم ببیند، انتقام می گیرد.

جان کری، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد که واشنگتن هنوز نتایج انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا را معتبر نمی داند. کری تصریح کرد: ما فکر می کنیم که باید آراء بازشماری شود. به طور قطع بی نظمی های بسیاری صورت گرفته است و ما سوالات جدی درباره تداوم آن دولت داریم.

سوگند دولت

به دنبال برگزیده شدن نیکولاس مادورو به عنوان رئیس جمهوری جدید ونزوئلا، کابینه جدید این کشور نیز سوگند یاد کرد و مادورو متعهد شد انقلاب بولیواریایی در کشورش را ادامه دهد. نیکولاس مادورو در جریان مراسم تحلیف کابینه جدیدش گفت: این اقدام بسیار مهم است. با تحلیف این تیم دولتی، ما دور جدیدی از انقلاب بولیواریایی را شروع می کنیم.

آشوب‌های خونین «حویجه» عراق را فرا گرفت

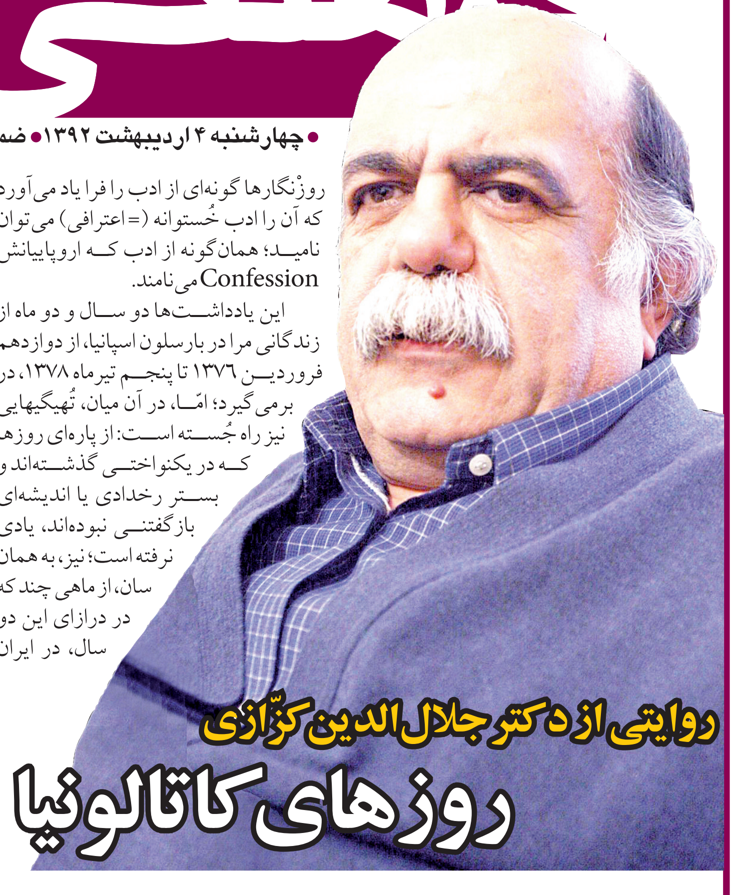


محقق ساخت. ابراهیم جعفری رئیس فراکسیون همپیمانی در پارلمان عراق در دیدار با «استفان بیکروفت» سفیر آمریکا در بغداد، ضمن تاکید بر موفقیت آمیز بودن انتخابات اخیر در این کشور، ...

• ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۱۲۵

• چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۲ • ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات • شماره ۲۵۵۷۴



روایتی از دکتر جلال‌الدین کزّازی

روزهای کاتالونیا

روزْنگارها گونه‌ای از ادب را فرا یاد می‌آورد که آن را ادب خُستوانه (=اعترافی) می‌توان نامید؛ همان‌گونه از ادب که اروپاییانش Confession می‌نامند.

این یادداشت‌ها دو سال و دو ماه از زندگانی مرا در بارسلون اسپانیا، از دوازدهم فروردین ۱۳۷۶ تا پنجم تیرماه ۱۳۷۸، در برمی‌گیرد؛ امّا، در آن میان، تُهیگیهایی نیز راه جُسته است: از پاره‌ای روزها که در یکنواختی گذشته‌اند و بستر رخدادی یا اندیشه‌ای بازگفتنی نبوده‌اند، یادی نرفته است؛ نیز، به همان سان، از ماهی چند که در درازای این دو سال، در ایران سپری شده است.

نمی‌دانم که به چاپ رسانیدن و نشر این روزنگارها و هنباز و همراز گردانیدن خواننده با خویشتن در آنچه در این پاره از زمان بر من رفته است، کاری درست و رواست یا نه! امّا شاید روزهای کاتالونیا خوانندهٔ کنجکاو تازه‌جوی را که از داستان‌ها و گزارش‌های بسامان و رَوشمند و «شسته رفته» دلخسته و ناشکیب شدَه است و در پی همدلی و همرازی با نویسنده‌ای است کَه فراخگوی و گشاده‌زبان و پوست باز کرده از خود می‌گوید و می‌نویسد، نوآیین بنماید و سودمند و دلپسند افتد.

انگیزه‌ای دیگر که مرا به نشر این یادداشت‌ها واداشت دید و داوری دوستی است سخن‌سنج و آشنا با ادب فرانسوی که پاره‌هایی از این روزنگارها را خوانده است.

او، استوار، می‌گفت که این یادداشت‌ها آنچنان نوشته شده است که همواره به هنگام خواندن آنها، نوشته‌هایی از شارل بودلر را فرا یاد او می‌آورده است؛ نوشته‌هایی که من آنَها را سَرْوادهای بی‌سرود (=شعرهای منثور) می‌نامم. به هر روی، داوری در این باره با خوانندگان ادبْ‌آشنا و سخن‌سنج است و بر آنان است که با دیدگاه این سخن‌شناس همداستان باشند یا نه.

آنچه در فرجام یادداشت آغازین بایسته می‌دانم بیفزایم آن است که هرچه در این روزْنگارها نوشته آمده است به راستی رخ داده است و هیچ یک از آنها زادهٔ پندار من نیست. می‌تواند بود که من نکته‌ای را در بازگفتِ این رخدادها، با گسترشی در گزارش، نوَشته باشم؛ امّا هرگز نکته‌ای را که نبوده است و رخدادی پندارینه را که روی نداده است، برنساخته‌ام و بر آنها درنیفزوده‌ام؛ نیز حتی، به هنگام بازخوانی یادداشت‌ها، دستی در متن آنها نبرده‌ام.

بایسته‌ای دیگر آن است که از آقای مهدی افشار، مدیر نشر «واژه‌آرا» که خود از مردان قلم است و ترجمانی توانا، سپاس بگزارم که به چاپ این روزْنگارها به شایستگی همّت برگمارده است. باشد که روزهای کاتالونیا که گزارشی از سازو سوزهای کاتالونیاست، روزنی در دلی بتواند گشاد و شراری در خرمنِ جانی بتواند درزد!

روزهای کاتالونیا داستان و سفرنامه نیست؛ گزارشی از رخدادها نیز نه. یادداشت‌هایی است که من آنها را روزْنگار می‌نامم؛ یادداشت‌هایی پراکنده در مایه‌ها و زمینه‌هایی گوناگون و گسسته از یکدیگر که رشتهٔ پیوند در میانشان تنها گذر روزهاست که هر یک از آنها را نشان زده است.

در این روزْنگارها، من از دیده‌ها، شنیده‌ها، اندیشه‌ها و آزموده‌هایم یاد کرده‌ام و گاه نیز دید و داوری و دریافت خویش را از آنچه دیده‌ام و آزموده‌ام، باز نموده‌ام. این یادداشت‌ها را، نخست و در بنیاد، برای دل خود نوشته‌ام؛ از این روی، پاره‌ای از آنها، آنچنان راست و روشن، بی‌پروا و پرده نوشته شده است که خواننده را به قلمروهایی تاریک و رازآلود از زندگانی من و به حریم‌هایی که دیگران را بدانها راه نیست درمی‌آورد. این بخش از

سه‌شَنبه ۱۲ فروردین ۱۳۷۶: امشب با بانو به سوی بارسلون پرواز کردیم، در دل شب. تیرگی شب دل بر تیرگی شب پرواز درمی‌افزود. جدایی از دلبندانم و از سرزمین پدری، ایران جاودان، برایم اندوهبار و دشوار بود. آنچه آرامم می‌داشت بودن بانو بود در کنارم که همواره در دشوارترین و رنجبارترین دمان زندگی، پشتوانه‌ای استوار برایم بوده است و مایهٔ امن و آرامش روانم. اگر او را در کنار نمی‌دیدم، تلخ‌کامی و اندوهم از پای در می‌توانست آورد.

ادامه در صفحه ۷

خاطرات پروانه بهار



مادرم همیشه به ما تذکر می‌داد که آقا کار می‌کند، نزدیک اتاقش سر و صدا راه نیندازید. این را هم بگویم که پدرم، مادرم را «بهار جون» صدا می‌کرد و مادرم او را «آقا». بعد از این که مادربزرگم مرد، به مادرم ارث کوچکی رسید که او همه آن را در اختیار پدرم و ما گذاشت. حقیقت را بگویم، برای مادرم اول و مهمتر از همه کس و همه چیز پدرم بود و بعد ما بچه‌ها و بعد ... یقیناً به همین دلیل پدرم چند بار در شعرهایش از مادرم به نیکی بسیار یاد کرده است، از جمله در قصیده خانواده:

و آن خاتون کوست مادر اطفال
کدبانوی منزل است و نیک اختر
زیر نظر وی است هر چیزی
از مطبخ و از اتاق و از دفتر
در ضبط خزینه و هزینه اوست
چیزی که به خانه آید از هر در
هم ناظر خانه است و هم بندار
هم مالک منزل است و هم سرور
زیر قلم وی است و در دستش
خرج خود و خانواده و شوهر
خود زاید و خود بپرورد اطفال
خود شیر به کودکان دهد یکسر
در حفظ مزاج کودکان کوشد
مانند یکی پزشک دانشور
از مدرسه کودکان چو برگردند
بنشیند و درس‌شان کند از بر
زان پیش که درس و مشق‌شان باشد
یک دم نهلد به بازی دیگر ...
شاد است به امر و نهی و فرمایش
بر نوکر و بر کنیز و خالیگر
فریاد زند به وقت کژ خلقی
چون فرمانده به عرصه لشکر
ز آغاز طلوع تا به نیمه شب
در کار بود چو مرد جادوگر ...

مادرم بیست و هشت سال بعد از مرگ پدر، در هشتاد و پنج سالگی، در دهم مرداد ۱۳۵۸ بعد از یک بیماری طولانی درگذشت. او همیشه آرزو داشت که در کنار پدر دفن شود، حتی برای خود در جوار مزار او جایی آماده کرده بود، ولی متاسفانه در آن سال دیگر در مقبره ظهیرالدوله اجازه دفن نمی‌دادند و او در گورستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

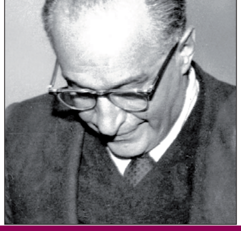
نامه‌ای از ملک دخت، که برایم به یادگار مانده است: از من خواسته‌ای شمه‌ای از روزگاران گذشته که تو کودک بودی و دوران بی‌خبری را می گذراندی برایت بنویسم. من و ماه و ملک هشت یا نه ساله بودیم و خاطرات آن دوران را به یاد داریم. اینک آنچه در ذهنم مانده است برایت می‌فرستم. فراموش نمی‌کنم که روز عید نوروز و تحویل سال ۱۳۱۲ بود. مادرم با تشریفات کامل و طبق سنت سفره هفت‌سین زیبایی گسترد و همه افراد خانواده همراه پدر و مادر گرد آن جمع شدیم و در انتظار تحویل سال و رسیدن شادی‌های پس از آن و دریافت عیدی بودیم و دل در سینه‌های کوچک‌مان می‌تپید.

ادامه در صفحه ٦

خاطرات ابوالحسن ابتهاج؛ از روزگار بانکداری در ایران

در انتظار توقیف

در کنفرانس سال ۱۳٤۰ نطق من بار دیگر در مورد لزوم برنامه‌ریزی اقتصادی و نقش بخش خصوصی و نیز نحوهٔ کمک‌های خارجی به کشورهای درحال توسعه بود. به طور اختصار اظهارات من به شرح زیر بود: کمک‌های خارجی به کشورهای در حال توسعه فوق‌العاده پر اهمیت است، لیکن این کمک‌ها باید مقید به شروطی باشد و به صورت کمک‌های چند جانبه توسط یک موسسه بین‌المللی مستقل، که تحت نفوذ هیچ یک از دولت‌های عضو نباشد، انجام شود زیرا کمک‌های دوجانبه‌ای که در حال حاضر از طریق یک دولت به دولت دیگر انجام می گیرد معایب و مضار بسیاری در بردارد. اگر قرار باشد کمک‌های مالی به کشورهای درحال توسعه تاثیری در وضع آن‌ها داشته باشد باید: اول، مقدار این کمک‌ها به اندازهٔ کافی باشد؛ دوم، کمک‌های مالی باید با شرائط خیلی سهل اعطا شود؛ سوم، استمرار کمک‌های مالی باید تضمین گردد؛ چهارم، مدت بازپرداخت این کمک‌ها باید طولانی باشد؛ و بالاخره این کمک‌ها باید تحت نظارت بین‌المللی انجام گیرد.



ابوالحسن ابتهاج

در چارچوب کمک‌های دوجانبه‌ای که در حال حاضر معمول است این کمک‌ها، به علت ملاحظات سوق‌الجیشی دولت‌های کمک گیرنده، به مصرف طرح‌های عمرانی نمی‌رسد و حتی اگر هم دولت کمک گیرنده نسبت به حسن نیت کشور کمک دهنده و عادلانه بودن نحوه کمک‌هائی که از طرف آن کشور پیشنهاد می‌شود اعتقاد داشته باشد، در مدت کوتاهی آن برنامه‌ها در اذهان عمومی کشور کمک گیرنده محکوم خواهد بود. مخالفین دولت را متهم خواهند کرد که مملکت را به امپریالیست‌ها فروخته است و مردم آن کشور این اتهامات را باور خواهند کرد.

صفحه۲

آموزه



بتهوون:

بیشتر از هنرم به دانش خود مدیونم که نگذاشت با خودکشی به زندگی‌ام خاتمه دهم، هرچند که بهترین لحظات زندگی‌ام لحظاتی بود که در خواب گذراندم!

سر سخن

کریم فیضی

امکان‌های نو در شهرهای دیجیتال

نبض آینده در کجا می‌زند؟

اگر برداشت معدومانه از آینده را عمومی کنیم و جامعه‌ای را در نظر بگیریم که آینده برایش در حکم گذشته است، بی‌تردید شاهد فاجعه‌ای بی‌نظیر خواهیم شد که علت و عامل آن چیزی جز یأس و سرخوردگی و ناامیدی نسبت به آینده نمی‌تواند باشد.

شاید به دلیل حساسیت آینده و تعیین کننده بودن آن در واقعیات انسانی بود که مقارن با ظهور جهان جدید و ورود انسان به دنیای جدید، آینده نیز اهمیت خودش را بازیافت و به یکی از محوری‌ترین مسائل انسانی تبدیل شد. بعد از ظهور فلسفه‌های اگزیستانسیالیستی و شکل‌گیری فلسفه‌های تحلیلی و نیز پدید آمدن شاخه‌های نو پدید علوم انسانی، مانند علوم اجتماعی و دانش‌های مرتبط با اقتصاد و سیاست، آینده درست مانند تیری که از کمان رها شده باشد، توجه نگاه‌های مختلف اندیشمندان و نظریه کارپردازان را به خود معطوف کرد. برای نخستین بار تیر پرتاب شده‌ای در برابر دیدگان حساس و آگاه نخبگان جوامع پیشرفته قرار گرفته بود که اصابت آن به هدف و اصابت نکردنش به هدف‌های مفروض بالاترین اهمیت را پیدا کرد. به همین جهت، در توازنی که میان سه زمان «گذشته» و «حال» و «آینده» وجود داشت، تجدید نظری کلی صورت گرفت، به این صورت که: گذشته عملاً متروک گردید و اندیشه درباب گذشته رسماً کنار گذاشته شد. حاصل این کار، متوقف شدن گذشته‌گرایی بود که آزاد شدن بخشی از انرژیهای فکری انسانی را در پی داشت.

این انرژی به صورت مستقیم به خدمت حال و آینده در آمد، اما با توجه به اینکه آینده جایگاه جدی‌تری داشت طبیعتا توجه های بیشتری را به طرف خودش جلب کرد. با تنظیم شدن مناسبات حال، بخش عمده‌ای از توانها برای شناخت آینده به کار بسته شد که نخست در صورت نظام‌های آینده پژوهی و آینده‌کاوی نمود یافت و کم‌کم رسید به جایی که ساختن آینده را در دستور کار خود قرار داد.

بدین‌ترتیب، آینده از جایگاه امری معدوم و موهوم خارج شد و به یکی از مهمترین مسائل انسانی تبدیل گردید. در این فرایند که حدود ۲۵۰ سال سابقه دارد، آینده عملاً اصلی‌ترین بخش زندگی و زمان به شمار آمده، نخستین محور تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان بوده است. همین موضوع که توفیق آمیز بودن آن غیرقابل انکار است، پایه‌ای شده است برای تأمل در باب آینده به صورتی جدی‌تر و متفاوت‌تر. این سخن درباره کشورهای پیشرفته و مدرن امری است ثابت و مسلم. در این میان کشورهای غیر پیشرفته نیز، خواه ناخواه وارد این عرصه فکری شده‌اند و آینده برای آنها هم از اولویت و جدیت برخوردار شده است، اما مسلم است که فقدان مطالبات پیشین کار را دچار مشکل و آسیب کرده است و ما اندیشه و فکر و فلسفه کشورهای عقب‌مانده و جهان سوم صاحب تشتت‌هایی هستیم که امر آینده را دچار ابهام‌هایی ویژه می‌کند. گذشته از گروهی که آینده را همچنان معدوم و موهوم و نیامده تلقی می‌کنند، گروهی و گروههایی پدید آمده‌اند که از نظر آنها، آینده در ردیف حال و مهمتر از آن است. این گروهها درصدند تحلیل‌های خودشان درباره گذشته و حال را براساس آینده نظم بدهند تا بتوانند با انسجام فکری جدیدی به عقب‌ماندگی‌های فکری و بخصوص بارهای بر زمین مانده اقدام کنند. اینکه این دسته از اندیشه‌ورزان تا چه حد در اندیشه‌شان نسبت به آینده توفیق خواهند یافت، امری است خارج از حوصله این نوشته، اما شک نیست که درباره آینده، ما نیازمند بازبینی‌هایی کلی هستیم. آینده را نمی‌توان دست کم گرفت، همچنانکه نمی‌توان نسبت به آن بی‌اعتنا و بی‌تفاوت بود. از افق‌های امروز، آینده جدیدی در حال باریدن و فرود آمدن است که باید برای آن آمادگی داشت. اندیشه‌ها، تفکرات، باورها و رسوم و آیین‌ها، اگر متناسب با آینده نگریسته نشوند، بدون شک دچار آسیب خواهند شد.

اما در بازگشت به پرسش اصلی که: آینده چیست و چگونه خواهد بود، می‌توان براساس تجربه و رویارویی آینده پژوهی‌های موفق، چنین گفت که: آینده قطعاً از جنس زمان و مکان نخواهد بود. بر خلاف باورهایی که آینده‌ای را حلقه انتهایی زمان می‌داند، آینده امری زمانی نیست، همچنانکه مکانی نیست. نبض آینده در تحول می‌زند و تحول قطعی است. تحولات دیر و زود دارند، اما سوخت و سوز ندارند.

ممکن است جامعه‌ای، دیرتر از حد متعارف دچار تحول شود. همچنین ممکن است جامعه‌ای تحولات را به طور ناقص در خودش پدید بیاورد و مهمتر از این دو، می‌توان جامعه‌ای را در نظر گرفت که در آن، تحول به شکلی معیوب مورد تفسیر قرار می‌گیرد. فی‌المثل غوغای انحطاط را می‌توان به حساب شور و نشاط نوشت. همچنان که شتاب سقوط را می‌توان به حساب شدت عمل و هوشیاری جامعه نوشت. همه این تفسیرها ممکن است و روی هم داده است. اما تحول را نباید از خاطر برد. این خود تحولی بنیادین است که در جامعه‌ای، قضایا به صورت معکوس روی بدهد، به صورت معکوس دیده شود و به صورت معکوس تفسیر شود. چه تحولی از این بالاتر که عده‌ای با بهره‌مندی از قدرت، شب را روز و روز را شب اعلام کنند؟ این سرآغاز تحولی است که آینده متفاوتی را رقم می‌زند.

چراغ



پدر عارف به روایت فرزند دانشمند

باید از خدا بترسیم

صفحه ۲

روایت



درباره خالق «روزها»

یاد آن «روزها»

صفحه ۲

راه

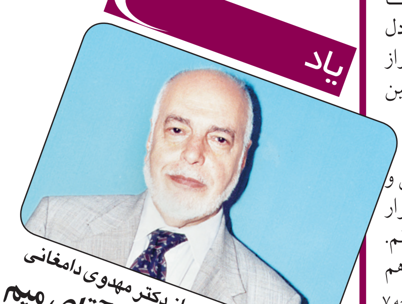


آخرین نامه‌های دکتر مصدق

مصدر امور خیریه شوید

صفحه ۳

یاد



روایتی از دکتر مهدوی دامغانی

ماجراهای آقای میم

صفحه ۵

یاد



خاطرات الکساندر دوبچک

لشکر معزول ها

صفحه ۳

نگارستان



شهریار به روایت ابتهاج

توبه شهریار

صفحات ٤ و٥

آیینه

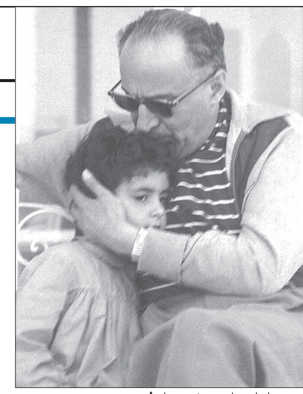


در ایران عهد قاجار؛ هوگو گروته

ارتجاع و مشروطیت

صفحات ٤ و٥

روزگاران


ابتهاج پس از آزادی از زندان

ادامه از صفحه اول

کمک‌های دو جانبه روابط بین کشورها را مسموم می‌کند بدین نحو که کمک‌دهنده را مأیوس و کمک گیرنده را منزجر می‌نماید. کشورهای کمک دهنده چاره‌ای ندارند جز آن که کمک‌های خود را از طریق مقامات دولتی کشورهای کمک گیرنده پرداخت کنند، اعم از اینکه مقامات دولتی مزبور درستکار و لایق باشند یا نباشند. و هر کجا که دولت کمک‌گیرنده فاسد باشد از نظر مردم آن کشور دولت کمک‌دهنده کاری جز حمایت از دولت فاسد انجام نداده است.

کمک‌های دوجانبه هیچ‌وقت نمی توانند مشوق اصلاحات داخلی باشند. مضافاً به اینکه کمک‌های یک دولت به دولت دیگر فشارهای داخلی را برای انجام اصلاحات به تعویق می‌اندزد، زیرا این نوع کمک‌های منابع مالی قابل ملاحظه‌ای در اختیار حکومت‌های فاسد قرار می‌دهد و بدین ترتیب وضع آنها را تحکیم می‌کند. کمک‌های دو جانبه طوری است که دولت کمک‌دهنده، از بیم به خطر انداختن روابط بین‌المللی خود، قادر به اعمال شرائط معمولی یک وام‌دهنده نخواهد بود.

تاریخ اخیر کشور من بهترین نمونهٔ معایب و مضار کمک‌های دوجانبه است. تا چند سال قبل آمریکا، بدون این که یک شاهی به ایران کمک کند، بیش از هر کشوری بین مردم ایران محبوبیت داشت. ولی امروز پس از یک میلیارد دلار کمک‌های گوناگون به کشور ما نه محبوبیتی دارد و نه احترامی. برعکس اغلب مردم ایران اعتمادی نسبت به آمریکا ندارند و بسیاری از آنها از آمریکا متنفرند.

من پیشنهاد می کنم که، به جای کمک‌های دوجانبه، مؤسسه‌ای بین‌المللی نظیر بانک جهانی، با استقلال عمل و با هیات مدیره‌ای که در آن هم نمایندگان کشورهای کمک‌دهنده و هم کمک گیرنده عضویت داشته باشند، ایجاد شود و این هیأت‌مدیره مقررات مربوط به هزینه‌های عمرانی را به طور یکسان در مورد کلیه کشورهای عضو اجرا کند. قصد من از بیان مطالب فوق این بود که از سیاست کمک‌های خارجی آمریکا انتقاد کرده باشم و

خاطرات ابوالحسن ابتهاج/ ۲
در انتظار توقیف

این امر بدون اشاره به اوضاع ایران امکان پذیر نبود، زیرا آمریکا با کمک‌های مالی و نظامی و نیز حمایت‌های سیاسی به دوام رژیمی که محبوبیتی نداشت کمک می‌کرد. به اعتقاد من یگانه راه نجات روابط بین کشورهای غنی و کشورهای فقیر این بود که کمک‌های چند جانبه از طریق یک موسسه بین‌المللی مستقل انجام شود و بدینوسیله یکی از علل عمده وخامت اوضاع بین‌المللی از میان برداشته می‌شد. من همچنین عقیده داشتم که باید از شوروی نیز دعوت شود تا به عنوان یکی از کمک‌دهنده‌های اصلی به عضویت این موسسه درآید و، مثل سایر اعضاء، مقررات مؤسسه را رعایت کند و چنانچه این کشور از عضویت مؤسسه خودداری می‌نمود دنیا می‌دانست که شوروی حاضر نیست به کشوری کمک کند مگر این که ملاحظات سیاسی در کار باشد.

نطق من در جراید آمریکا منعکس شد و سر و صدای زیادی بپا کرد. حتی از من دعوت شد که نظراتم را در تلویزیون تشریح کنم. در این برنامه «پل هافمن»، مدیر «انجمن عمران بین‌المللی» نیویورک، و ادگار کایزر، یکی از بزرگترین صاحبان صنایع فولاد آمریکا، نیز حضور داشتند.

اینجا بی‌مناسبت نیست به این مطلب اشاره کنم که قبل از کنفرانس سانفرانسیسکو مرا برای شرکت در کنفرانسی در دانشگاه آکسفورد دعوت کردند و اتفاقا موضوع اصلی این کنفرانس هم برنامه‌های عمرانی و توسعه اقتصادی بود. سر راه کنفرانس سانفرانسیسکو به دانشگاه آکسفورد رفتم. از من درخواست شد نظراتم را در این زمینه ابراز کنم. گفتم مناسب نیست مطالبی را که برای کنفرانس سانفرانسیسکو تهیه کرده‌ام قبلاً اینجا مطرح کنم. اما به اصرار برگزارکنندگان کنفرانس مطالبم را بیان کردم.

این اولین باری بود که من با نمایندگان کشورهای آفریقایی آشنا می‌شدم. پل هافمن نیز به این کنفرانس دعوت شده بود. پس از پایان صحبتم نهرو، یکی از اقوام نزدیک جواهر لعل نهرو و سفیر هند در واشنگتن، از جایش بلند شد و به طرف من آمد. پیش خودم گفتم حتماً می‌خواهد بگوید با نظر من مخالف است، اما او گفت من سال‌هاست که عین عقاید شما را دارم ولی هیچوقت نمی‌توانستم این عقاید را مثل شما بیان کنم. نمایندهٔ نیجریه، ساموئل آدیو، که وزیر دارائی و یکی از افراد بسیار فهمیده بود، گفت می‌دانید که کشور من تازه به استقلال رسیده و ما دیگر حاضر نیستیم مجدداً زیر نفوذ خارجی‌ها برویم و اجازه بدهیم که بیایند و کارهای ما را تفتیش کنند. ولی او هم وقتی استدلال مرا شنید قانع شد. به او گفتم اگر شما بگوئید ما پول می‌خواهیم، مقدار این پول هم نباید محدود باشد، هر طوری هم که صلاح بدانیم آن را خرج خواهیم کرد، و کسی هم حق رسیدگی نباید داشته باشد این کار نه صحیح است و نه به صلاح شما.

بعد از کنفرانس سانفرانسیسکو و قبل از بازگشت به تهران برای شرکت در جلسهٔ سالانهٔ صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به وین رفتم و بعضی از ایرانیانی که به نمایندگی دولت ایران برای شرکت در این کنفرانس به اتریش آمده بودند به من گفتند که نطق من عکس‌العمل بسیار بدی در تهران داشته است. بعضی از دوستان خارجی و ایرانی‌ام که در وین بودند اصرار کردند که من به تهران مراجعت نکنم. حتی یکی دو نفر از آنها که خارجی بودند به من پیشنهاد کار نمودند.

وقتی به فرودگاه تهران رسیدم همسرم آذر گفت اینجا همه در انتظار توقیف تو هستند. یکی دونفر از دوستانمان به آذر گفته بودند که تلفن کن و به ابتهاج بگو برنگردد.

شکی نیست در این که شاه و دستگاه دولت از انتقاداتی که از وضع مملکت می‌کردم دل خوشی نداشتند، خصوصاً وقتی نظراتم را برای مخبرین خارجی تشریح می‌کردم. قبلاهم، در سال ۱۳۳۸، شبکه تلویزیونی «سی.بی.اس.» آمریکا برنامه‌ای دربارهٔ ایران تهیه کرد که در آمریکا پخش شد. در این برنامه «ادوارد مارو»، مخبر معروف آمریکائی، در مورد مسائل گوناگون با من مصاحبه نمود.

چند ماه بعد از آن هم، به مناسبت اولین سفر رسمی ملکه انگیس به ایران، تهیه‌کنندگان برنامه هفتگی «پانوراما»، که توسط «بی.بی.سی» در تلویزیون انگلیس پخش می‌شود، برای مصاحبه نزد من آمدند.

باید از خدا بترسیم


راشد در جوانی

مرحوم حسینعلی راشد: در شهر ما و دیگر شهرها اداره‌ای بود به نام «ادارهٔ تمدید برای خرید و فروش تریاک. یکی از علمای دینی شهر ما که مردی محترم و نسبتاً عالم و باهوش بود،... رئیس آن اداره را تکفیر کرد. مردم هجوم بردند که او را بکشند. یکی از خوانین محلی که در آن زمان عهده‌دار امور انتظامی بود، او را رهانید و مخفی کرد. مدتی آن مرد مخفی بود تا آنکه آبها از آسیاب افتاد. روز عید غدیری بود و مردم به دیدن پدرم می‌آمدند. او نیز آمد و با پدرم مصافحه کرد و نشست و چای خورد و سپس خداحافظی کرد و رفت. این کار عملاً باعث تبرئه آن مرد شد. خبر به گوش آن عالم رسید. نزد پدرم آمد و به شدت پرخاش کرد که: چرا شخصی را که من تکفیر کرده‌ام، شما پذیرفته و با او به رسم مسلمانی مصافحه کرده‌اید. پدرم گفت: شما به چه دلیلی او را تکفیر کرده‌اید و از کجا کفر او بر شما معلوم گشت؟ آیا خودش نزد شما العیاذ بالله یکی از ضروریات دین را انکار کرده؟ آیا دو شاهد عادل نزد شما شهادت داده‌اند؟ گفت: کسانی که محل وثوق من هستند، گفته‌اند.

مرحوم پدرم گفت: این کسانی که محل وثوق شما هستند، آیا شما پشت سر آنها نماز می‌خوانید؟ آیا مال یا ناموس خود را نزد آنها به امانت می‌سپارید؟ آیا بر فرض که آنها را متدین بدانید، به فهم و تشخیص آنها هم وثوق دارید؟ پس از آن گفت: ما روز و شب جان می‌کنیم که مردم را مسلمان کنیم. شما چرا کوشش می‌کنید که آنها را از دین خدا بیرون کنید؟ این چگونه خدمتی است که شما به دین می‌کنید؟ از باطن آنها چه خبر داریم؟ در ظاهر با همه آنها معامله مسلمانی می‌کنیم و باید بکنیم. ما حق نداریم کسی را که به ظاهر مانند همهٔ مسلمانها اظهار مسلمانی می‌کند، بگوییم که تو مسلمان نیستی. باید از خدا بترسیم.

یاد

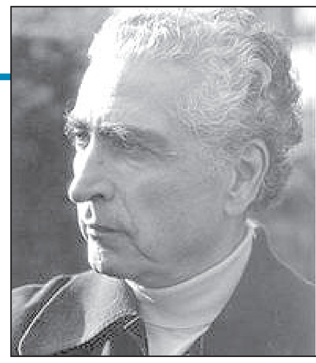
دکتر اسلامی ندوشن

یاد آن «روزها»

درباره صادق هدایت می‌گوید: «او که پرورده فرهنگ شرق و غرب بود، در وجودش دو چیز با هم تلاقی کرد و اخت شد. یکی حزن و انکسار ایرانی که در ادب فارسی لانه کرده است، و در حالت فروبستگی که بر تاریخ او سایه افکنده. دیگر بدبینی رمانتیک مآب فرنگی»

نویسنده در آخرین جلد «روزها» بخشی مجزا را در معرفی برخی از شخصیت‌های نام‌آوری که خود با آنان مراوده یافته است می گشاید و درحالی که کمتر نشانی از مدح و ذم بی پایه درآن دیده می‌شود اسباب آشنایی نزدیکتری برای خواننده امروزی با دانش مردان صاحب نامی همچون دکتر معین فروزانفر، جمال‌زاده، دانش‌پژوه، مینوی، یوسفی، زرین کوب، زریاب و... حتی فیلسوفی چون فردید فراهم می‌گردد. درهمین بخش اهمیت اشارات وی به برخی رجال سیاسی نظیر الهیار صالح، نواب، سنجابی، بازرگان و... نیز می تواند ازنظر پژوهشگران تاریخ معاصر ایران دورنماند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد خواننده «روزها» می‌تواند با وجوه جدیدی از شخصیت برخی چهره‌های نام آشنای معاصر را دراین بخش کتاب آشنا شود. چون در این باب، نویسنده همواره جانب انصاف را نگه داشته وبه قول بیهقی سخنی نرانده که به تعصبی و تزیدی کشد. اگر با کسی آشنایی مستقیم نیافته، از ذکر سخن درباره او در گذشته است.

۵) از سوی دیگر در مجموعه مجلدات «روزها» به فراخور موضوعات مختلف با عصاره ناب از اندیشه‌های نویسنده در قالب جملاتی قصار و وزین در لابه لای متن روبرو می‌شویم که بارقه‌هایی درخشان از معانی و مفاهیم بلند فرهنگ، ادب و هنر این سرزمین را متجلی می‌سازد.



وی در جلد نخست آن گاه که از مجالست با خاله‌اش و شرح قصه خوانی او از حکایات سعدی شیرازی سخن می گوید و درباب شیخ اجل می‌آورد: «سعدی که انعطاف جادوگرانه‌ای دارد، آن قدر خود را خم می‌کرد که به حد فهم ناچیز کودکانه من برسد. این شیخ همیشه «شاب» پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، معلم اول، که هم هیبت یک آموزگار دارد و هم مهر یک پرستار، چشم عقاب و لطافت کبوتر، که هیچ حفره‌ای از حفره‌های زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد، جمع کننده اضداد: تشرع و عرفان، عشق و زندگی عملی، شوریدگی و عقل... به هر حال، این همدم کودک و دستگیر پیر، که از هفت صد سال پیش به این سو مانند هوا در فضای فکری فارسی زبان‌ها جریان داشته است.

و یا در جلد دوم «روزها» آنگاه که با دقت از مهارت استاد خوشنویس خود سخن می‌گوید در کمال ظرافت طبع می‌نویسد: «خط نستعلیق یکی از پر معنی ترین جلوه‌های روح ایرانی است بسیار اصیل‌تر از نقاشی و میناتور، زیرا از حفره‌های عمیق خصلت آریایی او می‌جوشد، نرمی و لغزندگی انحناهای نستعلیق مبین روحیه‌ای است که در طی قرون و اعصار در مسیر گردش حوادث ساب خورده است».

این دقت نظر درجلدسوم آن گاه که دوران دانشکده حقوق وکلاس درس حقوق مدنی ترسیم می‌شود، خواندنی است: «در میان درس‌ها از همه مهم‌تر حقوق مدنی بود که از فقه اسلامی اقتباس شده بود و طی قرون متمادی مغزهای کنجکاو و توانایی بر سر آن کار کرده بودند، و همه خفایا و زوایای روح انسانی در آن کاویده شده بود. از این جهت، حقوق مدنی و فقه، تنها در دایره حقوقی جا نمی‌شدند، بلکه از لحاظ اجتماعی و روانشناسی و حتی روانکاوی می‌شد نکته‌هایی از آنها استخراج گردد. وقتی تا این پایه فرضیات و شقوق و موشکافی در روابط اجتماعی انسان راه یابد، و آدمی را در خفایای ذهنیش و حتی وجدان ناآگاهش، تعقیب نماید، باید گفت که حاصل تجربه‌ای طولانی از جوامعی پیچیده، در آن به ودیعت نهاده شده است.

و یا در جلد چهارم آنگاه که از استحکام و چالاکی شعر اخوان سخن می گوید با بدست دادن معیار شعر خوب، می‌نویسند: «در هر شعر خوب یک طنین پنهانی هست، یک نوا و نجوا، که در زیر صوت آشکار کلام جریان دارد. آن را آهسته و ناواضح می‌شنوید، ولی همان است که به نهانی ترین تارهای روان نواخته می‌شود. سخن هر چه پر معنی و قوی باشد، تا این نوای نهانی را نداشته باشد، تأثیر گذار نیست. احساس من آن است که در هریک از مظاهر برانگیزنده، زیبایی انسانی باشد، یا طبیعت یا شعر و هنر... ما به دنبال گمشده‌ای هستیم. گرچه خود آن یافتنی نیست، لااقل می‌خواهیم خبری از آن بشنویم. هر اثری که رد پایی از آن، ولو مبهم، ولو دور، به ما نشان دهد ما را تسکین می‌دهد و مشعوف می‌کند.»

٦) در باب زندگینامه نویسی نیز این کتاب که به تعبیر نویسنده‌اش، باب نامعهودی در ادب فارسی معاصر گشوده است این «نوع ادبی» را با سبک ویژه‌ای که بتواند عطش ذائقه داستان نویسان و تاریخ نگاران و جامعه شناسان و خوانندگان عام با هر گرایش و علاقه‌ای را فرو نشاند بعنوان «زندگینامه نویسی اجتماعی» در ادبیات معاصر ایران بنیان گذاشته است بویژه آن که در این کتاب با نثری روان، دلچسب و گیرا روبروئیم که چون بسیاری دیگر از آثار این نویسنده، شوق دلپذیری درخوانندگان اثر برمی‌انگیزد تا با خواندن آن به بر گرفتن عیار از یک نثر معیار معاصر، تشویق گردند شاهد مثال آن رغبت دل انگیزی است که آن بخش‌هایی از این کتاب که در کتب آموزشی انعکاس یافته به روایت آموزگاران دربرخی از دانش آموزان و دانشجویانی به جای می گذارد.

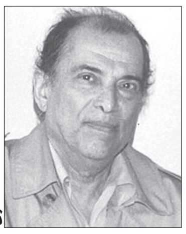
در پایان، ضمن ابراز خرسندی از اینکه مجالی اندک فراهم شد تا شرح الفت خود را با «روزها» باز گویم، نمی توانم از حق‌شناسی نسبت به صاحب شریف آن نیز درگذرم که اگر به روزگار جوانی و در این زمانه پر هیجان گذار، در میان برخی از هم نسلان ما، اندک تشبثی به تاریخ، فرهنگ و ادب این سرزمین یافت می گردد و یا در پی آن سعی در مشی اعتدال و تناسب می رود و فرهنگ پروری ومیهن دوستی پاس داشته می‌شود بی‌شک، اندیشه و رویه این پیران خردمند و دانا در آن تاثیربسزایی داشته است.

روایت

آرش تبریزی

بازخوانی خاطرات دکتر عبدالهادی حائری-۹

دعوای دو بزرگ


حائری

در آن سال و در آن دوره از مجلس شورای ملی کابینه حسن مستوفی (مستوفی‌الممالک) به عنوان «رئیس الوزرا» برگزیده شد و او وثوق‌الدوله را به عنوان «وزیر عدلیه» نامزد کرد. از آن جایی که زنهارخواری وثوق‌الدوله بویژه در بستن قرارداد ۱۹۱۹ از دیدگاه کسی پوشیده نبود، دکتر مصدق با این گزینش سر ناسازگاری برداشت. او در حالی که پیکره پیامبر اسلام را در دست گرفته بود، از رئیس مجلس و همه نمایندگان خواست که به احترام آن «شمایل» از جای خویش برخیزند، و سپس آن را به دست رئیس مجلس سپرد. دکتر مصدق در سخنان خود «راه دین و سیاست» را «راه حق و راه خدا» دانست، و با استناد به گفته «الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه» (اسلام برترین است و چیزی بر تر از آن نیست)، نتیجه گرفت که وثوق‌الدوله به این سرزمین اسلامی خیانت ورزیده و شایسته احراز مقام وزارت دادگستری نیست.

دکتر مصدق زنهارخواری‌های وثوق‌الدوله را یک به یک برشمرد. او از جمله، از قرارداد تقسیم ایران که به سال ۱۹۰۷م (۱۳۲۵ قمری) میان روسیه و انگلستان بسته شده و وثوق الدوله به عنوان وزیر امورخارجه ایران آن را به رسمیت شناخته بود، یاد کرد. مصدق سپس با نشان دادن اسناد و مدارکی روشن و انکارناپذیر بر زنهارخواری وثوق‌الدوله در مورد بستن قرارداد ۱۹۱۹م پای فشرد. وی در فرجام، آیه ۳۳ از سوره مائده را در قرآن خوانده و به «حضرات حجج‌اسلام و نمایندگان عظام» اعلام داشت که در یک کشور اسلامی قاعدتاً هر یک از احکام کشتن، دار کشیدن، دست و پا بریدن و یا به تبعید فرستادن را که پیرامون دشمنان خدا و تبهکاران در این آیه از قرآن یاد شده و آنان صلاح می‌دانند باید در مورد وثوق‌الدوله که آشکارا به نبرد با خدا و پیامبر او برخاسته و در روی زمین به تبهکاری پرداخته به اجرا گذارند.

ولی از سوی دیگر، مدرس به دفاع از عاقد قرارداد ۱۹۱۹ برخاست و در نشست روز ۲۹ شهریور ۱۳۰۵ مجلس شورای ملی این گونه استدلال کرد:

«مسائل سیاسی نظری بوده و بدیهی است اشخاص دارای عقاید مختلف هستند، و مادام که در این قبیل امور در محاکم صالحه رسیدگی و تقصیری بر کسی متوجه نشود، او را نمی‌توان مورد تنقید قرار داد. راجع به قرارداد [۱۹۱۹] و امثال آن هم مادام که به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده باشد، وجهاً من الوجوه [به هیچ روی] منشأ اثری نبوده و رسمیت نخواهد داشت.»

بدین سان، چنین می‌نماید که به طور کلی نظر آن مرحوم در مورد پیوند وثوق‌الدوله با قرارداد ۱۹۱۹م این بود که اگر فردی آهنگ دزدی و خیانت کند و در این راه هم افرادی را کیفر و آزار دهد و خود و دستیارانش در این راه رشوه گیرند، ولی در فرجام از عهده دزدی و خیانت برنیاید، کسی نه تنها نباید آن فرد را دزد و زنهارخوار بشمارد که می‌توان بدو اعتماد نیز کرد و او را به یکی از مسئولیتهای بسیار حساس، مهم و حیاتی کشور که با جان، دارایی و آبروی یک ملت سروکار دارد برگماشت. آن فقید نمونه‌هایی فراوان در این زمینه آورد و موضوع امضای قرارداد را بسیار ساده جلوه داد تا جایی که آن را با دستخوش دزدی قرار گرفتن عبادی خود همانند ساخت!

مدرس در باز کردن دیدگاه خویش این گونه سخن را پی گرفت که این قرارداد ۱۹۱۹م وثوق‌الدوله «یک معامله فضولی» است که همگان برای از میان بردنش برخاستند و «نگذاشتند واقع شود؛ بعد از به هم خوردن و از بین رفتن آن دیگر تنقید در روزنامه و مجلس چیست؟» وی افزود: «یکی معامله فضولی کرد و صاحبشان هم نگذاشتند بشود، دیگر این چه صورتی است؟... یکی خواست عبای مرا ببرد، زدم توی گوشش، نگذاشتم، آن هم نبرد، چه کارش باید کرد؟ (یکی از نمایندگان: باید جلبش کرد؛ می‌خواست بکند؛ مدرس) می‌خواست که نمی‌شود گفت. چون می‌خواست و موفق نشد، باید مجازات کرد؟ من هم دلم می‌خواهد تمام جواهرهای دنیا حتی انگشتر شما مال من باشد. این مجازات لازم دارد؟ این یک مسأله حقوقی است. عبای مرا حاج محتشم‌السلطنه می‌خواست بردارد، من نگذاشتم، این مجازات لازم دارد؟»

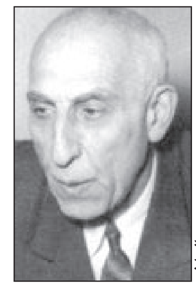
بسی سردرگم کننده و شگفتی‌انگیز است که سخنان و استدلال‌هایی تا آن اندازه روشن و استوار بر تاریخ در مورد سرشت زنهارخوارانه قرارداد ۱۹۱۹م از سوی دکتر مصدق، و گفتارها و همانندسازیهایی تا این اندازه بی‌بنیاد و بی‌پیوند با همان قرارداد به تاریخگران فرصتی در خور نداد که پوششها را یک باره به کناره گیری گذارده، این گونه سخنان را پس از نگاهی تحلیل گرانه، باریک‌بینانه و تاریخگرانه به سراسر تاریخ زندگی سیاسی و اجتماعی، با دیگر سخنان و کارکردها مورد بررسی و هم‌سنجی قرار دهند تا نسلهای پی در پی ایرانی، مسائل را به گونه‌ای دقیق در همان جایی که در واقع امر بوده است بشناسند.

این تاریخگران به یک پژوهش بنیادی دست نیازیدند تا به روشنی دریابند چرا دو سیاستگر آزموده، مسلمان، میهن‌دوست، ضداستبداد و ضداستعمار مانند سیدحسن مدرس و دکتر محمد مصدق نه تنها همواره در یک سنگر به نبرد سرگرم نبودند که حتی رویاروی یکدیگر نیز قرار می گرفتند و در جهت عکس یکدیگر گام برمی‌داشتند. اینان نکوشیدند که یک تحلیل ژرف از روش، خوی و منش فردی مثل شهیدمدرس به دست دهند تا به گونه‌ای عین گرایانه و استوار بر تاریخ و تاریخنگری به دست آید این ویژگی‌های فردی تا چه اندازه در بیان اندیشه‌های سیاسی ـ اجتماعی و موضع گیری‌های او در برابر مسائل بسیار مهم کشور تأثیر داشته است.

در راه ایران

آخرین نامه‌های دکتر مصدق/۱۵

مصدر امور خیریه شوید


مصدق‌السلطنه

۸۷ـ جواب به نامه سرهنگ جلیل بزرگمهر

احمدآباد، ۲۸ اسفندماه ۱۳۴۳

قربانت شوم؛ مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. خواهانم که سال جدید به جنابعالی و متعلقان همگی مبارک و میمون باشد و سال‌های بسیار در کمال صحت و خوشی به این اعیاد برسید.

امیدوارم نواری به دست آورم و از جنابعالی بدین وسیله تشکر و عوالم ارادت خود را تجدید نمایم.

۸۸ـ جواب به نامه‌ی سید محمدعلی کشاورز صدر

احمدآباد، فروردین ماه ۱۳۴۴

قربانت شوم، مرقومه محترم عز و صول ارزانی بخشید و از این که این اقل هموطنان را مورد توجه خود قرار داده‌اید نهایت امتنان حاصل گردید خواهانم که این سال به جنابعالی مبارک میمون باشد و سال‌های بسیار در کمال صحت و خوشی به سر برید و چنانچه خدای نخواسته عمر بنده باقی بود باز به تبریکات آن سال خوشوقت فرمایند. از روی حقیقت از این زندگی خسته شده‌ام و هیچ راهی هم برای آسودگی و آسایش ندارم، سرگذشت بنده هم این بود که می‌کشم و نمی‌دانم تا کی باید تحمل این زندگی ناهنجار را بکنم. بیش از این خاطر جنابعالی را افسرده کنم و تشکرات خود را از الطاف مبذوله تقدیم می‌نمایم.

۸۹ـ نامه به آقای نصرت‌الله امینی

احمدآباد، اول خرداد ماه ۱۳۴۴

خدمت جناب آقای نصرت‌الله امینی وکیل محترم دادگستری قربانت شوم، بعد از ارسال معروضه، به حساب ۲۰۰ هزار تومان وجه دریافت جنابعالی رسیدگی شد مبلغ ۱۷۶۰ تومان بدهی جنابعالی است که باید در مقابل سندی از دفتر اسناد رسمی شماره ۳۸۷ تحصیل فرمائید و یا این که نسخه دوم فروش بیمارستان مهر که نزد این جانب است با نسخه اول که دارای تمبر عوض فرمائید که بنده بتوانم در حساب ثلث مرحوم مغفور شمشیری وارد کنم و اداره‌ی اوقاف ایرادی نگیرد و قبول کند.

۹۰ـ نامه به آقای نصرت‌الله امینی

احمدآباد، اول خرداد ماه ۱۳۴۴

مرقومه محترمه مورخ ۳۱ فروردین ۱۳۴۴ عز وصل ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. حق تحصیلداری شماره ۸۰۷۱۹۵ مورخ ۱۹ تیرماه ۱۳۴۳ راجع به مبلغ نود هزار و سی و سه تومان و پنج ریال عوارض سطح شهر بیمارستان سابق مهر پلاک شماره ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ و نیر آب بهای مریضخانه مزبور که بعد به مالکیت مرحوم مغفور حسن شمشیری درآمده به این جانب رسید و مبلغ ۹۰۳۳۵ وجه پرداختی جنابعالی به شهرداری طهران از بابت مبلغ دویست هزار تومان وجهی که از بابت قسط اول فروش محل مزبور از خریداران دریافت فرموده‌اید محسوب خواهد شد.

۹۱ـ جواب به نامه‌ی سید محمدعلی کشاورز صدر

احمدآباد، ٤ خرداد ماه ۱۳۴۴

قربانت شوم، مرقومه محترمه مورخ ۲ خرداد عز وصول ارزانی بخشید و از توجهی که در کار املاک موقوفه بیمارستان نجمیه فرموده‌اید نهایت امتنان حاصل گردید. خواهانم که خداوند به جنابعالی عوض کرامت کند و همیشه بتوانید مصدر امور خیریه شوید. اکنون محض اطلاع عرض می کند که از مقررات قانون راجع به زارعین یک چهارم سهم بر اطلاع نداشتم اکنون که مستحضر شدم به استحضار می‌رسانم که متولی موقوفات بر خلاف قانون نمی تواند تصمیمی اتخاذ کند ولو اینکه به ضرر موقوفه تمام شود. بنابراین زارعین یک چهارم سهم بر حق اجاره کردن ندارند و اجاره املاک موقوفه هم تا آخر مدت قابل فسخ نیست مگر این که به جهتی از جهات قانونی بنده حق فسخ داشته باشم با این حال چنانچه لازم است مذاکراتی به طور شفاهی به عمل آید مرقوم فرمایند که درصدد تحصیل اجازه برآیم و روز یکشنبه ۹ خرداد تا یک ساعت بعدازظهر منتظر تشریف‌فرمایی جنابعالی می‌شوم که ناهار را در احمدآباد صرف بفرمائید و بعد تشریف فرمای به شهر شوید که به کارهای دیگر برسید و البته یکی از فرزندان، جنابعالی را به احمدآباد خواهد رسانید ولی اگر مطلب مهمی برای مذاکره نیست از نظریات بنده هم که مستحضر شده‌اید روز سه‌شنبه ۱۱ جاری تشریف فرمای محل بشوید و طبق دستورات قانونی به کار خاتمه دهید با انتظار جواب ارادت خود را تجدید می نمایم و سلامت جنابعالی را خواهانم.

ادامه دارد

یاد

نازی عظیما

خاطرات الکساندر دوبچک

لشکر معزول‌ها

بایست دستشان را بهتر می خواندم. مدتی نگذشت که دریافتم «آنها» دور من دیواری نامرئی کشیده‌اند. برای من در هیچ جا شغلی وجود نداشت. اختیار گذاران معاشم دست خودم نبود. مدتها بعد دریافتم که رهبری جدید حزب وضع مرا در اولویت قرار داده و در آن هفته‌ها چندین‌بار درباره سرنوشت من به شور و غور پرداخته است. مسلم است که آنها می خواستند هرچه ممکن است از دسترس توجه مردم دورتر باشم.

در آن زمان لشکر انبوهی از مردمانی چون من وجود داشت که همه از شغل تخصصی خود عزل شده و به کارهایی ناخوشایند و تازه رو می‌آوردند. در تصفیه‌های سال‌های ۱۹۶۹ـ ۱۹۷۰ تقریبا نیم میلیون عضو از حزب اخراج یا معلق گردیدند و مجبور به ترک شغل سابق خود شدند. بسیاری از مردمان غیرحزبی نیز که نسبت به اصلاحات علاقه نشان داده بودند به نظیر همین سرنوشت گرفتار آمدند. تصفیه‌ها به ویژه در سرزمین‌های چک بسیار رذیلانه بود. اما این نه به آن معنی است که «عادی سازان» در اسلوواکی آسان گیرتر بودند: تنها در اسلوواکی شرایط فرق می کرد و عادی‌سازان از وسایلی ظریفتر برای اعمال فشار و اجبار استفاده می کردند.



نیش حمله بیش از همه متوجه روزنامه‌نگاران و تاریخ‌نویسان بود، اما واقعاً هیچ حرفه‌ای از حمله به سلامت نجست. حتی بسیاری از افسران ارتش از نیروهای مسلح اخراج شدند. بسیاری از نویسندگان را خاموش کردند و بسیاری از استادان دانشگاه‌ها را بیرون راندند. به ندرت رشته‌ای وجود داشت که بهترین و صادق‌ترین افرادش معزول نشده یا در فهرست سیاه جای نگرفته باشند. از این‌رو، من تنها نبودم، صرفاً یکی از صدها هزارتنی بودم که تن به خفت و خواری ندادند، پا بر قلبشان نگذاشتند، و دست از اعتقاداتشان نشستند. البته من در معرض توجهی خاص بودم زیرا، در چشم حاکمان جدید، یک «ضدانقلاب» بسیار خطرناک شمرده می‌شدم.

در خانه حساب کردیم که اگر من اصلاً کار نکنم تا چه مدتی می توانیم زندگی‌مان را تأمین کنیم. میزان پس‌اندازمان اندک بود. حدود ۷۵ هزار کرون یا، به بیان دقیق‌تر، برابر ۳ هزار دلار در بازار سیاه یکی اتومبیل سیمکای یک ساله داشتیم؛ مقداری از پس‌انداز خود را صرفاً ساختن خانه روستایی در سِنک کرده بودیم. ذخیره مالی ما برای یک خانوادهٔ پنج نَفره بسیار اندک بود. پاوُل پسر بزرگمان، بیست و یک ساله و دانشجوی طب در دانشگاه کومنیوس بود. دو پسر کوچک‌ترمان هر دو به دبیرستان می‌رفتند. نهایتاً به آنها اجازه به پایان بردن تحصیلشان را دادند. اما در آن هنگام به آنها آزادی انتخاب شغل و حق سفر به خارج را ندادند. مادرم هنوز با ما زندگی می کرد و با مقرر اندکی که بابت حقوق وظیفه می گرفت به ما کمک می کرد. آنا ناخوش بود و حالش برای آنکه کار تمام وقتی بیابد مناسب نبود ـ که البته اگر قصد اقدام به چنین کاری هم می کرد، آنها نمی گذاشتند.

مادرم سال بعد در هفتادو چهار سالگی درگذشت. او در تمام مدت عمرش عضو حزب بود، و هنگامی که تصفیه‌ها آغاز شد دریافت که به زودی او را احضار خواهند کرد تا نظرش را در مورد اشغال شوروی بپرسند. تنها در صورت دادن پاسخ مثبت بود که عضویتش در حزب ادامه می یافت. اما مادرم منتظر احضار شدن و نظرخواهی آنان نشد، بلکه کارت عضویتش را با نامه‌ای بلند و منقلب کننده که به خط خود نوشته بود برای آنها پس فرستاد. او در این نامه با زبانی ساده اما بلیغ و رسا توضیح داده بود که چرا دیگر نمی تواند تحت اشغال شوروی‌ها به عضویتش در حزب ادامه دهد. باید اضافه کنم که شماری عظیم از چندین‌هزار کمونیست پیش از جنگ جهانی دوم، که در سال‌های ۱۹۶۹ یا ۱۹۷۰ هنوز زنده بودند، نظیر همین عمل را انجام دادند.

حدود اواخر اکتبر ۱۹۷۰، مرا به کمیته مرکزی حزب کمونیست اسلوواکی در براتیسلاوا احضار کرده و به نزد یوزف لنارت، دبیر اول جدید حزب اسلوواکی، بردند. او سرانجام پاداش خیانت خود را گرفته و هم در پراگ و هم در براتیسلاوا به مقام‌های بالا دست یافته بود. البته مناسب‌تر آن بود که مقامی بسیار پایین‌تر از لنارت مرا بپذیرد، اما ظاهراً او نتوانسته بود از لذت دیدار من در حالت افتادگی و معزولی چشم بپوشد.

لنارت به من اطلاع داد که از حزب اخراج شده‌ام ـ که با توجه به آنکه قبلاً این خبر را شنیده بودم، کاری زاید به نظر می‌رسید. سپس گفت که دارند برای من شغلی انتخاب می کنند و باید صبر کنم تا خبرم کنند.

جز آنکه به حکم آنان تسلیم شوم چاره‌ای نداشتم. باز خوب بود که آزادی ردّ شغلی را که به نظرم نامناسب می‌آمد داشتم.

در هفته‌های بعد حداقل سه شغل به من پیشنهاد کردند که همه را رد کردم، عمدتاً به این خاطر که محل کارها از شهر بسیار دور و در یک مورد مستلزم سه ساعت صرف وقت برای رسیدن به محل کار بود.

سرانجام در اداره محلی جنگلبانی در کراسنی، که در حومهٔ نزدیک براتیسلاوا قرار داشت، شغلی به عنوان مکانیسین به من پیشنهاد کردند. این پیشنهاد را پذیرفتم و در دسامبر ۱۹۷۰ کارم را در آنجا آغاز کردم.

در آنجا به طور کلی مسئول عملیات و نگهداری انواع ماشین‌آلات، از بولدوزرها و لودرها تا اره‌های زنجیری، بودم. پس از چند ماه مرا به کار در کارگاه گماردند که در آنجا عمدتاً کارم درست کردن اره‌های زنجیری ساخت کارخانه‌های غربی، مانند استیهل یا هسکوارنا، و نیز جوش دادن قطعات شکسته بود.

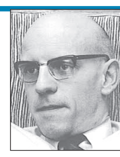
دستمزد اولم حدود ۲۲۰۰ کرون در ماه بود(برابر ۷٤ دلار در بازار آزاد) که در آن زمان دستمزدی معمول در صنایع به شمار می‌رفت. مانند دیگر شاغلان، در پایان بعضی از سال‌ها مبلغی ناچیز به حقوقم افزوده می‌شد، به طوری که وقتی در سال ۱۹۸۱ بازنشسته شدم حقوقم به ۳۰۰۰ کرون رسیده بود.

وقتی کارم را آغاز کردم، هم از سوی مدیریت و هم از سوی کارگران همکارم با استقبالی گرم پذیرفته شدم. مدیر اداره جنگلبانی، میروسلاو هاناک نام داشت که او را از قدیم می‌شناختم. با اینهمه، در طول سال ۱۹۷۱، هردم برفشار به من افزوده می‌شد. دائماً تحت مراقبت پلیس مخفی قرار داشتم که خود بر روابطم با کارگران همکارم خدشه وارد می‌کرد. مقامات برای آنکه مرا بکلی بی‌هویت سازند حتی به اقدامات دیگری نیز دست زدند: رفته‌رفته از همه سازمان‌هایی که عضوشان بودم، مانند انجمن شکارچیان، اتحادیه‌های کارگری، و حتی اتحادیهٔ مبارزان ضد فاشیست که مجمعی از شرکت‌کنندگان در جنبش مقاومت در زمان جنگ جهانی دوم بود، اخراج شدم. علیه این اقدامات نامه‌های اعتراض رسمی نوشتم اما هرگز جوابی دریافت نکردم.

هاناکِ مهربان و همراه به زودی کنار گذاشته شد و جای او را شَخصی زمخت و خشن به نام دوریس گرفت ـ که بی‌شک بیشتر برای مراقبت از من او را به این پست گمارده بودند. یک‌بار مرا به دفترش احضار کرد. در آنجا دیدم که نامه‌رسانی نیز در گوشه‌ای ایستاده است. یک دسته نامه سفارشی از خارج، به نام من، روی میز دوریس بود. به من گفت که باید رسیدها را امضا کنم. می‌دانستم که همه نامه‌هایی که به ویژه از خارج برای من و خانواده‌ام می‌رسد، از کنترل پلیس می‌گذرد. در واقع سال‌های سال اجازه دریافت نامه از خارج را نداشتم. در اینجا گیرکار آن بود که این نامه‌ها سفارشی بودند و اداره پست چکسلواکی برای نامه‌های سفارشی «گم شده» می‌بایست خسارت کلانی به ارز خارجی به فرستنده خارجی نامه‌ها بپردازد. گمان می‌کنم به همین سبب بود که می‌خواستند تحویل دهند.

جدید

علیرضا ملایی



میشل فوکو و دغدغهٔ حقیقت

جدایی از خود

کردارها شکل یک هنر را می‌یابند که نسبتاً مستقل از قانون‌گذاری اخلاقی است. به طور قطع، مسیحیت اصل قانون و ساختار مجموعه قوانین را در تامل اخلاقی تقویت کرد، حتی اگر کردارهای زاهدانه هم‌چنان اهمیت بسیار زیادی در این تأمل اخلاقی داشته باشند.

ف. اوالد: پس تجربه مدرن ما از جنسیت با مسیحت آغاز می‌شود.

میشل فوکو: صدر مسیحیت چند تغییر مهم را در زهدمنشی باستان به بار آورد، یعنی شکل قانون را تشدید کرد و نیز کردارهای خود را در راستای هرمنوتیک خود و کشف خویشتن به منزله سوژه میل قرارداد. به نظر می‌رسد که مفصل‌بندی قانون و میل تا حدودی سرشت نمای مسیحیت باشد.

ف.اوالد: توصیف انضباط‌ها در مراقبت و تنبیه ما را به ریزترین و دقیق‌ترین دستورها و تجویزها عادت داده بود. عجیب است که دستورها و تجویزهای اخلاق جنسی روزگار باستان از این لحاظ هیچ‌چیز کم ندارند.

میشل فوکو: باید کاملاً وارد جزئیات شد. در روزگار باستان، مردم به عنصرهای رفتار بسیار دقت و توجه داشتند و در عین حال می خواستند که همه به این عنصرها دقت و توجه داشته باشند. اما شیوه‌های توجه همان شیوه‌هایی نبود که بعدها رواج یافت. مثلا خود عمل جنسی، ریخت‌شناسی آن، با شیوه جست و جو و به دست آوردن لذت جنسی و «ابژه»ی میل به نظر نمی‌رسد که در روزگار باستان مسئله نظری بسیار مهمی بوده باشند. در عوض، دل مشغولی آن روزگار عبارت بود از شدت فعالیت جنسی. آهنگ آن، زمان برگزیده و نیز نقش فعال یا منفعلانه فرد در رابطه جنسی، بدین‌ترتیب هزار جزئیات را در مورد عمل جنسی متناسب با فصل‌ها و ساعت‌های روز و زمان استراحت و فعالیت می‌یابیم، یا در مورد شیوه رفتاری که یک پسر باید داشته باشد تا به نیکی از او یاد شود، اما از آن سیاهه‌های اعمال مجاز و ممنوع که در میان علمای مسیحی بسیار اهمیت دارند، هیچ خبری نیست.

ف. او الد: به نظر می‌رسد که کردارهای متفاوتی که شما در رابطه با بدن، با زن و با پسران توصیف می‌کنید، هرکدام برای خود مورد تأمل قرار گرفته‌اند، بی‌آن‌که نظام مستحکمی آن‌ها را به یکدیگر پیوند داده باشد. این نیز تفاوت دیگری است با کتاب‌های پیشین شما.

میشل فوکو: من با خواندن کتابی دریافتم که کل تجربه دیوانگی در عصر کلاسیک را با عمل حبس خلاصه کرده بودم. وانگهی تاریخ دیوانگی بر این تز استوار است که دست کم دو تجربه متمایز از دیوانگی وجود داشته است: یکی تجربه حبس و دیگری کرداری پزشکی که خاستگاه‌هایی بسیار دور داشت. این که بتوان تجربه‌هایی متفاوت داشت(خواه هم زمان، خواه متوالی) که مرجع یکسانی دارند، فی‌نفسه هیچ چیز عجیب و غریبی نیست.

ف. اوالد: معماری آخرین کتاب‌های شما کمی دفترهای کتاب اخلاق نیکوما خوسی را به یاد می‌آورد. شما هر کردار را یکی پس از دیگری بررسی می کنید. پس چه چیزی میان رابطه با بدن، رابطه با خانه و زن و رابطه با پسر پیوند برقرار می‌کند؟

میشل فوکو: نوعی سبک اخلاقی که تسلط بر خود است. فعالیت جنسی هم‌چون خشونت بازنمایی و درک می‌شود و در نتیجه از زاویه دشواری کنترل آن، به مسئله بدل می‌شود. [در این میان] گستاخی بنیادین است. در این اخلاق، باید برای خود قاعده‌هایی رفتاری را شکل داد که بتوان به کمک آن‌ها تسلط برخود را تضمین کرد...در یونان، ممنوعیت‌هایی بنیادین وجود داشت. برای مثال، ممنوعیت زنا با محارم. اما فیلسوفان و اخلاق گرایان در مقایسه با توجه زیادشان به مسئله حفظ تسلط بر خود، توجه اندکی به این ممنوعیت‌ها نشان می‌دادند. هنگامی که زنوفون دلایل ممنوعیت زنا با محارم را شرح می‌دهد، توضیح می‌دهد که اگر با مادرت ازدواج کنی، اختلاف سنی چندان است که فرزندان‌تان نه زیبا خواهند بود و نه سالم!

ف. اوالد: با این حال به نظر می‌رسد که سوفوکل چیز دیگری گفته است.

میشل فوکو: جالب این است که همین ممنوعیت جدی و مهم می‌تواند در مرکز یک تراژدی باشد. با این حال، در مرکز تأمل اخلاقی نیست.

ف. اوالد: چرا توجه و دقت‌تان را معطوف این دوره‌ها می‌کنید، دوره‌هایی که به نظر برخی، بسیار از ما دورند؟

میشل فوکو: من کار را از یک مسئله در قالب واژگانی که اکنون این مسئله طرح می‌شود، آغاز می‌کنم و سعی می‌کنم آن را تبارشناسی کنم. و منظور از تبارشناسی این است که من تحلیل را از یک پرسش کنونی آغاز می‌کنم.

ف. اوالد: پرسش کنونی در این‌جا چیست؟

میشل فوکو: تا مدت‌های مدید برخی تصور می‌کردند که سخت‌گیری قوانین جنسی به صورتی که ما آن‌ها را می‌شناسیم، برای جامعه‌های به اصطلاح «کاپیتالیستی» ضروری و چشم ناپوشیدنی است. اما برداشتن قوانین و زوال ممنوعیت‌ها بی‌شک آسان‌تر از آن‌چه تصور می‌شد صورت گرفت (و همین امر به خوبی نشان می‌دهد که علت وجودی این قوانین و ممنوعیت‌ها آن‌چه تصور می‌کردند، نبود)؛ و مسئله اخلاق به منزله شکلی که باید به رفتار و زندگی خود داد از نو مطرح شد. روی هم رفته تصور این که هر اخلاقیاتی در ممنوعیت‌ها است و برداشتن این ممنوعیت‌ها به تنهایی مسئله اخلاق را حل می کند، اشتباه بود.

ف. اوالد: آیا شما این کتاب‌ها را برای جنبش‌های آزادی‌بخش نوشته‌اید؟

میشل فوکو: نه برای [موقعیت کنونی]، بلکه بر حسب موقعیت کنونی.

ف. اوالد: شما در مورد مراقبت و تنبیه گفته‌اید که «نخستین کتاب» شما بود. آیا نمی توان این عبارت را به مناسبت انتشار کاربرد لذت‌ها و دغدغه خود بار دیگر به‌کار برد؟

میشل فوکو: نوشتن یک کتاب به نوعی منسوخ کردن کتاب پیشین است. سرانجام ـ که دل گرمی و سرخوردگی ـ درمی‌یابید که آن‌چه داده‌اید کاملاً نزدیک است به آن‌چه پیش‌تر نوشته‌اید.

ف. اوالد: شما از «جدا کردن خودتان از خود» صحبت می کنید. چرا خواستی تا به این اندازه عجیب دارید؟

میشل فوکو: اخلاق یک روشنفکر ـ من مسئولیت این واژه یعنی روشنفکر را که هم‌اکنون برای برخی به نظر تهوع‌انگیز می‌آید، برعهده می گیرم ـ غیر از این چه می‌تواند باشد که همواره خود را قادر به فاصله‌گیری و جدایی از خود کند (کاری که خلاف تغییر کیش است)؟ اگر می‌خواستم صرفاً یک فرد دانشگاهی باشم، بی‌شک عاقلانه‌تر آن بود که عرصه‌ای را انتخاب کنم و فقط در آن عرصه به فعالیت بپردازم و مسئله‌ای مفروض را بپذیرم و آن را به کار بندم یا در برخی از جنبه‌ها تغییر دهم. آن‌گاه می‌توانستم کتاب‌هایی بنویسم همانند آن کتاب‌هایی که در اراده به دانستن در نظر داشتم و شش جلد از تاریخ جنسیت را برنامه‌ریزی کرده بودم و پیشاپیش می‌دانستم چه می‌خواهم بکنم و به کجا می‌خواهم بروم. دانشگاهی و در عین حال روشنفکر بودن یعنی تلاش برای به کار بستن نوعی از دانش و تحلیل که در دانشگاه تدریس و پذیرفته می‌شود، به‌طوری که نه تنها اندیشه دیگران بلکه اندیشه‌ی خود را نیز تغییر دهد. این کار تغییر دادن اندیشه خود و اندیشه دیگران به نظرم علت وجودی روشنفکران است.

ف. اوالد: برای مثال، سارتر بیش‌تر تصویر روشنفکری را ارائه می‌داد که زندگی‌اش را صرف رشد شهود بنیادین کرده است. به نظر می‌رسد که این اراده به «جدا کردن خودتان از خویش» کاملاً شما را متمایز و برجسته می‌کند.

میشل فوکو: نمی‌توانم بگویم که در این اراده چیز منحصر به فردی هست. اما بر این نکته مصرّم که این تغییر نه شکل یک اشراق ناگهانی را که «چشم‌ها را می‌گشاید» دارد و نه شکل یک نفوذپذیری در برابر تمام جنبش‌های موجود؛ من می‌خواهم که این ساختن و پرداختن خود به دست خود باشد، دگرگونی پرکوش، تغییری آرام و سخت از رهگذر دغدغه همیشگی حقیقت.

هنر

راه طولانی هنر؛ به روایت ایران درودی

تنبیه بی‌رحمانه

مادر ادامه می‌داد که اگر این را به پدر نشان بدهد و او دخترعموها را عریان ببیند، اوضاع برای من وخیم‌تر خواهد شد، بهتر است که قضیه در همین جا و برای همیشه پایان بگیرد و مدرک جرم از بین برود.

این طور بود که اولین طراحی جدی من در دست مادر مچاله شد. پس از مدتی صدای مادر لحن عادی خود را بازیافت:دیگر تکرار نشود، تو می‌باید از همه کسانی که تصویر عریانشان را کشیده‌ای، خجالت بکشی و از یکایکشان معذرت بخواهی.


ایران درودی

آن شب سر میز شام با حضور پدر، اشاره یا صحبتی در این باره نشد و کسی واژه «حمام» را به کار نبرد. در دلم از مادر تشکر کردم که چیزی در این مورد یا حداقل در حضور من به پدر نگفت. گرچه این تنبیه مادر سبب قطع رابطه چند ساله من با نقاشی شد ولی مسیر مرا عوض نکرد.

سالها طول کشید تا روزی دو مرتبه قلم به دست گرفتم و تصویری از شباهت‌های عینی یا ذهنی ارائه دادم. از آن پس جز خودم، هرگز کسی مرا در ارتباط با تصاویری که می‌آفرینم تنبیه نکرد. چقدر ظالمانه و گاه بیرحمانه است این تنبیه!آثاری را که به دلایلی دوست نمی‌دارم، می‌سوزانم. در شعله‌هایی که با ریختن نفت بر نقاشیها ایجاد می‌کنم، سوختن قسمتی از وجودم را می‌بینم. آن قسمت از وجودم را که درد می‌کند ولی چاره‌ای، جز از بین بردنش نیست.

چندی از اقامت ما در خانه نزدیک گنبد سبز می‌گذشت که کم‌کم منزل سر و شکل آبرومندانه‌ای به خود می‌گرفت. پدر این بار اسباب و اثاثیه منزل را در نجارخانه‌ای که به راه انداخته بود، می‌ساخت. اتاق‌ها به مرور فرش می‌شدند و یکی از اتاق‌ها را به من و خواهرم اختصاص دادند و پیانو را در اتاق ما گذاشتند.

نخستین درس پیانو را مادر به ما داد اما پس از آن، هر دو از یک خانم روس، درس خصوصی پیانو می‌گرفتیم و با درشکه به کلاس پیانو می‌رفتیم. درشکه‌سواری به اندازه درس پیانو لذت‌بخش بود. همسایه‌ها از صدای پیانو با تمرین‌های اولیه ما در امان نبودند.

کنار حیاط ورودی، آب انبارخانه، با پله‌های تند آن قرار گرفته بود که آب آشامیدنی ما از آن تأمین می‌شد. چند بار، وجود کرم‌های کوچک در ته کاسه مرا ترسانده بود تا اینکه روزی پدر با ظرف‌های بزرگ چینی با لوله‌هایی پیچ در پیچ، آب آشامیدنی ما را تصفیه کرد. روزی به خاطر بستن یکی از شیرهای این دستگاه تصفیه تنبیه شدم و این نخستین تنبیه من، توسط پدر در کودکیم بود. پدر پس از اینکه روی دستهایم که به دستور او جلویش گرفته بودم، ضربه محکمی نواخت، مرا با تعجب زیادی ورانداز کرد. انگار به این مسأله مشکوک بود که شاید رابطه این لوله‌ها و نحوه عملکرد مخزنها را می‌شناسم و به موقع از یک آبریزی، جلوگیری کرده‌ام. اما دستور پدر این بود که کسی به مخازن و شیرهایش دست نزند، در واقع من از دستور سرپیچی کرده بودم! پدر برافروخته و متعجب، مرا که کوچکترین غمی از دریافت ضربه نداشتم می‌نگریست. من تنبیه نشده بودم، بلکه برای نخستین بار با ذهنم حضور پیدا کرده بودم!

چندی بعد، تعجب پدر تبدیل به حیرت شد، زیرا مهره‌های شطرنجی را که در نجارخانه‌اش تراشیده بود و به رنگ قرمز و سفید، درآورده، در ایوان منزل چیده بود، دوباره رنگ کرده بودم. در واقع برای اینکه رنگ مهره‌ها یکدست شود، دو مرتبه آنها را در جعبه رنگ فرو بردم و پس از خشک شدن آنها را روی صفحه شطرنج به طرز مرتبی چیدم. پدر همه را بازخواست کرد اما به تنها کسی که سوءظن نبرد، من بودم. پیشقدم شدم و اقرار کردم، انگار راضی نمی‌شد! رنگ زدن یک دست و از همه مهم‌تر، درست چیدن مهره‌ها، نمی‌توانست کار من باشد، برای اینکه خود را قانع کند که با این اقرار خواهرم را حمایت می‌کنم، بالحن کنایه‌آمیز پرسید:حتماً می‌فرمایید، بازی کردن شطرنج را هم بلد هستید؟پاسخ دادم:کمی!خشم پدر به رنگ مهره‌ها شد:دروغ! دروغ هم حدی دارد.

این بار دستش را محکم بر گونه‌ام کوبید. مادر سراسیمه سررسید و فریاد زد:علی بس کن.پدر دستور داد، گونه‌هایش را ببوسم و نزد او روی صندلی بنشینم. اشک‌هایم از شدت درد سرازیر شده بودند. مادر از واهمه اینکه صدای گریه‌ام بلند نشود، با دستش به من اشاره کرد و گفت:ساکت!

آیینه

دکتر محمد کاظم حسینیان

در ایران عهد قاجار؛هوگو گروته

ارتجاع و مشروطیت

ورود نمایندگان ایالات، به خصوص نمایندگان تندرو تبریز، چنان شور و هیجانی در میان مشروطه‌خواهان پدید آورد که شاه جدید که از منابع مالی و نظامی چندانی برخوردار نبود، ناگزیر به عقب‌نشینی گردید. محمدعلی شاه روز ۱۱ فوریهٔ همان سال طی یک فرمان رسمی، تصدیق کرد که دولت ایران در «عداد دول مشروطه و صاحب کنستی توسیون است!»

در این بین مقدمات تأسیس بانک ملی تهیه شد و روز ۱۳ فوریهٔ ۱۹۰۷م. اعلامیه‌ای حاوی مفاد امتیازنامهٔ بانک منتشر گردید. از دوازده مادهٔ امتیازنامه چنین برمی‌آید که فکر اصلی مجلس، طرد سرمایه‌های خارجی و نفوذ سیاسی ناشی از آن بوده است. همین طرز فکر ضدخارجی باعث شد آقای نوز، رئیس کل مالیه از کار برکنار شود و یک ایرانی به جای او انتخاب گردد. براساس قانون، امتیازات زیادی از آنجمله، حق انتشار اسکناس، ساختن راه‌آهن و راه شوسه، کشف و بهره‌برداری از معادن و صید مروارید در خلیج‌فارس، به بانک ملی واگذار شده است. اما انتقال این امتیازات به کشورهای خارجی و حتی فروش سهام بانک به اتباع بیگانه، اکیداً قدغن و بی‌اعتبار اعلام گردیده است.

در این بین ارتجاع نیز بیکار ننشسته و در پیشرفت مشروطیت،اشکال تراشی می‌کرد.عده‌ای از اعیان و رجال مستبد، دور شاه گرد آمده بودند و او را تشویق می‌کردند در مقابل آزادیخواهان ایستادگی کند. اما قتل میرزا علی اصغر خان اتابک که برای سومین بار به صدراعظمی برگزیده شده بود و با قدرت و مهارت کشور را اداره می‌کرد. ضربهٔ قاطعی بود که بر پیکر مستبدین فرود آمد. اتابک، قبلاً، از سال ۱۸۸۸ تا ۱۸۹۵ و از سال ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۳، صدراعظم ایران بود.

مشروطه‌خواهان معتقد بودند که اتابک، رهبری مخالفین مجلس را، به عهده دارد. لیکن حقیقت این است که او نه طرفدار مستبدین بود و نه از مشروطه‌خواهان جانب‌داری می‌کرد. بلکه پیوسته درصدد بود که بین این دو نیرو، تعادلی برقرار کند. هر چند مردم، از او چندان دل خوشی نداشتند و به خاطر دست داشتنش در اخذ وام‌های سال ۱۹۰۰ و سال ۱۹۰۲، از او متنفر بودند. و حتی عده‌ای او را به همین دلیل «وطن‌فروش» می‌دانستند. وقتی پیش یکی از همدستان قاتل او کاغذی پیدا کردند که حاوی اسامی «دشمنان ملت» بود، شاه و مستبدین موقتاً از اندیشهٔ سرکوب جنبش مشروطه، منصرف گردیدند. حتی بعد از این واقعه، عدهٔ زیادی از مستبدین معروف، تغییر جبهه دادند. مثلاً علاءالدوله، یکی از برادران رئیس مجلس و نظام‌الملک فرمانده قشون تهران با تعداد دیگری از مرتجعین، «انجمنی» تشکیل دادند و از طرف انجمن نامه‌ای به شاه نوشتند که در آن قید شده بود که فقط در صورتی که شاه حقوق مردم را به رسمیت بشناسد و متمم قانون اساسی را امضاء کند، از دستوراتش کماکان اطاعت خواهند کرد! حتی اعلامیه‌ها و شب نامه‌هایی پخش شد که شاه را تهدید می‌کردند که در صورت دشمنی با مشروطیت، سرنوشتی نظیر سرنوشت اتابک در انتظارش خواهد بود. یکی از این شبنامه‌ها که مبین طرز فکر آزادیخواهان افراطی است چنین است:

«ما می‌خواهیم آدم بشویم ولی شاه نمی‌گذارد. ما می‌خواهیم خود را از شرّ استبداد خلاص کنیم ولی شاه نمی‌گذارد. ما می‌خواهیم در سایهٔ کار دستجمعی راحت زندگی کنیم ولی شاه نمی‌گذارد. ما می‌خواهیم جان و مال و شرف و عزت داشته باشیم و نمی‌خواهیم جزو وحشیان این عالم به حساب آییم ولی شاه نمی‌گذارد. ما می‌خواهیم خودمان سرنوشت خودمان را تعیین کنیم، ما می‌خواهیم مجلس داشته باشیم، ما می‌خواهیم علماء و رجالمان محترم باشند، ولی شاه نمی‌گذارد و از همه عجیب‌تر اینکه ما می‌خواهیم با این کار سرمان را میان سایر ملل بلند کنیم و می‌خواهیم شاهمان فرمانروای یک کشور قدرتمند باشد، ولی باز هم شاه نمی‌گذارد.ای مردم!بدانید که محمدعلی شاه نوکر روس‌هاست. او می‌خواهد این ملت بیچاره را به تزار روسیه بفروشد و بعد با تکیه بر قدرت آنها، مثل یک گرگ خونخوار، به جان این ملت بیفتد و گوشتش را تکه‌پاره کند. مگر راجه‌های هندوستان و امیر بخارا را نمی‌بینید؟ فرق آنها با محمدعلی شاه این است که آنها هر اشتباه و هر خبطی که مرتکب شدند از روی عدم آگاهی بود. اما در هر صورت نتیجهٔ کارشان از دست دادن استقلال و اسارت بود. اما محمدعلی شاه، واقعاً دشمن این ملت است و فقط برای منافع روس‌ها کار می‌کند. براساس اخبار موثق شاپشال خان و حاجی مفاخر مشغول دسیسه هستند و از روس‌ها پول هم می‌گیرند. آنها مشیرالسلطنه را با خود همدست کرده‌اند و می‌گویند مقداری از پول ها را به او می‌دهند. البته شاپشال تبعهٔ روسیه است و به نفع کشور خودش کار می‌کند، از او نمی‌توان ایراد گرفت ولی آن دو تن دیگر خائن و وطن‌فروش هستند. آنها تنها نیستند و عده‌ای را به دور خود جمع کرده‌اند و مشغول توطئه می‌باشند. آنها می‌خواهند مثل زالو خون ما بیچاره‌ها را بمکند.

ای مردم! به فکر مداوای این بیماری مهلک باشید. تنها با از بین رفتن امین‌السلطان دلخوش

شاه تصدیق کرد دولت ایران در «عداد دول مشروطه و صاحب کنستی توسیون است!»

نباشید و بکوشید آن کسی را که هر ساعت هزاران امین‌السلطان می‌سازد، از سر راهتان بردارید. مگر نمی‌بینید که دیگر هیچ‌کس زیر بار مسئولیت نمی‌رود. مگر نمی‌بینید که آنها دوباره مشغول دسیسه‌چینی هستند؟ نکند وضعیت فلاکت‌بار خودتان را فراموش کرده‌اید، مگر نمی‌دانید که مثل یک بیمار در حال موت هستند؟ مگر چشم ندارید؟ مگر گوش ندارید؟ مگر نمی‌بینید و نمی‌شنوید که آنها هر روز یکی از دیوارهای خانه‌تان را خراب می‌کنند و چیزی نمانده که همگی زیر آوار جان بدهید؟ مگر صدای آه و نالهٔ خواهران و برادران و بچه‌های شیرخوار آذربایجانی‌تان را نمی‌شنوید که زیر شمشیر عساکر ترک جان می‌دهند و از شما کمک می‌طلبند؟ ولی شما به آنها اهمیت نمی‌دهید زیرا محمدعلی شاه با نیرنگ‌هایی که از روس‌ها آموخته، سرتان را گرم کرده است.

یکی از این دسیسه‌ها بحران هیأت وزراست. پناه بر خدا! از روزی که این مرد مستبد و نادرست بر تخت سلطنت ایران تکیه زده است، هر روز شاهد تکرار یکی از این دسیسه‌ها هستیم، او به آخرین دسیسه‌اش خیلی دل بسته است و از این که موفق شد اختلاف کوچکی بین مجلس و روحانیت ایجاد کند، خیلی خوشحال است. با کمال تعجب باید گفت که بعضی از روحانیون نیز به سادگی فریب او را خوردند. جناب آقای ...الدوله ظاهراً با روحانیون گرم گرفته ولی در خفا برضد مجلس فعالیت می‌کند . سید... معروف نیز که نماینده صنف اُرسی‌دوزان است، در مجلس برای آنها جاسوسی می‌کند. به خدا قسم اُرسی‌دوزان حتی فکر انتخاب کردن او را هم نمی‌کردند.

ای مردم، هشیار باشید، حضرات مشغول توطئه هستند! عنقریب است که سالدات‌ها و قزاق‌های روس جلو چشممان به زنانمان تجاوز کنند و ما نتوانیم حرفی بزنیم. به خدا قسم مسبب تمام این بدبختی‌ها و فلاکت‌ها شخص محمدعلی شاه است. او برای نابودی شما شب و روز نقشه می‌کشد. او محال است خود را اصلاح کند. شما اکنون، یکسال تمام است که با خلوص نیت، درخواست می‌کنید، التماس می‌کنید، ولی هیچ فایده‌ای ندارد. این مرد آنقدر با شما دشمن است که هرچه بیشتر التماس بکنید، جری‌تر می‌شود و هرچه بیشتر آه و ناله بکنید خوشحال‌تر می‌شود. پس باید خودتان به فکر خودتان باشید. وقت تنگ است. محمدعلی شاه و دار و دسته‌اش سخت مشغول توطئه هستند. هوشیار باشید. اول دشمن داخلی را از سر راهتان بردارید و بعد به فکر مبارزه با دشمن خارجی بیفتید.

خداگواه است وزراء تقصیری ندارند، تاوقتی که محمدعلی شاه زنده است، خوش نیّت‌ترین افراد نیز قادر نیستند کوچک‌ترین قدمی در راه خیر و صلاح این ملت بردارند. خلاصه هرچه بیشتر فکر می‌کنیم، می‌بینیم که هر کاری که می‌خواهیم بکنیم، شاه نمی‌گذارد. امیدواریم خداوند یک نفر دیگر، مانند عباس آقا (قاتل اتابک) را از میان مردم برانگیزد، تا ما را از شرّ این مرد خبیث خلاص کند».

این نوع تهدیدها، با وجود تو خالی بودنشان، بی‌اثر نبود. علاوه بر این، نمایندگان تبریز هم که چند تن آدم لایق و شجاع بینشان دیده می‌شد، قاطعانه با شاه مبارزه می‌کردند. سرانجام شاه، روز ۸ اکتبر، با صدور دستخطی، واگذاری اکثر حقوق و امتیازات پادشاهان قاجار را به ملت تأیید کرد.

در پایان سال ۱۹۰۷م. با تصویب متمم قانون اساسی، مجلس قانوناً به قدرتمندترین نهاد سیاسی کشور تبدیل شده بود. شاه دیگر از حیث قانونی، در این تاریخ، نقش چندانی در ادارهٔ امور کشور نداشت. حتی دیگر نمی‌توانست، با خودداری از امضاء مصوبات مجلس، به مبارزهٔ منفی بپردازد.

این قانون اساسی برای ایران بسیار پیشرفته و مترقیانه است. هدف اصلیش سر و سامان دادن به دستگاه دولت و رفع نواقصی است که ما آنها را



برشمردیم. این واقعیت که مجلس اول توانست در عرض دوازده ماه، قانون اساسی و متمم آن، حقوق شاه و مردم، حدود قدرت وزرا، مجلس و مجلس سنا و اقتدارات محاکم، قوانین مالیات‌ها و دیوان محاسبات را تصویب کند، خود گواه صادقی بر استعداد و هوشمندی ایرانیان است.

در این جا برای پی بردن به آمال و آرزوهای آزادی‌خواهان ایران، بد نیست نگاهی به مفاد قانون اساسی بیندازیم.

با ملاحظهٔ اصول ۳۵ تا ۵۷، که حقوق فرمانروا را تعیین می‌کند، می‌بینیم که برای پادشاه، تقریباً چیزی از قدرت اجرایی باقی نمانده است. این موضوع که چطور ممکن شد قدرت شاه را تا این اندازه محدود کنند،زمانی بهتر قابل فهم می‌گردد که در نظر داشته باشیم که شاه ایران، برخلاف سلطان عثمانی، هیچ گاه ولایت روحانی و قدرت دنیوی را در دست نداشته است. به‌خصوص سلسلهٔ قاجار، در نظر مردم و روحانیت، سلسله‌ای غاصب به شمار می‌رود، چون همانطور که قبلاً گفتیم خون [حضرت] علی[ع] و [حضرت] فاطمه[س] در رگ‌هایش جریان ندارد. قدرت شاه در قانون اساسی محدود است به پیشنهاد لوایح قانونی از طرف هیئت وزراء به مجلس، توشیح مصوبات مجلس شورا و سنا، صدور دستخط و فرمان که به امضاء وزرای مربوطه رسیده باشد، و صدور فرمان عزل و نصب وزراء و مأمورین عالی‌رتبهٔ دوایر داخلی و خارجی دولت، فراخواندن مجلس سنا و شورا برای تشکیل جلسهٔ فوق‌العاده و حقوقی چون اعلان جنگ و عقد صلح، فرماندهی کل نیروهای برّی و بحری، اعطاء درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری که بیشتر جنبهٔ تشریفاتی دارد.بدین شکل مجلس به نهادی بسیار قدرتمند تبدیل گردید. علاوه بر حق قانونگذاری، که در آن با مجلس سنا شریک است، یگانه نهادی است که حق دارد قوانین را تفسیر کرده و بر امور مالی کشور نظارت کند. مخارج نظامی باید به تصویب مجلس برسد. اعضاء دیوان محاسبات را مجلس انتخاب می‌کند. مجلس قادر است وزراء را محاکمه کرده و یا با استیضاح و دادن رأی کبود از کار برکنار کند. حتی پادشاه نیز موظف است قبل از تاجگذاری در مجلس حضور یافته و برای حفظ و نگاهبانی از قانون اساسی و وظایف سلطنت سوگند یاد کند.

یکی از طبقات اجتماعی که موضع گیریش در رابطه با اصلاحات مترقیانه مجلس، بسیار اهمیت داشت روحانیت است. قشر بالای روحانیت، همیشه در مقابل دولت و ملت از استقلال نسبی برخوردار است. ولی قشر پائین روحانیت از حیث موقعیت و معیشت کاملاً متکی به مردم است. همانطور که قبلاً گفتیم بسیاری از روحانیون از راه تدوین قراردادها و اسناد تجاری، قضاوت در دادگاههای رسمی و غیررسمی امرار معاش می‌کنند. قشر پائین روحانیت به هنگام شروع جنبش و آغاز مناقشه بین شاه و مردم، برای کسب وجهه جانب مردم را گرفتند و به اعتبار نظامنامه انتخابات که در آن قید شده است که فقط افراد باسواد حق انتخاب شدن را دارند، تعداد زیادی روحانی به مجلس راه یافتند. لیکن وقتی اصلاحات آغاز شد و در پیش‌نویس قانون اساسی صحبت از اصولی مانند تساوی همه اهالی در مقابل قانون، آزادی عقیده و بیان و اقتدارات محاکم (هیچ کس را نمی‌توان از محکمه‌ای که باید درباره او حکم کند منصرف کرد) به میان آمد، عده‌ای از جنبش کناره گرفته و گروهی خاموشی گزیدند و عده‌ای نیز در خفا به مخالفین مجلس پیوستند.

بدین علت مجلس صلاح دید، در نخستین اصول متمم قانون اساسی تأکید کند که مذهب رسمی ایران طریقه حقه جعفریه اثنی عشری است و پادشاه ایران باید دارا و مروج این مذهب باشد. بعلاوه کلیه لوایح، تقدیمی به مجلس نباید، در هیچ عصری از اعصار، مخالفتی با قواعد اسلام داشته باشد. تشخیص این امر نیز به عهده هیأتی گذاشته شده است که علما از بین خود انتخاب می‌کنند. این هیأت نباید از پنج نفر کمتر باشد و تنها شرطی که برای اعضاء آن قید گردیده این است که باید «مطلع از مقتضیات زمان هم» باشند. تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع «آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد». مطبوعات نیز «به جز کُتب ضاله و مواد مضر به دین مبین اسلام» آزاد است. اصلاح‌طلبان تنها در یک مورد و آن هم تشکیل محاکم بود که موفق شدند زیرا در قانون اساسی محاکم رسمی پیش‌بینی شده است. اما نظر به وسعت قانون شرع اسلام، نفوذ آنها بر دستگاه قضائی کشور از بین نخواهد رفت. بدین شکل ملاحظه می‌شود که تحولات اخیر ایران مسائلی را پدید آورد که تا چند سال پیش احدی به فکر آنها نبود.

تدوین و تصویب متمم قانون اساسی و امضاء آن توسط شاه، بزرگترین موفقیت مجلس اول به شمار می‌رود. مجلس که بعد از این پیروزی به شُجاعتش افزوده شده بود، طبق معمول ایرانیان که به قدرت‌طلبی و انحصارگری گرایش دارند، کوشید با سلب کامل قدرت از شاه، خود به فرمانروای مطلق ایران بدل گردد. برخورد شاه با مجلس امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بود. عده‌ای از رجال و سیاستمداران ایران نیز که قدرت و اقتدار شاه را، برای وحدت بخشیدن به اقوام گوناگون ساکن فلات ایران، لازم می‌شمردند و تصور می‌کردند مردم ایران برای پذیرش رژیم مشروطه هنوز آمادگی ندارند، به هواداران شاه پیوستند. در این گیر و دار که مبارزه بر سر تصاحب قدرت بین شاه و مجلس جریان داشت، مجلس به یک پیروزی دیگر نائل آمد و موفق شد اداره خزانه را نیز به عهده بگیرد و عایدی سالیانه شاه را به مبلغ سی هزار تومان و سی هزار خروار گندم و سی هزار خروار کاه محدود کند. این عایدی هرچند به نظر زیاد است ولی در مقایسه با اختیار بی‌حد سابق، بسیار اندک است. ظاهراً این اقدام مجلس شبیه به مقرراتی است که در کشورهای پادشاهی مغرب زمین وجود دارد. ولی منظور اصلی مجلس از تصویب این قانون این بود که با محدود کردن

شاه از حیث قانونی حتی نمی‌توانست با خودداری از امضاء مصوبات مجلس، به مبارزهٔ منفی بپردازد

منابع مالی شاه قدرت مقاومت و ابراز عکس‌العمل را از او سلب کند. شاه به ظاهر موافقت کرد و حتی یک روز، با کلیه فرماندهان نظامی، در مجلس، که آنرا بدین منظور تزئین کرده بودند، حاضر شد و یکبار دیگر به قرآن سوگند یاد کرد که قانون اساسی را محترم شمارد. اما در خفا همچنان خود را برای مقابله با مجلس آماده می‌کرد.

هنوز دو هفته از این واقعه نگذشته بود که درخواست نمود، در قانون اساسی که خود آن را پذیرفته بود، تغییراتی داده شود و مجلس را به مداخله نیروهای نظامی وفادار به خود، تهدید کرد.اتکای شاه بیشتر بر بریگاد قزاق بود. فرماندهی این بریگاد که از سه هزار سرباز ایرانی و چهل افسر روسی تشکیل می‌شد، با ژنرال «لیاخوف» روسی بود. ولی در ماه دسامبر ۱۹۰۷ م هنوز نیروهای آزادیخواه در اکثریت بودند و به همین خاطر، شاه ناگزیر شد، دوباره نزد رئیس مجلس برای حفظ و عدم‌ضدیت با قانون اساسی، به قرآن سوگند بخورد. این واقعه در روز ۱۳ ژانویه ۱۹۰۸م. اتفاق افتاد. از این تاریخ به بعد نفوذ مجلس رفته رفته رو به کاهش می‌نهد.

تغییرات و تحولات آنقدر سریع بوده است که توده‌های مردم نتوانستند به ارزش واقعی آنها پی ببرند. از این تاریخ به بعد نه فقط هواداران جدیدی به مجلس نمی‌پیوندند، بلکه عده زیادی از طرفداران گذشته نیز که برای منافع شخصی از مجلس جانبداری می‌کردند، خود را کنار می‌کشند. بعد از آنکه مجلس اصلاحاتش را شروع می‌کند، گروه دیگری، که در اثر این اصلاحات به منافعشان لطمه خورده، مانند «تیول‌داران» و «مستمری‌بگیران»، به مخالفین مجلس می‌پیوندند و موجب می‌شوند طرفداران

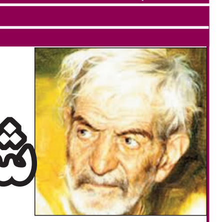
شاه قدرت بیشتری کسب کنند. البته در این مدت روسها نیز که اصلاحات ناسیونالیستی مجلس را با اهداف خود در ایران مغایر می‌دیدند، شاه را تشویق و ترغیب می‌کردند که در مقابل مجلس ایستادگی کند. در این جا باید متذکر شویم که در اصل این دولت تزاری روسیه بود که با در اختیار گذاشتن منابع مالی و کارآیی افسران روسی بریگاد قزاق، که ظاهراً روسیه‌ای در دست شاه، ولی در اصل برای کشور متبوعشان فعالیت می‌کردند، موجب شد که شاه بتواند با موفقیت کودتایی را که در نظر داشت اجراء کند. شاه نیز با صبر و حوصله مقدمات کودتا را فراهم می‌کند و از دادن رشوه و تطمیع مخالفان نیز ابایی ندارد.

امور ایالات به کلی مختل می‌شود. بین انجمنهای محلی و مأمورین دولت بر سر دریافت مالیاتها اختلاف پیش می‌آید و مردم نیز از فرصت استفاده کرده و به هیچ یک از طرفین مالیات نمی‌پردازند. اوائل ماه ژوئیه، شاه و اطرافیانش از تهران خارج شده و در یکی از قصرهای سلطنتی خارج از شهر به نام «باغشاه» مستقر می‌شوند. بریگاد قزاق برای اجرای کودتا و اراذل و اوباش نیز برای قتل و غارت آماده می‌شوند. شاه ترک تهران را با این بهانه که درون حصار شهر از امنیت کافی برخوردار نیست، توجیه می‌کند. اما او در اصل تهران را از این جهت ترک می‌کند که با خیال راحت و به دور از چشم مجلس کودتا را به انجام رساند. روز ۲۲ ژوئن، نیروهای تحت فرمان شاه، به طرف شهر پیش می‌آیند، دروازه‌ها را اشغال کرده و ساختمان مجلس را که مشروطه‌خواهان آنجا را سنگربندی کرده بودند، به توپ می‌بندد. خانه آزادیخواهان غارت می‌شود و دستگیری رهبران مجلس آغاز می‌گردد. تمام رهبران مشروطه و به خصوص خُطبا و نویسندگان جراید که علیه فساد دستگاه حکومت، عهدشکنی، مالدوستی و سایر خصوصیات ناپسند شاه مطالبی نوشته بودند و یا خطر اشغال ایران توسط روسیه تزاری را گوشزد نموده بودند، به «باغشاه» برده می‌شوند.

نگارستان

میلاد عظیمی ۵

توبهٔ شهریار



خراب از یاد پاییز خمارانگیز تهرانم
خمار آن بهار شوخ و شهر آشوب تهرانم
خدایا خاطرات سرکش یک عمر شیدایی
گرفته در دماغی خسته چون خوابی پریشانم
خیال رفتگان، شب تا سحر در جانم آویزد
خدایا این شب‌آویزان چه می‌خواهند از جانم

شهریار از وقتی که از تهران به تبریز برگشت تا آخر عمر هم لحظات شاعرانه و انفجارهای عاطفی تو شعرش بود. بهش گفتم: شهریار هر چی خوب بود کنار گذاشتی و هر چی بد بود گرفتی. غش‌غش می‌خندید... می‌گفتم: آخه شهریار آدم سازو می‌ذاره کنار و خرقهٔ زهد می‌پوشه (قریب به مضمون) اونم می‌خندید.

این شعر بعد از همین توبه شهریار ساخته شده. از عاشق بودن و موسیقی و اینا توبه کرده و گفته اینها مانع رسیدن به حقه فقط یک آدمی مثل شهریار می‌تونه این حرفو بزنه (با قاطعیت تمام این جمله را می‌گوید)... دلش تنگ می‌شه؛ برای سازش، می‌گه:

نه جامی کو دمد در آتش افسرده جان من
نه دودی کو برآید از سر شوریده سامانم
گره شد در گلویم ناله جای سیم هم خالی
که من واخواندن این پنجهٔ پیچیده نتوانم

عجیبه!... شهریار تا آخر عمرش دلش پر می‌زد برای سازش. من می‌دونم چه حسرتی می‌کشید... اما خیال می‌کرد معصیت می‌کنه...

* تو همین شعر این بیت درخشان خلاصه اون شعر «زورق» رمبو است:

چه دریایی، چه طوفانی که من در پیچ و تاب آن
به زورق‌های صاحب کشتهٔ سرگشته می‌مانم

از عاشق بودن و موسیقی توبه کرد و گفت اینها مانع رسیدن به حق است...

دستگاه پخش صوت را روشن می‌کند... شهریار شعرش را با آواز خستهٔ سوختهٔ خود می‌خواند... سایه می‌خندد، گریه می‌کند، کیف می‌کند، غصه می‌خورد؛ با شهریار می‌خواند و چون کشتی بی‌لنگر در دریایی «یادهای انبوه» کژ و مژ می‌شود. عشق به شهریار مثل آب گوارا از بن جان و دلش می‌جوشید و از چشمش سرازیر می‌شود. جاهایی که شهریار بغض می‌کند، سایه انگار که در کنار شهریار نشسته با او دعوا می‌کند که: آخه مرد! این چه کاری بود که با خودت کردی!؟ شهریار می‌خواند:

شکفته شمع دمسازم چنان خاموش شد کزوی
به اشک توبه خوش کردم که می‌بارد به دامانم
به بحرانی که کردم آتشم شد از عرق خاموش
خوشا آن آتشین تبها که دلکش بود هذیانم

از این شورم که امشب زده به سر آشفته و سنگین
چه می‌گویم نمی‌فهمم!چه می‌خواهم نمی‌دانم

نمی‌دونم... شاید هم که شهریار روغن ریخته رو نذر امامزاده کرده. به دیوانش نگاه کنید؛ وقتی از تهران رفت شور جوانی‌اش تحلیل رفته. شاید خودش متوجه این مسئله شده... نمی‌دونم! شهریار خیلی خوب شعر رو می‌شناخت ولی درباره شعر خودش عاجز بود. چون عاطفی نگاه می‌کرد به شعر... این توبه‌اش هم مثل همه کارهاش عجیب بود.

شهریار بعد از توبه دیگه شعرو هم به یه معنا کنار گذاشت و دیگه شعر عاشقانه نگفت. می‌گفت اینها همه حجابه. نمی‌دونست که:بی این لب و چشم بخت خندیدن نیست

هذیان دل

* استاد! پیش اومده که شهریار « هذیان دل» را برای شما بخواند؟

*فراوون، بارها. توضیح هم می‌داد... من چند بار بهش گفتم: شهریار جان، بیا این « حیدر بابا» را به فارسی ترجمه کن، می‌گفت: همین « هذیان دله» دیگه، همین حرفهارو من تو «حیدربابا» هم گفتم. خیلی قشنگه، شهریار می‌گفت: من همهٔ این شعرها رو مدیون نیما هستم: نیما چشم منو باز کرد. خیلی با تجلیل از نیما یاد می‌کرد.

من به گهواره حافظ، که چو طفل نازم
خواب «افسانه» ربود و عجبم رؤیا بود
آری آن خوان دلاویز که نیما گسترد
سالها رفت که کار من و دل یغما بود
افسانه عمرم آورد خواب
عمری که نبود خواب دیدم
در سیل گذشت روزگاران
امواج به پیچ و تاب دیدم
از عشق و جوانیم چه پرسی
من دسته گلی بر آب دیدم
دل بدرقه با نگاه حسرت

این تک جمله‌هاش فوق‌العاده است: ای وای چه بی‌وفاست دنیا؛ تا شمع کی انتقام گیرد؛ یک اشک درشت کوکب صبح...یا اونجا که قصر اتابک رو تعریف می‌کنه و می‌گه: چون پیر پس از قبیله مانده...خیلی وحشتناکه:

ناگاه فراز غرفه خندان
حافظ که به زهره نرد می‌باخت
زانو زده بودم اشک ریزان
کز طرف دریچه گردن افراخت
لبخند زنان کلاه رندی
از سر بگرفت بر من انداخت

این شعر پر از لحظاتیه که توش یه مرتبه یه انفجار عاطفی و شاعرانه رخ می‌ده:لالای گل فسرده لالای...

می‌دونید این یه قصه ترکیه دیگه، آواز خیلی غمگینی هم هست.

سارا و سیل می‌بره، خودشو می‌اندازه تو رودخونه، برای اینکه دستور پدر و رد نکرده باشه و در عین حال گوش هم نکرده باشه. سارا رو می‌خواستن بدن به یک خانی و اون هم خودشو غرق می‌کنه.

آن بید کنار جاده ده
آیا که پس از منش گذر کرد
هر برگی از آن زبان دل بود
با من چه فسانه‌ها که سر کرد
او ماند و جوان عاشق از ده
شب همره کاروان سفر کرد
ای وای چه بی‌وفاست دنیا
از عینک پیر زن نگاهی
کردم به گذشتهٔ حزینش
در باغ شباب دختری مست
می‌آمد و ناز بر زمینش
هی کاخ امید و آرزو ریخت
هی طرّه به چهره داد چینش
تا خم شد و موی گشت کافور

خیلی شعر خوبیه، تصاویر عجیب و غریبی داره که حیرت آوره؛ زبان تمیز، عاطفهٔ... خیلی چیزهای عجیب و غریب تو این شعر هست:

روزی که زمین جدا شد از مهر
دلگرمی بازگشت خود را

یعنی خیال می‌کرد دوباره بر می‌گردد...

ادامه دارد

عکس های تاریخی/ ۱۷


شهریار با کلاه شاپوی معروفش

ابتهاج: به گمان من در سرتاسر تاریخ غزل ما، غزل شهریار بی‌نظیره؛ این فوران عاطفی که در غزل شهریار و در شعر شهریار هست اصلاً ما حتی در سعدی هم سراغ نداریم. مضمون شاید تو دیوان دیگران باشه ولی عاطفه نیست. من نمی‌دونم با این کلمات چی‌کار می‌کنه که این‌طور عاطفی می‌شه... اگه دیوان شهریار پالایش بشه، از دیوان‌های درخشان شعر فارسی می‌شه.

خاطره

روایتی از دکتر مهدوی دامغانی

ماجراهای آقای میم

در سال ۱۳۲۸ بنده به دفتریاری دفتر ۲۵ طهران منسوب شدم، ولی عملاً بر طبق دستور مرحوم یوسف جوادی مدیر کل بسیار مقتدر و مستبد ثبت اسناد و مرحوم مغفور غلامحسین صارمی، رئیس ثبت طهران (وکیل بعدی شیراز در مجلس) می‌بایست امور آن دفتر را خودم اداره کنم ـ آن دفترخانه، مشتریان بسیار معروف و متشخص داشت که از جمله آنان، آقای میم و همسرش خانم جیم بودند...

اما در سال ۱۳۲۸ خانم جیم، آن خانم جیم پیشین نبود؛ و حالا به قول سعدی: «شهره شهر و فتنهٔ خیل» شده بود، و مقامی یافته بود؛ زیرا علاوه بر «روی خوش»، «خوی نکو» هم داشت و این دو موهبت عظمی، علو مقام و نفوذ کلام فراوانی برای او کسب کرده بود.شوهر محبوب او هم سخت دلداده این همسر زیبا بود، خاصه آن که خداوند پسر یکی و یکدانه‌ای هم به آنها عنایت فرموده بود.

خب، ریاست و آقایی خرج دارد، و اداره کردن چنان زندگی مجلل، با آن همه رفت و آمد، گنج قارون می‌خواهد، و باده‌های عایدی مشروع تاجری، که خصوصاً با ارحام و اقوامی که دل خوشی هم از او ندارند شریک باشد، به ضمیمه حقوق وکالت مجلس کفاف چنان مستی‌ای را نمی‌دهد.

این بود که در سال ۱۳۲۶ خانم جیم، همسرش را واداشته بود که از تجارت به صناعت روی آورد و کارخانه ... سازیئی، در همان ولایت آباء و اجدادی‌اش، که مواد اولیه آن «صنعت» در آنجا به فراوانی و ارزانی به دست می‌آمد دایر کند.آن مرد محتشم نیز (و به راستی مردی بزرگ‌منش بود) با ریسمان پوسیده همسر عزیزش به چاه رفت، و بیچاره از زی خود خارج شد.

میان ما آخوندهای مستعرب! عبارتی رایج است که: «مَن خَرَجَ عَن زِیّهِ فَدَمُه هَدر» (هر که از زی و روش (یا جامه مُتناسب) خود بیرون رود، خونش به پای خودش است.)

آن کار به سرمایه‌ای افزون بر موجودی، و سرمایه فعلی آقای میم نیاز داشت، لذا آقای میم از شرکا خود جدا می‌شود و سهمیه‌اش را از تجارتخانه‌هایی که در آلمان و ایران داشت می‌ستاند و به چاه ویل «کارخانه» کذایی می‌ریزد و آنچه سرمایه دارد تمام می‌شود، ولی کارخانه تمام نمی‌شود و همچنان ناتمام است و به قول قدیمی‌ها:

تمام شد کار پوستین، مانده پس و پیش و جفت آستین...

وصف‌الحال آن است که به صورت شیر بی‌دُم و سر و اشکمی در جنگل‌های... آرمیده است. خانم جیم که تقربی تمام در نزد مادر شاه داشت، در اوایل سال ۱۳۲۷ واسطه می‌شود و یک میلیون تومان (توجه دارید که در سال ۱۳۲۷، این وجه، مبلغ هنگفتی بوده است) از مادر شاه به صورت وام شش ماهه، اسماً برای شوهرش دست و پا می‌کند و سند ذمه‌ای این یک میلیون تومان هم در دفتر به ثبت می‌رسد ولی گرچه به تعبیر این روزها «تزریق» تمام یا قسمتی از آن یک میلیون تومان، مختصر پیشرفتی را در تأسیس کارخانه موجب شد، اما تا فراهم آوردن کادر فنی کارآمد، و وصل ماشین‌آلات مربوطه از اروپای سال ۱۹۴۹ جهت بهره‌برداری، هنوز فاصله زیاد بود....

از این رو آقای میم که از حسن شهرت و معروفیتی در شهر خود برخوردار بود، دو سه نفر از تجار جوان و کم‌تجربه همشهری خود را نیز در کارخانه شریک کرد، و به هر جان کندنی بود، کارخانه بالک ولکی به راه افتاد، ولی خرجش بیست و دخلش نوزده بود.

با این همه، در طول سال‌های ۳۲ ـ ۱۳۲۸، آقای میم خود را از تک و تا نمی‌انداخت، و چون به مناسبت آن که عضو یکی از فراکسیون‌های پرسروصدای مجلس بود، نامش زیاد بر سر زبان‌ها و صفحات جراید جاری می‌شد، و در این مدت و سال‌های بعد، تا آنجا که من بنده که دیگر خودم سردفتر همان دفتر ۲۵ شده بودم (سردفتر پیشین، مرحوم فطن‌الدوله، به رحمت الهی رفته بود) و در حد مداخله و اطلاعی که از امور آقای میم و خانم جیم و از زندگانی آنان داشتم، وضع بدک نبود.

به نظرم در سال ۱۳۳۵ بود که آقای میم، باغ و منزل یکی از وزیران و امیران اسبق دوران رضاشاه را هم در شمیران، به نام خانم جیم و فرزندشان خریداری کرد، و آنان بدان خانه مجلل نقل مکان کردند، اما در موقع ثبت و امضا سند، آن شور و شعف لازمی را که معمولاً خریداران در چنین مواقعی از خود نشان می‌دهند، در آنها ندیدم.خدا رحمت کند سعدی و قائم‌مقام فراهانی را که فرموده‌اند:

بس بگردید و بگردد روزگار
دل به دنیا در نبندد هوشیار

و یا:

روزگار است اینکه گه عزت دهد گه خوار دارد
چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

از اواسط سال ۱۳۳۶ به بعد، رفت و آمد آقای میم به دفتر، برای امضا اسنادی تعهدآور مکرر شد، و خانم جیم هم گاهی سری به دفتر می‌زد، و بعضی سؤالات که حاکی از ایجاد فاصله‌ای میان خود و شوهرش بود از من می‌کرد.

فی‌المثل تکلیف حضانت فرزند را در صورت وقوع طلاق می‌پرسید؛ ولی همواره می‌گفت: «یکی از دوستانم خواهش کرده است که از شما بپرسم...»

در اواخر سال ۱۳۳۶ یا اوایل ۱۳۳۷ که دیگر آقای میم به نمایندگی «انتخاب»(!) نشده بود، یک روز او سرزده و بدون تعیین وقت قبلی، به دفتر آمد و ضمن ابراز محبت و اظهار کمال تشکر از من و اینکه در طول ده دوازده سالی که با من آشنایی و دوستی و مراوده کاری داشته است از من جز صداقت و صراحت و امانت ندیده است (والعهده علیه!) گفت: «من برای خداحافظی از شما آمده‌ام، چون لازم است برای معالجه به اروپا بروم، ولی خواستم عرض کنم که من از هر جا که باشم، مرتباً با شما مکاتبه خواهم داشت و در انجام امورم، شما را در جریان خواهم گذاشت.»

ضمناً وکالتی هم برای مسائل همان کارخانه لعنتی، به یکی از شرکا خود داد و با من روبوسی گرمی کرد و رفت و در حالی که دست در دست هم داشتیم گفت: «من همیشه دست شما را در دست خود احساس خواهم کرد، و حفظ حقوق خودم و پسرم را، در حد مقدور، از شما انتظار دارم...» البته من از مدتی پیش، چنین



احساسی داشتم که دیگر میان آقای میم و خانم جیم روابط گرم نیست و به قول فرانسوی‌ها... Rine ne va plus

جناب‌عالی و خوانندگان محترم حق دارید از این مقدمه‌چینی‌ها کمی ملول شوید ولی صبر کنید تا در سطور آینده، بحث شیرینی را بخوانید!

روزی، مأمور پست آمد و نامه‌ای سفارشی، که از فرنگستان برای بنده رسیده بود، به دستم داد و امضا گرفت. نامه از آقای میم بود که نوشته بود: «مهدوی... بالاخره بنا شده است که با خانم متارکه کنیم و من در این باره وکالتی به جناب آقای محسن قراگزلو داده‌ام و در جوف پاکت ایشان، شرح جداگانه‌ای برای خود تو نوشته‌ام، و امیدوارم کار، به خیر و صلاح تمام شود، و مصالح و منافع پسرم محفوظ بماند و شرایطی را که در آن نامه جناب قراگزلو و مشروحه خطاب به خود تو نوشته‌ام، و جناب ایشان به تو خواهند داد اجرا شود، و همچنین اوراق و اسنادی را هم که به نحو امانت به خود تو تسلیم خواهند کرد، شخص تو که مهدوی هستی، تا وصول دستور ثانوی من، لطف کنی و نزد خودت امانت نگه‌داری و به احدی آن را ندهی!» و شرح مختصری هم از بد عهدی روزگار غدار، و بی‌وفایی چرخ کج‌رفتار و سختی معیشت خودش در آن «غربت غربیه» برایم نوشته بود، و خواهش کرده بود از این نامه، خبری به همسرش ندهم.

مدت‌ها بود پیش‌بینی چنین مسأله‌ای را می‌کردم، چرا که یکی دو سالی بود که من بانو جیم را گاه در همان حال و نگاه وضعی می‌دیدم که در سال ۱۳۲۵ وقتی که با شوهر اولش برای متارکه به دفتر مرحوم شاه‌آبادی آمد دیدم، و البته «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر ضمیر». اجازه دهید یک کمی فضل‌فروشی، و به قول آن مؤمن «استعراب» کنم(!) (کثیر، شاعر معروف عرب در قرن دوم) که به خاطر معشوقه بی‌محبتش و با اضافه به نام آن معشوقه، همه او را به نام «کثیر عزّه» می‌شناسند می‌گوید:

وَ اِن حلفت لاینقُضُ النّایُ عَهدَها
فَلَیس لِمخضُوبِ البنان یَمینُ

یعنی: «هرچند بانویی سوگند یاد کند که دوری و فراق، پیمان مهر او را نمی‌گسلد باور مکن، زیرا آن که سرانگشت بلورینش به خضاب و حنا (بخوانید «لاک»...) رنگ شده است، به سوگند پای‌بند نیست...»

نامه آقای میم را که خواندم و در صندوق دفترم گذاشتم، این بیت کُثیر عزه، و ابیات ماقبل و مابعد آن را به خاطر آوردم.

هنر

راه طولانی هنر؛ به روایت ایران درودی

تنبیه بی‌رحمانه

مادر ادامه می‌داد که اگر این را به پدر نشان بدهد و او دخترعموها را عریان ببیند، اوضاع برای من وخیم‌تر خواهد شد، بهتر است که قضیه در همین جا و برای همیشه پایان بگیرد و مدرک جرم از بین برود.

این طور بود که اولین طراحی جدی من در دست مادر مچاله شد. پس از مدتی صدای مادر لحن عادی خود را بازیافت: دیگر تکرار نشود، تو می‌باید از همه کسانی که تصویر عریانشان را کشیده‌ای، خجالت بکشی و از یکایکشان معذرت بخواهی.



ایران درودی

آن شب سر میز شام با حضور پدر، اشاره یا صحبتی در این باره نشد و کسی واژه «حمام» را به کار نبرد. در دلم از مادر تشکر کردم که چیزی در این مورد یا حداقل در حضور من به پدر نگفت. گرچه این تنبیه مادر سبب قطع رابطه چند ساله من با نقاشی شد ولی مسیر مرا عوض نکرد.

سالها طول کشید تا روزی دو مرتبه قلم به دست گرفتم و تصویری از شباهت‌های عینی یا ذهنی ارائه دادم. از آن پس جز خودم، هرگز کسی مرا در ارتباط با تصاویری که می‌آفرینم تنبیه نکرد. چقدر ظالمانه و گاه بیرحمانه است این تنبیه! آثاری را که به دلایلی دوست نمی‌دارم، می‌سوزانم. در شعله‌هایی که با ریختن نفت بر نقاشیها ایجاد می‌کنم، سوختن قسمتی از وجودم را می‌بینم. آن قسمت از وجودم را که درد می‌کند ولی چاره‌ای، جز از بین بردنش نیست.

چندی از اقامت ما در خانه نزدیک گنبد سبز می‌گذشت که کم‌کم منزل سر و شکل آبرومندانه‌ای به خود می‌گرفت. پدر این بار اسباب و اثاثیه منزل را در نجارخانه‌ای که به راه انداخته بود، می‌ساخت. اتاق‌ها به مرور فرش می‌شدند و یکی از اتاق‌ها را به من و خواهرم اختصاص دادند و پیانو را در اتاق ما گذاشتند.

نخستین درس پیانو را مادر به ما داد اما پس از آن، هر دو از یک خانم روس، درس خصوصی پیانو می‌گرفتیم و با درشکه به کلاس پیانو می‌رفتیم. درشکه‌سواری به اندازه درس پیانو لذتبخش بود. همسایه‌ها از صدای پیانو با تمرین‌های اولیه ما در امان نبودند.

کنار حیاط ورودی، آب انبارخانه، با پله‌های تند آن قرار گرفته بود که آب آشامیدنی ما از آن تأمین می‌شد. چند بار، وجود کرم‌های کوچک در ته کاسه مرا ترسانده بود تا اینکه روزی پدر با ظرف‌های بزرگ چینی با لوله‌هایی پیچ در پیچ، آب آشامیدنی ما را تصفیه کرد. روزی به خاطر بستن یکی از شیرهای این دستگاه تصفیه تنبیه شدم و این نخستین تنبیه من، توسط پدر در کودکیم بود. پدر پس از اینکه روی دستهایم که به دستور او جلویش گرفته بودم، ضربه محکمی نواخت، مرا با تعجب زیادی وارانداز کرد. انگار به این مسأله مشکوک بود که شاید رابطه این لوله‌ها و نحوه عملکرد مخزنها را می‌شناسم و به موقع از یک آبریزی، جلوگیری کرده‌ام. اما دستور پدر این بود که کسی به مخازن و شیرهایش دست نزند، در واقع من از دستور سرپیچی کرده بودم!

پدر برافروخته و متعجب، مرا که کوچکترین غمی از دریافت ضربه نداشتم می‌نگریست. من تنبیه نشده بودم، بلکه برای نخستین بار با ذهنم حضور پیدا کرده بودم!

چندی بعد، تعجب پدر تبدیل به حیرت شد، زیرا مهره‌های شطرنجی را که در نجارخانه‌اش تراشیده بود و به رنگ قرمز و سفید، درآورده، در ایوان منزل چیده بود، دوباره رنگ کرده بودم. در واقع برای اینکه رنگ مهره‌ها یکدست شود، دو مرتبه آنها را در جعبه رنگ فرو بردم و پس از خشک شدن آنها را روی صفحه شطرنج به طرز مرتبی چیدم. پدر همه را بازخواست کرد اما به تنها کسی که سوءظن نبرد، من بودم. پیشقدم شدم و اقرار کردم، انگار راضی نمی‌شد! رنگ زدن یک دست و از همه مهم‌تر، درست چیدن مهره‌ها، نمی‌توانست کار من باشد، برای اینکه خود را قانع کند که با این اقرار خواهرم را حمایت می‌کنم، بالحن کنایه‌آمیز پرسید: حتماً می‌فرمایید، بازی کردن شطرنج را هم بلد هستید؟ پاسخ دادم: کمی! اخشم پدر به رنگ مهره‌ها شد: دروغ! دروغ هم حدی دارد.

این بار دستش را محکم بر گونه‌ام کوبید. مادر سراسیمه سررسید و فریاد زد: علی بس کن. پدر دستور داد، گونه‌هایش را ببوسم و نزد او روی صندلی بنشینم. اشک‌هایم از شدت درد سرازیر شده بودند. مادر از واهمه اینکه صدای گریه‌ام بلند نشود، با دستش به من اشاره کرد و گفت: ساکت!

آیینه

دکتر محمدکاظم حسینیان

در ایران عهد قاجار؛ هوگو گروته

ارتجاع و مشروطیت

ورود نمایندگان ایالات، به خصوص نمایندگان تندرو تبریز، چنان شور و هیجانی در میان مشروطه‌خواهان پدید آورد که شاه جدید که از منابع مالی و نظامی چندانی برخوردار نبود، ناگزیر به عقب‌نشینی گردید. محمدعلی شاه روز ۱۱ فوریهٔ همان سال طی یک فرمان رسمی، تصدیق کرد که دولت ایران در «عداد دول مشروطه و صاحب کنستی توسیون است!»

در این بین مقدمات تأسیس بانک ملی تهیه شد و روز ۱۳ فوریهٔ ۱۹۰۷م. اعلامیه‌ای حاوی مفاد امتیازنامهٔ بانک منتشر گردید. از دوازده مادهٔ امتیازنامه چنین برمی‌آید که فکر اصلی مجلس، طرد سرمایه‌های خارجی و نفوذ سیاسی ناشی از آن بوده است. همین طرز فکر ضدخارجی باعث شد آقای نوز، رئیس کل مالیه از کار برکنار شود و یک ایرانی به جای او انتخاب گردد. براساس قانون، امتیازات زیادی از آنجمله، حق انتشار اسکناس، ساختن راه‌آهن و راه شوسه، کشف و بهره‌برداری از معادن و صید مروارید در خلیج‌فارس، به بانک ملی واگذار شده است. اما انتقال این امتیازات به کشورهای خارجی و حتی فروش سهام بانک به اتباع بیگانه، اکیداً قدغن و بی‌اعتبار اعلام گردیده است.

در این بین ارتجاع نیز بیکار ننشسته و در پیشرفت مشروطیت، اشکال‌تراشی می‌کرد. عده‌ای از اعیان و رجال مستبد، دور شاه گرد آمده بودند و او را تشویق می‌کردند در مقابل آزادیخواهان ایستادگی کند. اما قتل میرزا علی‌اصغر خان اتابک که برای سومین بار به صدراعظمی برگزیده شده بود و با قدرت و مهارت کشور را اداره می‌کرد. ضربهٔ قاطعی بود که بر پیکر مستبدین فرود آمد. اتابک، قبلاً، از سال ۱۸۸۸ تا ۱۸۹۵ و از سال ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۳، صدراعظم ایران بود.

مشروطه‌خواهان معتقد بودند که اتابک، رهبری مخالفین مجلس را، به عهده دارد. لیکن حقیقت این است که او نه طرفدار مستبدین بود و نه از مشروطه‌خواهان جانب‌داری می‌کرد. بلکه پیوسته درصدد بود که بین این دو نیرو، تعادلی برقرار کند. هر چند مردم، از او چندان دل خوشی نداشتند و به خاطر دست داشتنش در اخذ وام‌های سال ۱۹۰۰ و سال ۱۹۰۲، از او متنفر بودند. و حتی عده‌ای او را به همین دلیل «وطن‌فروش» می‌دانستند. وقتی پیش یکی از همدستان قاتل او کاغذی پیدا کردند که حاوی اسامی «دشمنان ملت» بود، شاه و مستبدین موقتاً از اندیشهٔ سرکوب جنبش مشروطه، منصرف گردیدند. حتی بعد از این واقعه، عدهٔ زیادی از مستبدین معروف، تغییر جبهه دادند. مثلاً علاءالدوله، یکی از برادران رئیس مجلس و نظام‌الملک فرمانده قشون تهران با تعداد دیگری از مرتجعین، «انجمنی» تشکیل دادند و از طرف انجمن نامه‌ای به شاه نوشتند که در آن قید شده بود که فقط در صورتی که شاه حقوق مردم را به رسمیت بشناسد و متمم قانون اساسی را امضاء کند، از دستوراتش کماکان اطاعت خواهند کرد! حتی اعلامیه‌ها و شب نامه‌هایی پخش شد که شاه را تهدید می‌کردند که در صورت دشمنی با مشروطیت، سرنوشتی نظیر سرنوشت اتابک در انتظارش خواهد بود. یکی از این شبنامه‌ها که مبین طرز فکر آزادیخواهان افراطی است چنین است:

«ما می‌خواهیم آدم بشویم ولی شاه نمی‌گذارد. ما می‌خواهیم خود را از شرّ استبداد خلاص کنیم ولی شاه نمی‌گذارد. ما می‌خواهیم در سایهٔ کار دستجمعی راحت زندگی کنیم ولی شاه نمی‌گذارد. ما می‌خواهیم جان و مال و شرف و عزت داشته باشیم و نمی‌خواهیم جزو وحشیان این عالم به حساب آییم ولی شاه نمی‌گذارد. ما می‌خواهیم خودمان سرنوشت خودمان را تعیین کنیم، ما می‌خواهیم مجلس داشته باشیم، ما می‌خواهیم علماء و رجالمان محترم باشند، ولی شاه نمی‌گذارد و از همه عجیب‌تر اینکه ما می‌خواهیم با این کار سرمان را میان سایر ملل بلند کنیم و می‌خواهیم شاهمان فرمانروای یک کشور قدرتمند باشد، ولی باز هم شاه نمی‌گذارد. ای مردم! بدانید که محمدعلی شاه نوکر روس‌هاست. او می‌خواهد این ملت بیچاره را به تزار روسیه بفروشد و بعد با تکیه بر قدرت آنها، مثل یک گرگ خونخوار، به جان این ملت بیفتد و گوشتش را تکه‌پاره کند. مگر راجه‌های هندوستان و امیر بخارا را نمی‌بینید؟ فرق آنها با محمدعلی شاه این است که آنها هر اشتباه و هر خبطی که مرتکب شدند از روی عدم آگاهی بود. اما در هر صورت نتیجهٔ کارشان از دست دادن استقلال و اسارت بود. اما محمدعلی شاه، واقعاً دشمن این ملت است و فقط برای منافع روس‌ها کار می‌کند. براساس اخبار موثق شاپشال خان و حاجی مفاخر مشغول دسیسه هستند و از روس‌ها پول هم می‌گیرند. آنها مشیرالسلطنه را با خود همدست کرده‌اند و می‌گویند مقداری از پول ها را به او می‌دهند. البته شاپشال تبعهٔ روسیه است و به نفع کشور خودش کار می‌کند، از او نمی‌توان ایراد گرفت ولی آن دو تن دیگر خائن و وطن‌فروش هستند. آنها تنها نیستند و عده‌ای را به دور خود جمع کرده‌اند و مشغول توطئه می‌باشند. آنها می‌خواهند مثل زالو خون ما بیچاره‌ها را بمکند.

ای مردم! به فکر مداوای این بیماری مهلک باشید. تنها با از بین رفتن امین‌السلطان دلخوش

> **شاه تصدیق کرد دولت ایران در «عداد دول مشروطه و صاحب کنستی توسیون است!»**

نباشید و بکوشید آن کسی را که هر ساعت هزاران امین‌السلطان می‌سازد، از سر راهتان بردارید. مگر نمی‌بینید که دیگر هیچ‌کس زیر بار مسئولیت نمی‌رود. مگر نمی‌بینید که آنها دوباره مشغول دسیسه‌چینی هستند؟ نکند وضعیت فلاکت‌بار خودتان را فراموش کرده‌اید، مگر نمی‌دانید که مثل یک بیمار در حال موت هستند؟ مگر چشم ندارید؟ مگر گوش ندارید؟ مگر نمی‌بینید و نمی‌شنوید که آنها هر روز یکی از دیوارهای خانه‌تان را خراب می‌کنند و چیزی نمانده که همگی زیر آوار جان بدهید؟ مگر صدای آه و نالهٔ خواهران و برادران و بچه‌های شیرخوار آذربایجانی‌تان را نمی‌شنوید که زیر شمشیر عساکر ترک جان می‌دهند و از شما کمک می‌طلبند؟ ولی شما به آنها اهمیت نمی‌دهید زیرا محمدعلی شاه با نیرنگ‌هایی که از روس‌ها آموخته، سرتان را گرم کرده است.

یکی از این دسیسه‌ها بحران هیأت وزراست. پناه بر خدا! از روزی که این مرد مستبد و نادرست بر تخت سلطنت ایران تکیه زده است، هر روز

شاهد تکرار یکی از این دسیسه‌ها هستیم، او به آخرین دسیسه‌اش خیلی دل بسته است و از این که موفق شد اختلاف کوچکی بین مجلس و روحانیت ایجاد کند، خیلی خوشحال است. با کمال تعجب باید گفت که بعضی از روحانیون نیز به سادگی فریب او را خوردند. جناب آقای ...الدوله ظاهراً با روحانیون گرم گرفته ولی در خفا برضد مجلس فعالیت می‌کند. سید... معروف نیز که نماینده صنف اُرسی‌دوزان است، در مجلس برای آنها جاسوسی می‌کند. به خدا قسم اُرسی‌دوزان حتی فکر انتخاب کردن او را هم نمی‌کردند.

ای مردم، هشیار باشید، حضرات مشغول توطئه هستند! عن‌قریب است که سالدات‌ها و قزاق‌های روس جلو چشممان به زنانمان تجاوز کنندو ما نتوانیم حرفی بزنیم. به خدا قسم مسبب تمام این بدبختی‌ها و فلاکت‌ها شخص محمدعلی شاه است. او برای نابودی شما شب و روز نقشه می‌کشد. او محال است خود را اصلاح کند. شما اکنون، یکسال تمام است که با خلوص نیت، درخواست می‌کنید، التماس می‌کنید، ولی هیچ فایده‌ای ندارد. این مرد آنقدر با شما دشمن است که هرچه بیشتر التماس بکنید، جری‌تر می‌شود و هرچه بیشتر آه و ناله بکنید خوشحال‌تر می‌شود. پس باید خودتان به فکر خودتان باشید. وقت تنگ است. محمدعلی شاه و دار و دسته‌اش سخت مشغول توطئه هستند. هوشیار باشید. اول دشمن داخلی را از سر راهتان بردارید و بعد به فکر مبارزه با دشمن خارجی بیفتید.

خداگواه است وزراء تقصیری ندارند، تاوقتی که محمدعلی شاه زنده است، خوش‌نیّت‌ترین افراد نیز قادر نیستند کوچک‌ترین قدمی در راه خیر و صلاح این ملت بردارند. خلاصه هرچه بیشتر فکر می‌کنیم، می‌بینیم که هر کاری که می‌خواهیم بکنیم، شاه نمی‌گذارد. امیدواریم خداوند یک نفر دیگر، مانند عباس آقا (قاتل اتابک) را از میان مردم برانگیزد، تا ما را از شرّ این مرد خبیث خلاص کند».

این نوع تهدیدها، با وجود توخالی بودنشان، بی‌اثر نبود. علاوه بر این، نمایندگان تبریز هم که چند تن آدم لایق و شجاع بینشان دیده می‌شد، قاطعانه با شاه مبارزه می‌کردند. سرانجام شاه، روز ۸ اکتبر، با صدور دستخطی، واگذاری اکثر حقوق و امتیازات پادشاهان قاجار را به ملت تأیید کرد.

در پایان سال ۱۹۰۷م. با تصویب متمم قانون اساسی، مجلس قانوناً به قدرتمندترین نهاد سیاسی کشور تبدیل شده بود. شاه دیگر از حیث قانونی، در این تاریخ، نقش چندانی در ادارهٔ امور کشور نداشت. حتی دیگر نمی‌توانست، با خودداری از امضاء مصوبات مجلس، به مبارزهٔ منفی بپردازد.

این قانون اساسی برای ایران بسیار پیشرفته و مترقیانه است. هدف اصلیش سر و سامان دادن به دستگاه دولت و رفع نواقصی است که ما آنها را



برشمردیم. این واقعیت که مجلس اول توانست در عرض دوازده ماه، قانون اساسی و متمم آن، حقوق شاه و مردم، حدود قدرت وزرا، مجلس و مجلس سنا و اقتدارات محاکم، قوانین مالیات‌ها و دیوان محاسبات را تصویب کند، خود گواه صادقی بر استعداد و هوشمندی ایرانیان است.

در این جا برای پی بردن به آمال و آرزوهای آزادی‌خواهان ایران، بد نیست نگاهی به مفاد قانون اساسی بیندازیم.

با ملاحظهٔ اصول ۳۵ تا ۵۷، که حقوق فرمانروا را تعیین می‌کند، می‌بینیم که برای پادشاه، تقریباً چیزی از قدرت اجرایی باقی نمانده است. این موضوع که چطور ممکن شد قدرت شاه را تا این اندازه محدود کنند، زمانی بهتر قابل فهم می‌گردد که در نظر داشته باشیم که شاه ایران، برخلاف سلطان عثمانی، هیچ‌گاه ولایت روحانی و قدرت دنیوی را در دست نداشته است. به‌خصوص سلسلهٔ قاجار، در نظر مردم و روحانیت، سلسله‌ای غاصب به شمار می‌رود، چون همانطور که قبلاً گفتیم خون [حضرت] علی[ع] و [حضرت] فاطمه[س] در رگ‌هایش جریان ندارد. قدرت شاه در قانون اساسی محدود است به پیشنهاد لوایح قانونی از طرف هیئت وزراء به مجلس، توشیح مصوبات مجلس شورا و سنا، صدور دستخط و فرمان که به امضاء وزرای مربوطه رسیده باشد، و صدور فرمان عزل و نصب وزراء و مأمورین عالی‌رتبهٔ دوایر داخلی و خارجی دولت، فراخواندن مجلس سنا و شورا برای تشکیل جلسهٔ فوق‌العاده و حقوقی چون اعلان جنگ و عقد صلح، فرماندهی کل نیروهای برّی و بحری، اعطاء درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری که بیشتر جنبهٔ تشریفاتی دارد. بدین شکل مجلس به نهادی بسیار قدرتمند تبدیل گردید. علاوه بر حق قانونگذاری، که در آن با مجلس سنا شریک است، یگانه نهادی است که

حق دارد قوانین را تفسیر کرده و بر امور مالی کشور نظارت کند. مخارج نظامی باید به تصویب مجلس برسد. اعضاء دیوان محاسبات را مجلس انتخاب می‌کند. مجلس قادر است وزراء را محاکمه کرده و یا با استیضاح و دادن رأی کبود از کار برکنار کند. حتی پادشاه نیز موظف است قبل از تاجگذاری در مجلس حضور یافته و برای حفظ و نگاهبانی از قانون اساسی و وظایف سلطنت سوگند یاد کند.

یکی از طبقات اجتماعی که موضع گیریش در رابطه با اصلاحات مترقیانه مجلس، بسیار اهمیت داشت روحانیت است. قشر بالای روحانیت، همیشه در مقابل دولت و ملت از استقلال نسبی برخوردار است. ولی قشر پائین روحانیت از حیث موقعیت و معیشت کاملاً متکی به مردم است. همانطور که قبلاً گفتیم بسیاری از روحانیون از راه تدوین قراردادها و اسناد تجاری، قضاوت در دادگاههای رسمی و غیررسمی امرار معاش می‌کنند. قشر پائین روحانیت به هنگام شروع جنبش و آغاز مناقشه بین شاه و مردم، برای کسب وجهه جانب مردم را گرفتند و به اعتبار نظامنامه انتخابات که در آن قید شده است که فقط افراد باسواد حق انتخاب شدن را دارند، تعداد زیادی روحانی به مجلس راه یافتند. لیکن وقتی اصلاحات آغاز شد و در پیش‌نویس قانون اساسی صحبت از اصولی مانند تساوی همه اهالی در مقابل قانون، آزادی عقیده و بیان و اقتدارات محاکم (هیچ کس را نمی‌توان از محکمه‌ای که باید درباره او حکم کند منصرف کرد) به میان آمد، عده‌ای از جنبش کناره گرفته و گروهی خاموشی گزیدند و عده‌ای نیز در خفا به مخالفین مجلس پیوستند.

بدین علت مجلس صلاح دید، در نخستین اصول متمم قانون اساسی تأکید کند که مذهب رسمی ایران طریقه حقه جعفریه اثنی عشری است و پادشاه ایران باید دارا و مروج این مذهب باشد. بعلاوه کلیه لوایح، تقدیمی به مجلس نباید، در هیچ عصری از اعصار، مخالفتی با قواعد اسلام داشته باشد. تشخیص این امر نیز به عهده هیأتی گذاشته شده است که علما از بین خود انتخاب می‌کنند. این هیأت نباید از پنج نفر کمتر باشد و تنها شرطی که برای اعضاء آن قید گردیده این است که باید «مطلع از مقتضیات زمان هم» باشند. تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع «آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد». مطبوعات نیز «به جز کُتب ضاله و مواد مضر به دین مبین اسلام» آزاد است. اصلاح‌طلبان تنها در یک مورد و آن هم تشکیل محاکم بود که موفق شدند زیرا در قانون اساسی محاکم رسمی پیش‌بینی شده است. اما نظر به وسعت قانون شرع اسلام، نفوذ آنها بر دستگاه قضائی کشور از بین نخواهد رفت. بدین شکل ملاحظه می‌شود که تحولات اخیر ایران مسائلی را پدید آورد که تا چند سال پیش احدی به فکر آنها نبود.

تدوین و تصویب متمم قانون اساسی و امضاء آن توسط شاه، بزرگترین موفقیت مجلس اول به شمار می‌رود. مجلس که بعد از این پیروزی به شُجاعتش افزوده شده بود، طبق معمول ایرانیان که به قدرت‌طلبی و انحصارگری گرایش دارند، کوشید با سلب کامل قدرت از شاه، خود به فرمانروای مطلق ایران بدل گردد. برخورد شاه با مجلس امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بود. عده‌ای از رجال و سیاستمداران ایران نیز که قدرت و اقتدار شاه را، برای وحدت بخشیدن به اقوام گوناگون ساکن فلات ایران، لازم می‌شمردند و تصور می‌کردند مردم ایران برای پذیرش رژیم مشروطه هنوز آمادگی ندارند، به هواداران شاه پیوستند. در این گیر و دار که مبارزه بر سر تصاحب قدرت بین شاه و مجلس جریان داشت، مجلس به یک پیروزی دیگر نائل آمد و موفق شد اداره خزانه را نیز به عهده بگیرد و عایدی سالیانه شاه را به مبلغ سی هزار تومان و سی هزار خروار گندم و سی هزار خروار کاه محدود کند. این عایدی هرچند به نظر زیاد است ولی در مقایسه با اختیار بی‌حد سابق، بسیار اندک است. ظاهراً این اقدام مجلس شبیه به مقرراتی است که در کشورهای پادشاهی مغرب زمین وجود دارد. ولی منظور اصلی مجلس از تصویب این قانون این بود که با محدود کردن

> **شاه از حیث قانونی حتی نمی‌توانست با خودداری از امضاء مصوبات مجلس، به مبارزهٔ منفی بپردازد**

منابع مالی شاه قدرت مقاومت و ابراز عکس‌العمل را از او سلب کند. شاه به ظاهر موافقت کرد و حتی یک روز، با کلیه فرماندهان نظامی، در مجلس، که آنرا بدین منظور تزئین کرده بودند، حاضر شد و یکبار دیگر به قرآن سوگند یاد کرد که قانون اساسی را محترم شمارد. اما در خفا همچنان خود را برای مقابله با مجلس آماده می‌کرد.

هنوز دو هفته از این واقعه نگذشته بود که درخواست نمود، در قانون اساسی که خود آن را پذیرفته بود، تغییراتی داده شود و مجلس را به مداخله نیروهای نظامی وفادار به خود، تهدید کرد. اتکای شاه بیشتر بر بریگاد قزاق بود. فرماندهی این بریگاد که از سه هزار سرباز ایرانی و چهل افسر روسی تشکیل می‌شد، با ژنرال «لیاخوف» روسی بود. ولی در ماه دسامبر ۱۹۰۷م هنوز نیروهای آزادیخواه در اکثریت بودند و به همین خاطر، شاه ناگزیر شد، دوباره نزد رئیس مجلس برای حفظ و عدم‌ضدیت با قانون اساسی، به قرآن سوگند بخورد. این واقعه در روز ۱۳ ژانویه ۱۹۰۸م. اتفاق افتاد. از این تاریخ به بعد نفوذ مجلس رفته رفته رو به کاهش می‌نهد.

تغییرات و تحولات آنقدر سریع بوده است که توده‌های مردم نتوانستند به ارزش واقعی آنها پی ببرند. از این تاریخ به بعد نه فقط هواداران جدیدی به مجلس نمی‌پیوندند، بلکه عده زیادی از طرفداران گذشته نیز که برای منافع شخصی از مجلس جانبداری می‌کردند، خود را کنار می‌کشند. بعد از آنکه مجلس اصلاحاتش را شروع می‌کند، گروه دیگری، که در اثر این اصلاحات به منافعشان لطمه خورده، مانند «تیول‌داران» و «مستمری‌بگیران»، به مخالفین مجلس می‌پیوندند و موجب می‌شوند طرفداران

شاه قدرت بیشتری کسب کنند. البته در این مدت روسها نیز که اصلاحات ناسیونالیستی مجلس را با اهداف خود در ایران مغایر می‌دیدند، شاه را تشویق و ترغیب می‌کردند که در مقابل مجلس ایستادگی کند. در این جا باید متذکر شویم که در اصل این دولت تزاری روسیه بود که با در اختیار گذاشتن منابع مالی و کارآیی افسران روسی بریگاد قزاق، که ظاهراً روسیه‌ای در دست شاه، ولی در اصل برای کشور متبوعشان فعالیت می‌کردند، موجب شد که شاه بتواند با موفقیت کودتایی را که در نظر داشت اجراء کند. شاه نیز با صبر و حوصله مقدمات کودتا را فراهم می‌کند و از دادن رشوه و تطمیع مخالفان نیز ابایی ندارد.

امور ایالات به کلی مختل می‌شود. بین انجمنهای محلی و مأمورین دولت بر سر دریافت مالیاتها اختلاف پیش می‌آید و مردم نیز از فرصت استفاده کرده و به هیچ یک از طرفین مالیات نمی‌پردازند. اوائل ماه ژوئیه، شاه و اطرافیانش از تهران خارج شده و در یکی از قصرهای سلطنتی خارج از شهر به نام «باغشاه» مستقر می‌شوند. بریگاد قزاق برای اجرای کودتا و اراذل و اوباش نیز برای قتل و غارت آماده می‌شوند. شاه ترک تهران را با این بهانه که درون حصار شهر از امنیت کافی برخوردار نیست، توجیه می‌کند. اما او در اصل تهران را از این جهت ترک می‌کند که با خیال راحت و به دور از چشم مجلس کودتا را به انجام رساند. روز ۲۲ ژوئن، نیروهای تحت فرمان شاه، به طرف شهر پیش می‌آیند، دروازه‌ها را اشغال کرده و ساختمان مجلس را که مشروطه‌خواهان آنجا را سنگربندی کرده بودند، به توپ می‌بندند. خانه آزادیخواهان غارت می‌شود و دستگیری رهبران مجلس آغاز می‌گردد. تمام رهبران مشروطه و به خصوص خُطبا و نویسندگان جراید که علیه فساد دستگاه حکومت، عهدشکنی، مالدوستی و سایر خصوصیات ناپسند شاه مطالبی نوشته بودند و یا خطر اشغال ایران توسط روسیه تزاری را گوشزد نموده بودند، به «باغشاه» برده می‌شوند.

نگارستان

میلاد عظیمی | ۵

توبهٔ شهریار



خراب از یاد پاییز خمارانگیز تهرانم
خمار آن بهار شوخ و شهر آشوب تهرانم
خدایا خاطرات سرکش یک عمر شیدایی
گرفته‌در‌دماغی خسته‌چون‌خوابی‌پریشانم
خیال رفتگان، شب تا سحر در جانم آویزد
خدایا‌این‌شب‌آویزان‌چه‌می‌خواهند‌از‌جانم

شهریار از وقتی که از تهران به تبریز برگشت تا آخر عمر هم لحظات شاعرانه و انفجارهای عاطفی تو شعرش بود. بهش گفتم: شهریار هر چی خوب بود کنار گذاشتی و هر چی بد بود گرفتی. غش‌غش می‌خندید... می‌گفتم: آخه شهریار آدم سازو می‌ذاره کنار و خرقهٔ زهد می‌پوشه (قریب به مضمون) اونم می خندید.

این شعر بعد از همین توبه شهریار ساخته شده. از عاشق بودن و موسیقی و اینا توبه کرده و گفته اینها مانع رسیدن به حقه فقط یک آدمی مثل شهریار می‌تونه این حرفو بزنه (با قاطعیت تمام این جمله را می گوید)... دلش تنگ می‌شه؛ برای سازش، می گه:

نه جامی کو دمد در آتش افسرده جان من
نه دودی کو برآید از سر شوریده سامانم
گره شد در گلویم ناله جای سیم هم خالی
که من واخواندن این پنجهٔ پیچیده نتوانم

عجیبه!... شهریار تا آخر عمرش دلش پر می‌زد برای سازش. من می‌دونم چه حسرتی می‌کشید... اما خیال می‌کرد معصیت می کنه...

* تو همین شعر این بیت درخشان خلاصه اون شعر «زورق» رمبو است:

چه دریایی، چه طوفانی که من در پیچ و تاب آن
به زورق‌های صاحب کشتهٔ سرگشته می‌مانم

> **از عاشق بودن و موسیقی توبه کرد و گفت اینها مانع رسیدن به حق است...**

دستگاه پخش صوت را روشن می‌کند... شهریار شعرش را با آواز خستهٔ سوختهٔ خود می‌خواند... سایه می‌خندد، گریه می‌کند، کیف می‌کند، غصه می‌خورد؛ با شهریار می‌خواند و چون کشتی بی‌لنگر در دریایی «یادهای انبوه» کژ و مژ می‌شود. عشق به شهریار مثل آب گوارا از بن جان و دلش می‌جوشید و از چشمش سرازیر می‌شود. جاهایی که شهریار بغض می‌کند، سایه انگار که در کنار شهریار نشسته با او دعوا می‌کند که: آخه مرد! این چه کاری بود که با خودت کردی!؟ شهریار می‌خواند:

شکفته‌شمع دمسازم چنان خاموش شد کزوی
به اشک توبه خوش کردم که می‌بارد به دامانم
به بحرانی که کردم آتشم شد از عرق خاموش
خوشا آن آتشین تبها که دلکش بود هذیانم

از این شورم که امشب زد به سر آشفته و سنگین
چه‌می گویم‌نمی فهمم!‌چه‌می خواهم‌نمی دانم

نمی‌دونم... شاید هم که شهریار روغن ریخته رو نذر امامزاده کرده. به دیوانش نگاه کنید؛ وقتی از تهران رفت شور جوانی‌اش تحلیل رفته. شاید خودش متوجه این مسئله شده... نمی‌دونم! شهریار خیلی خوب شعر رو می‌شناخت ولی درباره شعر خودش عاجز بود. چون عاطفی نگاه می‌کرد به شعر... این توبه‌اش هم مثل همه کارهاش عجیب بود.

شهریار بعد از توبه دیگه شعرو هم به یه معنا کنار گذاشت و دیگه شعر عاشقانه نگفت. می‌گفت اینها همه حجابه. نمی‌دونست که: بی این لب و چشم بخت خندیدن نیست

هذیان دل

* استاد! پیش اومده که شهریار «هذیان دل» را برای شما بخواند؟

*فراوون، بارها. توضیح هم می‌داد... من چند بار بهش گفتم: شهریار جان، بیا این «حیدر بابا» را به فارسی ترجمه کن، می‌گفت: همین «هذیان دله» دیگه، همین حرفها رو من تو «حیدربابا» هم گفتم.

خیلی قشنگه، شهریار می‌گفت: من همهٔ این شعرها رو مدیون نیما هستم: نیما چشم منو باز کرد. خیلی با تجلیل از نیما یاد می‌کرد.

من به گهواره حافظ، که چو طفل نازم
خواب «افسانه» ربود و عجبم رؤیا بود
آری آن خوان دلاویز که نیما گسترد
سالها رفت که کار من و دل یغما بود
افسانه عمرم آورد خواب
عمری که نبود خواب دیدم
در سیل گذشت روزگاران
امواج به پیچ و تاب دیدم
از عشق و جوانیم چه پرسی
من دسته گلی بر آب دیدم
دل بدرقه با نگاه حسرت

این تک جمله‌هاش فوق‌العاده است: ای وای چه بی‌وفاست دنیا؛ تا شمع کی انتقام گیرد؛ یک اشک درشت کوکب صبح...یا اونجا که قصر اتابک رو تعریف می‌کنه و می گه: چون پیر پس از قبیله مانده...خیلی وحشتناکه:

ناگاه فراز غرفه خندان
حافظ که به زهره نرد می‌باخت
زانو زده بودم اشک ریزان
کز طرف دریچه گردن افراخت
لبخند زنان کلاه رندی
از سر بگرفت بر من انداخت

این شعر پر از لحظاتیه که توش یه مرتبه یه انفجار عاطفی و شاعرانه رخ می‌ده: لالای گل فسرده لالای...

می‌دونید این یه قصه ترکیه دیگه، آواز خیلی غمگینی هم هست.

سارا و سیل می‌بره، خودشو می‌اندازه تو رودخونه، برای اینکه دستور پدر و رد نکرده باشه و در عین حال گوش هم نکرده باشه. سارا رو می‌خواستن بدن به یک خانی و اون هم خودشو غرق می‌کنه.

آن بید کنار جاده ده
آیا که پس از منش گذر کرد
هر برگی از آن زبان دل بود
با من چه فسانه‌ها که سر کرد
او ماند و جوان عاشق از ده
شب همره کاروان سفر کرد
ای وای چه بی‌وفاست دنیا
از عینک پیر زن نگاهی
کردم به گذشتهٔ حزینش
در باغ شباب دختری مست
می‌آمد و ناز بر زمینش
هی کاخ امید و آرزو ریخت
هی طرّه به چهره داد چینش
تا خم شد و موی گشت کافور

خیلی شعر خوبیه، تصاویر عجیب و غریبی داره که حیرت آوره؛ زبان تمیز، عاطفهٔ... خیلی چیزهای عجیب و غریب تو این شعر هست:

روزی که زمین جدا شد از مهر
دلگرمی بازگشت خود را

یعنی خیال می‌کرد دوباره بر می‌گردد...

ادامه دارد

خاطره

روایتی از دکتر مهدوی دامغانی

ماجراهای آقای میم

در سال ۱۳۲۸ بنده به دفتریاری دفتر ۲۵ طهران منسوب شدم، ولی عملاً بر طبق دستور مرحوم یوسف جوادی مدیرکل بسیار مقتدر و مستبد ثبت اسناد و مرحوم مغفور غلامحسین صارمی، رئیس ثبت طهران (وکیل بعدی شیراز در مجلس) می‌بایست امور آن دفتر را خودم اداره کنم ـ آن دفترخانه، مشتریان بسیار معروف و متشخص داشت که از جمله آنان، آقای میم و همسرش خانم جیم بودند...

اما در سال ۱۳۲۸ خانم جیم، آن خانم جیم پیشین نبود؛ و حالا به قول سعدی: «شهره شهر و فتنهٔ خیل» شده بود، و مقامی یافته بود؛ زیرا علاوه بر «روی خوش»، «خوی نکو» هم داشت و این دو موهبت عظمی، علو مقام و نفوذ کلام فراوانی برای او کسب کرده بود. شوهر محبوب او هم سخت دلداده این همسر زیبا بود، خاصه آن که خداوند پسر یکی و یکدانه‌ای هم به آنها عنایت فرموده بود.

خب، ریاست و آقایی خرج دارد، و اداره کردن چنان زندگی مجلل، با آن همه رفت و آمد، گنج قارون می‌خواهد، و بادهٔ عایدی مشروع تاجری، که خصوصاً با ارحام و اقوامی که دل خوشی هم از او ندارند شریک باشد، به ضمیمه حقوق وکالت مجلس کفاف چنان مستی‌ای را نمی‌دهد.

این بود که در سال ۱۳۲۶ خانم جیم، همسرش را واداشته بود که از تجارت به صناعت روی آورد و کارخانه ... سازیئی، در همان ولایت آباء و اجدادی‌اش، که مواد اولیه آن «صنعت» در آنجا به فراوانی و ارزانی به دست می‌آمد دایر کند. آن مرد محتشم نیز (و به راستی مردی بزرگ‌منش بود) با ریسمان پوسیده همسر عزیزش به چاه رفت، و بیچاره از زی خود خارج شد.

میان ما آخوندهای مستعرب! عبارتی رایج است که: «مَن خَرَجَ عَن زِیّه فَدَمُه هَدر» (هر که از زی و روش (یا جامه مُتناسب) خود بیرون رود، خونش به پای خودش است.)

آن کار به سرمایه‌ای افزون بر موجودی، و سرمایه فعلی آقای میم نیاز داشت، لذا آقای میم از شرکا خود جدا می‌شود و سهمیه‌اش را از تجارت‌خانه‌هایی که در آلمان و ایران داشت می‌ستاند و به چاه ویل «کارخانه» کذایی می‌ریزد و آنچه سرمایه دارد تمام می‌شود، ولی کارخانه تمام نمی‌شود و همچنان ناتمام است و به قول قدیمی‌ها:

تمام شد کار پوستین، مانده پس و پیش و جفت آستین...

وصف‌الحال آن است که به صورت شیر بی‌دُم و سر و اشکمی در جنگل‌های... آرمیده است. خانم جیم که تقربی تمام در نزد مادر شاه داشت، در اوایل سال ۱۳۲۷ واسطه می‌شود و یک میلیون تومان (توجه دارید که در سال ۱۳۲۷، این وجه، مبلغ هنگفتی بوده است) از مادر شاه به صورت وام شش ماهه، اسماً برای شوهرش دست و پا می‌کند و سند ذمه‌ای این یک میلیون تومان هم در دفتر به ثبت می‌رسد ولی گرچه به تعبیر این روزها «تزریق» تمام یا قسمتی از آن یک میلیون تومان، مختصر پیشرفتی را در تأسیس کارخانه موجب شد، اما تا فراهم آوردن کادر فنی کارآمد، و وصل ماشین‌آلات مربوطه از اروپای سال ۱۹۴۹ جهت بهره‌برداری، هنوز فاصله زیاد بود... .

از این رو آقای میم که از حسن شهرت و معروفیتی در شهر خود برخوردار بود، دو سه نفر از تجار جوان و کم‌تجربه همشهری خود را نیز در کارخانه شریک کرد، و به هر جان کندنی بود، کارخانه بالک ولکی به راه افتاد، ولی خرجش بیست و دخلش نوزده بود.

با این همه، در طول سال‌های ۳۲ـ۱۳۲۸، آقای میم خود را از تک و تا نمی‌انداخت، و چون به مناسبت آن که عضو یکی از فراکسیون‌های پرسروصدای مجلس بود، نامش زیاد بر سر زبان‌ها و صفحات جراید جاری می‌شد، و در این مدت و سال‌های بعد، تا آنجا که من بنده که دیگر خودم سردفتر همان دفتر ۲۵ شده بودم (سردفتر پیشین، مرحوم فطن‌الدوله، به رحمت الهی رفته بود) و در حد مداخله و اطلاعی که از امور آقای میم و خانم جیم و از زندگانی آنان داشتم، وضع بدک نبود.

به نظرم در سال ۱۳۳۵ بود که آقای میم، باغ و منزل یکی از وزیران و امیران اسبق دوران رضاشاه را هم در شمیران، به نام خانم جیم و فرزندشان خریداری کرد، و آنان بدان خانه مجلل نقل مکان کردند، اما در موقع ثبت و امضا سند، آن شور و شعف لازمی را که معمولاً خریداران در چنین مواقعی از خود نشان می‌دهند، در آنها ندیدم. خدا رحمت کند سعدی و قائم‌مقام فراهانی را که فرموده‌اند:

بس بگردید و بگردد روزگار
دل به دنیا در نبندد هوشیار

و یا:

روزگار است اینکه گه عزت دهد گه خوار دارد
چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

از اواسط سال ۱۳۳۶ به بعد، رفت و آمد آقای میم به دفتر، برای امضا اسنادی تعهدآور مکرر شد، و خانم جیم هم گاهی سری به دفتر می‌زد، و بعضی سؤالات که حاکی از ایجاد فاصله‌ای میان خود و شوهرش بود از من می‌کرد.

فی‌المثل تکلیف حضانت فرزند را در صورت وقوع طلاق می‌پرسید؛ ولی همواره می‌گفت: «یکی از دوستانم خواهش کرده است که از شما بپرسم...»

در اواخر سال ۱۳۳۶ یا اوایل ۱۳۳۷ که دیگر آقای میم به نمایندگی «انتخاب»(!) نشده بود، یک روز او سرزده و بدون تعیین وقت قبلی، به دفتر آمد و ضمن ابراز محبت و اظهار کمال تشکر از من و اینکه در طول ده دوازده سالی که با من آشنایی و دوستی و مراوده کاری داشته است از من جز صداقت و صراحت و امانت ندیده است (والعهده علیه!) گفت: «من برای خداحافظی از شما آمده‌ام، چون لازم است برای معالجه به اروپا بروم، ولی خواستم عرض کنم که من از هر جا که باشم، مرتباً با شما مکاتبه خواهم داشت و در انجام امورم، شما را در جریان خواهم گذاشت.»

ضمناً وکالتی هم برای مسائل همان کارخانه لعنتی، به یکی از شرکا خود داد و با من روبوسی گرمی کرد و رفت و در حالی که دست در دست هم داشتیم گفت: «من همیشه دست شما را در دست خود احساس خواهم کرد، و حفظ حقوق خودم و پسرم را، در حد مقدور، از شما انتظار دارم...» البته من از مدتی پیش، چنین



احساسی داشتم که دیگر میان آقای میم و خانم جیم روابط گرم نیست و به قول فرانسوی‌ها... Rine ne va plus

جناب‌عالی و خوانندگان محترم حق دارید از این مقدمه‌چینی‌ها کمی ملول شوید ولی صبر کنید تا در سطور آینده، بحث شیرینی را بخوانید!

روزی، مأمور پست آمد و نامه‌ای سفارشی، که از فرنگستان برای بنده رسیده بود، به دستم داد و امضا گرفت. نامه از آقای میم بود که نوشته بود: «مهدوی... بالاخره بنا شده است که با خانم متارکه کنیم و من در این باره وکالتی به جناب آقای محسن قراگزلو داده‌ام و در جوف پاکت ایشان، شرح جداگانه‌ای برای خود تو نوشته‌ام، و امیدوارم کار، به خیر و صلاح تمام شود، و مصالح و منافع پسرم محفوظ بماند و شرایطی را که در آن نامه جناب قراگزلو و مشروحه خطاب به خود تو نوشته‌ام، و جناب ایشان به تو خواهند داد اجرا شود، و همچنین اوراق و اسنادی را هم که به نحو امانت به خود تو تسلیم خواهند کرد، شخص تو که مهدوی هستی، تا وصول دستور ثانوی من، لطف کنی و نزد خودت امانت نگه‌داری و به احدی آن را ندهی!» و شرح مختصری هم از بد عهدی روزگار غدار، و بی‌وفایی چرخ کج‌رفتار و سختی معیشت خودش در آن «غربت غربیه» برایم نوشته بود، و خواهش کرده بود از این نامه، خبری به همسرش ندهم.

مدت‌ها بود پیش‌بینی چنین مسأله‌ای را می‌کردم، چرا که یکی دو سالی بود که من بانو جیم را گاه در همان حال و نگاه وضعی می‌دیدم که در سال ۱۳۲۵ وقتی که با شوهر اولش برای متارکه به دفتر مرحوم شاه‌آبادی آمد دیدم، و البته «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر ضمیر». اجازه دهید یک کمی فضل‌فروشی، و به قول آن مؤمن «استعراب» کنم(!) (کثیر، شاعر معروف عرب در قرن دوم) که به خاطر معشوقه بی‌محبتش و با اضافه به نام آن معشوقه، همه او را به نام «کثیر عزه» می‌شناسند می‌گوید:

وَاِن حلفت لاینقُضُ النّایُ عَهدَها
فَلَیسَ لِمخضُوبِ البنانِ یَمینُ

یعنی: «هرچند بانویی سوگند یاد کند که دوری و فراق، پیمان مهر او را نمی‌گسلد باور مکن، زیرا آن که سرانگشت بلورینش به خضاب و حنا (بخوانید «لاک»...) رنگ شده است، به سوگند پای‌بند نیست...»

نامه آقای میم را که خواندم و در صندوق دفترم گذاشتم، این بیت کُثیر عزه، و ابیات ماقبل و مابعد آن را به خاطر آوردم.

عکس های تاریخی / ۱۷



شهریار با کلاه شاپوی معروفش

ابتهاج: به گمان من در سرتاسر تاریخ غزِل ما، غزل شهریار بی‌نظیره؛ این فوران عاطفی که در غزل شهریار و در شعر شهریار هست اصلاً ما حتی در سعدی هم سراغ نداریم. مضمون شاید تو دیوان دیگران باشه ولی عاطفه نیست. من نمی‌دونم با این کلمات چی‌کار می‌کنه که این‌طور عاطفی می‌شه... اگه دیوان شهریار پالایش بشه، از دیوان‌های درخشان شعر فارسی می‌شه.

نما

ایرج آدیگوزلی

شاهی که گریخت-۱۷

شاه در محاصره



نخست‌وزیر دربارهٔ اینکه باید بین سیاست و مذهب تفکیک قائل شد با روحانیون به مذاکره پرداخت. تغییراتی در اعضای کابینه‌اش داد تا رأی موافق را تأمین کند و با شاه به گفت‌وگو پرداخت.

از قراری که به اسرائیلیها گزارش دادند شاه گفته بود: «اگر نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه موافق شناسایی اسرائیل هستند، من حرفی ندارم.» بنابراین مبلغ ۴۰۰,۰۰۰ دلار پرداخته شد. این تماسهای اولیه و رشوه‌ها سی سال بعد منجر به همکاری سیاسی و نظامی و امنیتی بین ایران و اسرائیل گردید.

منافع مشترک دو دولت روشن بود. اولاً ایران می‌توانست نفت اسرائیل را تأمین کند و در مقابل اسرائیل قادر بود کالاهای ساخته شده از جمله جنگ‌افزار و نیز انواع کارشناس به ایران بفرستد. ثانیاً موساد همراه با سازمان سیا نقش مهمی در تأسیس ساواک در سالهای نیمهٔ دههٔ ۵۰ ایفا کرد.

پس از سرنگونی مصدق در ۱۹۵۳ ایالات متحد آمریکا دست به کار شد تا به عنوان قدرت فائقهٔ خارجی در ایران جانشین انگلستان بشود ـ هرچند بسیاری از ایرانیان سالخورده (نظیر جعفر بهبهانیان) تا چند دههٔ بعد بر این عقیده پابرجا بودند که هنوز انگلیسیها سرنخها را در دست دارند و آمریکاییها فقط آلت دست آنان بشمار می‌روند. شاه تشخیص داد که دوستان غربی او بیش از هر چیز خواهان یک ایران باثبات و دوست هستند. بتدریج که سالهای دههٔ ۵۰ پیش می‌رفت یک سلسله کودتا و ضدکودتا و جنگ و انقلاب و بی‌نظمی داخلی خاورمیانه را تبدیل به یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق روی زمین کرد، منطقه‌ای که به گفتهٔ یک مورخ مشهور «صدای فرو ریختن تخت و تاجها در آن پیچیده بود.» ابتدا ملک فاروق از سلطنت خلع شد. سپس مصر کوشید ملک حسین پادشاه اردن را سرنگون کند. در عراق، همسایهٔ ایران، خاندان سلطنت هاشمی در کودتای ۱۹۵۸ قتل عام شد و یک دیکتاتوری طرفدار شوروی جانشین آن گردید.

شاه مشاهده کرد که از سوی دشمنان محاصره شده است. صرفنظر از رژیمهای تندروی جدید عرب، اتحاد شوروی همسایهٔ ستیزه‌جو و تهدیدکننده باقی مانده بود ـ چنانکه روسیهٔ تزاری نیز تقریباً همیشه نسبت به ایران همین وضع را داشت. در چنین اوضاع و احوالی بود که شاه تصمیم گرفت همان کار پدرش را بکند: هرگونه مخالفان احتمالی خود را نابود سازد و تقویت نیروهای مسلح را پایهٔ قدرتش قرار بدهد.

می‌توان تصور کرد که این کار شاه با نوای جنگ سرد آن دوران هم‌آهنگ بوده است. با این حال اسناد وزارت خارجهٔ آمریکا که طبق قانون آزادی اطلاعات منتشر شده است نشان می‌دهد که پرزیدنت آیزنهاور و وزیر خارجه‌اش جان فاستر دالس و بعدها پرزیدنت کندی و جانسون، همگی دربارهٔ قابلیت شاه دچار شک و شبهه بوده‌اند.

همه آنان در مورد توانایی شاه در ادامه مؤثر ایران تردید داشته و دائماً می‌کوشیده‌اند اشتهای سیری‌ناپذیر او را برای دریافت جنگ‌افزار محدود سازند.

به عنوان مثال، وقتی شاه در مارس ۱۹۵٦ با دالس ملاقات کرد، به دالس اظهار نمود که به عقیده او ایران «بحرانی‌ترین نقطه جهان امروزی است.» دالس پاسخ داد تعداد زیادی کشور در جهان وجود دارند که خودشان را در همین وضعیت می‌بینند. اگر قرار شود دولت آمریکا به خواسته‌های هر یک پاسخ مثبت بدهد، مجموع مبلغ کمک‌هایی که باید بپردازد سر به ارقام نجومی خواهد زد. شاه تقاضای سالی ۷۵ میلیون دلار کمک نظامی طی سه سال آینده کرد، ولی دالس عقیده داشت این مبلغ زیاد است. شاه اظهار داشت که به عقیده او شاید ایالات‌متحده در کشورهای دیگر از قبیل ویتنام زیاد خرج می‌کند، هرچند اذعان داشت که این کشور از اهمیت فراوانی برخوردار است. می گفت وضع ویتنام به این دلیل به این شکل درآمده که ما دیر دست‌به‌کار شده‌ایم. او نمی‌خواست «شاهد باشد که ما همین اشتباه را در ایران تکرار کنیم که چند برابر برایمان گران‌تر تمام خواهد شد.»

شاه هر سال به درخواست کمک بیشتر ادامه می‌داد و دائماً تهدید می‌کرد که اگر آمریکا به او کمک نکند، به جرگه کشورهای بی‌طرف خواهد پیوست یا به روس‌ها روی خواهد کرد.

دالس در ژانویه ۱۹۵۸ یک بار دیگر در تهران با او گفت‌وگو کرد و بلافاصله اوقات‌تلخی خود را با ارسال تلگرامی بدین مضمون به آیزنهاور نشان داد: «شاه خودش را یک نابغه نظامی می‌پندارد و وزیران او در برابر وسوسه‌های نظامی شاه قادر نیستند از عهده مسائل اقتصادی آنی ایران برآیند.» دالس پیشنهاد کرد که «آیزنهاور شاه را با دورنمای تبادل‌نظر درباره مسائل نظامی مدرن خوشحال سازد.» چندی بعد آیزنهاور ضمن ملاقات با شاه در واشنگتن همین کار را کرد. او به شاه خاطرنشان ساخت که «نگهداری این همه نیرو برای یک جنگ محدود ممکن است از نظر اقتصادی مخالف با منظور باشد.»

ادامه دارد

حکایت

احمد یاوری

پایان پساسرمایه‌داری

پساسرمایه‌داری به روایت دیاگنوف-۶



به هر حال گذار بشریت به یک مرحله متفاوت، مرحله نهم، بسیار محتمل است.

البته دلیلی ندارد که علوم نظری رشد بیش‌تری پیدا نکنند و همچنان شالوده‌ای برای علوم کاربردی و دانش پژوهی فراهم نیاورند. اما محتمل است که مشکلات تازه‌ای فرا رویند.

تردیدی نیست که فرایند تاریخ نشانه‌های شتاب تصاعدی را از خود بروز می‌دهد. از پیدایش انسان اندیشه ورز(هوموساپین) تا پایان مرحله اول، حدود سی هزار سال گذشت، مرحله دوم حدود هفت هزار سال طول کشید، مرحله سوم حدود دو هزار، مرحله چهارم یکهزار و پانصد، مرحله پنجم حدود هزار، مرحله ششم حدود سیصد سال، مرحله هفتم، تنها بیش از یکصد سال، طول مرحله هشتم را هنوز نمی‌توان مشخص کرد. اگر یک نمودار ترسیم کنیم، این مراحل یک منحنی رشد تصاعدی منفی را نشان می‌دهند. دستاوردهای علمی و فنی بشریت نیز مطابق یک منحنی تصاعدی رشد می‌کند، و همین موضوع، همان طور که پیش‌تر متذکر شدیم، در مورد جمعیت کره زمین نیز صادق است. اما تا آن‌جا که به تاریخ مربوط است، این انگاره بی‌معنا به نظر می‌رسد: جایگزینی مراحل، و رشد هرچه سریع‌تر آن‌ها، نمی‌تواند به تغییراتی بینجامد که هر سال، ماه، هفته ، روز، ساعت یا دقیقه صورت می گیرد.

بیایید امیدوار باشیم که انسان اندیشه ورز خردمند راهی خواهد یافت. اما برای جلوگیری از پیامد فاجعه انگیز، باید در انتظار مداخله نیروهایی باشیم که هنوز ناشناخته‌اند. چه خوب می‌شود اگر چنین نیروهایی بتوانند در این منحنی ثبات ایجاد کنند، اما اگر این منحنی به سرعت سقوط کرد چه؟ بیایید امیدوار باشیم که منحنی رشد انسان در آینده نزدیک ثبات پیدا می‌کند.

پیش گویی هیچ‌گاه وظیفه تاریخ نویسان حرفه‌ای نبوده است. با وجود این، مشکل بتوان به سرنوشت و چگونگی مرحلهٔ نهم فرایند تاریخ نیندیشید. البته می‌شود به خدا، به ارواح باقی ده‌ها میلیارد ساکنان پیشین کره زمین، امید بست. اما به خاطر داشته باشید که ایمان به خدای انجیل به معنای ایمان به پایان جهان و آخر زمان است.

دو سناریو محتمل‌تر از همه به نظر می‌رسد. در سناریوی اول، بشریت نه فراتر از قرن بیست و دوم میلادی به پایان عمر خویش خواهد رسید، و به همراه او، بخش عمدهٔ زیست- محیط شناخته شده برای ما نیز از بین خواهد رفت، درست همان‌طور که دایناسورها در پایان دورهٔ کرتاسه در تاریخ زمین از بین رفتند. در سناریوی دوم، که خوشبینانه‌تر است، کشورهایی که به مرحلهٔ هشتم فرایند تاریخ رسیده‌اند کاهش رشد جمعیت را تجربه خواهند کرد، که ما هم اکنون آن را در کشورهای رشد یافته مشاهده می کنیم؛ البته این کشورها هنوز به رشد صفر دست نیافته‌اند(که بخشی ازآن به سبب مهاجرت از کشورهای کم‌تر رشد یافته است)؛ یعنی منحنی روی نمودار هنوز به سطح بازتولید صرف تعداد موجود جمعیت نرسیده است. اما امید می‌رود که چنین شود. کشورهای «جهان سوم»، که هنوز در مراحل پایین‌تر از مرحلهٔ هفتم هستند، موجودیت بشر را تهدید می کنند. در آفریقا نرخ تولد بیش از هشت فرزند برای هر زن بارآور است. این نرخ در آمریکای لاتین حدود شش و در آسیا حدود پنج فرزند است. حتی چنانچه نرخ بالای مرگ و میر کودکان را به حساب آوریم، روشن است که کشورهای مرحلهٔ ششم مسئول رشد تصاعدی جمعیت زمین هستند. همین‌طور روشن است که این کشورها باید هر چه سریع‌تر به مرحله هشتم وارد شوند. باید بیش‌ترین تلاش‌های سیاستمداران و دانشمندان متوجه این هدف شود.

باید مطمئن شویم که علم یک نیروی خیرخواه باقی می‌ماند. بجز دانشمندان هیچ کس دیگری نمی‌تواند مسئولیت حفظ بشر را، با تنظیم تعداد آن از طریق تنظیم علمی و اجباری خانواده و جلوگیری از بروز چنان شرایط وخیمی که می‌تواند وضعیتی تهدید کننده و فاجعه آمیز به بار آورد، بر عهده گیرد. باید امیدوار بود که منابع لازم انرژی در نیروگاه‌های اتمی واقعاً بی‌خطری تولید شود که به لحاظ آلوده نساختن محیط تضمین شده باشند، و همچنین شاید در نیروگاه‌های خورشیدی؛ ونیز باید امیدوار بود که به جای استفاده از موادی که در کره زمین به اندازه کافی یافت نمی‌شود، استفاده از عناصری که فراوان‌تر است اما تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته، امکان‌پذیر شود. مشکل بتوان تصور کرد که بشود مواد خام را از سیارات دیگر به زمین آورد- یکی بدان سبب که این کاری است بسیار پیچیده و پرهزینه، و دیگر این که بسیاری از مواد خام بسیار مورد نیاز(نظیر نفت و زغال سنگ و غیره) در سیارات قابل دسترسی به هیچ وجه یافت نمی‌شوند.

مهاجرت انسان‌ها به برخی سیارات دیگر نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. برای این که در سیاره‌ای زندگی به وجودآید، باید ده‌ها شرط بسیار تعیین کننده یکجا فراهم آید: ستارهٔ مرکزی (خورشید) باید در یک مرحلهٔ خاص رشد باشد، باید یگانه و نه دوگانه و سه گانه باشد(سیاراتی که به دور ستاره‌های دوگانه یا سه‌گانه می گردند، مدارهای بسیار پیچیده‌ای دارند و دمای آن‌ها به طرز شگفت‌آوری بالا و پایین می‌رود)؛ فاصله سیاره از ستاره مرکزی باید به اندازه‌های دقیقی برسد، این در مورد میزان گرما و نور دریافتی از آن نیز صادق است: مثلاً مریخ و زهره- سیاراتی که شاخص‌هایشان از همه به زمین نزدیک‌تر است- برای زندگی مناسب نیستند. براساس اطلاعات موجود اخترشناسی، در فاصلهٔ تریلیون‌ها مایل از زمین هیچ جرم آسمانی وجود ندارد که تمام پیش شرط‌های زندگی را دارا باشد.

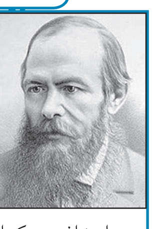
چندی پیش، گروهی از دانشمندان آمریکایی احتمال ایجاد یک مهاجر نشین را در مریخ، سیاره‌ای که در حال حاضر یقیناً برای سکونت انسان نامناسب است، مورد بررسی قرار دادند. پیشنهاد آن‌ها این بود که شاید بتوان یک جو مصنوعی ایجاد کرد و راهی برای آب کردن خاک یخ زده مریخ یافت. آن‌ها همچنین بر این باورند که حمل منظم مسافر از زمین به مریخ را می توان ترتیب داد. اما حتی بر مبنای این سناریوی بی‌نهایت خوشبینانه، تعداد مسافرانی که منتقل می‌شوند از کوچک‌ترین کسر یک درصد جمعیت زمین فراتر نخواهد رفت. و هیچ منبع انرژی محتملی را برای انجام چنین کاری نمی‌توان یافت.

هنگامی که این کتاب نوشته شد، مرحله هشتم حدود پنجاه سال بود که در برخی کشورها ادامه داشت؛ و در کشورهای دیگر هنوز باید این مرحله فرا می‌رسید. این پنج دهه با طول زندگی خود من و طول زندگی معاصرانم همزمان شده است؛ بنابراین تمام آنچه من انجام داده‌ام یادآوری برخی از مهم‌ترین رخدادهای بنیادی این دوره است.

در این جا بازنگری و دوره‌بندی خود را از فرایند تاریخ جهان به پایان می‌برم. ازآن‌جا که در تاریخ مدرن کارشناس نیستم، بی‌شک اشتباهات یا دست کم بی‌دقتی‌هایی از من سر زده است. اما امیدوارم چنین مواردی تصویر کلی را چندان مخدوش نکرده باشد. از آن گذشته، تعداد صفحاتی که در اختیارم بود، نهایت اختصار در شرح مطالب را ایجاب می‌کرد: گاهی کل دوره‌های تاریخ و سرنوشت تمامی یک کشور می‌بایست در یک بند یا حتی یک خط فشرده می‌شد. اما خواننده نباید فراموش کند که هر خط نشانه‌ای از دریایی از خون و رنج‌هایی باورنکردنی است و من نمی‌توانم برای آینده چیزی متفاوت را نوید دهم.

سن پترزبورگ، ۱٤ اوت ۱۹۹۱

پایان رمان: شب‌های سپید



...نامه را چند بار متوالی خواندم. می‌خواستم گریه کنم. عاقبت نامه از لای انگشتانم لغزید و صورتم را میان دست‌ها پنهان ساختم... به ماتریونا نگاه کردم. او هنوز یک زن کامل سال و خوش بنیه و زنده‌دل بود، اما ناگهان نمی‌دانم به چه علت چنین در نظرم مجسم شد که او پیر و ودولاّ شده است، چشمانش بی‌نور و چین و چروکهای زیادی گرداگرد صورتش خط انداخته است. نمی‌دانم چرا پنداشتم که اطاقم نیز مانند ماتریونا کهنسال شده است... هنگامی که از پنجره به خارج نگاه کردم، تصور کردم که خانه روبرویی فرسوده و بی‌رونق شده است. به علاوه گچ‌های ستونها ورقه شده و درآمده بود.

گچ‌بریهای زیر سقف سیاه شده و ترک برداشته بودند. دیوارهای زرد روشن، ابلق شده بودند. شاید این تغییرات به علت اشعهٔ خورشید بود که به طور غیرمنتظره‌ای از لابلای ابرها نمودار شده، مجدداً در زیر ابرهای بارانی پنهان می‌شد، همه چیز در برابر دیدگانم تیره و تار می‌نمودند. یا شاید علتش این بود که دورنمای زندگی‌ام ـ تمام عمر غم‌انگیز و بی‌پناهم ـ در برابرم گسترده بود، و خودم را همانطور که اکنون هستم، درست ۱۵ سال بعد، یک مرد سالخورده در همان اطاق کهنه، با همان بی‌کسی همیشه و با آن ماتریونای پیر که گذشت سالیان دراز چیزی به هوشیاری‌اش نیفزوده است، می‌بینم: ناستینکا! از اینکه دربارهٔ اشتباهم به فکر فرو رفته‌ام، هرگز، هرگز سعادت پاک و خجسته‌ات را با سایه‌ای از اندوه ضایع نخواهم ساخت... بگذار آسمانهایت برای همیشه صاف باشند. بگذار لبخندهای شیرینت همیشه روشن و خاموش باشند.

شب‌های سپید، فئودور داستایوفسکی، ترجمهٔ مرتضی مقدم، چاپ سوم ۱۳۸۵، نشر جامی، ص ۱۱۱ و ۱۱۲

خاطرات پروانه...

ادامه از صفحه اول

ناگهان در باغ به صدا در آمد و باغبان پیر مشهدی اصغر به سوی در رفت و پس از چند دقیقه برگشت و به سمت اتاقی که همه در آن جمع بودیم آمد و به پدرم گفت: «آقا چند نفر از نظمیه آمده‌اند و با شما کار دارند.» (منظور شهربانی فعلی است)

پدرم گفت «برو به آنها بگو بروند و بعداً بیایند. الان هنگام تحویل سال است و من در میان خانواده‌ام هستم.»

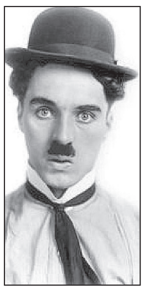
باغبان رفت و دوباره برگشت و گفت «آقایان می گویند زیاد مزاحم‌شان نمی‌شویم و بیشتر از چند کلمه صحبت با ایشان نداریم.» پدر برخاست و رفت و با آن‌ها گفتگو کرد ولی گویا نتوانست آن‌ها را راضی به رفتن کند. مأموران شهربانی با کیسه‌های متعدد وارد اتاق کار پدر شدند و هر چه کاغذ و نوشته و مقاله و شعر یافتند، در کیسه‌ها کردند و سپس گفتند ما ماموریم شما را به نظمیه ببریم و در آنجا پس از پاسخ به چند سؤال به خانه برمی گردید و اینک ما ماموریم و معذور. به هر حال پدر لباس پوشید و همراه مأموران به شهربانی رفت. آن سال زندگی بر مادرم و همه اعضای خانواده که انتظار تحویل سال نو را می کشیدند، جهنمی سوزان شد. سال تحویل شد ولی در برابر شادی، غم‌ها و اشک‌ها و در برابر بوسه‌ها و خنده‌ها، رنج‌ها و ترس‌ها و نگرانی‌ها جایگزین شد. مادرم یکسره اشک می‌ریخت و ما بچه‌های گریان از نبودن پدر منتظر نتیجه کار بودیم و در امید بازگشت او به خانه تا شادمانی را دوباره از سر بگیریم. با آنکه کودک بودیم و همه چیز را درست درک نمی کردیم و دلیل رفتن پدر و گرفتاری‌اش را نمی‌فهمیدیم، مادر را با سؤالات بیهوده نالان‌تر و گریان‌تر می کردیم. این وضع تا عصر همان روز ادامه یافت و از بازگشت پدر خبری نشد. نزدیک غروب پدر از شهربانی تلفن کرد و خبر داد که وسایل خواب و غذا را به وسیله محمدحسن نوکر باوفای ما برایش بفرستند، زیرا بازداشت شده است. فضای غمگین خانه مبدل به عزاخانه شد و در این حال افراد خانواده مادرم گرد ما جمع شدند و با غم ما شریک.



شرح

من؛ چارلی چاپلین/۳۰

کره‌اسب‌های فرضی



آن روزها همچنین دوران خوردن انواع و اقسام ماهی از تازه و دودی، نان برشته با صبحانه، و کماج‌ها و کلوچه‌های مختلف در صبح‌های یکشنبه نیز محسوب میشد. سیدنی آنقدر پهلوی ما ماند که پولش تمام شد اما مجدداً مأموریت دیگری در کشتی باو دادند و باز ۳۵ شیلینک پیش‌پرداخت گرفت که آنرا بمادرم داد. اما این پول زیاد دوام نیاورد. بعد از سه هفته کفگیرمان به ته‌دیگ خورد و هنوز سه هفته مانده بود تا سیدنی بازگردد.

گرچه مادرم خیاطی میکرد، اما عایدی او از این راه برای تأمین معاشمان کافی نبود. ولی من در آن موقع دیگر کاردان و وارد بودم. مادرم تــوده‌ای از لباسهای کهنه داشت و از آنجا که صبح یکشنبه و تعطیل بود به او پیشنهاد کردم که لباس کهنه‌ها را به بازار ببرم و بفروشم. مادرم کمی مردد بود و گفت که این‌ها بکلی بی‌ارزش هستند، معذلک من تمام آنها را در یک ملحفهٔ کهنه پیچیدم و بصورت بقچه‌ای زیر بغلم گذاردم و بسوی «نوینگتون بوتز» براه افتادم.

در آنجا متاع بی‌ارزش خود را کنار پیاده‌رو پهن کردم اما خودم که چشمم به آن افتاده دیدم منظره‌ای بس تأسف‌انگیز و غمناک دارد. با وجود این روی حاشیهٔ پیاده‌رو ایستادم و فریاد کشیدم «نگاه کنید.» ۱ آنوقت در حالیکه یک پیراهن کهنه، و یا یک جفت کرست قدیمی را بدست می گرفتم و آنرا نشان میدادم، میگفتم: در برابر این چه بمن میدهید؟ یک شیلینگ، شش پنس، سه پنس، دو پنس، نبود؟ اما حتی با یک پنی هم کسی حاضر نمیشد از من چیزی بخرد. مردم جلوی بساطم متوقف میشدند و تعجب‌زده نگاهم میکردند، سپس خنده‌شان میگرفت و میرفتند. بتدریج احساس ناراحتی کردم بخصوص که ساکنان یک مغازهٔ جواهرفروشی که مقابل بساطم بود کنجکاو شدند و از پشت ویترین مغازهٔ خود شروع بتماشایم کردند، اما هیچیک از این عوامل نمیتوانست مرا از کار باز دارد تا سرانجام یک جفت «گتر» را که ظاهر آن چندان زننده نبود به شش‌پنس فروختم.

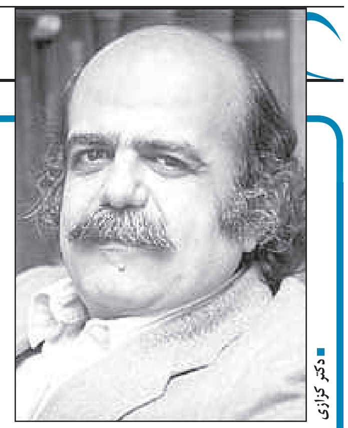
هر چقدر که مدت توقفم در آن مکان طولانی‌تر میشد، ناراحتیم نیز افزون می گردید. فکر کردم دیگر کافی است و زمان آن رسیده که بساطم را دوباره در بقچه بچینم و بخانه بازگردم. وقتی بمادرم گفتم که یک جفت «گتر» را بمبلغ شش پنس فروخته‌ام اوقاتش تلخ شد و گفت: «باید بیشتر میدادند. «گتر»های قشنگی بود.»

شش هفته دیگر گذشت و هنوز «سیدنی» بازنگشته بود. ابتدا این موضوع مادرم را چندان ناراحت نکرد اما یک هفته دیگر که گذشت او نامه‌ای بشرکت کشتیرانی «دونوان وکسل لاین» نوشت و در پاسخ‌نامه باو اطلاع دادند که «سیدنی» به بیماری روماتیسم دچار شده و در بندر «کیپ‌تاون» (آفریقای جنوبی) او را برای معالجه پیاده کرده‌اند. این خبر مادرم را آشفته کرد و بر سلامتش اثر گذاشت. او هنوز بکار خیاطی خود ادامه میداد و من نیز خوشبختانه توانسته بودم کار کوچکی برای خودم پیدا کنم. باین ترتیب که در ساعات فراغت از مدرسه در برابر هفته‌ای پنج شیلینگ به اعضای خانواده‌ای درس رقص میدادم. در همین دوران بود که «مک کارتی»ها در کنینگتون رود مقیم شدند. خانم «مک کارتی» یک کمدین ایرلندی بود و از دوستان مادرم محسوب میشد. او زن حسابداری بنام آقای «والتر مک کارتی» شده بود. پس از آنکه مادرم ناگزیر از کار تئاتر دست کشید ما دیگر «مک کارتی»ها را ندیدیم و اینک پس از ۷ سال که آنها برای اقامت در «والکوت منشنز» بهترین نقطه «کنینگتون رود» آمده بودند، دیداری تازه کردیم.

من با پسر آنها «والی مک کارتی» همسن بودم. مانند بچه‌های کوچک ما ادای بزرگترها را درمی‌آوردیم. چنین وانمود میکردیم که هنرپیشه تئاتر هستیم و آنوقت سیگارهای خیالی خود را میکشیدیم و بر کره‌اسب‌های فرضی سوار میشدیم و حرکات ما موجب تفریح والدینمان میگردید.

زمان

ترجمه: ع.پاشایی


دکتر کزازی

روایتی از دکتر جلال‌الدین کزّازی
روزهای کاتالونیا

ادامه از صفحه اول

در فرودگاه اورلی، نگران و اندیشناک شدیم. بارهایمان که کم هم نبود، به مقصد بارسلون بارنامه شده بود. امّا در پاریس گفتند که: چنین قراری نیست. به هر روی، با نگرانی، بارها را به امان خدا وانهادیم و به فرودگاه شارل دوگل رفتیم. آنگاه که در خودروی همگانی فرودگاه از اورلی به شارل دوگل می‌رفتیم، پاریس چون «دریاشهری» در هر سوی دامان درگسترده بود. امّا چهرۀ این عروس شهرهای اروپا و گاهوارۀ شهر آیینی و هنر و فرهنگ، در چشممان دژم و درهم می‌نمود و اندازه‌های آن همسنگ و همتراز آوازه‌اش نبود.

در فرودگاه شارل دوگل، چندین بار با جمله‌هایی ادبی و کمابیش باستانگرایانه (=archaique) در زبان فرانسوی که مایۀ شگفتی می‌شد و گاه نیشخندی را بر گوشۀ لبی می‌نشاند، از بارها پرسیدم. کسی نمی‌دانست. کارمندی سیاه، به سادگی، گفت: «بارها را هرگز از فرودگاه اورلی به شارل دوگل نمی‌آورند». دوشیزه‌ای همکار او بیشتر خود را درگیر ماجرا کرد. خود را به او شناسانیدم. به شیوۀ شرقی، هنگامه‌ای عاطفی برانگیختم. گفت: «می‌خواهد کمک کند؛ امّا نمی‌تواند». سرانجام، با مسئول «ایران اِیر» در فرودگاه اورلی تماس گرفت و به من گفت که: «به هر روی، بارها را با ایبریا به بارسلون خواهند فرستاد. امّا همان می‌بایست چنین می‌کرد». اندکی آرام شدیم و در گوشه‌ای نشستیم. چند ساعتی تا پرواز وقت داشتیم. در تالار دراز فرودگاه، هرگونه راهگذری را می‌شد، دید.

بیشینۀ کارمندان فرودگاه و مهمانداران زن بودند. زنان فرانسوی در نظرم چندان زیبا و باندام نیامدند. خواستم به خویشی باشندۀ پاریس زنگی بزنم. امّا هیچ تلفن رایگانی نبود. به یاد ایران افتادم و تلفن‌های رایگانش. از مردی که کنارمان نشسته بود، پرسیدم. گفت: «نیست!» گفتم: «چرا نباید در فرانسۀ توانگر باشد؟!» گفت: «همۀ این‌ها آواز دهل است.» بانو جامی پسته داد که به او بدهم. مرد همۀ پسته‌ها را در دستش ریخت و نگاهی به شگفتی به ما افکند و با شور و شتاب و ولع و لذّت آنها را بلعید. سرانجام، پسینگاه امروز، در هواپیما نشستیم. خواسته بودم که جایی در کنار پنجره به ما بدهند. پهنه‌های سبز فراخ که تا دورْجای در گسترده بود، چشم را می‌نواخت. دریای میانین سپید (= مدیترانه)، پس از چندی، در زیر پایمان دامان درگسترد. هامونی زنده و لغزان که در پرتو خورشید شامگاهی می‌درخشید. نگران بودم که در فرودگاه بارسلون چه خواهیم کرد. آرامش شگرف و پولادین همسرم مرا آرام می‌داشت. گوییا که او هیچ اندیشه‌ای از درآمدن به شهری ناشناخته که برای نخستین بار گام بدان درمی‌نهادیم، نداشت! زنان، به راستی، نیرومندند و می‌توانند آتشفشانی را در درون کوهی از یخ فرو گیرند و فرو پوشند. او بعدها به من گفت که: در آن زمان دوزخی را در درون می‌آزموده است و سراپا ناآرامی و تب و تاب بوده است؛ امّا نمی‌خواسته است مرا برآشوبد و نگران کند.

جوانکی فرانسوی در کنارم نشسته بود. در گفتگو با او گشوده آمد. می‌گفت که: اگر روزی او پارسی را آنچنان حرف بزند که من فرانسوی را، بسیار شادمان و خشنود خواهد بود. هواپیما بر زمین نشست. با خیل سرنشینان از دالان لغزان گذشتیم و گام در تالاری بسیار دراز درنهادیم. با جوان فرانسوی که به سود و سودا می‌رفت، بدرود کردم. پرسان پرسان، جای بارها را یافتیم. دلهره و نگرانی به اوج خود رسیده بود: آیا بارها فرستاده شده است؟ از کجا می‌باید ستاندشان و تحویل گرفت؟ به نمایندگی «اِرْ فرانس» رفتیم. چون کارمند آن زبانم را می‌فهمید. کارمند زنی میان‌سال بود. می‌خواستم از بار سفر دوم که از پاریس به همراه آورده بودیم، بپرسم. امّا او تا ما را دید، از بارهای فرستاده از ایران یاد آورد و به شگفتی گفت: «بارهای ایران با ایبریا دمی چند دیگر می‌رسد.» با خود گفتم: «از کجا می‌داند که آن بارها از آن ماست؟» گویا جامه و آرایش همسرم او را آگاهانیده بود. در انتظار بار ماندیم. در این هنگام بانو که بیش نمی‌توانست نگرانی و دلواپسی‌اش را لگام زند و نهفته دارد، گفت که بروم و ببینم کسی به پیشبازمان آمده است. از تالار فرودگاه بیرون آمدم. مردی میانه‌سال و دوموی کاغذی سپید را افراشته بود که بر آن نوشته بودند Kazzazi. پیش رفتم؛ گفتم: «منم!» هیجان‌زده بودم. پرسیدم: «آیا می‌ماند تا بارها را تحویل بگیرم و باز گردم؟» پاسخ آری داد. آنگاه که این خبر را به همسرم دادم، گویی آبی بر آتش درونش ریختم. نفسی بلند از سر آسودگی و آرامش کشید و گفت: «خدا را شَکر!».

بار بسیار بود. چرخ باری را می‌جستیم. چرخ‌ها را در پی هم چیده بودند. شادمانه رفتم که یکی را بیاورم. امّا هرچه می‌کوشیدم، چرخ آزاد نمی‌شد. بانو به کمکم آمد. یک دو تن در گوشه‌ای ما را می‌نگریستند. چرا؟ سرانجام، بانو به راز چرخ بار پی برد. آن چرخ نیز، مانند ابزارهای دَیگر در اروپای سوداخوی، گرسنۀ سکّه‌ای صدپزتایی بود. سکه نداشتم. از بانوی «ارفرانس» خواستم؛ گفت: «از بانک می‌باید ستاند.» بانکی در آن نزدیکی نبود. دو سه مرد گرم گفتگو و خنده بودند. با اندکی انگلیسی که می‌دانستند و زبان جهانی نمونِش‌ها(= اشارات) دانستند که داستان چیست. یکی اشارتی کرد. کیفم را گشودم. اسکناسی یک دلاری برداشت و سکّه‌ای صدپزتایی به من داد. روزهای بعد، دانستم که چهل و اند پزتا در این سودا به سود او بوده است. بانو رفت و سکّه را در کام آزمند چرخ انداخت و آن را آورد. چمدان‌ها و کیف‌ها، کوه‌وار، بر چرخ فرا رفته بود. چرخ را راندیم و از فرودگاه بیرون آمدیم. انبوه مردم به پیشباز مسافرانشان آمده بودند؛ نشانه‌ای از خوی خاورانۀ اسپانیاییان. افزونی بارها، نیز جامَۀ ویژۀ بانو، نگاه‌های شگفت‌زده را به سوی ما درکشید. آنکه به فرودگاه آمده بود، دکتر بارانْکو معاون دانشگاه بود و همان کسی که دعوتنامه برای من فرستاده بود، دعوتنامه‌ای به نام که مایۀ شگفتی کارکنان وزارت امور خارجه و فرهنگ و آموزش عالی شده بود و سبب‌ساز و آغازگر سفر من به اسپانیا شمرده می‌شد.

او در بردن بارها و نهادنشان در خودرو بسیار کمک کرد. با خودروی وی به مهمانسرایی که دانشگاه تدارک دیده بود، رفتیم. بارسلون، در نخستین نگاه، شهری بزرگ نمود، مانند دیگر شهرهای اروپا؛ امّا بسیاری بناهای تاریخی در آن چشمگیر بود. در زیست(= لابی هتل) مهمانسرا، معاون دانشگاه با رفتاری که در اروپا مایۀ شگفتی می‌توانست بود به من گفت که: «بی گمان پول اسپانیایی به همراه ندارید.» سپس، بیست هزار پزتا از کیفش به درآورد و بر میز نهاد. خواستم برابر آن را به دلار بپردازم؛ نپذیرفت و گفت: ارمَغانی است از سوی او. آنگاه قرار نهادیم که فردا به دانشگاه بارسلون برویم و وی را در آنجا دیدار کنیم. نقشۀ شهر را آقای بارانْکو به من داده بود و جای دانشگاه را که می‌گفت از مهمان‌سرا تا آن پیاده بیست دقیقه راه است، بر آن نشان زده بود. پرسیده بودم که: آقا مطمئن است. آقای بارانکو، مانند تمامی فرهیختگان و دانش‌آموختگان اسپانیایی، با زبان فرانسوی آشنایی داشت و من با او بدین زبان سخن می‌گفتم.

مهمانسرا گوتنبرگ نام داشت و در کویی دلگشا در کنار دریا و بخش بندری شهر، جای. سرامانی(= سویت) را دانشگاه در آن برایمان در نظر گرفته بود که درچشم ما پناهگاه آرامش و آسایش می‌نمود. ماندگی و انگیزش‌های روانی در آن روز خواب آن شب را نوشین و گران می‌داشت.

چهارشنبه ۱۳ فروردین

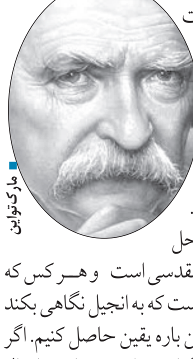
امروز، بامدادان، با بانو به سوی دانشگاه روان شدیم. از خیابان رامبلا Rambla می‌گذشتیم، خیابانی پهن و شگفت که به موزه‌ای زنده و روان می‌ماند در مردم‌شناسی و از دیدنی‌های پرآوازۀ بارسلون است. این خیابان، به شیوه‌ای نمادین، هنوز چیرگی و برتری انسان را بر ابزار که دیری است در جهان باخترین از دست رفته است، نشان می‌دهد و بازمی‌تابد.

ادامه دارد

قلم

حمید مجتهدی

نویسنده‌ای از آمریکا؛ تواین به قلم تواین
لغت‌های کوچک موثر


مارک تواین

این احساس و این عقیده، در طی مدتی بیش از شصت سال امتحال به قوت خود باقی مانده و در آن خللی راه نیافته است. چهره سیاه، امروز هم همان قدر برای من خوشایند است که در آن ایام بود.

در ایامی که شاگرد مدرسه بودم، ضدیتی با بردگی نداشتم و از این که عیبی در این کار باشد آگاهی نداشتم. هیچ‌کس از آن موضوع گوش مرا پر نکرده بود. روزنامه‌های محلی چیزی برضد آن نمی گفتند. کلیسای محل به ما آموخته بود که خداوند آن را تأیید کرده است، این امر مقدسی است و هر کس که شک دارد، اگر می خواهد فکرش راحت شود، فقط لازم است که به انجیل نگاهی بکند ـ آن وقت متن انجیل، بلند برای ما خوانده می‌شد تا در این باره یقین حاصل کنیم. اگر بردگان خودشان از بردگی نفرتی داشتند، عاقل بودند و اظهار نمی کردند. ما در هانیبال به ندرت می‌دیدیم که با برده‌ای بدرفتاری کنند؛ در آن مزرعه هرگز نمی‌دیدیم.

ولی واقعه کوچکی در دوران کودکی من اتفاق افتاد که با این مسأله مغایرت داشت. این موضوع باید برای من اهمیت زیادی داشته باشد، وگرنه در طی سال‌هایی که به کندی می گذشت، این طور شفاف و تند و روشن و بدون سایه در حافظه من باقی نمی‌ماند. در هانیبال پسربچه برده‌ای داشتیم که از یک نفر او را کرایه کرده بودیم. این پسر را که اهل ساحل شرقی مریلند بود، از خانواده و دوستانش جدا کرده و در نیمی از سراسر قاره آمریکا کشانده و فروخته بودند. روحیه‌ای شاد داشت و پاک و خوش‌اخلاق بود و شاید پرسر و صداترین مخلوقی به شمار می‌رفت که تا آن وقت خدا خلق کرده بود. در تمام مدت روز آواز می خواند، سوت می‌زد، زوزه می کشید، سرفه می‌کرد و می‌خندید ـ این حرکاتش دیوانه‌کننده و غیرقابل تحمل بود. بالاخره یک روز من از کوره در رفتم و با خشم پیش مادرم دویدم و گفتم: سندی یک ساعت آواز خوانده بدون این که یک وقفه در آوازش باشد، من طاقت تحملش را ندارم، بهتر نیست که لطفاً دهن او را ببندید؟

اشک در چشمان مادرم جمع شد و لبانش به لرزه افتاد و چیزی شبیه به این در پاسخم گفت: برده بیچاره! وقتی که آواز می‌خواند، علامت این است که بدبختی خود را به یاد نمی‌آورد، و این امر مایه آسایش خاطر من است اما وقتی که خاموش است متاسفانه به فکر می‌افتد و من نمی‌توانم این را تحمل کنم. او دیگر هرگز مادر خود را نخواهد دید، و اگر می تواند آواز بخواند، من نباید جلو او را بگیرم، بلکه باید شکرگزار باشم. اگر بزرگتر از این بودی حرف مرا می‌فهمیدی؛ آن وقت صدای این بچه بی‌کس تو را خوشحال می‌کرد.

این سخنان ساده که شامل لغت‌های کوچکی بود، در من تأثیر کرد و سر و صدای سندی دیگر برای من اسباب زحمت نبود. مادرم هرگز لغت‌های قلنبه سلمبه به کار نمی‌برد، اما استعدادی طبیعی داشت در این که عبارات ساده و لغات کوچک را مؤثر و نتیجه‌بخش سازد. او نزدیک به نود سال زندگی کرد و تا آخر عمر در گفتار توانا بود ـ مخصوصاً وقتی که پستی یا ظلمی روح او را برمی‌انگیخت. شخصیت او چند بار در کتاب‌های من خیلی آسان به کار رفته، آنجا که مثل عمه پولی در تام‌سایر جلوه می‌کند، من او را با زبان مخصوصی مجهز کردم و سعی داشتم که امتیازات بیشتری برایش بیابم، ولی چیز دیگری پیدا نکردم. یک بار سندی را به کار بردم، آن هم در تام‌سایر بود. کوشیدم او را وادار کنم که پرچین را خوب بشوید، ولی نتیجه‌ای نگرفتم ـ به یادم نیست که در این کتاب او را به چه نامی خواندم.

من هنوز می‌توانم آن مزرعه را با شفافیت کامل ببینم. می‌توانم متعلقات آن را با تمام جزئیات درنظر بیاورم. اتاق نشیمن خانه که تختخوابی با پایه‌های چرخدار در یک گوشه و یک چرخ ریسندگی در گوشۀ دیگر داشت؛ چرخی که بلند و کوتاه شدن نالۀ آن، وقتی که از دور شنیده می‌شد، برای من غم‌انگیزترین صداها بود، و مرا دچار غم غربت و دلتنگی برای وطن می‌ساخت، روحم را متزلزل می‌کرد و محیطم را با ارواح سرگردان مردگان پر می‌کرد؛ آتشدان بزرگ که شبهای زمستان چوبهای شعله‌ور درخت گردوی امریکایی که در آن توده شده بود، می‌سوخت و از یک سر چوبها شیرۀ شکرینی می جوشید و بیرون می‌زد، اما به هدر نمی‌رفت، برای اینکه ما آن را برمی‌چیدیم و می‌خوردیم.

علامه محمد قزوینی و توصیه‌های طبی


محمد قزوینی

چه چند روزی است تقریباً لاینقطع یک نوع درد مبهمی در معده و نیز در امعاء حسّ می‌کنم، و امروز که بکلّی آرام شده بود به محض نوشیدن چای با لیمو دوباره درد ظاهر شد با عین همان علامات، حتماً حتماً باید ترک کرد.

صبحی که یک قطرۀ بسیار بسیار کم لیموی ترش در چای ریختم و به فاصلۀ نیم‌ساعتی بعد دل درد مخصوص شروع کرد که هیچ؛ هیچ گمان نمی‌کردم که این قدر بسیار قلیل (فی‌الواقع یک یا دو قطره نه بیشتر) باز هم مؤثر باشد. از این واضح شد که ترشی مخصوصاً ناشتا فوق‌العاده برای من مضرّ و مورث دل درد است بدون شبهه.

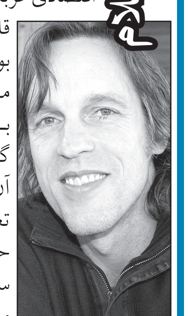
ـ... علتش به عقیدۀ خودم اکثار از اکل پنیر گرویّر است این روزها و خوردن نان و شُرب مفرط متعدد چای دیروز قریب شش هفت مرتبه هر مرتبه دوسه فنجان که به تصریح کرنیلو اکثار از شرب مایعات باعث ترقیق خون و در نتیجه سیلان آن می‌شود. باید ان‌شاءالله اگر زنده ماندم.

۱) خوردن پنیر گرویّر را مطلقاً ترک کنم یا در نهایت اقلاً و با فاصلۀ چندروزی هر مرتبه.۲) نخوردن پرسالو مطلقاً و اصلاً (که دیروز و پریروز به اصرار رزا مبلغی از آن خوردم.)۳) قطع اکل نان مطلقاً و در تمام عمر ٤) عدم تجاوز هرگز و به هیچ بهانه از دو پیاله چای صبح و عصر.

امروز برای من قطع و علم و یقین حاصل شد که یکی از دو چیز برای من بسیار بد است و مورث دلدرد نسبتاً شدید مطولی است: یا سالاد خام (و اقلاً کرسون و اقلاً ساقه های آن که همه را امروز نیمه‌جویده خوردم)، یا ترشیئی که در سالاد می‌ریزند، زیرا که تا ناهار حالم بسیار بسیارخوب و سبک و سبکسار بودم.

ادامه دارد

جاده ابریشم و اسلام



ریچارد فولتز: مسلمانان پس از چند جنگ با مکی‌ها توانستند حق بازگشت به مکه را برای زیارت سنتی کعبه به دست آورند؛ در ٦٢٨ مکه در دست مسلمانان بود.

حمله به کاروان‌ها [پیش از اسلام] یک بخش جاافتاده زندگی اقتصادی عربستان بود. فقط یک قاعده بر آن حاکم بود، به این معنی که مهاجم نمی‌توانست به اعضای قبیله یا گروه‌هایی که با آن‌ها پیمان عدم تعرض بسته بود حمله کند. سال به سال به موفقیت‌های مسلمانان افزوده می‌شد تا سرانجام همه قبایل شبه‌جزیره عربستان پیک‌هایی نزد [حضرت] محمد فرستادند که با او پیمان ببندند. نویسندگان بعدی مسلمان این اظهار وفاداری آن‌ها را «تسلیم» دانستند که «اسلام» نیز از همان ماده است. جای تعجب ندارد که این منابع، و تاریخ‌های «غیراسلامی» که بر همین اساس نوشته شده‌اند، این را به این معنا بگیرند که همه قبایل عرب دین نو را پذیرفته بودند.

اما با فهم اصطلاح «تسلیم» در معنای لفظی محدودترش، آسان‌تر روشن می‌شود که با وفات پیامبر در ٦٣٢ چه اتفاقی افتاد: بیشتر قبائل عرب طغیان کردند. منابع بعدی مسلمان این‌ها را قیام‌های «رِدّه» خواندند، اما تعبیر ساده‌ترش این است که طرف‌های شورشی فقط این را می‌دیدند که پس از وفات پیامبر پیمان‌های عدم تعرض را نادیده گرفته‌اند.

مسلمانان بی‌درنگ یک «خلیفه»، به نام ابوبکر انتخاب کردند، که قبایل عرب به رهبری او ناگزیر «تسلیم» شدند. چون بخشی از اقتصاد عربستان تهاجم بود، و هم بنا بر پیمان‌های عدم تعرض دیگر هیچ‌کس نمی‌توانست در عربستان قاعدتاً مورد تهاجم قرار گیرد، مسلمانان ناگزیر شدند که تاخت و تازهاشان را به بیرون از شبه‌جزیره عربستان، به قلمروهای بیزانس و ایران آغاز کنند. موفقیت‌های آنان در شکست دادن سپاهیان هر دو امپراتوری احتمالاً بسیاری از مسلمانان را همان‌قدر شگفت‌زده کرده بود که آن دو امپراتوری را.

بازشناخت جنبه اقتصادی جهانگیری مسلمانان، که سنت کهن عربی تهاجم نیز پشت آن بود، مهم است. اگرچه مسلمانان و غیرمسلمانان در بازنگری این جهانگیری آغازین، عنصر بزرگی از غیرت دینی می‌بینند اما سپاهیان عرب آن زمان فقط کاری را می‌کردند که به طور طبیعی در فرهنگ‌شان آموخته بودند، و این چیزی بود که شرایط اقتصادی سرزمین‌شان همیشه به آنان تحمیل کرده بود.

ادامه دارد

زبانزد



*درِ دیزی باز است، حیای گربه کجاست؟
*دردِی که بی دواست، علاجش تحمل است.
*در دیگِ ازدواج، فرزند نمک غذاست و زندگی بی او همسنگ عزا.
*در راه عشق مرحلۀ بُعد و قُرب نیست.
*در روشنی آفتاب به نور چراغ حاجت نباشد.
*در روی زمین یک دلِ بی غم نبوَد.
*در رهگذری نیست که دامی زبلا نیست.
*در زمانه کو دلی تا خوش بَود؟
*در زمستان، آبِ شاه و گدا یکی است.
*در زمستان، آفتَاب بالا پوش فقر است.
*در زمستان، آلو به از پلو است.
*در زمستان، بهترَ از گل پوستینِ کابلی است.
*در زمستان دود به از دَمْ است.

*در زمستان یک جُل بهتر از یک دسته گل است.
*در زمین دیگران خانه مکن.
*در زندان شیر شرزه را بتوان زد.
*درزی در کوزه افتاد.
*در زیر این گنبد آبنوسی، یک جا عزاست یک جا عروسی.
*در ساحت زمانه زراحت نشان مخواه.
*در سایه ای گریز که وی را زوال نیست.
*درست از آب ناید هر سبویی.
*درستی سرمایۀ آدمی است.
*در سخن گفتن خطای جاهلان پیدا شود.
*در سرکشی است خاکنشینی که گفته اند
*فوّاره چون بلند شود سرنگون شود
*دُرّ سُفتی و گل گفتی، صدحیف که شُل گفتی!

*در سمرقند گربه دُم دارد/ در بخارا الاغ سُم دارد!
*درس معلّم اربود زمزمۀ محبتی/ جمعه به مکتب آورد طفل گریزپا را
*در سنگ خاره قطرۀ باران اثر کند.
*در شب بیش باشد درد بیمار.
*در شب تار پیِ دزد دویدن جهل است.
*درشتی و نرمیَ به هم در بِهْ است/ چو رگزن که جرّاح و مرهم نِهْ است
*در شوره زمین سمن نروید/در شوره نهال چون نشانی.
*در شهرِ کوران یک چشم سلطان است.
*در شهرِ کوران یک چشمت را هم بگذار!
*در شهرِ نی سواران باید سوارِ نی شد.
*در صفرَا حلوا نخورند.

*در طریق دوستی ثابت قدم چون خاک باش.
*در عشق بُتان هیچ کس سود نکرد.
*در عمل کوش و هرچه خواهی پوش.
*در عیب خویش ننگرد آن کس که خودستاست.
*در عیب نظرمکن که بی‌عیب خداست.
*در غریبی بس توان گفتن گزاف.
*در قبرستان نخواب تا خواب آشفته نبینی.
*در قعر چاه اوفتد کوری که بی عصا باشد.
*در قفس از چیست بلبل؟ از زبان خویشتن.
*در کلبۀ ما رونق اگر نیست صفا هست.
*در کلاه تو هیچ پشمی نیست
*ای کلاه تو چون سرپدرت
*درگدا حیا نبوَد.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۵۲، (برابر با ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۹۳، ۲۴ آوریل ۱۹۷۳) نقل شده است

در تهران ۲۷۰ هزار نفر در صف انتظار تلفن ایستاده‌اند

نیاز مردم تهران به وسائل ارتباط سریع از جمله تلفن روز بروز افزایش می‌یابد و این احتیاج را شرایط زندگی در پایتخت دائماً عمیق‌تر میسازد تا آنجا که شهرنشینان بدون تلفن خود را بشدت تنها و بی‌پناه حس میکنند و زمان زیادی از عمر خود را باید صرف جبران عدم دسترسی باین وسیله میکنند.

سئوال اساسی اینست که در تهران برای جبران این مضیقه چه چاره‌ای باید اندیشید زیرا به جز هزاران درخواست کننده‌ای که سالیان دراز منتظر دریافت تلفن هستند گروه عظیمی از ساکنین تهران حتی در ضروری‌ترین لحظه‌ها از امکانات ارتباط تلفنی محرومند. براساس یک آمار تقریبی در حال حاضر در تهران ۲۷۰ هزار نفر از سالها پیش یا بقولی، از ۸ سال پیش برای استفاده از تلفن خودکار شهری ده هزار ریال ودیعه به بانک سپرده‌اند که در اختیار شرکت مخابرات ایران قرار گرفته ولی هنوز موفق نشده‌اند از تلفن استفاده کنند.

سمپوزیوم مسائل طبی ـ فلسفی افتتاح شد

پیش از ظهر امروز نخستین سمپوزیوم مسائل طبی ـ فلسفی جوامع متمدن را آقای دکتر هوشنگ نهاوندی رئیس دانشگاه تهران در مرکز پزشکی «امیراعلم ـ صالح» افتتاح کرد.

پس از مطالب افتتاحیه رئیس دانشگاه، آقای دکتر حمید ثابتی رئیس مرکز پزشکی امیراعلم ـ صالح ضمن خیرمقدم مطالبی پیرامون پیشرفت‌های ایران در زمینه‌های مختلف بیان داشت.

پس از مراسم افتتاح، جلسه اول سمپوزیوم به مدیریت آقای دکتر محمد باهری تشکیل شد و خود وی درباره «طغیان نسل جوان» سخنرانی کرد آنگاه پروفسور جمشید اعلم درباره مسائل علمی و بیولوژیک ازدیاد طول عمر و پیری بحث نمود.

گرمابه تاریخی رهنان به فرهنگ و هنر اصفهان واگذار شد

اصفهان ـ «در» گرمابه تاریخی «رهنان» اصفهان از طرف اداره کل فرهنگ و هنر استان مهر و موم گردید تا پس از نظافت کامل، برای بازدید جهانگردان ایرانی و خارجی آماده شود.

این گرمابه از جمله آثار تاریخی بخش «رهنان» میباشد و حدود ۳۵۰ سال پیش بنا گردیده است. این حمام ۲۰ هزار متر مربع زیربنا دارد و تنها سطح رختکن آن، یکهزار متر مربع است.

در رختکن حمام، پنج حوض سنگی قرار دارد و ظرفیت آب خزینه آن که سال گذشته، از طرف شهرداری رهنان تعطیل شد، چند صد متر مکعب میباشد. واگذاری گرمابه رهنان به اداره کل فرهنگ و هنر اصفهان، با حضور نماینده فرهنگ و هنر، بخشدار همایونشهر و شهردار رهنان صورت گرفت.

افراد ذخیره مقیم خارج بخدمت احضار نمیشوند

افسران، درجه‌داران و افراد ذخیره مقیم خارج از کشور بدون در دست داشتن مدرک اشتغال به تحصیل میتوانند به کشور مراجعه کنند. این افراد هنگام بازگشت به ایران برای انجام خدمت یکماهه نظامی به مراکز آموزشی اعزام نخواهند شد و میتوانند مجدداً از کشور خارج شوند.

یک مقام اداره وظیفه عمومی امروز گفت در سال جاری این اداره فقط افرادی را برای انجام خدمت یکماهه دوره احتیاط اعزام میدارد که متولد استان مرکزی و در همین استان سکونت دارند به این ترتیب افسران و درجه‌داران مقیم خارج از کشور مشمول این قانون نمیشوند و میتوانند در صورت تمایل به ایران بازگردند بدون اینکه مدرک اشتغال به تحصیل در دست داشته باشند.

تولیدکنندگان خیار، میدان را گیج کرده‌اند!

از وقتی که فروش خیار کیلوئی شده، خیارهای درشت تا حدود دانه‌ای هشتصد گرم جهت فروش به میدان عرضه میشود. این مسئله دیشب در جلسه هیئت مدیره اتحادیه صنف بارفروش مطرح شد و آنها اعلام داشتند که بعضی تولیدکنندگان نرخ گذاری میدان را ببازی گرفته‌اند.

اتحادیه صنف بارفروش اعلام کرد از وقتی که فروش خیار کیلوئی شده تولیدکنندگان سعی دارند که خیارهای بسیار درشت به میدان تحویل بدهند و همینکه فروش خیار دانه‌ای اعلام میگردد آنها خیار بسیار ریز به بازار میدهند. اتحادیه از مسئولان اتحادیه خواست تا در این مورد تدبیری بیاندیشند.

با چوب و چماق ترافیک را بهم ریختند!

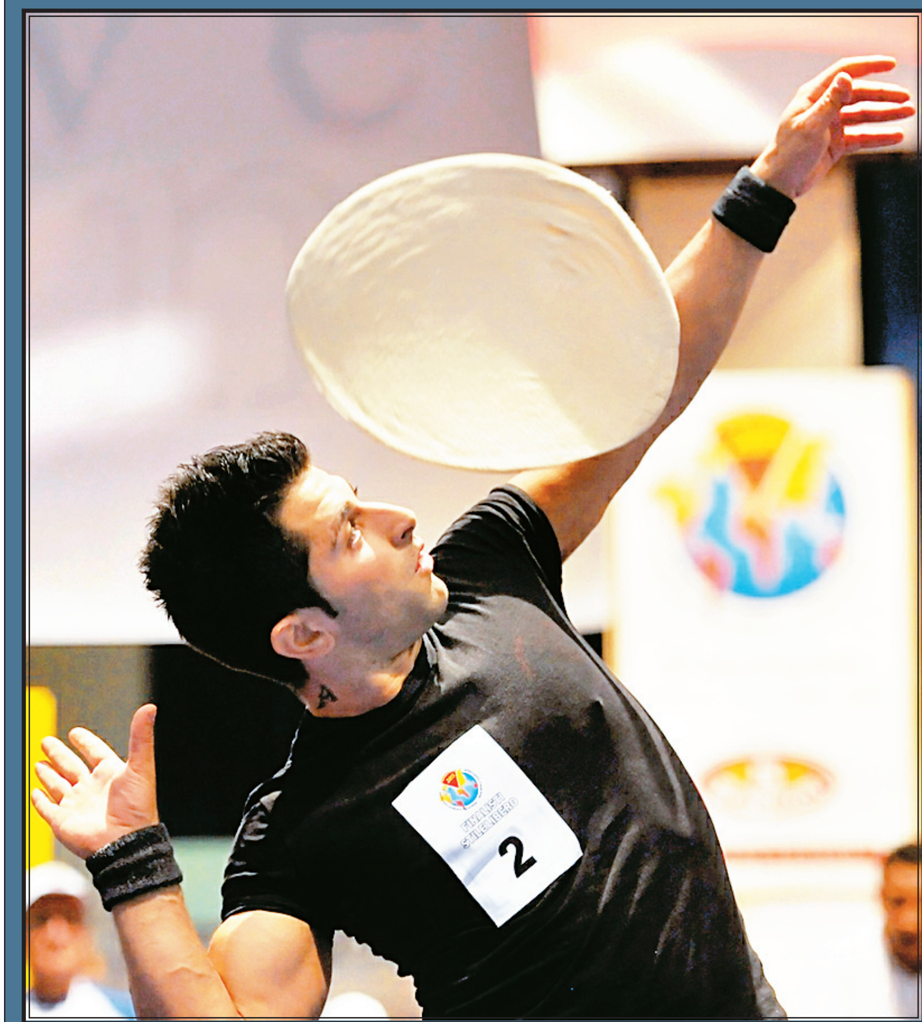
شهرری: عصر دیروز ٤١ زن و مرد کرمانشاهی ساکن شهرری، در خیابان «مهر» این شهر، با چوب و چماق بجان هم افتادند و ترافیک شهر را بهم زدند! نزاع با دخالت مأموران خاتمه یافت و ۲۰ زن و ۱۵ مرد به کلانتری جلب شدند و ٦ نفر دیگر با استفاده از ازدحام جمعیت متواری گردیدند. علت نزاع بر سر اختلاف یک زن و شوهر (که قصد متارکه داشتند) بوده است.

اظهار تأسف دولت کره جنوبی از برقراری روابط بین ایران و کره شمالی

سئول ـ خبرگزاری فرانسه ـ دولت کره جنوبی از شناسائی کره شمالی توسط دولت ایران که روز جمعه در تهران اعلام شد اظهار تأسف کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه کره جنوبی اظهار داشت که تصمیم ایران در راه کوشش‌هائی برای انجام مذاکرات موفقیت‌آمیز سیاسی که اکنون بین کره جنوبی و کره شمالی جریان دارد «مانعی» بوجود می‌آورد.

سخنگوی وزارت امور خارجه کره جنوبی افزود که دولت سئول بارها نظر خود را در این مورد با دولت ایران در میان گذاشته است ما امیدواریم که متحدین ما از مساعی صمیمانه کره جنوبی برای حل اختلافات بین دو کره پشتیبانی خواهند کرد.

قاب امروز



مسابقه بهترین تهیه کنندگان پیتزا در ایتالیا / منبع: msnbc

امروز با حافظ

هر آن که جانب اهل خدا نگه دارد
خداش در همه حال از بلا نگه دارد

حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست
که آشنا سخن آشنا نگه دارد

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای
فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد

گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان
نگاه دار سررشته تا نگه دارد

صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی
ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد

چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت
ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد

سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری
که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد

غبار راه راهگذارت کجاست تا حافظ
به یادگار نسیم صبا نگه دارد

رازهای کامیابی

سخاوتمندی را تمرین و تجربه کنید

سخاوتمندی حاکی از بلوغ فکری انسان‌هاست. سخاوت آن است که کسی به فکر دیگران و ملاحظه شرایط و حال و هوای فکری و روحی و در نهایت کمک‌رسانی به آنان باشد بدون اینکه از او درخواست کمک شده باشد.

افراد سخاوتمند زندگی پربار و شیرینی را تجربه می‌کنند که تصور آن برای افراد خودخواه و خسیس مقدور نیست. در واقع افراد بی‌گذشت جریمه این خصلت ناروای خود را می‌پردازند.

نوشته: شیو خرا
ترجمه: عبدالله مولیانی

پند بزرگان

● باید بخواهیم تا بتوانیم!.

رنه دکارت

● اراده، یکی از عوامل عمده ایمان است.

پاسکال

● تمایلات خود را میان دو دیوار محکم «اراده» و «عقل» حبس کنید.

ارسطو

● کسی که به خود اطمینان دارد، به تعریف کسی احتیاج ندارد.

گوستاو لوبون

امروز در تاریخ

تاسیس نخستین بنیاد تالیف و ترجمه جهان در ایران

نخستین بنیاد تالیف و ترجمه کتاب در جهان، ماه اپریل سال ۵۵۲ میلادی و در ایران آغاز بکار کرد. محاسبات پاره ای از مورخان ۱۹ اپریل و برخی دیگر ٢٤ اپریل همان سال را روز آغاز کار این بنیاد به دست داده است.

این بنیاد به تصمیم خسرو انوشیروان ـ شاه ساسانی ایران دایر شده بود. نخستین بنیاد تالیف و ترجمه جهان در جوار خود یک کتابخانه عمومی ـ پژوهشی داشت که در همین سال تکمیل شده بود. برای انتقال کتاب از گوشه و کنار جهان به این بنیاد جهت ترجمه، خسرو انوشیروان حتی پزشک ویژه خود «برزویه» را به هند فرستاد و محصول این سفر، آوردن کتاب «کلیله و دمنه» به ایران بود که به پارسی میانه (پارسی ساسانی) و بعدا به عربی و دوباره به پارسی نوین (پارسی دری) ترجمه شده است. در هر فصل این کتاب، از محاوره دو جانور پند و اندرز فراوان و حتی در کشورداری و سیاست به دست می آید.

چهار سده پس از خسرو یکم، سامانیان چنین مرکزی را در جوار «کتابخانه عمومی مرو» به وجود آوردند. دائرة المعارف کتاب و چاپ «کتابخانه مرو» را که به همت سامانیان تاسیس شده بود و تا حمله چنگیزخان به منطقه فرارود دایر بود بزرگترین کتابخانه عمومی و مرکز تالیف و ترجمه کتاب در جهان قدیم بشمار آورده است که روزانه در آن دست کم چهارصد محرّر کتاب ها را تکثیر (رونویسی) می کردند. همین مرکز به احیاء زبان و ادب فارسی کمک بسیار کرد. طرز کار کتابخانه مرو الگوی کتابخانه های عمومی و نیز پژوهشی جهان امروز قرار گرفته است. «مرو» اینک در ایالت ماری جمهوری ترکمنستان قرار گرفته است.

تاجگذاری رضاشاه

سه روز پس از امضای پیمان دوستی و امنیت مشترک ایران و ترکیه، چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ (اپریل ١٩٢٦) رضاشاه پهلوی و در آن زمان ٤٧ ساله طی مراسمی تاجگذاری کرد. وی در این مراسم که در کاخ گلستان برگزار شده بود، شخصا تاج را سر نهاده بود. به این مناسبت در سراسر ایران سه روز جشن و چراغانی بود.

رضاشاه که با تاجگذاری، دارای دربار سلطنتی شده بود عبدالحسین تیمورتاش را وزیر دربار خود کرد. در آن زمان، محمدعلی فروغی نخست وزیر بود [فروغی در جریان برکناری رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ هم نخست وزیر بود، در سال ۱۳۰۵ دوست رضاشاه و در سال ۱۳۲۰ دشمن او!].

روزی که تروا سقوط کرد

کرونیکلرهای اروپایی (روزنگاران تاریخ) ٢٤ اپریل سال ١١٨٤ پیش از میلاد را روزی به دست داده اند که یونانیان پس از چند محاصره متناوب که رویهم هفت سال طول کشید، با تعبیه اسب چوبی و قراردادن چند مرد مسلح در درون آن، شهر «تروا» را مسخر و ویران ساختند (تلفظ یونایی نام این شهر «ترویا» و تلفظ انگلیسی آن «تروی» است و لاتین ها آن را الیوم = لیون می خوانند). «همر = هومر» حماسه سرای یونانی عهد باستان وضعیت این شهر و شرح جنگ و تصرف آن را در کتاب ایلیاد به شعر بیان داشته و «ویرجیل ublius Virgilius Maro» شاعر و نویسنده روم باستان (متولد سال ۷۰ پیش از میلاد و متوفی در سال ۱۹ قبل از میلاد) هم با مضمونی مشابه، آن را تعریف کرده است. تروا در مجاور تنگه داردانل در آناتولی غربی (ترکیه آسیایی) واقع شده است.

بانک جهانی

بانک جهانی که توسط پنج سازمان بین المللی در ۲۷ دسامبر ١٩٤٥ تاسیس شده بود تا برای توسعه اقتصادی، حذف فقر و خروج از ضعف مالی به کشورهایی که نیاز دارند پول و اندرز بدهد ٢٤ اپریل ١٩٤٦ زمان آغاز بکار خود را دو ماه بعد (۲۵ ژوئن آن سال) تعیین کرد. یکی از وظایف این بانک که مقر آن در شهر واشنگتن است؛ مبارزه با فساد اقتصادی تعیین شده است. طبق اساسنامه بانک جهانی، رئیس این بانک را رئیس جمهوری آمریکا تعیین و به هیات مدیره بانک (شورای مدیریت) جهت تایید معرفی می کند.

بنابراین از بدو تاسیس، این بانک همواره رئیس آمریکایی داشته است.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو



قانون های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۱۴۳۸

	۴	۱	۵		۷		۹	
۶					۱	۵	۸	
		۷					۴	۱
	۳	۴		۲	۵		۶	
۸				۳				۴
	۲		۴	۶		۱	۳	
۹	۱					۲		
	۶	۵	۲					۸
	۷		۹		۶	۴	۱	

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می رسد.

دشوار ۷۶۱

		۷		۵		۴		
۴		۲	۳	۶	۷			
						۳	۶	
					۸		۴	
۵	۸		۷		۱		۲	۶
	۲		۶					
	۷	۳						
			۲	۷	۳	۱		۵
		۵		۸		۶		

حل جدول شماره ۱۴۳۷

۷	۲	۴	۳	۱	۵	۶	۹	۸
۶	۹	۸	۷	۲	۴	۳	۱	۵
۳	۱	۵	۶	۹	۸	۷	۲	۴
۴	۷	۲	۵	۸	۳	۱	۶	۹
۱	۳	۶	۴	۷	۹	۵	۸	۲
۵	۸	۹	۲	۶	۱	۴	۷	۳
۹	۴	۷	۱	۵	۲	۸	۳	۶
۲	۶	۳	۸	۴	۷	۹	۵	۱
۸	۵	۱	۹	۳	۶	۲	۴	۷

حل جدول شماره ۷۶۰

۴	۹	۱	۵	۸	۲	۳	۶	۷
۳	۶	۷	۴	۹	۱	۵	۸	۲
۵	۸	۲	۳	۶	۷	۴	۹	۱
۱	۴	۹	۲	۷	۵	۸	۳	۶
۸	۵	۳	۱	۴	۶	۲	۷	۹
۲	۷	۶	۹	۳	۸	۱	۴	۵
۶	۱	۴	۸	۲	۹	۷	۵	۳
۹	۳	۵	۷	۱	۴	۶	۲	۸
۷	۲	۸	۶	۵	۳	۹	۱	۴